

ترجمہ نفسِ پریمی

جلد پنجم

مؤلف

علی بن ابراہیم قمی قدس سرہ

مترجم: جابر رضوانی



مرکز تحقیقات و توسعه در مطالعات اسلامی



ترجمه تفاسیر قمی

(جلد پنجم) مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

مؤلف: علی بن ابراهیم قمی

ناشر: انتشارات بنی الزهراء (علیها السلام)

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سبحان / جزایری

شمارگان: ۲۰۰۰ دوره

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸

قیمت: ۶۲۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۲-۱۱-۴

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۲-۱۰-۷

بنی الزهراء (ع) (ش)

چاپ و نشر و توزیع

دفتر مرکزی:

قم، میدان شهداء، خیابان معلم، بعد از اداره برق، طبقه فوقانی چاپ وفا

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۸۵۵۵-۷۸۳۶۳۰۰-۷۷۳۱۷۵۲

همراه: ۰۹۱۳۳۵۱۴۱۴۸ (جزایری) - ۰۹۱۳۷۲۴۲۱۵۲ (معینی)

۵
 مرکز تحقیق و توسعه
 شماره ثبت: ۹۵
 تاریخ ثبت: ۳۰۰



مرکز تحقیق و توسعه علوم اسلامی

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۱۵

تفسیر سورة نجم

- ۵۳ - سورة نجم در مکه نازل شده و دارای ۶۲ آیه است..... ۱۷
- حضرت علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در هفت جا بود..... ۲۳
- وزارت علی علیه السلام در آسمانها نوشته شده است..... ۲۵
- شهر بصره..... ۳۲

تفسیر سورة قمر

- ۵۴ - سورة قمر در مکه نازل شده و دارای ۵۵ آیه است..... ۳۵
- معجزه شق القمر..... ۳۸

تفسیر سورة الرحمن

- ۵۵ - سورة الرحمن در مدینه نازل شده و دارای ۷۸ آیه است..... ۴۷

تفسیر سورة واقعه

- ۵۶ - سورة واقعه در مکه نازل شده و دارای ۹۶ آیه است..... ۶۱

فضیلت پیامبر ﷺ و علی علیه السلام و حمزه و جعفر ۶۴

تفسیر سوره حدید

۵۷ - سوره حدید در مدینه نازل شده و دارای ۲۹ آیه است ۷۵

گفتگوی بین یزید و علی بن الحسین علیه السلام ۸۴

تفسیر سوره مجادله

۵۸ - سوره مجادله در مدینه نازل شده و دارای ۲۲ آیه است ۸۷

اولین ظاهر در اسلام ۹۱

تعویذی جهت خواب بد دیدن ۹۵

آیه ای که جز علی علیه السلام کسی دیگر به آن عمل نکرد ۹۹

تفسیر سوره حشر

۵۹ - سوره حشر در مدینه نازل شده و دارای ۲۴ آیه است ۱۰۵

کوچ دادن بنی نضیر از مدینه ۱۱۰

تفسیر سوره ممتحنه

۶۰ - سوره ممتحنه در مدینه نازل شده و دارای ۱۳ آیه است ۱۱۷

تفسیر سوره صف

۶۱ - سوره صف در مدینه نازل شده و دارای ۱۴ آیه است ۱۲۹

تفسیر سورة جمعه

۶۲ - سورة جمعه در مدینه نازل شده و دارای ۱۱ آیه است. ۱۳۷

تفسیر سورة منافقون

۶۳ - سورة منافقون در مدینه نازل شده و دارای ۱۱ آیه است. ۱۴۵

سخن عبدالله بن ابی. ۱۴۹

تفسیر سورة تغابن

۶۴ - سورة تغابن در مدینه نازل شده و دارای ۱۸ آیه است. ۱۵۵

تفسیر سورة طلاق

۶۵ - سورة طلاق در مدینه نازل شده و دارای ۱۲ آیه است. ۱۶۳

احکام طلاق. ۱۶۶

تفسیر سورة تحریم

۶۶ - سورة تحریم در مدینه نازل شده و دارای ۱۲ آیه است. ۱۷۳

راز گفتن پیامبر ﷺ به حفصه. ۱۷۶

تفسیر سورة ملک

۶۷ - سورة ملک در مکه نازل شده و دارای ۳۰ آیه است. ۱۸۵

تفسیر سورة قلم

- ۶۸ - سورة قلم در مکه نازل شده و دارای ۵۲ آیه است. ۱۹۳
- قلم چیست؟ ۱۹۵
- گناه از رزق محروم می‌کند. ۲۰۱

تفسیر سورة الحاقه

- ۶۹ - سورة الحاقه در مکه نازل شده و دارای ۵۲ آیه است. ۲۰۹

تفسیر سورة معارج

- ۷۰ - سورة معارج در مکه نازل شده و دارای ۴۴ آیه است. ۲۱۹

مرکز تحقیقات علوم دینی

تفسیر سورة نوح

- ۷۱ - سورة نوح در مکه نازل شده و دارای ۲۸ آیه است. ۲۲۹

تفسیر سورة جن

- ۷۲ - سورة جن در مکه نازل شده و دارای ۲۸ آیه است. ۲۳۷

تفسیر سورة مزمل

- ۷۳ - سورة مزمل در مکه نازل شده و دارای ۲۰ آیه است. ۲۴۹

تفسیر سورة مدثر

- ۷۴ - سورة مدثر در مکه نازل شده و دارای ۵۶ آیه است. ۲۵۷

رنگ به رنگ شدن کافران از شنیدن آیات قرآن ۲۶۳

تفسیر سورة قیامت

۷۵- سورة قیامت در مکه نازل شده و دارای ۴۰ آیه است ۲۷۱

تفسیر سورة دهر (انسان)

۷۶- سورة دهر (انسان) در مدینه نازل شده و دارای ۳۱ آیه است ۲۸۱

تفسیر سورة مرسلات

۷۷- سورة مرسلات در مکه نازل شده و دارای ۵۰ آیه است ۲۸۹

تفسیر سورة نبأ

۷۸- سورة نبأ در مکه نازل شده و دارای ۴۱ آیه است ۲۹۷

تفسیر سورة نازعات

۷۹- سورة نازعات در مکه نازل شده و دارای ۴۶ آیه است ۳۰۵

تفسیر سورة عبس

۸۰- سورة عبس در مکه نازل شده و دارای ۴۲ آیه است ۳۱۳

تفسیر سورة تکویر

۸۱- سورة تکویر در مکه نازل شده و دارای ۲۷ آیه است ۳۲۳

کوه قاف ۳۳۱

تفسیر سوره انفطار

۸۲ - سوره انفطار در مکه نازل شده و دارای ۱۹ آیه است ۳۳۳

تفسیر سوره مطففین

۸۳ - سوره مطففین در مکه نازل شده و دارای ۳۶ آیه است ۳۳۹

تفسیر سوره انشقاق

۸۴ - سوره انشقاق در مکه نازل شده و دارای ۲۵ آیه است ۳۴۹

تفسیر سوره بروج

۸۵ - سوره بروج در مکه نازل شده و دارای ۲۲ آیه است ۳۵۷

کشته شدن اصحاب اخدود ۳۶۰

تفسیر سوره طارق

۸۶ - سوره طارق در مکه نازل شده و دارای ۱۷ آیه است ۳۶۵

تفسیر سوره اعلی

۸۷ - سوره اعلی در مکه نازل شده و دارای ۱۹ آیه است ۳۷۱

تفسیر سورة غاشیه

۸۸ - سورة غاشیه در مکه نازل شده و دارای ۲۶ آیه است..... ۳۷۷

تفسیر سورة فجر

۸۹ - سورة فجر در مکه نازل شده و دارای ۳۰ آیه است..... ۳۸۵

چگونگی جهنم و پل صراط ۳۹۱

تفسیر سورة بلد

۹۰ - سورة بلد در مکه نازل شده و دارای ۲۰ آیه است..... ۳۹۵

تفسیر سورة شمس

۹۱ - سورة شمس در مکه نازل شده و دارای ۱۵ آیه است..... ۴۰۳

تفسیر سورة لیل

۹۲ - سورة لیل در مکه نازل شده و دارای ۲۱ آیه است..... ۴۰۹

تفسیر سورة ضحی

۹۳ - سورة ضحی در مکه نازل شده و دارای ۱۱ آیه است..... ۴۱۷

تفسیر سورة انشراح

۹۴ - سورة انشراح در مکه نازل شده و دارای ۸ آیه است..... ۴۲۳

تفسیر سوره تین

۹۵ - سوره تین در مکه نازل شده و دارای ۸ آیه است. ۴۲۷

تفسیر سوره علق

۹۶ - سوره علق در مکه نازل شده و دارای ۱۹ آیه است. ۴۳۱

تفسیر سوره قدر

۹۷ - سوره قدر در مکه نازل شده و دارای ۵ آیه است. ۴۳۷

تفسیر سوره بینه

۹۸ - سوره بینه در مدینه نازل شده و دارای ۸ آیه است. ۴۴۱

تفسیر سوره زلزال

۹۹ - سوره زلزال در مدینه نازل شده و دارای ۸ آیه است. ۴۴۷

تفسیر سوره عادیات

۱۰۰ - سوره عادیات در مکه نازل شده و دارای ۱۱ آیه است. ۴۵۱

غزوة ذات السلاسل ۴۵۴

تفسیر سوره قارعه

۱۰۱ - سوره قارعه در مکه نازل شده و دارای ۱۱ آیه است. ۴۶۳

تفسیر سورة تکاثر

۱۰۲ - سورة تکاثر در مکه نازل شده و دارای ۸ آیه است..... ۴۶۷

تفسیر سورة عصر

۱۰۳ - سورة عصر در مکه نازل شده و دارای ۳ آیه است..... ۴۷۱

تفسیر سورة همزه

۱۰۴ - سورة همزه در مکه نازل شده و دارای ۹ آیه است..... ۴۷۵

تفسیر سورة فیل

۱۰۵ - سورة فیل در مکه نازل شده و دارای ۵ آیه است..... ۴۷۹

تفسیر سورة قریش

۱۰۶ - سورة قریش در مکه نازل شده و دارای ۴ آیه است..... ۴۸۳

تفسیر سورة ماعون

۱۰۷ - سورة ماعون در مکه نازل شده و دارای ۷ آیه است..... ۴۸۷

تفسیر سورة کوثر

۱۰۸ - سورة کوثر در مکه نازل شده و دارای ۳ آیه است..... ۴۹۱

تفسیر سوره کافرون

۱۰۹ - سوره کافرون در مکه نازل شده و دارای ۶ آیه است..... ۴۹۵

تفسیر سوره نصر

۱۱۰ - سوره نصر در مکه (مدینه) نازل شده و دارای ۳ آیه است..... ۴۹۹

تاکید پیامبر ﷺ بر ولایت حضرت علی علیه السلام..... ۵۰۱

تفسیر سوره لهب

۱۱۱ - سوره لهب در مکه نازل شده و دارای ۵ آیه است..... ۵۰۳

تفسیر سوره اخلاص

۱۱۲ - سوره اخلاص در مکه نازل شده و دارای ۵ آیه است..... ۵۰۷

تفسیر سوره فلق

۱۱۳ - سوره فلق در مکه نازل شده و دارای ۵ آیه است..... ۵۱۱

تفسیر سوره ناس

۱۱۴ - سوره ناس در مکه (مدینه) نازل شده و دارای ۶ آیه است..... ۵۱۵

فهرست منابع..... ۵۲۱

پیشگفتار

تفسیری را که در پیش روی دارید ترجمه تفسیر علی بن ابراهیم قمی رحمته الله است؛ تفسیری که از بدو تولد تا به امروز مورد استفاده تمام مفسران شیعه شده و حتی بعضی از این بزرگواران تمام آن را در ذیل آیات تفسیری خود ذکر کرده‌اند و نیز علامه مجلسی رحمته الله هم در دائرة المعارف بزرگ شیعه یعنی بحار الانوار آن را در جای جای کتاب شریفش نقل کرده است.

حال که ترجمه این کتاب شریف با عنایت الهی و لطف آقا امام زمان روحی و ارواح المومنین لقراب مقدمه الفداء به پایان رسیده و آماده چاپ در پنج جلد گردیده است ضروریست که نکاتی را درباره آن توضیح دهم:

۱. نسخه مورد ترجمه ما چاپ دارالکتاب جزائری است که با تصحیح و تعلیقه و مقدمه علامه حضرت آیه الله سید طیب جزائری (حفظه الله) است.

۲. با توجه به آیات و ترجمه آن و نیز تحقیقات پاورتی و منابعی که از این تفسیر استفاده کرده‌اند ترجمه تفسیر را به پنج جلد رسانده است.

۳. عمده تحقیقات پاورقی ما از کتاب‌های روایی روی بحار الانوار و از کتب تفاسیر روی تفسیرهای برهان، صافی و نور الثقلین و نیز بعضی از کتاب‌های پراکنده بوده است که اگر تمام کتاب‌های تفاسیر را نقل می‌کردیم حجم کتاب را به بیش از این که هست می‌رساند.

۴. ترجمه جلد اول در دو جلد آماده شده که منابع تحقیقاتی را در پایان جلد دوم آورده‌ایم؛ و ترجمه جلد دوم عربی نیز در سه جلد آماده شده که منابع

تحقیقاتی آن را نیز در پایان جلد پنجم آورده‌ایم.

۵. تفسیر قمی شامل تمام سوره‌های قرآن است اما شامل تمام آیات نمی‌باشد و لذا برای سهولت فارسی زبانان، ما قبل از آیات تفسیری آیه مورد نظر با ترجمه‌اش را با قلمی مجزا از قلم متن و با فوتی نازک آورده‌ایم تا خواننده گرامی قبل از تفسیر به آیه و ترجمه آن دست‌رسی داشته باشد و با هیچ مشکلی روبرو نگردد.

۶. چون این ترجمه اولین ترجمه‌ای است که از تفسیر قمی شده یقیناً خالی از اشکال نیست و لذا از خوانندگان گرامی عاجزانه درخواست می‌کنم که در هنگام مشاهده سهوالقلمی آن را با دیده اغماض بنگرند و آن را بر این عاصی ببخشند.

در پایان از همه کسانی که ما را از پیشنهادهای خود بی‌بهره نگذاشتند و نیز کسانی که ما را در مقابله تاییدی یاری کرده‌اند صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنم خصوصاً از حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج امیر آقا جزائری (حفظه الله) که اگر پی‌گیری‌های مخلصانه ایشان بعد از پیشنهاد ترجمه این تفسیر قیم نبود شاید تا حال این ترجمه به سرانجام نرسیده بود.

و همچنین از خداوند متعال درخواست عاجزانه دارم که ما را از قرآن جدا نکند و دست ناتوان ما را از تمسک جستن به قرآن ناتوان نگرداند چرا که اگر لطف و عنایت الهی شامل حال ما نباشد در دنیا و آخرت بدبخت و روسیاه خواهیم بود.

خداوند تو را سوگند می‌دهیم به حق قرآن آنی ما را از قرآن و تمسک جستن به آن جدا مگردان.

خداوند تو را سوگند می‌دهیم به حق قرآن آنی ما را از قرآن ناطق آقا امیرالمومنین (علیه السلام) دور مگردان.
انشاء الله

تفسیر سورة نجم



مرکز تحقیقات اسلامی و فرهنگی

۵۳ - سورة نجم در مکه نازل

شده و دارای ۶۲ آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب و تیر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ (۱)

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ (۲)

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (۳)

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (۴)

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ (۵)

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ (۶)

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ (۷)

ثُمَّ دَنَا فَتَلَلَىٰ (۸)

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ (۹)

۱- و سوگند به ستاره هنگامی که فرود آید.

۲- که هرگز صاحب شما (محمد ﷺ) در انحراف و گمراهی نبوده است.

۳- و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید.

۴- که سخن او چیزی جز وحی ای که بر او می شود نیست.

۵- کسی که قدرت عظیمی دارد بر او تعلیم می کند.

۶- همان کسی که اقتدار کاملی دارد، پس تسلط یافت.

۷- و او در افق اعلا بود.

۸- سپس نزدیک و نزدیکتر آمد.

۹- تا آنکه فاصله او به اندازه دو کمان یا کمتر از آن شد.

﴿وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ﴾ مراد از نجم رسول خدا ﷺ است.

﴿إِذَا هَوَىٰ﴾ هنگامی که به آسمان برده شدم که در هوا بود. و این رد بر کسانی است که معراج را منکر می‌شود؛ و این آیه سوگند به رسول خداست و این فضیلتی برای رسول خدا ﷺ نسبت به سائر پیامبران است؛ و جواب قسم این آیه می‌باشد: ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ﴾ و ما یُطِيقُ عَنِ الْهُوَى یعنی با هوای و هوس سخن نمی‌گوید.

﴿إِنْ هُوَ﴾ یعنی قرآن.

﴿إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ عِلْمُهُ شَدِيدُ الْقُوَى یعنی خداوند عز و جل.

﴿ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى﴾ یعنی رسول خدا ﷺ.

یاسر از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: خداوند هیچ پیامبری نفرستاد مگر با قدرت و غضب بدون اینکه افراط و تفریط داشته باشند.^۱

﴿وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى﴾ یعنی رسول خدا ﷺ.

﴿ثُمَّ دَنَا﴾ یعنی سپس رسول خدا ﷺ به پروردگارش نزدیک شد.

﴿فَتَدَلَّى﴾ فرمود: این آیه ﴿ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى﴾ نازل شده است.

﴿فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾ فرمود: از جانب خدا بود همچنانکه بین دسته

کمان تا گوشه برگشته آن.

۱. بحار الانوار، ۱۱، ص ۶۴؛ قصص الانبیاء جزائری، ص ۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۲؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۴۳.

﴿أَوْ أَدْنَى﴾ یعنی از نعمت و رحمتش، فرمود: بلکه نزدیکتر از آن.

﴿فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ﴾ فرمود: وحی رو در رو بود.^۱

امام باقر علیّه السلام در معنای آیه ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ﴾ فرمود: یعنی درباره علی علیّه السلام گمراه نشد و به خطا هم نرفت و از روی هوی و هوس هم سخن نمی‌گوید و هر چه می‌گوید همه از جانب وحی است.^۲

سپس فرمود: ﴿عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ﴾ سپس به او اذن داد و با سرعت به آسمان رفت.

و فرمود: ﴿ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ﴾ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ﴿ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى﴾ [فتدانی] ﴿فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ﴾ بین لفظ وحی و بین شنیدن محمد ﷺ فاصله‌ای به اندازه زه کمان و چوب آن بود (یعنی این قدر نزدیک بود).

مرکز تحقیقات علوم دینی

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ (۱۰)

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ (۱۱)

أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ (۱۲)

وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ (۱۳)

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ (۱۴)

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ (۱۵)

إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ (۱۶)

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ (۱۷)

لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ (۱۸)

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۴۸

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۴۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۴۲

- ۱۰- پس (خداوند) به سوی بنده‌اش وحی فرمود آنچه را که وحی کرد.
- ۱۱- آنچه که قلب او دید آن را تکذیب نکرد.
- ۱۲- آیا با او درباره آنچه را که (در شب معراج) دیده مجادله می‌کنید؟
- ۱۳- و به تحقیق بار دیگر هم او را مشاهده کرد.
- ۱۴- نزد سدرۃ المنتهی.
- ۱۵- که جنت المأوی در آنجاست.
- ۱۶- هنگامی که سدره را چیزی پوشانده بود.
- ۱۷- چشم او از دیدن منحرف نشد و سرکشی نکرد (بلکه تمام حقیقت را مشاهده کرد).
- ۱۸- به تحقیق گوشه‌ای از آیات بزرگ پروردگارش را دید.

﴿فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ﴾

از رسول خدا ﷺ درباره آن وحی سوال شد، فرمود: خداوند به من وحی نمود که علی‌آقای وصیین و مؤمنین و پیشوای پرهیزگاران و امام گروه مبارکی می‌باشد و اول خلیفه‌ای است که پیامبر ﷺ او را به عنوان جانشین خویش گذاشت^۱ گروهی در وسط سخن پیامبر پریده و گفتند: آیا این جانشینی از جانب خداوند است یا از سوی رسولش، پس خداوند به رسولش فرمود: به آنها بگو: ﴿مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ﴾ آنچه که قلب او دید آن را تکذیب نکرد.

سپس آنها را رد کرده و فرمود: ﴿أَفْتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ﴾ آیا با او درباره آنچه را که (در شب معراج) دیده مجادله می‌کنید؟

سپس رسول خدا ﷺ به آنها فرمود: از جانب خداوند منصوب شدم تا

علی را بخلافت منصوب نمایم و به مردم بگویم که بعد از من علی ولی آنها است و او بمنزله کشتی نوح است که هر کس به آن تمسک جست نجات یافت و هر کس از آن دوری نمود غرق شد.^۱

﴿وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى﴾ می فرمود: یعنی محمد وحی را بار دیگر دید.
 ﴿عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى﴾ آن درختی است که شیعیان در بهشت زیر آن به گفتگو می نشینند.

سپس خداوند فرمود: به آنها بگو: ﴿إِذْ يَغْشَى السَّدْرَةَ مَا يَغْشَى﴾ وقتی حجاب از بین خدای تعالی و بین رسول گرامیش برداشته شد، نور سدره پوشیده گشت.

﴿مَا زَاغَ الْبَصَرُ﴾ فرمود: چشمان پیامبر ﷺ از دیدن آن نور نابینا نگشت و به جای دیگری سوق پیدا ننمود.
 ﴿وَمَا طَغَى﴾ فرمود: یعنی آنچه را که باید می دید بدون هیچ کم و زیادی دید.

﴿لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى﴾ فرمود: کلامی را شنید که آن بزرگترین و قوی ترین کلام بود.^۲

حضرت علی (ع) با پیامبر ﷺ در هفت جا بود

﴿وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى﴾ * ﴿عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى﴾ فرمود: در آسمان هفتم.
 و اما رد بر کسی که آفرینش بهشت و جهنم را منکر می شود آیه ذیل می باشد: ﴿عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى﴾ یعنی نزد سدره المنتهی، پس سدره المنتهی

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۸۶

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۴۴

در آسمان هفتم است و جنة المأوی در نزد آن می باشد.^۱

ابو بریده اسلمی گوید شنیدم که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: ای علی! خداوند تو را با من در هفت موضع حاضر نمود:
اول: شبی که مرا به آسمان بردند جبرئیل گفت: ای رسول خدا برادرت علی کجاست؟ گفتم: او را جای خود در زمین گذاشتم. گفت: خدا را بخوان تا علی را به آسمان بالا آورد. پروردگار را خواندم در آن هنگام دیدم کنار من ایستاده ای فرشتگان صف کشیده بودند. گفتم: ای جبرئیل اینها چه کاری دارند؟

گفت: تا روز قیامت به شما فخر و مباهات می کنند. حضور آنها رفتم و با آنها درباره آنچه واقع شده و تا روز قیامت اتفاق می افتد سخن گفتم.
دوم: هنگامی که برای بار دوم به معراج بردند جبرئیل سؤال کرد علی کجاست؟

گفتم: او را جای خود گذاشتم.

گفت: از خدا طلب کن تا او را در این محل حاضر نماید. خدا را خواندم دیدم تمثال تو با من است حجابها از هفت آسمان برایم گشوده شد و عمارات و جایگاه فرشتگان را یکبیک دیدم. و به ملاء اعلی نزدیک شدم، فاصله ای میان من و پروردگار نماند مگر قفسی از مروارید که در آن پروانه هائی از طلا تلؤلؤ می نمود صورتی مشاهده کردم خطاب رسید ای محمد صلی الله علیه و آله آیا این صورت را می شناسی؟

گفتم: آری این صورت علی بن ابیطالب است.

فرمود: باید دخترت فاطمه را به او تزویج کنی و او را خلیفه خود قرار دهی

چه او ولی من است.

سوم: وقتی بود که خداوند مرا مبعوث بر طایفه اجنه نمود، جبرئیل گفت: برادرت علی کجاست؟ گفتم: او را جای خود گذاشتم. گفت: از خدا بخواه تا او را حاضر کند تقاضا نمودم از پروردگار متوجه شدم دیدم همراه من هستی هر چه با اجنه گفتگو کردم همه را شنیدی.

چهارم: شب لیلة القدر بود که غیر از ما کس دیگری آنجا نبود.

پنجم: درباره تودعا کردم و خداوند آنچه را برای تو طلب نمودم جز نبوت را به تو عطا نمود، و بمن فرمود: ای محمد نبوت را به تو اختصاص دادم و به تو نیز آن را ختم نمودم.

ششم: چون مرا به آسمان بالا بردند خداوند تمام پیغمبران را جمع نمود من بر آنها امام شدم و نماز بجا آوردم مثال تو نیز با من بود. هفتم: هلاکت احزاب بدست من و تو انجام گرفت.^۱

تمام این احادیث که ذکر و بیان شد رد بر منکرین معراج جسمانی است.^۲

وزارت علی علیه السلام در آسمانها نوشته شده است

و همچنین رد کسی که آفرینش بهشت و جهنم را منکر می شود روایت ذیل است.

روایت شده که کسی به خواستگاری حضرت فاطمه علیها السلام نرفت مگر آنکه از نزد پیغمبر مایوس برمی گشت، وقتی خواست او را به امیر المؤمنین تزویج کند با دخترش مشورت نمود. فاطمه عرض کرد: ای رسول خدا شما اولی

۱. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۴۰۵

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۴۵

هستید به امر من ولی زنان قریش می‌گویند علی شخصی فربه و فراخ چشم و دست دراز و بزرگ جثه و بشاش و کم ثروت است.

رسول اکرم ﷺ فرمود: ای فاطمه بدان که خداوند از میان مردان جهان من و علی را برگزید و مرا پیغمبر خاتم و علی را خلیفه و وصی من قرار داد و تو را از بین زنان عالم برگزید شبی که مرا به آسمان بالا بردند بر صخره بیت المقدس دیدم نوشته شده «لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بوزیره و نصرته بوزیره» گفتم: ای جبرئیل وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابیطالب است. چون از آنجا گذشته و به سدره المنتهی رسیدم مشاهده کردم که بر آن نوشته شده «انی انا الله لا اله الا انا و حدی محمد صفوتی (حبیبی) من خلقی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره». گفتم: ای جبرئیل وزیر من کیست؟

گفت: علی بن ابیطالب. چون از سدره المنتهی گذشتم به عرش پروردگار رسیدم در استوانه‌های آن کلمات نوشته شده بود «انا الله لا اله الا انا محمد حبیبی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره». و چون داخل بهشت شدم درخت طوبی را دیدم که اصل آن در خانه علی است و در بهشت قصر و منزلی نبود مگر آنکه شاخه‌ای از درخت طوبی در آن سایه افکنده بود و بالای آن شاخه صندوقی از مشک و عطریات و حله‌ها به رنگهای مختلف وجود داشت که لباس اهل بهشت است سایه آن درخت به اندازه تمام آسمانها و زمین است و مسافت آن مقداریست که سوار تندر و صد سال راه برود و مقصود از آیه ﴿وَوُضِّلَ مَمْدُودٌ﴾^۱ همین است، پائین آن انواع میوه‌ها و طعام چیده شده برای اهل بهشت چیزهایی که در دنیا دیده و شنیده نشده و هر چه از آن میوه‌ها چیده شود فوراً بجایش روئیده می‌شود و زیر آن درخت چهار نهر جاریست

۱. واقعه، آیه ۳۰؛ و سایه کشیده و گسترده.

یکی از عسل مصفا دیگری از شیر که هرگز طعمش تغییر نکند و نه‌ری از شراب و عسل مصفی شده، ای فاطمه خداوند به علی علیه السلام هفت خصلت عطا فرموده که به غیر او نداده اول قبری که در روز قیامت شکافته می‌شود قبر علی است که با من بیرون می‌آید و بر روی صراط می‌ایستیم، به آتش دوزخ می‌گوید این شخص را بگیر و این را رها کن، با من در طرف راست عرش پروردگار بایستد، او اول کسی است که با من وارد بهشت می‌شود و از شراب علین می‌نوشد.

ای فاطمه اینها چیزهائی است که خداوند در آخرت به علی علیه السلام عطا می‌فرماید و برای او در بهشت آماده می‌کند زمانی که برای او در دنیا هیچ مالی نبود، اما آنکه گفتی علی فربه است فربه‌ی علی در دانشی است که خداوند مخصوص او گردانیده و از میان تمام امت گرامی داشته و او را بصورت آدم ابو البشر خلق نموده؛ فراخی چشمش شباهت به آدم دارد طول بازوان او برای آنستکه دشمنان خدا و رسولش را بکشد و دین خدا را ظاهر کند اگر چه مشرکین کراحت داشته باشند، خداوند بوجود علی فتح‌هائی نصیب اسلام بنماید، با مشرکین بر طبق تنزیل قرآن و با منافقین و اهل ستم و عهدشکنان بر طبق تأویل قرآن جهاد کند، خداوند از صلب علی جوانان اهل بهشت را بیرون می‌آورد و به وسیله آنها عرش را زینت می‌بخشد.

ای فاطمه علیها السلام خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود مگر آنکه برای او ذریه‌ای از صلب او قرار داد و خداوند ذریه مرا از صلب علی قرار داده است، اگر علی نبود برای من ذریه‌ای وجود نداشت.

حضرت فاطمه علیها السلام گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز شوهری بجز علی را اختیار نمی‌کنم، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به ازدواج حضرت علی علیه السلام در

آورد. ابن عباس گفت: بخدا قسم برای فاطمه هم کفوی جز علی وجود نداشت.^۱

﴿إِذْ يَعْشَى السَّدْرَةَ مَا يَعْشَى﴾ فرمود: هنگامی که پرده‌ها بین او و رسول خدا ﷺ برداشته شد نورش سدره را پوشاند.

﴿مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى﴾ یعنی منکر نمی‌شود.

﴿لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى﴾ فرمود: جبرئیل را دید که بر ساقش دُری بود همانند قطره‌ای بر روی برگ گیاهی که ششصد بال داشت که بین آسمان و زمین را پر کرده بود.

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى (۱۹)

وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى (۲۰)

أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنْثَى (۲۱)

بَلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ ضِيزَى (۲۲)

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ

يَسْتَبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى (۲۳)

۱۹- آیا دوت بزرگ لات و عزی را دیدید،

۲۰- و منات که سومین بت آنهاست (که دختران خداوند هستند)؟

۲۱- آیا فرزند پسر برای شماست و فرزند دختر از برای خداست؟

۲۲- اگر چنین بود که این تقسیمی نادرست می‌بود.

۲۳- این نامهایی است که شما و پدرانتان بر آنها گذاشته‌اید چیز دیگری

نیست و خدا هیچ دلیلی بر آن نازل نفرموده است، آنها فقط از گمان و هوای

نفسشان پیروی می‌کنند، با آنکه از جانب پروردگارشان هدایتی برای آنها آمده است.

﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ﴾ فرمود: لات مرد و عزی زن است.

﴿وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ﴾ فرمود: بتی شش میل بیرون از حرم بود که به آن منات می‌گفتند.

﴿الْكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ﴾ فرمود: این آیه درباره آن است که قریش می‌گفتند ملائکه دختران خداوند رحمان هستند پس خداوند آنها را رد کرده و فرمود: ﴿الْكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ﴾ * تِلْكَ إِذْ أَسْمَتُ ضِيزَى * یعنی این تقسیمی ناقص است.

سپس فرمود: ﴿إِنْ هِيَ﴾ یعنی لات و عزی و منات.

﴿إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ﴾ یعنی از حجتی.^۱

الذَّيْنِ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى (۳۲)

۳۲ - کسانی که از گناهان کبیره و اعمال زشت دوری می‌کنند جز گناهان صغیره (که گاهی مرتکب آن می‌شوند)، همانا آمرزش پروردگارت گسترده است، او به حال شما آگاه‌تر است از آن هنگام که شما را از زمین آفرید و هنگامی که در رحم مادرهایتان به صورت جنین بودید، پس خود را به پرهیزگاری مزیند، که او پرهیزگاران را بهتر می‌شناسد.

﴿الَّذِينَ يَحْتَبُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ﴾ «لمم» آن است که بنده‌ای بر اثر جهالت و نادانی مرتکب گناه صغیره‌ای شود سپس پشیمان شده و از خداوند طلب مغفرت کند و توبه نماید و خداوند هم او را ببامرزد.

﴿وَإِذْ أَنْتُمْ أُجْنَةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ﴾ یعنی زمانی که در شکم مادرتان قرار داشتید.

وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى (۳۷)

۳۷- و ابراهیم کسی که (بر عهداش) وفا کرد.

﴿وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى﴾ فرمود: ابراهیم علیه السلام به آنچه خداوند از امر و نهی دستور داده بود وفا کرد و فرزندش را ذبیح نمود.^۱

وَأَنِّي إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُتَّبِعُ (۴۲)

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى (۴۳)

۴۲- و همانا همه امور به سوی پروردگارت منتهی می‌شود.

۴۳- و اوست که (بندگان را) می‌خنداند و می‌گریاند.

﴿وَأَنِّي إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُتَّبِعُ﴾ فرمود: هنگامی که سخن به ذات خداوند رسید باز بایستید، پائین‌تر از عرش سخن بگوئید و بالاتر از عرش سخن مگوئید زیرا گروهی بودند که بالاتر از عرش سخن گفتند و عقل‌هایشان از بین رفت بطوری که مردی از روبرو او را صدا می‌زد و او از پشت سر جوابش را می‌داد و شخصی از پشت سر او را صدا می‌زد و او از روبرو جوابش را می‌داد و این

رد بر توصیف خداوند است.^۱

﴿وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى﴾ فرمود: آسمان به وسیله باران گریه می‌کند و زمین به وسیله رویاندن گیاهان می‌خندد.

شاعر می‌گوید:

كل يوم بأقحوان جديد تضحك الأرض من بكاء السماء
یعنی: هر روزی با بابونه‌های تازه‌ای که گل‌های تازه‌ای دارد که زمین از گریه آسمان می‌خندد.^۲

مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى (۴۶)

۴۶- از نطفه‌ای هنگامی که خارج می‌شود.

﴿مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى﴾ فرمود: نطفه اول خون بود پس نطفه شد و آن در مغز در شاهرگی مستقر می‌شود و در ستون فقرات می‌آید و در آنجا از بین نمی‌رود و ستون به ستون می‌آید تا ما بین کلیه و مثانه استقرار می‌یابد و سفید می‌شود و اما نطفه زن از سینه‌های او بیرون می‌آید.^۳

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى (۴۸)

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَى (۴۹)

۴۸- و اوست که (بندگان را) بی‌نیاز می‌کند و سرمایه می‌بخشد.

۴۹- و اوست پروردگار ستاره شعری.

۱. نورالقلین، ج ۵، ص ۱۷۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۳
۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۱؛ نورالقلین، ج ۵، ص ۱۷۱
۳. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۶؛ معانی الاخبار، ص ۲۱۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۱

امیر المؤمنین علیه السلام در معنای آیه ﴿وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ﴾ فرمود: هر انسانی به وسیله معیشت خودش بی‌نیاز شد و به دست رنج خود راضی گردید.^۱

﴿وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشُّعْرَىٰ﴾ فرمود: ستاره‌ای در آسمان است که شیخری نامیده می‌شود که قریش و گروهی از عرب آن را می‌پرستیدند و آن ستاره‌ای است که در آخر شب طلوع می‌کند.^۲

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ (۵۳)

۵۳- و شهرهای (قوم لوط را) را زیر و رو ساخت.

شهر بصره

﴿وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ﴾ فرمود: مراد از «المؤتفکه» شهر ویران شده شهر بصره است و دلیل بر آن روایت حضرت علی علیه السلام می‌باشد که فرمود: ای اهل بصره و ای اهل مؤتفکه (یعنی شهرهای ویران شده)، ای لشکر زن (عایشه) و پیروان چهارپا (شتر)، که چون به فریاد آمد بسویش شتافتید و هنگامی که پی شد رو به فرار نهادید، آب‌هایتان شور و آرزوهایتان (اخلاقتان) سست و نرم است، خیمه‌های نفاق در میان شماها پابرجاست، در زبان هفتاد پیامبر مورد لعن واقع شده‌اید، همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داد که جبرئیل علیه السلام زمین را از برای آن حضرت پیچید که بصره را دید که نزدیک‌ترین زمین به آب‌هاست و دورترین آن از آسمان می‌باشد، نه دهم شر و بیماری‌های لاعلاج

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۴؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۲

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۲؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۷۲؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۴

در آن است، ساکنان آنجا گنهکار و بیرون رفته‌های از آنجا آماده شده برای رحمت الهی هستند، آن شهر دو بار با اهلش ویران و زیر و رو شد و برای بار سوم بر خداوند است که آن را ویران نماید که آن روز در هنگام رجعت است.^۱

فَبَإِذَا آتَاكَ رَبُّكَ تَمَّارِي (۵۵)

هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النَّذْرِ الْأُولَى (۵۶)

أَزَقَّتِ الْآزِقَةُ (۵۷)

لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ (۵۸)

أَقِمْنَ هَذَا الْحَدِيثَ تَعَجُّبُونَ (۵۹)

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ (۶۰)

وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ (۶۱)

۵۵- پس به کدام یک از نعمتهای پروردگارت تردید داری؟

۵۶- این (پیامبر) انذار کننده‌ای از انذار کنندگان پیشین است.

۵۷- روز رستاخیز نزدیک شد.

۵۸- هیچ کس به غیر از خداوند نمی‌تواند سختی‌های آن را برطرف نماید.

۵۹- آیا از این سخن تعجب می‌کنید،

۶۰- و می‌خندید و نمی‌گریید،

۶۱- و شما پیوسته در غفلت هستید.

﴿فَبَإِذَا آتَاكَ رَبُّكَ تَمَّارِي﴾ یعنی با کدام سلطان دشمنی می‌کنید.^۲

﴿هَذَا نَذِيرٌ﴾ یعنی این رسول خدا ﷺ انذار کننده است.

۱. بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۲۲۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۷۲؛

تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۲

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۵

﴿مِنَ النَّذْرِ الْأُولَى﴾ از انذار کنندگان پیشین است.

معمر گوید از امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه ﴿هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النَّذْرِ الْأُولَى﴾ سوال کردم، فرمود: هنگامی که خداوند انسان‌ها را در ذر اول آفرید و آنها را در یک صف قرار داد و بعد محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث نمود که گروهی بر او ایمان آوردند و گروهی نیز منکر او شدند، پس خداوند فرمود: ﴿هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النَّذْرِ الْأُولَى﴾، یعنی هنگامی که خداوند عزوجل در ذر اول مردم را به سوی محمد فرا خواند.^۱

﴿أَزِفَتْ الْأَزْفَةُ﴾ فرمود: قیامت نزدیک شد.

﴿لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ﴾ یعنی جز خداوند آن را آشکار و نمایان نمی‌کند.

﴿أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ﴾ یعنی از این اخبار گذشته تعجب می‌کنید.

﴿وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ * وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ﴾ یعنی به لهو و خوشگذرانی خویش مشغول هستید.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۳۴؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۷۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۵

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۷۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۶

تفسیر سورة قمر



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۵۴ - سورة قمر در مکه نازل

شده و دارای ۵۵ آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ (۱)

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ (۲)

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقَرٌّ (۳)

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ (۴)

۱- قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت.

۲- و اگر آیت و نشانه‌ای ببینند روی بر می‌گردانند و می‌گویند: این سحری مستمر است.

۳- و آنها (آیات الهی را) تکذیب کردند و از هوای نفسشان پیروی نمودند، و هر امری جایگاهی دارد.

۴- و به تحقیق اخبار گذشتگان برای بازداشتن آنها از بدی‌ها به آنها رسیده است.

﴿اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ﴾ فرمود: قیامت نزدیک شد. و بعد از نبوت رسول

خدا ﷺ قیامت است و نبوت و رسالت به پایان رسیده است.

معجزه شق القمر

﴿وَإِنْشَقَّ الْقَمَرُ﴾ قریش از رسول خدا ﷺ خواستند که معجزه‌ای بر آنها نشان دهد، پیامبر خدا را خواند و ماه دو نیم شد بطوری که قریش آن را دیدند و بعد به هم چسبید، گفتند: این سحری صحیح و کامل است.^۱

و همچنین روایت شده که امام علی (ع) در معنای ﴿اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ﴾ فرمود: یعنی خروج حضرت قائم (ع) نزدیک است.

یونس گوید که امام صادق (ع) به من فرمودند: چهارده نفر از اصحاب عقبه در شب چهاردهم ذی الحجه جمع شدند و به پیامبر ﷺ عرض کردند هر پیغمبری که آمده برای او معجزه‌ای بود و معجزه شما امشب چیست؟

حضرت فرمود: چه معجزه‌ای می‌خواهید؟

گفتند: اگر تو را قدری و منزلتی در پیش پروردگار عالمیان باشد بفرما که این ماه دو پاره شود بعد از این گفتگو جبرئیل (ع) نازل شده گفت: ای محمد خداوند بر تو سلام می‌رساند و می‌فرماید که به همه چیز امر نموده‌ام که از تو اطاعت و فرمانبرداری کنند. پس حضرت سرش را بلند کرده و به ماه امر کرد که دو پاره شود و ماه دو پاره شد پس پیغمبر ﷺ و شیعیان ما در آن شب بعد از رؤیت این چنین معجزه به سجده شکر افتادند سپس پیامبر و شیعیان سرشان را از سجده بلند کردند، منافقان گفتند که بفرما که باز این دو قطعه بهم پیوستند حضرت چنین فرمود و چنین شد و از روی عناد گفتند بار دیگر شق القمر کن حضرت باز به گفته ایشان شق القمر کرد.

ایشان گفتند که یاران ما به سفر شام و یمن رفته‌اند بعد از آنکه برگردند از ایشان خواهیم پرسید که درین شب چه دیدید اگر آنچه ما دیدیم ایشان نیز

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۷؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۷۵

دیده باشند می دانیم که این از جانب خدای تعالی است و اگر ندیده باشند این امری خواهد بود که بقوت سحر بما نشان داده ای از این رو است که خداوند ﴿وَأَنشَقَّ الْقَمَرُ وَ...﴾ تا آخر سوره را نازل فرمود.^۱

﴿وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ یعنی آنها به رای و نظر خودشان عمل می کردند و پیامبران شان را تکذیب می نمودند.

﴿وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْآثَانِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ﴾ مزدجر به معنای متعظ، پند و اندرز دهنده است.

فَقَوْلَ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نَّكِرٍ (۶)

۶- پس از آنها روی برگردان (تا) روزی که ندا کننده الهی مردم را به امر وحشت انگیزی دعوت می کند.

﴿فَقَوْلَ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نَّكِرٍ﴾ فرمود: امام علی (علیه السلام) هنگامی که خروج کرد آنها را به سوی آنچه که منکر می شدند و از آن خوش نداشتند دعوت می نمود.

مَهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسَى (۸)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدَجَرَ (۹)

۸- در آن حال دعوت کننده به سوی وحشت را به سرعت اجابت می کنند، کافران به هم می گویند: امروز همان روز وحشت و سختی است.

۹- قبل از آنها قوم نوح تکذیب کردند، پس بنده ما (نوح را) تکذیب کرده و

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۵۲؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۷۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۷

گفتند: او مردی دیوانه است، و (با انواع ستم‌ها از ابلاغ رسالتش) بازداشته شد.

﴿مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ﴾ هنگامی که برگشت می‌گوید: برگردانید * يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ * کافران به هم می‌گویند: امروز همان روز وحشت و سختی است.^۱

سپس خداوند هلاکت امت‌های گذشته را حکایت کرده و فرمود: * كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ * یعنی او را اذیت کردند و خواستند که سنگسارش کنند.^۲

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ (۱۱)
وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ (۱۲)
وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوَّاحِ وَدُشِرَ (۱۳)
تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَنْ كَانَ كُفِرَ (۱۴)

۱۱- پس ما درهای آسمان را با آبی فراوان گشودیم.

۱۲- و در زمین چشمه‌های زیادی جاری ساختیم پس این دو آب به اندازه مقدر با هم آمیختند.

۱۳- و او (نوح) را بر مرکب‌هایی از چوب و میخ سوار نمودیم.

۱۴- که آن زیر نظر ما حرکت می‌کرد این کیفر کسی بود که کافر شده بود.

﴿فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ﴾ فرمود: ﴿منهمر﴾ ریختن آب است بدون باراندن قطرات باران.

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۷۳

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۷۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۹

﴿وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ﴾ فرمود: یعنی آب آسمان و آب زمین را بهم پیوستیم.

﴿عَلَى أَمْرٍ قَدَرٍ﴾ و ﴿حَمَلْنَاهُ﴾ یعنی نوح را حمل کردیم.
 ﴿عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَدُسْرٍ﴾ فرمود: ﴿ذَاتِ الْوَاحِ﴾ یعنی کشتی و ﴿دُسْرٍ﴾ به معنای میخ هاست، و گفته شده که ﴿دُسْرٍ﴾ نوعی گیاه است که با آن کشتی را می بندند.

﴿تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا﴾ یعنی کشتی با امر ما می رود و ما آن را حفظ می کنیم.

وَلَقَدْ يَسْرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ (۱۷)

۱۷- و به تحقیق ما قرآن را برای تذکر آسان کردیم، آیا کسی هست که از آن

متذکر شود؟

﴿وَلَقَدْ يَسْرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ﴾ یعنی قرآن را برای کسی که متذکر شود آسان

کردیم.

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ (۱۹)

۱۹- همانا ما تند بادی سرد در یک روز نحس مستمر بر آنها فرستادیم.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا﴾ یعنی باد سرد.^۱

إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَاضْطَبِرْ (۲۷)

۲۷- همانا ما برای آزمایش آنها ناقه را می فرستیم، پس تو منتظر عواقب آنها

باش و صبر نما.

﴿إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ﴾ یعنی ما شتر را برای امتحان و آزمایش آنها فرستادیم.

فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ (۲۹)

۲۹- پس آنها یکی از یاران خودشان را صدا کردند، او آمد و ناقه را پی کرد.

﴿فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ﴾ فرمود: قدار کسی است که شتر را پی کرد.^۱

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَبِيحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ (۳۱)

۳۱- همانا ما یک صبحه (عذاب آسمانی) بر آنها فرستادیم که همگی همانند گیاهی خشک از برای چهار پایان در آمدند.

﴿كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ﴾ فرمود: «هشیم» یعنی گیاه خشک و تر.^۲

أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولَئِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ (۴۳)

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرُونَ (۴۴)

سَيَهْزِمُ الْجَمْعُ وَيُولُونَ الدُّبُرَ (۴۵)

۴۳- آیا کفار شما بهتر از آنها (امت‌های گذشتگان) هستند یا برای شما

برانت و امان نامه‌ای در کتب آسمانی هست؟

۴۴- بلکه می‌گویند: ما گروهی پیروز هستیم.

۴۵- به زودی جمع آنها شکست خورده و فرار می‌کنند.

﴿أَكْفَارُكُمْ﴾ خطاب به قریش است.

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۷۶

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۸۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۷۷

﴿خَيْرٌ مِنْ لَوْلِيكُمْ﴾ یعنی این امت هلاک شده.

﴿أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ﴾ یعنی در کتاب‌های نازل شده امان نامه‌ای برای شماست همانند گذشتگان هلاک نمی‌شوید، قریش گفتند: ای محمد ما با هم جمع شده‌ایم و همدیگر را یاری می‌کنیم تا تو را بکشیم پس خداوند نازل فرمود: ﴿أَمْ يَقُولُونَ﴾ ای محمد ﴿نَحْنُ جَمِيعٌ مُنتَصِرُونَ﴾ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ﴾ یعنی در جنگ بدر هنگامی که شکست خوردند، اسیر گردیده و کشته شدند.

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَبُ وَأَمْرٌ (۴۶)

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (۴۷)

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ (۴۸)

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (۴۹)

۴۶- بلکه قیامت وعده‌گاه آنهاست و قیامت روزی بسیار هولناک و ناگوار است.

۴۷- همانا مجرمان در گمراهی و آتش سوزان جهنم هستند.

۴۸- روزی که در آتش جهنم با صورت کشیده می‌شوند (و به آنها گفته شود): بچشید آتش جهنم را!

۴۹- همانا ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم.

﴿بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ﴾ یعنی قیامت.

﴿وَالسَّاعَةُ أَذْهَبُ وَأَمْرٌ﴾ یعنی قیامت سخت‌تر و شدیدتر است.

﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ﴾ یعنی مجرمین در عذاب هستند، و

﴿سُعْر﴾ وادی بزرگ در جهنم است.^۱

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ فرمود: برای هر چیزی وقت، اجل و مدت معینی است.

إسماعیل بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: برای اهل قدر اسمی در قرآن در آیه ﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ﴾ تا - خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ دیدهام که آنها مجرمین است.^۲

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ (۵۰)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ (۵۱)

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ (۵۲)

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُنْتَظَرٌ (۵۳)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ (۵۴)

فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ (۵۵)

۵۰- و فرمان ما یکی بیش نیست، مانند یک چشم بر هم زدن.

۵۱- و به تحقیق ما کسانی از پیشینیان را که شبیه شما بودند را هلاک

کردیم، آیا پندگیری هست؟

۵۲- و هر عملی که انجام دادند همه شان ثبت است.

۵۳- و هر امر کوچک و بزرگی ثبت شده است.

۵۴- همانا پرهیزگاران در باغها و کنار نه‌های بهشتی جای دارند.

۵۵- در جایگاه صدق نزد خداوند مالک و با اقتدار.

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۷۷

۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۷

﴿وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ﴾ یعنی می گوئیم باش پس ایجاد می شود.

﴿وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ﴾ یعنی پیروی کردن و پرستیدن شما بت ها.

﴿وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ﴾ یعنی در قرآن آمده است.

﴿وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ﴾ یعنی از گناهان کوچک و بزرگ.

﴿مُسْتَطَرَّ﴾ یعنی نوشته شده است.

سپس خداوند آنچه را که برای متقین آماده کرده را ذکر نموده و فرمود:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ * فِي مَقْعَدٍ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ همانا

پرهیزگاران در باغها و کنار نهرهای بهشتی جای دارند. در جایگاه صدق نزد خداوند مالک و با اقتدار.^۱



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورة الرحمن



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۵۵ - سورة الرحمن در

مدینه نازل شده و دارای ۷۸

آیه است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنُ (۱)

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴)

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵)

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶)

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷)

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (۸)

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۹)

۱- خداوند مهربان،

۲- قرآن را یاد داد،

۳- انسان را آفرید،

۴- به او بیان را آموخت.

۵- خورشید و ماه با حساب دقیقی در گردش هستند.

۶- و گیاه و درخت (برای او) سجده می‌کنند.

۷- و آسمان را بر افراشت، و میزان (عدل و قانون در آن) گذاشت.

۸- تا در میزان طغیان‌گری نکنید.

۹- و وزن را با قسط و عدل برپا کنید، و در میزان کم نگذارید.

﴿الرَّحْمَنُ﴾ عِلْمُ الْقُرْآنِ ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾ عِلْمُهُ الْبَيَانِ ﴿

حسین بن خالد روایت می‌کند که امام رضا علیه السلام در معنای آیه ﴿الرَّحْمَنُ﴾

عِلْمُ الْقُرْآنِ ﴿ فرمودند: خداوند به محمد صلی الله علیه و آله قرآن را یاد داد.

عرض کردم: معنای ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾ چیست؟

فرمود: مراد از انسان امیرالمؤمنین علیه السلام است.

عرض کردم: معنای ﴿عِلْمُهُ الْبَيَانِ﴾ چیست؟

فرمود: تبیان هر چیزی که مردم به آن احتیاج دارند را به او یاد داد.

سوال کردم: معنای ﴿الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ﴾ چیست؟

فرمود: یعنی آن دو در عذاب هستند.

عرض کردم: خورشید و ماه در عذاب هستند؟

فرمود: از چیزی سوال کردی پس در جوابش دقت کن، همانا خورشید و

ماه آیاتی از آیه‌های خداوند هستند، به امر خداوند در گردشند و مطیع اوامر

الهی هستند، نور آن دو از عرش و حرارتشان از جهنم است، هنگامی که روز

قیامت شود نور آن دو به عرش و حرارتشان به جهنم بر می‌گردد و دیگر

خورشید و ماهی نمی‌باشد. خداوند متعال فقط آن دو را قصد کرده که لعنت

خدا بر آن دو باد، آیا چنین نیست که مردم از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند

که فرمود: خورشید و ماه دو نور بر آتش می‌باشند؟

عرض کردم: بلی این چنین است.

فرمود: آیا قول مردم را نشنیدی که می‌گویند: فلانی و فلانی دو خورشید

این امت و نور آن می باشند. پس بنابراین آن دو نفر در آتش هستند، به خدا سوگند خدای تعالی جز آن دو را قصد نکرده است.

عرض کردم: معنی ﴿النَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾ چیست؟

امام علیه السلام فرمود: نجم رسول خدا صلی الله علیه و آله است، که خدای تعالی در موارد متعدّد او را به این نام نامیده است، که فرموده است: ﴿وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ﴾ و فرموده: ﴿عَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ که علامت‌ها اوصیاء علیهم السلام هستند، و نجم رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد.

عرض کردم: ﴿یسجدان﴾ به چه معناست؟

فرمود: ﴿یعبدان﴾ یعنی آن دو عبادت می کنند. از قول خدا! ﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾ سؤال شد.

امام فرمود: مقصود از آسمان رسول خدا صلی الله علیه و آله است که خداوند او را به سوی آسمان بالا برد. و ﴿المیزان﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام است که خداوند او را برای خلق خود نصب نموده است.

عرض کردم: ﴿أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ﴾ یعنی چه؟

فرمود: یعنی نافرمانی امام علیه السلام را نکنید.

سوال کردم: ﴿وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ﴾ یعنی چه؟

فرمود: یعنی امام را با عدل اقامه نمائید.

عرض کردم: ﴿وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾ به چه معناست؟

فرمود: یعنی حق امام را با عدل اقامه نمایید و بر او ظلم و ستم نکنید.

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰)

فِيهَا فَكَيْهَةٌ وَالتَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱)

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (۱۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۳)

۱۰- و زمین را برای مردم آفرید.

۱۱- در آن میوه‌ها و نخل خرما با شکوفه‌های فراوان است.

۱۲- و دانه‌هایی با ساقه و برگ‌های خوشبو.

۱۳- (ای گروه جن و انس) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را

تکذیب می‌کنید؟

﴿وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ﴾ فرمود: منظور از انام مردم است.

﴿فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ﴾ فرمود: میوه خرما اول در بن و ریشه

آن بزرگ می‌شود و سپس از آن بیرون می‌آید.

﴿وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ﴾ فرمود: «حب» عبارت از گندم و جو و

حبوبات است، و «عصف» انجیر و «ریحان» چیزی است که از آن خورده

می‌شود.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ فرمود: در ظاهر خطاب به جن و انس است و

در باطن خطاب به فلان و فلان می‌باشد.^۱

ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾

سوال کردم، فرمود: خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید به کدام یک از دو

نعمت کفران می‌کنید به محمد صلی الله علیه و آله یا به نعمت علی علیه السلام.^۲

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷)

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۸۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۶۵
 ۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۷۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۶۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۸۵

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۸)

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَمِيانِ (۱۹)

يَتَّبِعُهُمَا بَزْءٌ لِأَيْتَمِيَانِ (۲۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱)

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُو وَالْمَرْجَانُ (۲۲)

۱۷- (او) پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است.

۱۸- (ای گروه جن و انس) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را

تکذیب می‌کنید؟

۱۹- دو دریا (ای شور و شیرین) را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم

می‌آمیزند.

۲۰- و میان آن دو برزخی (فاصله‌ای) است که بر حدود هم تجاوز نمی‌کنند.

۲۱- (ای گروه جن و انس) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را

تکذیب می‌کنید؟

۲۲- از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان خارج می‌شود.

﴿رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ﴾ فرمود: پروردگار مشرق زمستان و

مشرق تابستان و پروردگار مغرب زمستان و مغرب تابستان است.

ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ

الْمَغْرِبَيْنِ﴾ سوال کردم، فرمود: مراد از ﴿المشرقین﴾ رسول خدا صلی الله علیه و آله و

أمیرالمؤمنین علیه السلام و مراد از ﴿المغربین﴾ امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و

در همانند آن دو جاری می‌شود.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ فرمود: محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام می‌باشند.^۱

یحیی بن سعید القطان [العطار] گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره آیه ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ * بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ﴾ فرمودند: علی و فاطمه علیهما السلام دو دریای عمیق هستند که هیچ یک بر دیگری ظلم و ستم نمی کند. ﴿يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْءُ وَالْمَرْجَانُ﴾ فرمود: حسن علیه السلام و حسین علیهما السلام می باشد. ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ﴾ امیر المؤمنین علیه السلام و فاطمه علیهما السلام می باشند. ﴿يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْءُ وَالْمَرْجَانُ﴾ امام حسن و امام حسین علیهما السلام می باشند.^۱

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴)

۲۴- و برای اوست کشتیهای بزرگ ساخته شده همچون کوه که در دریا در حرکت می باشند.

﴿وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ﴾ فرمود: همچنانکه خنساء در مرثیه برادرش صخر گفت:

وإن صخر المولانا وسيدنا و إن صخرًا إذا يستوقد النار
وإن صخرًا لتأتم الهداة به كأنه علم في رأسه نار

یعنی: همانا که صخر مولا و آقای ماست، هنگامی که آتش را به گردنش می آندازد، هدایت یافتگان به او اقتداء می کنند مانند علامتی که بالای سرش آتشی است.^۲

برهان، ج ۷، ص ۳۸۶

۱. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۹۶؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۴۵۹؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۱۸؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۸۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۶۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۹۱
۲. بلاغات النساء، ۲۳۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۸۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۹۲

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶)

وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷)

۲۶- همه آنچه که در روی زمین است فانی می‌شوند.

۲۷- و فقط وجه ذوالجلال و گرامی پروردگارت باقی می‌ماند.

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ﴾ فرمود: یعنی هر چه بر روی زمین است فانی شده و از

بین می‌رود.

﴿وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ﴾ فرمود: یعنی دین پروردگار تو باقی می‌ماند.

علی بن الحسین علیه السلام فرمود: وجه خدا که مردم رو به سوی آن می‌آیند ما هستیم.^۱

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (۲۹)

۲۹- هر کسی که در آسمانها و زمین است همه از او (حوایج خودشان را)

در خواست می‌کنند، و او هر روز در شأن و کاری مشغول است.

﴿يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾ فرمود: زنده

می‌کند، می‌میراند، روزی می‌دهد و کم و زیاد می‌گرداند.^۲

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيَّهَ الثَّقَلَانِ (۳۱)

۳۱- ای گروه انس و جن به زودی به حساب شما رسیدگی می‌کنیم.

﴿سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيَّهَ الثَّقَلَانِ﴾ امام علیه السلام فرمود: منظور از ﴿ثقلان﴾ ما و کتاب

خدا هستیم و دلیل بر آن فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: همانا دو

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۱۴؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۳۱؛ بحار الانوار، ج ۴، ص ۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۹۰؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۶۹

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۹۰؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۰؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۹۳

چیز گرانبه‌اء در میان شما به یادگار می‌گذارم کتاب خدا و اهل بیت می‌باشند.^۱

يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَ
الْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (۳۳)

۳۳- ای گروه جن و انس، اگر می‌توانید از مرزهای آسمانها و زمین بیرون شوید، پس بیرون شوید، ولی هرگز نمی‌توانید بیرون شوید مگر با داشتن قدرتی.

﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَ
الْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾ هنگامی که روز قیامت شود آسمان
دنیا بر زمین احاطه می‌کند و آسمان دوم بر آسمان دنیا، و آسمان سوم بر
آسمان دوم، و هر آسمانی بر آسمان زیرین خود احاطه می‌کند سپس منادی
ندا می‌کند: ﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ - تا - بِسُلْطَانٍ﴾ یعنی با حجت و دلیل.^۲

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ (۳۹)

۳۹- پس در آن روز هیچ از گناه انس و جن سؤال نمی‌شود.

﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ﴾ فرمود: از شما یعنی از شیعه ﴿إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ﴾
فرمود: معنای آیه این است که هر کس امیر المؤمنین علیه السلام را دوست داشته
باشد و از دشمنانش - که لعنت خداوند بر آنها باد - بیزاری بجوید، و حلالش
را حلال و حرامش را حرام بداند سپس گناهی را مرتکب شود و توبه نکرده از

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۹۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۹۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۰؛
نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۹۳
۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۳

دنیا برود خداوند او را در برزخ عذاب می‌کند و روز قیامت بیرون می‌آید گناهی ندارد که مورد بازخواست واقع شود.^۱

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (۴۳)

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ (۴۴)

۴۳- این همان جهنمی است که مجرمان آن را تکذیب می‌کردند.

۴۴- که آنها در میان آن و آب سوزان در رفت و آمد هستند.

امام صادق علیه السلام آیه «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ» را این طوری قرائت کردند: «هذه جهنم التي كنتما بها تكذبان تصليانها و لا تموتان فيها و لا تحيان ؛ این آن دوزخیست که شما در دار دنیا تکذیب آن می‌کردید در آن دوزخ وارد شوید پس در آنجا نه مرده خواهید بود و نه زنده» یعنی زریق و حبت.^۲

«يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ» فرمود: یعنی آن آب از شدت حرارت می‌جوشد و به صدا در می‌آید.^۳

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُنَّ وَلَا جَانٌّ (۵۶)

۵۶- در آن باغ‌های بهشتی، زنان زیبایی هستند که جز به همسران خود عشق نمی‌ورزند، و قبل از همسرانشان دست هیچ انس و جنی آنها را لمس نکرده است.

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۴۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۹۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۲؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۹۵

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۳؛ بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۱۷۵

۳. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۹۵

﴿فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ﴾ فرمود: حور العین آن قدر نورش روشن است که چشم را می‌زند، و نمی‌شود به او خیره شد.
﴿لَمْ يَطْمِثْهُنَّ﴾ یعنی احدی آنها را مس نکرده است.^۱

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (۶۰)

۶۰- آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟

﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ امام صادق علیه السلام فرمود: جزای کسی که من او را از نعمت معرفت برخوردار کرده‌ام چه چیزی جز بهشت می‌تواند باشد.^۲



وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (۶۲)

۶۲- و پایین تر از آن دو (بهشت)، دو بهشت دیگری است.

عثمان بن محمد بن عمران گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ﴾ سوال کردم، فرمود: دو سبزینه در دنیا است که مومنون از آن می‌خورند تا از حساب فارغ شوند.^۳

مُدْهَامَّتَانِ (۶۴)

۶۴- که (درختان آن دو بهشت) سرسبز و خرم می‌باشند.

یونس بن ظبیان گوید امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿مُدْهَامَّتَانِ﴾ فرمود: مابین مکه و مدینه با درختان خرما به هم متصل می‌شود.^۴

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۹۸؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۹۷

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۶

۳. نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۰۰؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۹۶

۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۰۰

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (۶۶)

۶۶- در آن دو (بهشت) چشمه گوارا می جوشد.

﴿فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ﴾ یعنی دو چشمه فوار و جوشان.

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ (۷۰)

۷۰- در آن بهشتها زنانی در کمال نیکی و زیبایی هستند.

﴿فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ﴾ فرمود: منظور دخترانی است که چون گیاه بر لب

شط کوثر می رویند، هر قدر از آنها گرفته شود دوباره به جایش می روید.

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (۷۲)

۷۲- حوریانی که در خیمه های بهشتی مستور می باشند.

﴿حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ﴾ یعنی چشم به خاطر شعاع نورشان از نگاه

کردن به آنها عاجز است.^۱

تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۷۸)

۷۸- پر خیر و برکت است اسم پروردگارت که صاحب جلال و بزرگواری

است.

امام باقرعلیه السلام درباره معنای آیه ﴿تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾

فرمود: ما جلال و کرامت خداوند هستیم که خداوند بندگان را به وسیله ما

گرامی داشت.^۲

۱. نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۰۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۰۱.
 ۲. بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۹۶؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۰۲؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۸۰؛
 تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۰۲.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورۃ واقعہ



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۵۶ - سورۃ واقعہ در مکہ

نازل شده و دارای ۹۶ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتب و تیر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱)

لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ (۲)

خَافِضَةٌ زَافِعَةٌ (۳)

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا (۴)

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا (۵)

فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا (۶)

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (۷)

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۸)

۱- هنگامی که واقعه بزرگ (قیامت) واقع گردد.

۲- که کسی نمی تواند وقوع آن را تکذیب کند.

۳- آن روز گروهی خوار و ذلیل می شود و گروهی سر بلند می گردد.

۴- هنگامی که زمین لرزه شدیدی می کند.

۵- و کوه ها متلاشی می شود.

۶- پس چون غباری پراکنده در می آید.

۷- و شما سه گروه خواهید بود.

۸- پس اصحاب یمین (گروه رستگاران)، چه گروه رستگاران.

﴿إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ * لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَاذِبَةٌ﴾ فرمود: قیامت حق است.

﴿خَافِضَةٌ﴾ فرمود: خوار و ذلیل کننده دشمنان خدا.

﴿رَافِعَةٌ﴾ رفعت دهنده اولیاء الهی می باشد.

﴿إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا﴾ فرمود: بعضی از اعضاء زمین با بعض دیگرش

کوفته و درهم شود.

﴿وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا﴾ فرمود: کوه ها از جای خود کنده شوند کنده شدنی.

﴿فَكَانَتْ هَبَاءً مُبَشَّاةً﴾ فرمود: ﴿هَبَاءً﴾ گرد و غباری بر اثر نور خورشیدی

که از پنجره یا سوراخی درون اتاقی می تابد در هوا پراکنده بوده و دیده می شود.

﴿وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً﴾ فرمود: در روز قیامت شما سه گروه می باشید.

﴿فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾ آنها مومنانی هستند که دارای

گناهی بوده و برای حساب می ایستند.

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۹)

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (۱۰)

۹- و اصحاب مشممه (گروه بدبختان)، چه گروه بدبختانی!

۱۰- و (گروه سوم) پیش گیرندگان که پیش گیرندگانند.

فضیلت پیامبر ﷺ و علی علیه السلام و حمزه و جعفر

﴿وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ * وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ آنها

که بدون حساب به سوی بهشت سبقت گرفتند.^۱

حذیفه یمانی روایت می‌کند در روز سیزدهم ماه رجب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به بلال امر فرمود قبل از رسیدن وقت نماز مردم را ندا کند. چون صدای بلال بلند شد اهل مدینه ضجّه و فریاد شدیدی نمودند؟ گفتند هنوز رسول اکرم صلی الله علیه و آله وفات نکرده و از میان ما غایب نشده این چه وقت نماز است؟ رسول خدا به درب مسجد به نام سده تشریف آورد و حلقه در را گرفت و فرمود: ای مردم آیا می‌شنوید؟

عرض کردند: بلی ای رسول خدا مطیع و فرمان بردار هستیم.

فرمود: آیا به مردم می‌رسانید؟

گفتند: آن را برای شما ضمانت می‌کنیم.

فرمود: خبر می‌دهم بشما که خداوند مردم را دو صنف آفرید ﴿أَصْحَابُ الْيَمِينِ وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ﴾ اصحاب راست و اصحاب چپ، مرا از اصحاب راست قرار داد و من بهترین اصحاب راست هستم، و اصحاب راست را سه طایفه نمود اصحاب میمنه و مشئمه و سابقون، من از سابقون و بهترین آنها می‌باشم و آنها را قبیله‌های متعددی قرار داد چنانکه فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾^۲ و قبیله من بهترین قبیله‌ها است و من بزرگترین فرزندان آدم و گرامی‌ترین شما نزد خدایتعالی هستم و فخری برای من نیست و قبیله را خانه‌هایی قرار داد و مرا از بهترین خانواده برگزید و فرمود: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۸۵؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۰۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۰۶

۲. حجرات، آیه ۱۳؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همانا ما شما را مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماهاست.

لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً^۱ آگاه باشید مرا خداوند از میان سه نفر اهل بیت خود انتخاب نمود و من بهترین آن سه نفر هستم از خداوند پروا می‌کنم و فخری نمی‌نمایم، من و علی و جعفر دو فرزند ابیطالب و حمزه بن عبدالمطلب را برگزید که ما در زمین ابطح خوابیده بودیم و هر یک پیراهن خود را بصورت خود کشیده بودیم، علی طرف راست من و جعفر طرف چپ و حمزه پائین پا قرار گرفته بودند، از خواب بیدار شدم جبرئیل را با سه فرشته دیگر مشاهده نمودم یکی از آن فرشته‌ها به جبرئیل گفت: به سوی کدام یک از این چهار نفر فرستاده شده‌ای؟

جبرئیل با پایش به من زد و گفت: به سوی این، و او بزرگ پیغمبران و علی بزرگ اوصیاء و جعفر از برای او دو بال سبز است که در بهشت پرواز می‌کند و حمزه سید شهدا است.^۲

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ (۱۴)

عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ (۱۵)

۱۳- گروه زیادی از پیشینیان.

۱۴- و عده کمی از متأخران.

۱۵- آنها بر تخت‌های آراسته و زینت داده شده تکیه می‌زنند.

سالم بیاع زطی گوید از ابوسعید مدائنی شنیدم که از امام صادق (ع) درباره معنای آیه ﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ﴾ و ﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ سوال می‌کرد.

۱. احزاب، آیه ۳۳؛ جز این نیست که خدا می‌خواهد آلودگی را از شما اهل بیت بزداید و شما را کاملاً پاکیزه گرداند.

۲. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۷۶؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۰۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۰۶.

امام علیه السلام فرمود: «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ» حزقیل مؤمن آل فرعون و «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ» علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد.^۱
 «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ» آنها پیروان پیامبران هستند.
 «وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ» و اینها پیروان حضرت محمد صلی الله علیه و آله می باشند.
 «عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ» یعنی بر تخت‌هایی آماده و نصب شده.

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وَلَدَانُ مُخَلَّدُونَ (۱۷)

۱۷- و نوجوانانی زیبا که حُسن‌شان همیشگی است در اطراف آنها می‌گردند.

«يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وَلَدَانُ مُخَلَّدُونَ» یعنی جوانانی که مسرور و شاد هستند.^۲

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا (۲۵)

۲۵- در آنجا نه سخنان لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند و نه سخنان گناه‌آلودی.

«لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا» فرمود: یعنی فحش و دروغ و غناء در

آنجا نمی‌شنوند.

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (۲۷)

فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ (۲۸)

۲۷- و اصحاب یمنین (گروه رستگاران)، چه گروه رستگارانی.

۲۸- در سایه درختان سدر بی‌خار می‌آرامند.

۱. تاویل الآيات الظاهرة، ص ۶۲۱؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۱۹؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۲۳

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۱۴

﴿وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ﴾ فرمود: ﴿یَمین﴾ حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و ﴿اصحاب﴾ شیعیان آن حضرت می باشند.
 ﴿فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ﴾ فرمود: این سدر درختی است که نه برگ دارد و نه خار، و وقتی امام صادق (علیه السلام) آیه ﴿وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ﴾ را تلاوت کرد، در معنایش فرمود یعنی روی هم چیده شده^۱.

و ظِلِّ مَمْدُودٍ (۳۰)

و مَاءٍ مَّسْكُوبٍ (۳۱)

۳۰- و در سایه گسترده درختان.

۳۱- و در کنار نهرهای روان و زلال.

﴿و ظِلِّ مَمْدُودٍ﴾ فرمود: درختان سایه دار در وسط بهشت و در عرض آن است مانند عرض آسمان و زمین که شخص سواره در آن سایه صد سال راه می رود باز به پایان نمی رسد.^۲
 ﴿و مَاءٍ مَّسْكُوبٍ﴾ یعنی آبی که دائماً در جریان است.

لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (۳۳)

۳۳- که نه قطع می شود و نه کسی از خوردن و برداشتن آن مانع می گردد.

﴿لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ﴾ یعنی نه قطع می شود و نه کسی از خوردن و برداشتن آن مانع می گردد.^۳

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۸۹؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۱۵؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۱۲

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۱۶

۳. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۱۸

إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً (۳۵)

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَاراً (۳۶)

عُرُباً أَتْرَاباً (۳۷)

۳۵- همانا ما آنها را در آفرینشی تازه آفریدیم.

۳۶- و آنها را باکره و دوشیزه قرار دادیم.

۳۷- زنانی که فقط به همسرانشان عشق می‌ورزند و برای آنها ناز و عشوه و

کرشمه کرده و هم سن و سال آنها می‌باشند.

﴿إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً﴾ منظور حور العین در بهشت است.

﴿فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَاراً﴾ فرمود: با زبان عربی سخن می‌گویند.

﴿أَتْرَاباً﴾ یعنی هم سن و سال با شوهرانشان هستند.

لِلْأَصْحَابِ الْيَمِينِ (۳۸)

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ (۳۹)

و ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ (۴۰)

۳۸- (این نعمتها) همه برای اصحاب پمین است.

۳۹- گروه زیادی از پیشینیان،

۴۰- و گروه کمی از امت‌های آخرین.

﴿لِلْأَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾ اصحاب امیر المؤمنین علی علیه السلام ۱.

﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ﴾ فرمود: طبقه اولی که با پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.

﴿و ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ فرمود: طبقه‌ای از این امت که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله

هستند.

وَأَصْحَابُ الشُّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشُّمَالِ (۴۱)

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ (۴۲)

وَزَيْلٍ مِنْ يَحْمُومٍ (۴۳)

لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ (۴۴)

۴۱- و اصحاب شمال (گروه بدبختان)، چه گروه بدبختانی.

۴۲- آنها در عذاب باد کُشنده و آب سوزان می باشند.

۴۳- و در زیر سایه‌ای از دود آتش جهنم.

۴۴- (سایه‌ای) که نه خنک کننده است و نه آرامبخش.

﴿وَأَصْحَابُ الشُّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشُّمَالِ﴾ فرمود: مراد از «أَصْحَابُ

الشُّمَالِ» دشمنان محمد و اصحابشان که آنها را دوست داشتند.

﴿فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ﴾ فرمود: سموم نام آتش است و حمیم آبی است که

می جوشد.

﴿وَزَيْلٍ مِنْ يَحْمُومٍ﴾ فرمود: یعنی ظلمت و تاریکی که به شدت گرم است.

﴿لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ﴾ فرمود: طیب و پاکیزه نیست.

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ (۵۵)

هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (۵۶)

۵۵- پس همچون شتران تشنه از آن آب می آشامند.

۵۶- این است وسیله پذیرائی آنها در روز قیامت.

﴿فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ﴾ فرمود: از آب زقوم می آشامند، و «الْهَيْم» یعنی

شتر؛ (یعنی از شدت تشنگی از آب زقوم به یک باره می آشامند).^۱

﴿هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ﴾ فرمود: این ثواب آنها در روز مجازات است.

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ (۵۸)

۵۸- آیا نطفه‌ای را که در رحم می‌ریزید را دیده‌اید؟

﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ﴾ یعنی آیا در نیافتید که نطفه‌ای بیش نبودید.

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ (۷۱)

أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ (۷۲)

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَنُتَاعًا لِلْمُقْوِينَ (۷۳)

۷۱- آیا آتشی را که روشن می‌کنید دیده‌اید؟

۷۲- آیا شما درخت آن را آفریدید یا ما آفریدیم؟

۷۳- ما آن را وسیله تذکر و توشه مسافران قرار داده‌ایم.

﴿أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ﴾ یعنی آیا آن آتشی را که برافروخته می‌کنید و

از آن بهر مند می‌گردید بر آن دقت کردید.

﴿أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ﴾ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً و ما آن را

برای یاد آوری آتش روز قیامت قرار داده‌ایم.

﴿وَنُتَاعًا لِلْمُقْوِينَ﴾ فرمود: یعنی وسیله زندگی محتاجان.^۱

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (۷۵)

۷۵- سوگند به منزلگاه نزول ستارگان.

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ﴾ فرمود: ﴿لا أقسم﴾ به معنای ﴿أقسم﴾ یعنی

سوگند به جایگاه ستارگان.^۱

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكْذِبُونَ (۸۲)

۸۲- و بجای شکر روزیتان آن را تکذیب می کنید؟

ابو عبد الرحمن سلمی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در حین قراءت سوره واقعه این آیه را چنین می خواند که «وَتَجْعَلُونَ شکرکم انکم تکذبون» و بعد از آن فرمود: متوجه شدم که کسی می گوید برای چه اینچنین آن را قرائت کردم زیرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که او نیز همینطور آن را قرائت می کردند، و هر وقت که باران می بارید می گفتند: باران ستاره (نوء)^۲ فلان و فلان بر ما بارید، پس خدا آیه «تَجْعَلُونَ شکرکم انکم تکذبون» را فرو فرستاد.^۳

ابو بصیر روایت می کند که امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكْذِبُونَ﴾ فرمودند: آیه اینطوری «وَتَجْعَلُونَ شکرکم انکم تکذبون» نازل شده است.^۴

فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ (۸۳)

۸۳- پس چرا هنگامی که جان به گلو می رسد.

﴿فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ﴾ یعنی نفس هنگامی که به حلقوم برسد.

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۹۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۲۵.
 ۲. نوء نام ستاره ای است که مردم گمان می کردند باران از آن می بارد.
 ۳. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۹۵ و ج ۸، ص ۱۲۲ و ج ۵۵، ص ۳۱۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۲۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۰۱؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۲۷.
 ۴. بحار الانوار، ج ۹، ص ۳۴۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۰۱؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۲۹.

فَلَوْ لَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ (۸۶)

تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۸۷)

۸۶- پس اگر روز قیامت و مجازاتی برای شما نیست.

۸۷- روح را دوباره به بدن مُرده برگردانید اگر راست می‌گویید؟

﴿فَلَوْ لَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ﴾ فرمود: اگر شما در برابر اعمالتان جزا داده

نمی‌شوید.

﴿تَرْجِعُونَهَا﴾ یعنی روحی را که تا حلقوم آمده به بدن برگردانید ﴿إِنْ كُنْتُمْ

صَادِقِينَ﴾ اگر در عقیده خود راستگو هستید.^۱

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۸۸)

فَرُوحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ (۸۹)

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۰)

فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۱)

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ (۹۲)

فَنَزَّلُ مِنْ حَمِيمٍ (۹۳)

وَتَضْلِيلَةٍ جَحِيمٍ (۹۴)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (۹۵)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۹۶)

۸۸- پس اگر از مقربان باشد.

۸۹- پس در روح و ریحان و بهشت پر نعمت است.

۹۰- و اگر از اصحاب یمین باشد.

۹۱- (به او گفته می شود): پس سلام بر تو که از اصحاب یمین هستی.

۹۲- و اما اگر از تکذیب کنندگان گمراه باشد.

۹۳- به وسیله آب جوشان مورد پذیرائی واقع می شود.

۹۴- و جایگاهش در آتش جهنم است.

۹۵- همانا این حق و یقین است.

۹۶- پس به نام پروردگار عظیم تسبیح گو.

﴿وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾ یعنی کسی که از اصحاب امیرالمؤمنین

علی علیه السلام باشد.

﴿فَسَلَامٌ لَكَ﴾ ای محمد ﴿مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾ که عذاب نمی شوند.^۱

﴿وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ﴾ فَنَزُلُ مِنْ حَمِيمٍ * وَتَصْلِيَةٌ جَهِيمٍ *

در باره دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله می باشد.^۲

﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ * همانا این حق و یقین

است. پس به نام پروردگار عظیم تسبیح گو.

ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره آیه ﴿فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ

الْمُفْرَرِينَ﴾ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ می فرمود: روح و ریحان در قبر است و ﴿وَجَنَّةٌ

نَعِيمٌ﴾ فرمود در آخرت می باشد، ﴿وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ﴾ فَنَزُلُ

مِنْ حَمِيمٍ * که آن در قبر بوده ﴿وَتَصْلِيَةٌ جَهِيمٍ﴾ که در آخرت می باشد.^۳

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۲۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۰۳

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۲۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۰۳

۳. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۰۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۲۸؛

تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۳۲

تفسیر سورة حدید



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

۵۷ - سورة حدید در مدینه

نازل شده و دارای ۲۹ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)
 لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُخْفِي وَيُعْظِي وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲)
 هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳)
 هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ
 مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ
 مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴)
 لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۵)
 يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۶)
 آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ
 وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۷)

۱- آنچه در آسمانها و زمین است تسبیحگوی خدا هستند، و او عزیز و حکیم است.

۲- حاکمیت آسمانها و زمین برای اوست، او زنده می‌کند و می‌میراند، و او بر هر چیزی تواناست.

۳- اول و آخر و ظاهر و باطن اوست، و او به هر چیزی داناست.

۴- او آن کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید. سپس بر عرش قرار گرفت، آنچه که در زمین فرو می‌رود و آنچه که از زمین بیرون می‌آید را می‌داند و نیز آنچه که از آسمان نازل می‌شود و آنچه که در آن بالا می‌رود (را نیز می‌داند)، هر کجا که باشید او با شماست، و خداوند به آنچه که انجام می‌دهید بیناست.

۵- حاکمیت آسمانها و زمین از برای اوست، و همه امور به سوی او بازگردانده می‌شود.

۶- شب را در روز و روز را در شب پنهان می‌سازد، و او بدانچه که در سینه‌هاست آگاه است.

۷- به خدا و رسولش ایمان بیاورید، و از آنچه شما را جانشین در آن قرار داده انفاق کنید، پس کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند برای آنها پاداش بزرگی است.

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ فرمود: این همان است که رسول خدا ﷺ در باره‌اش فرمود: که جامع‌ترین کلمات به من داده‌اند.^۱

﴿هُوَ الْأَوَّلُ﴾ فرمود: قبل از هر چیزی.

﴿وَالْآخِرُ﴾ فرمود: بعد از هر چیزی باقی می‌ماند.

﴿وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ یعنی از ضمائر و باطن‌ها آگاه است.^۲

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾ یعنی در شش وقت.^۳

﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ...﴾ سپس بر عرش قرار

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۳۵

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۳۱؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۳۸

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۳۸

گرفت، آنچه که در زمین فرو می‌رود و آنچه که از زمین بیرون می‌آید را می‌داند و نیز آنچه که از آسمان نازل می‌شود و آنچه که در آن بالا می‌رود (را نیز می‌داند)، هر کجا که باشید او با شماست، و خداوند به آنچه که انجام می‌دهید بیناست.

از آیه دوم تا آیه هفتم «أَجْرُ كَبِيرٌ» از محکّمات است.

امام صادق علیه السلام فرمود: بر در بهشت نوشته شده که قرض دادن هیچ‌ده حسنه دارد و صدقه دادن ده حسنه، چون قرض به شخص محتاج می‌رسد ولی صدقه چه بسا به دست کسی برسد که هیچ احتیاجی نداشته باشد.^۱

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱۱)

۱۱- کیست که به خداوند قرض نیکو بدهد (از مالی که خداوند به او عنایت فرموده به مستحقان قرض الحسنه و صدقه بدهد) تا خداوند برای او چندین برابر کند؟ و برای او پاداش با ارزشی است.

إسحاق بن عمار گوید از امام موسی کاظم علیه السلام درباره آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» سوال کردم، فرمود: درباره صله ارحام با [امام] نازل شده است.^۲

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ
الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ (۱۲)

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۳۹
۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۳۹؛ کافی، ج ۱، ص ۵۳۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۱۱؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۴۰

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَسِبْ مِنْ نُورِكُمْ قَبْلَ
اُرْجِعُوا وِزَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِلُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ
وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ (۱۳)

يُنَادُوهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَ
ارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ (۱۴)

۱۲- روزی که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیش رو و سمت
راستشان با سرعت حرکت می‌کند (و به آنها مژده داده می‌شود): بشارت
باد بر شما امروز به بهشتی که نهرها از زیر درختانش جاری است، و در آن
همیشگی خواهید بود، این همان رستگاری بزرگ است.

۱۳- و روزی که مردان و زنان منافق به مومنین می‌گویند: به ما نگاه کنید تا
از نور شما بگیریم، به آنها گفته می‌شود: به پشت سرتان برگردید و از آنجا
نور بگیرید؛ پس در این هنگام میان آنها دیواری زده می‌شود که دری دارد،
که در باطن آن رحمت و در ظاهرش عذاب است.

۱۴- (منافقین) آنها را صدامی زنند: آیا ما با شما نبودیم؟ می‌گویند: بلی، و
لکن خودتان را به فتنه افکندید و انتظار (هلاکت مؤمنان و مُردن پیاسر را)
می‌کشیدید، و (در امور دین) شک و تردید داشتید، و آرزوهایتان شما را
فریب داد تا اینکه فرمان الهی فرا رسید، و شیطان فریبده شما را در برابر
فرمان الهی فریب داد.

﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾
فرمود: در روز قیامت نور در بین مردم طبق درجات ایمانشان تقسیم
می‌شود، و نوری که به منافق می‌رسد تنها بین انگشت ابهام پای چپش را فرا
می‌گیرد، منافق به نور خود می‌نگرد، و سپس به مؤمنین می‌گوید: بایستید تا

من از نور شما اقتباس کنم.

مؤمنین به ایشان می‌گویند: ﴿ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا﴾ به عقب برگردید و در آنجا برای خود کسب نور کنید، در این هنگام است که بین این دو طایفه دیواری زده می‌شود، دیواری که دارای دری است، از پشت دیوار مؤمنین را صدا می‌زنند ﴿أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ که مگر ما در دنیا با شما نبودیم؟ می‌گویند: بله بودید، و لیکن شما خود را مفتون و هلاک کردید، امام فرمود: یعنی با نافرمانی خدا، خود را هلاک کردید.

﴿وَارْتَبِشْ﴾ یعنی همواره در انتظار بودید و شک داشتید ﴿وَتَرَبَّصْتُ﴾^۱

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ
وَبِشِّ الْمَصِيرِ (۱۵)

۱۵- پس امروز نه از شما فدیة گرفته می‌شود و نه از کافران، جایگاهتان

آتش جهنم است، و آن سرپرستان می‌باشد، و چه بد جایگاهی است.

﴿فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ﴾ فرمود: به خدا سوگند منظور یهود و نصاری نیست، بلکه منظور همین مسلمان اهل قبله است؛ سپس فرمود: ﴿مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ﴾ یعنی آتش اولی و سزاوارتر برای شما است.

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ
وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ
وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۱۶)

۱۶- آیا وقت آن نرسیده کسانی که ایمان آورده‌اند دل‌هایشان در برابر ذکر

خداوند و آنچه که از حق نازل می شود خاشع گردد، و مانند کسانی که قبل از اینها کتاب داده شده نباشند که چون زمانی طولانی بر آنها گذاشت قلب هایشان را قساوت گرفت، و بسیاری از آنها فاسق هستند.

﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ یعنی آیا وقت آن نرسیده که ایمان آورندگان ظاهری دعوت حق را اجابت کنند.

﴿أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ﴾ یعنی قلبهایشان ترسان شود.

﴿لِذِكْرِ اللَّهِ﴾ در برابر ذکر الهی.^۱

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۲۲)

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۲۳)

۲۲ - هیچ رنج و مصیبتی در زمین و نه در وجود شما بوجود نمی آید مگر آنکه قبل از اینکه زمین را بیافرینیم همه (در لوح محفوظ) ثبت شده است، همانا که آن بر خداوند آسان است.

۲۳ - این بدین خاطر است که نسبت به آنچه که از دست داده اید تأسف نخورید، و نسبت به آنچه که به شما داده شده خوشحال مباشید، و خداوند هیچ متکبر خودستایی را دوست نمی دارد.

حسن بن عباس بن حریش گوید امام جواد علیه السلام درباره آیه ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا

عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ﴾ فرمودند که امام صادق علیه السلام فرمودند: مردی از پدرم درباره

همین آیه سوال کرد که فرمود: نازل شده درباره.... که به زودی می آید.^۱

عبد الرحمن بن کثیر روایت می کند که امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا﴾ فرمودند: خداوند راست فرمود و رسولش نیز آن را رساند، کتاب خدا در آسمان علم خدا به آن است و کتاب خدا در زمین علوم ما در شب قدر و غیر آن می باشد.^۲

امام جواد علیه السلام درباره آیه ﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ﴾ فرمودند: که امام صادق علیه السلام فرمود: مردی از پدرم از معنای این آیه سوال کرد که حضرت فرمود: این آیه درباره زریق و اصحاب او می باشد که یکی از این دو مقدم است و یکی مؤخر ﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ﴾ چیزی است که اختصاص به علی بن ابی طالب علیه السلام دارد ﴿وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾ یعنی از فتنه ای که بعد از رسول خدا برای اهل بیت علیهم السلام اتفاق می افتد خوشحال نگردید. آن مرد گفت: شهادت می دهم که شما اهل بیت صاحبان حکم و موالیان هستید که هیچ خلاقی در آن نیست، سپس آن مرد بلند شد و رفت و کسی او را ندید.^۳

۱. صاحب تفسیر نورالثقلین این حدیث را از تفسیر قمی اینطور نقل می کند: قال أبو جعفر علیه السلام: لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: سَأَلَ رَجُلٌ أَبِي عَلِيٍّ علیه السلام عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: نَزَلَتْ فِي أَبِي بَكْرٍ وَأَصْحَابِهِ، وَاحِدَةً مُقَدِّمَةً، وَوَاحِدَةً مُؤَخَّرَةً، لَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ مِمَّا خَصَّ بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ مِنَ الْفِتْنَةِ الَّتِي عَرَضَتْ لَكُمْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، فَقَالَ الرَّجُلُ: أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَصْحَابُ الْحُكْمِ الَّذِي لَا خِلَافَ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ الرَّجُلُ فَذَهَبَ فَلَمْ أَرَهُ. تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۸.

۲. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۲۳ و ج ۹۴، ص ۱۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۱۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۵۷.

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۴۶؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۲۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۱۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۵۷.

گفتگوی بین یزید و علی بن الحسین علیه السلام

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ...﴾

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که سر مبارک حسین بن علی علیه السلام را نزد یزید بن معاویه لعنه الله آوردند علی بن الحسین و دختران امیر المؤمنین علیه السلام را نیز وارد بارگاه یزید نمودند و دست و کتف علی بن الحسین در این هنگام به غل و زنجیر بسته شده بود. یزید بعنوان شماتت به علی بن الحسین رو کرد و گفت: ای علی بن الحسین شکر و سپاس مر خدائی را که پدر ترا بقتل رسانید.

زین العابدین در پاسخ او فرمود: لعنت خدا بر کسی باد که پدرم را کشت. یزید از جواب علی بن الحسین در خشم شد دستور داد گردن او را بزنند، علی بن الحسین فرمود: ای یزید اگر تو مرا بکشی چه کسی این دختران رسول خدا را به منازل ایشان در مدینه خواهد رسانید در حالتی که آنان سرپرست و محرمی جز من ندارند.

در اینجا خشم یزید فرو نشست و گفت: ای علی بن الحسین جز تو دیگری آنان را به منازل خویش نخواهد رسانید سپس دستور داد سوهانی حاضر کردند و خود با دست خویش به وسیله سوهان زنجیر گردن علی بن الحسین را برید و از گردن او بیرون آورد، سپس گفت: ای علی بن الحسین آیا می دانی چرا زنجیر را از گردن تو باز کردم؟

فرمود: بلی، خواستی بدینوسیله منّتی بر ما گذاشته باشی.

یزید گفت: آری بخدا قسم جز این قصد دیگری نداشتم سپس این آیه را خواند ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ﴾^۱ یعنی آنچه رنج و

مصیبت بشما رسید بر اثر اعمالی است که انجام داده‌اید.

علی بن الحسین فرمود: ای یزید این آیه درباره ما نازل نشده است بلکه این آیه ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ - مَا - لَا تَفْرَحُوا بِهَا آتَاكُمْ﴾ درباره ما نازل شده است و فرمود: زیرا ما از آن کسانی هستیم که اگر چیزی از ما در این دنیا فوت شده و از دست برود دلتنگ و آزرده خاطر نمی‌شویم و نیز اگر اقبال و خوبی بما برسد به خاطر آن شاد و مغرور نمی‌گردیم.^۱

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۵)

۲۵ - به تحقیق ما رسولانی را با دلائلی روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند، و آهن را نازل کردیم که در آن قدرتی قوی و منفعی برای مردم است، تا خداوند بداند که چه کسی او و رسولش را یاری می‌کند، بدون آنکه او را ببینند، همانا خداوند قوی و عزیز است.

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ﴾ فرمود: مراد از ﴿المیزان﴾ امام علی (ع) است.^۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸)

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۵۷

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۹؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۶۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۲۰

لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ إِلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)

۲۸- ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خداوند بهره‌زید، و به رسولش ایمان بیاورید تا خداوند دو بهره از رحمتش به شما عنایت کند و برای شما نوری قرار دهد که به وسیله آن راه بروید و گناهانتان را بیامزد، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

۲۹- تا اهل کتاب بدانند که چیزی از فضل خداوند را قادر نیستند، و همانا فضل به دست خداوند است که به هر کسی که بخواهد می‌دهد، و خداوند دارای فضل بزرگ است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ﴾^۱ فرمود: دو بهره از رحمت الهی می‌برند یکی اینکه خداوند آنها را داخل آتش جهنم نمی‌کند و دیگر اینکه آنها را وارد در بهشت می‌کند. ﴿وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ﴾ یعنی ایمان.

سماعة بن مهران گوید امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ﴾ فرمود: امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و ﴿وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ﴾ فرمود: امامی که به آن اقتداء می‌کنید و از او پیروی می‌نمائید.^۱ ﴿لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ إِلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ تا اهل کتاب بدانند که چیزی از فضل خداوند را قادر نیستند، و همانا فضل به دست خداوند است که به هر کسی که بخواهد می‌دهد، و خداوند دارای فضل بزرگ است.

۱. تاویل الآيات الظاهرة، ص ۶۴۲؛ شواهد التنزيل، ج ۲، ص ۳۰۹؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۵۲؛ بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۲ و ج ۲۳، ص ۳۱۹؛ کافی، ج ۱، ص ۴۳۰؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۲۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۶۵

تفسیر سورة مجادله



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۵۸ - سورة مجادله در

مدینه نازل شده و دارای ۲۲

آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَخَاوُرَ كُفْرًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۱)

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (۲)
وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكَ تَوْعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۳)

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴)

۱- به تحقیق خداوند سخن زنی را که درباره شوهرش به تو مراجعه کرده و به خداوند شکایت می‌کرد را شنید، و خداوند گفتگوهای شما دو نفر را می‌شنید، همانا که خداوند شنوا و بیناست.

۲- کسانی از شما که با زنانشان ظاهر می‌کنند (می‌گویند: نسبت تو به من مانند مادرم به من است)، آنها مادر حقیقی شوهران نیستند، مادران حقیقی آنها همان‌هایی هستند که آنها را به دنیا آورده‌اند، همانا که آنها سخنان

زشت و باطل می‌گویند، و همانا که خداوند بخشنده و آمرزنده است.

۳- و کسانی که با زنان خود ظاهر می‌کنند و بعد از گفته خود برمی‌گردند، قبل از اینکه با آنها تماس بگیرند برده‌ای را آزاد کنند. این کلامی است که به آن بند و اندرز داده می‌شوید، و خداوند بدانچه که انجام می‌دهید آگاه است.

۴- پس کسی که برده‌ای نیافت قبل از تماس (با همسرش) دو ماه بی در پی روزه بگیرد، و کسی که استطاعت آن را هم ندارد پس شصت مسکین را طعام دهد، این (حکم کفاره) برای آن است که به خداوند و رسولش ایمان بیاورید، که این حدود الهی است، و برای کافران عذابی دردناک است.

﴿قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَخَاوُرَ كُنَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾

سبب نزول سوره به خاطر اول ظهاری بود که در اسلام اتفاق افتاد و علتش این بود که مردی به نام اوس بن صامت از انصار که پیرمردی بود، روزی از زنش عصبانی شد و به او گفت: تو به من مانند پشت مادرم هستی، پس از مدتی اوس از گفته خود پشیمان شد. در زمان جاهلیت هرگاه کسی این جمله را به همسرش می‌گفت تا آخر بر او حرام می‌شد، اوس به همسرش گفت: ای خوله ما در زمان جاهلیت با این جمله به هم حرام می‌شدیم، حال که خداوند اسلام را برای ما آورده به نزد رسول خدا ﷺ برو و در این باره از آن حضرت سوال کن. خوله نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ که پدر و مادرم فدای تو باد، اوس بن صامت شوهرم و پدر بچه‌هایم و پسر عمویم است که به من گفت: که تو به من مانند پشت مادرم به من هستی و ما در زمان جاهلیت با این جمله به همدیگر حرام می‌شدیم و حال خداوند به

وسيلة شما اسلام را برای ما فرستاد، حکم چیست؟^۱

اولین ظهار در اسلام

حمران روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمود: زنی از مسلمانان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و عرضه داشت: یا رسول الله! فلانی همسر من است که عمری رحم خود را در اختیارش گذاشتم، و در امور دنیا و آخرت یاریش کردم، و هیچ نامالایمی از من ندیده، می‌خواهم از او شکایت کنم.

فرمود: از چه شکایت کنی؟

عرضه داشت: به من گفته تو بر من حرامی، همان طور که پشت مادرم حرام است، و مرا از خانه‌ام بیرون کرده، حال در کار من چاره‌ای بیندیش. حضرت فرمود: خدای تعالی درباره این مساله آیه‌ای نازل نفرموده تا طبق آن میان تو و شوهرت حکم کنم، و من نمی‌خواهم از کسانی باشم که پاسخ روشن نمی‌دهند. زن شروع کرد به گریه کردن، و شکوه نمودن به درگاه خدای عز و جل، و از نزد رسول خدا بیرون رفت.

راوی می‌گوید: خدای تعالی گفتگوی او با رسول خدا صلی الله علیه و آله و شکایتش در امر شوهرش را شنید، و این آیات را نازل کرد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا - تَا - وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ»

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را به دنبال آن زن فرستاد، و به وی فرمود: برو شوهرت را بیاور. زن شوهرش را آورد. حضرت به او فرمود: آیا تو به همسرت گفته‌ای که تو بر من حرام هستی مانند پشت مادرم؟

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۷۱ و ج ۱۰۱، ص ۱۶۵؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۷۰؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۲۹

عرض کرد: بله آن را گفته‌ام.

رسول خدا ﷺ به او فرمود: خدای تعالی درباره کار تو و همسرت، قرآنی (آیاتی) نازل کرده، و آیات را برایش خواند: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا - تَا - إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ﴾. بنابراین همسرت را به خانه ببر، زیرا تو سخنی منکر و نامشروع گفته‌ای، و خدا از جرمت گذشت، و دیگر چنین کاری را تکرار مکن.

راوی می‌گوید: مرد برگشت، در حالی که از آنچه به همسرش گفته بود پشیمان بود، و خدای تعالی برای اینکه مؤمنین دچار چنین ندامتی نشوند، این آیه را فرستاد: ﴿الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا﴾ کسانی که همسر خود راظهار می‌کنند، و پشیمان می‌شوند یعنی آن مرد که به زنش گفت تو بر من همچون پشت مادرم حرام هستی، و بعد از آنکه این مرد چنین کرد و خدا او را عفو فرمود، اگر کسی چنین کند، بر او واجب می‌شود قبل از هم خوابگی با همسرش برده‌ای آزاد کند ﴿ذَلِكَمُ تَوْعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ و اگر کسی نمی‌تواند برده آزاد کند، قبل از تماس دو ماه پی در پی روزه بگیرد، ﴿فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا﴾ و کسی که استطاعت این را هم ندارد شصت مسکین را طعام دهد. آن گاه فرمود: خدای تعالی عقوبت کسی را که بعد از این نهیظهار کند این قرار داده و فرموده: ﴿ذَلِكَ لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ﴾ یعنی این است حدظهار.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:ظهار بر اثر سوگند، و برای زیان رساندن (اضرار)، و در حال خشم واقع نمی‌شود، و جز در زمان پاکیزگی زن بدون هم‌آغوشی و

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۳۰۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۶۶؛ کافی، ج ۶، ص ۱۵۲

نیز گواهی دو گواه مسلمان صورت نمی گیرد.^۱

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۷)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يُعَادُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاؤُكَ حَبَّوكَ بِمَا لَمْ يَحِبَّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَيُشْسِ الْمَصِيرُ (۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹)
إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۰)

۷- آیا نمی دانی که خداوند آنچه در آسمان ها و زمین است را می داند، هیچ سه نفری با همدیگر نجوا نمی کنند مگر آنکه چهارمین آنها خداوند است، و پنج نفری با هم نجوا نمی کنند مگر آنکه ششمین آنها خداوند است، و هیچ تعداد کمتر از اینها یا بیشتر از اینها نیست مگر آنکه خداوند با آنهاست هر کجا که باشند، سپس روز قیامت آنها را به آنچه که انجام داده اند آگاه می کند، همانا که خداوند به همه چیز داناست.

۸- آیا ندیدی کسانی را که از نجوا کردن نهی شده بودند سپس از آنچه که

نهی شده بودند به آن برگشتند و برای گناه و دشمنی و نافرمانی رسول با هم به نجوا می‌پردازند و چون به نزد تو می‌آیند تحیتی به تو می‌گویند که خداوند تو را با آن تحیت نگفته است و در دل می‌گویند: چرا خداوند ما را به آنچه که می‌گوئیم عذاب نمی‌کند؟ ۱۹ جهنم برای آنها کفایت می‌کند، وارد آن می‌شوند، پس چه جایگاه بدی است.

۹- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به نجوا پرداختید درباره گناه و دشمنی و نافرمانی رسول نجوا نکنید بلکه درباره نیکی و پرهیزگاری نجوا کنید، و از خداوندی پرهیزید که به سوی او محشور می‌شوید.

۱۰- همانا که نجوا از شیطان است که می‌خواهد به وسیله آن مؤمنان را اندوهگین کند، ولی نمی‌تواند ضرری به آنها بزند مگر به اذن الهی، پس مؤمنین فقط بر خداوند توکل می‌کنند.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ﴾ فرمود: اصحاب رسول خدا ﷺ به نزد آن حضرت می‌آمدند و از آن حضرت سوال می‌کردند که از خداوند سوال نماید، و گاهی از مساله‌ای سوال می‌کردند که برای آنها حلال و جائز نبود، پس خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْأَيْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ﴾ و برای گناه و دشمنی و نافرمانی رسول با هم به نجوا می‌پردازند.

و هر وقت نزد پیامبر ﷺ می‌آمدند می‌گفتند: «أَنعَم صَبَاحًا وَأَنعَم مَسَاءً» که این تحیت اهل جاهلیت پس خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿وَإِذَا جَاؤُكَ حَيَّوكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ﴾ که رسول خدا ﷺ به آنها فرمود: به تحقیق خداوند تحیتی بهتر از آن را که تحیت اهل بهشت «السلام علیکم» را به ما عنایت فرموده است سپس خداوند عز و جل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا

تَنَاجَيْسُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به نجوا پرداختید درباره گناه و دشمنی و نافرمانی رسول نجوا نکنید بلکه درباره نیکی و پرهیزگاری نجوا کنید، و از خداوندی بپرهیزید که به سوی محشور می‌شوید.^۱

تعویذی جهت خواب بد دیدن

﴿إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾

ابو بصیر روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمودند: سبب نزول آیه این بود که حضرت فاطمه علیها السلام در خواب دید که رسول خدا صلی الله علیه و آله قصد دارد، با فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام از مدینه خارج شوند، پس بیرون آمدند و از دیوارهای مدینه گذشته و به دو راهی رسیدند که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دست راست رفتند تا به جایی رسید که در آنجا درخت خرما و آب بود.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله گوسفندی را خرید که در یکی از دو گوشش نقطه‌های سفیدی بود و دستور ذبح آن را داد، وقتی آن را خوردند در همانجا از دنیا رفتند.

فاطمه علیها السلام در حالی که گریه می‌کرد و ناراحت بود بیدار شد و این خواب را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نگفت، صبح که شد رسول خدا صلی الله علیه و آله با الاغی آمد و فاطمه علیها السلام را بر آن سوار نمود و دستور داد که امیر المؤمنین، حسن و حسین علیهم السلام از مدینه بیرون روند همان طور که فاطمه علیها السلام در خواب دیده

بود، وقتی دیوارهای مدینه را پشت سر گذاشتند به یک دو راهی رسیدند، رسول خدا ﷺ از طرف راست حرکت کرد همان طور که فاطمه علیها السلام در خواب دیده بود تا رسیدند به جایی که در آنجا نخل و آب بود، رسول خدا ﷺ گوسفندی را با همان اوصافی که فاطمه علیها السلام در خواب دیده بود خرید و دستور ذبح آن را داد، بعد از ذبح آن را بریان نمودند.

تا خواستند از گوشت آن بخورند فاطمه علیها السلام بلند شد و از آنان دور شد در حالی که گریه می کرد و می ترسید که آنان از دنیا بروند.

رسول خدا ﷺ فاطمه علیها السلام را خواست و با گریه او روبرو شد و فرمود: دخترم چه شده که گریه می کنی؟

فاطمه عرض کرد: یا رسول الله ﷺ دیشب در خواب چنین و چنان دیدم، رفتار شما همان طور بود که من در خواب دیده بودم و لذا از شما دور شدم تا مرگ شماها را نبینم.

پس رسول خدا ﷺ بلند شد و دو رکعت نماز خواند، سپس با پروردگارش مناجات نمود و جبرئیل بر او نازل شد، گفت: یا محمد ﷺ کسی که به فاطمه علیها السلام این خواب را پیش آورده شیطان است که به او «زها» گفته می شود و مؤمنین را در خوابشان اذیت می کند و چیزهایی به آنان نشان می دهد که موجب اندوهشان می گردد.

پس رسول خدا ﷺ به جبرئیل امر نمود که آن شیطان را بیاورد، وقتی که شیطان خدمت رسول خدا ﷺ رسید، رسول خدا ﷺ به او فرمود: تو این خواب را برای فاطمه علیها السلام پیش آوردی؟

شیطان گفت: بلی یا محمد ﷺ

پس رسول خدا ﷺ سه مرتبه در سه جا بر او تف کرد و آب دهان انداخت.

سپس جبرئیل به محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کرد: ای محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگاه تو یا هر یک از مؤمنین در خواب چیز ناخوشایندی را دید بگوید: «أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَانبياءُ اللَّهِ المرسلون وعباده الصالحون من شرِّ ما رأيت من رؤيائي» و سورة حمد و معوذتین و قل هو الله احد را بخواند و سه مرتبه آب دهان به طرف چپ بیاندازد. دیگر آنچه که در خواب دیده به او ضرری نمی‌رساند.

پس خدای تعالی بر رسولش این آیه را نازل نمود: ﴿إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ...﴾^۱.

سلیمان بن خالد گوید از امام باقر ع درباره معنای آیه ﴿إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ﴾ سوال کردم، فرمود: فلانی است. ﴿مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ﴾ فلانی و فلانی و فرزند فلانی که امین مردم بودند جمع شده و وارد کعبه شدند و بین خودشان کاغذی نوشتند که اگر محمد مُرد هرگز نگذارند که خلافت به بنی هاشم برگردد.^۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱)

۱۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به شما گفته شود: در مجالس به دیگران جای دهید، جای دهید، که خداوند نیز (در بهشت) جایتان را وسعت می‌بخشد؛ و هنگامی که گفته شود: بر خیزید، پس

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۰ و ج ۵۸، ص ۱۸۷ و ج ۷۳، ص ۱۹۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۶۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۳۵

۲. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۹ و ج ۲۸، ص ۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۷۵

برخیزید، که خداوند کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علوم و دانش داده شده را درجات رفیع می‌دهد، و خداوند بدانچه که انجام می‌دهید آگاه است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ﴾ فرمود: هر وقت رسول خدا ﷺ وارد مسجد می‌شد مردم برای آن حضرت بلند می‌شدند، پس خداوند آنها را از بلند شدن نهی کرده و فرمود: ﴿تَفَسَّحُوا﴾ در مجلس به آن حضرت جا بدهید ﴿وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا﴾ یعنی هنگامی که به شما گفت برخیزید پس از جایتان برخیزید.^۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۲)
أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَنَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۳)

۱۲- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که می‌خواهید با رسول خدا نجوا کنید قبل از آن صدقه‌ای بدهید، که آن برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است، و اگر چیزی (برای صدقه دادن) نیافتید که خداوند آمرزنده و مهربان است.
۱۳- آیا ترسیدید از اینکه قبل از نجوا صدقه دهید فقیر شوید و لذا خودداری کردید؟ پس حال که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت پس نماز به پا دارید و زکات بپردازید و از خداوند و رسولش اطاعت کنید، که خداوند بدانچه که انجام می‌دهید آگاه است.

۱. نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۶۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۳۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۷۶

آیه‌ای که جز علی علیه السلام کسی دیگر به آن عمل نکرد

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ﴾^۱
 هنگامی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواستی داشتید همان هنگام صدقه بدهید
 که حاجتتان برآورده می‌شود، کسی جز امیرالمومنین علی علیه السلام به آن عمل
 نکرد که آن حضرت یک دینار صدقه می‌داد و ده سخن با رسول خدا صلی الله علیه و آله
 گفتگو می‌کرد.^۱

ابو بصیر روایت می‌کند که از امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ﴾ سوال کردم، فرمود: علی بن
 ابی طالب علیه السلام در هنگام سخن گفتن با پیامبر صلی الله علیه و آله صدقه می‌داد سپس خداوند
 آن را با این آیه ﴿أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ﴾ منسوخ نمود.^۲
 مجاهد گوید حضرت علی علیه السلام فرمود: همانا در قرآن آیه‌ای است که کسی
 قبل از من به آن عمل نکرد و بعد از من نیز کسی به آن عمل نمی‌کند و آن آیه
 نجوی است، یک دینار داشتم و آن را به ده درهم خرد نمودم، و هر سخنی که
 با پیامبر می‌نمودم یک درهم صدقه می‌دادم. که خداوند آن را با آیه ﴿أَشْفَقْتُمْ
 أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا
 الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ منسوخ
 نمود.^۳

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَ
 يَخْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (۱۴)

۱. نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۶۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۳۸
۲. بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۳۷۸؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۸۳؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۶۵
- تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۳۸
۳. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۹ و ج ۳۵، ص ۳۷۸؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۶۵؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۸۳

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۵)
 اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۱۶)
 لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ
 فِيهَا خَالِدُونَ (۱۷)
 يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُخَلِّفُونَ لَهُ كَمَا يَخْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَى
 شَيْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۸)

۱۴- آیا ندیدی کسانی را که با قومی دوست شدند که مورد غضب خداوند بودند؟ که آنها نه با شما بودند و نه از آنها، و سوگند دروغ می‌خورند در حالی که می‌دانند (دروغ است).

۱۵- خداوند برای آنها عذابی شدید آماده کرده است، چرا که آنها اعمال بدی انجام می‌دادند.

۱۶- آنها سوگندهای خود را سبزی قرار دادند، و مردم را از راه خدا باز داشتند، پس برای آنها عذابی ذلت بار است.

۱۷- و هرگز اموال و فرزندان آنها را از عذاب خداوند نمی‌رهاند، آنها اهل آتش جهنم هستند، و در آنجا همیشگی خواهند بود.

۱۸- روزی که خداوند همه آنها را بر می‌انگیزد، پس آنها برای خداوند هم سوگند (دروغ) می‌خورند همچنانکه برای شما یاد می‌کنند، گمان می‌کنند که برای آنها اثری خواهد داشت؛ آگاه باشید که آنها دروغگویان هستند.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ فرمود: این آیه درباره دومی نازل شده است رسول خدا بر او گذشت دید نزد مرد یهودی نشسته و خبر پیامبر ﷺ را می‌نویسد پس خداوند نازل فرمود: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ﴾ پس حضور پیغمبر ﷺ

آمد آن حضرت به او فرمود: چه چیز از یهودیها می نوشتی و حال آنکه خداوند شما را از نوشتن آن نهی فرموده است؟

گفت: ای رسول خدا اوصاف شما را از روی تورات آنها می نوشتم و آن را برای پیامبر ﷺ خواند که پیغمبر در خشم و غضب شد.

مردی از اصحاب به او گفت: وای بر تو آیا نمی بینی که پیامبر ﷺ از تو خشمگین است؟

گفت: من از غضب خداوند و رسولش به خداوند پناه می برم من اوصاف تو را آنچه در تورات دیده ام نوشته ام.

پیغمبر به او فرمود: اگر موسی بن عمران میان آنها بود و نزد ایشان می رفتی برای آن چیزیکه میل داری همانا تو کافر بودی^۱ و آن قول خداوند است که فرمود: ﴿اتَّخَذُوا اِيْمَانَهُمْ جُثَّةً﴾ یعنی ایمانشان پرده ای در میان آنها و کفار است و ایمان آوردن آنها اقرار زبانی و به خاطر ترس از شمشیر و ندادن جزیه است.^۲

و فرمود: ﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيعًا فَيَحْلِقُوْنَ لَهُ كَمَا يَحْلِقُوْنَ لَكُمْ﴾ یعنی هنگامی که روز قیامت شود خداوند آنها را که حق آل محمد ﷺ را غصب نموده اند را جمع می کند و اعمال آنها را به ایشان عرضه می دارد، آنها سوگند می خورند این کارها را انجام نداده اند، همچنانکه در دنیا قسم خورده بودند که نگذارند ولایت به بنی هاشم برسد و بعد برای رسول خدا ﷺ به دروغ سوگند خوردند که آن را نگفته اند، و در عقبه تصمیم گرفتند که پیغمبر اکرم ﷺ را بقتل برسانند وقتی خداوند خبر داد و رسولش را از تصمیم و

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۲

۲. بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۱۵۹

عهد بستن ایشان آگاه گردانید، حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدند به دروغ سوگند یاد کردند که ما چنین تصمیمی نداشتیم و عهد و پیمانی نبستیم آن وقت این آیه را نازل فرمود: ﴿يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ﴾ (منافقان) به خدا سوگند می‌خورند که (سخنانی نادرست) نگفته‌اند، و به تحقیق سخنانی کفرآمیز گفته‌اند و بعد از اسلام آوردن کافر شدند، و تصمیم گرفتند ولی دست بدان نیافتند، آنها در پی انتقام هستند که خداوند و رسولش آنها را از فضل خود بی‌نیاز ساختند، اگر توبه کنند برای آنها بهتر است.^۱

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَسَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲۲)

۲۲- هیچ قومی را نمی‌یابید که به خداوند و روز رستاخیز ایمان آورده باشد و با دشمنان خداوند و رسولش دوستی کرده باشد، هر چند که (آن دشمنان) پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشان آنها باشند. اینها کسانی هستند که خداوند بر دلهایشان ایمان را نوشته و با روحی از جانب خودش آنها را تقویت نموده است، و آنها را به باغ‌های بهشتی وارد می‌کند که از زیر درختانش نه‌رها جاری است و در آن همیشگی خواهند بود، خداوند از

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۸۵؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۶۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۴۱

آنها خشنود است، و آنها نیز از خداوند خشنود می باشند، اینها حزب الهی

هستند، آگاه باشید که حزب الله رستگاران هستند.

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ - تَأْخُذُ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ أَوْ إِخْوَانِهِمْ أَوْ عَشِيرَتِهِمْ...﴾ یعنی هر کس

به خداوند و روز آخرت ایمان دارد کسی را که از خداوند و رسولش روی بر

گردانده با او دوستی و برادری نکند، تا اینکه فرمود: ﴿أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ

الْإِيمَانَ﴾ که آنها ائمه علیهم السلام هستند.

﴿وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ﴾ فرمود: روح فرشته ای بزرگتر از جبرئیل و میکائیل

بود که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و با ائمه علیهم السلام نیز می باشد.^۱

﴿أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ﴾ یعنی ائمه علیهم السلام یاوران خدا هستند.

﴿أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ آگاه باشید که حزب الله رستگاران

هستند.^۲

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۷۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۸۸

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۹۰



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورة حشر



مرکز تحقیقات و تفسیر قرآن

۵۹ - سورة حشر در مدینه

نازل شده و دارای ۲۴ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (١)
هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا
ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ
حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ
وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (٢)

وَلَوْ لَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ
النَّارِ (٣)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٤)
مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَبَنٍ أَوْ تَرَ كَثْمُوهَا فَايْمَةً عَلَى أَسْوَاقِهَا فَيَاذَنِ اللَّهُ وَلِيُخْرِجِي
الْقَاسِقِينَ (٥)

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ
اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٦)

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ
الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٧)

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۸)

وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۹)

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (۱۰)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۱)

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُولِيَنَّ الْأُذُنَارَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ (۱۲)

۱- آنچه که در آسمانها و زمین است همه تسبیح خداوند را می‌گویند، که او عزیز و حکیم است.

۲- اوست کسی که کافران از اهل کتاب را برای نخستین بار از خانه‌هایشان بیرون راند، و هرگز شما گمان نمی‌کردید که آنها از دیارشان بیرون روند، و آنها نیز می‌پنداشتند که حصارهای محکشان آنها را از عذاب الهی مانع می‌گردد، اما خداوند از آنجایی که گمان نمی‌کردند آمد، و در دل‌هایشان ترس و وحشت فرا گرفت، به طوری که خانه‌هایشان را با دست خودشان و دست مومنین خراب کردند، پس ای اهل بصیرت عبرت بگیرید.

۳- و اگر خداوند برای آنها ترک وطن را مقرر نفرموده بود در همین دنیا عذابشان می‌کرد، و برای آنها در آخرت عذاب آتش جهنم است.

۴- این همه گرفتاری به خاطر آن است که آنها با خدا و رسولش دشمنی کردند، و هر کس با خداوند دشمنی کند همانا که خداوند عقابش سخت و شدید است.

۵- آنچه از درختان خرما را قطع کردید و یا آنها را سالم نگه داشتید همه به فرمان خداوند بود تا فاسقین خوار و رسوا شوند.

۶- و آنچه خداوند از آنها (غنائم) به رسول خود باز گردانده از آن چیزهائی است که نه شما برای بدست آوردنش اسبی تاخته‌اید و نه شتری را، و لکن خداوند رسولانش را بر هر کسی که بخواهد مسلط می‌گرداند، و خداوند بر هر چیزی تواناست.

۷- آنچه را که خداوند از اموال اهل این سرزمین‌ها به رسول خودش بازگرداند پس از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است؛ تا این (اموال) به دست ثروتمندان شما نرسد، و آنچه که رسول برای شما آورده را بگیرید و از آنچه که شما را نهی کرده خودداری نمائید، و از خداوند بپرهیزید، همانا که خداوند عقابش سخت و شدید است.

۸- این اموال برای فقراء مهاجرینی است که از سرزمین و اموال خودشان رانده شدند به خاطر اینکه فضل و رضایت الهی را بدست بیاورند، و خدا و رسولش را یاری کنند، اینها همان راستگویان هستند.

۹- و نیز برای کسانی است که در این سرزمین (مدینه) و خانه‌ایمان قبل از آنها (مهاجران) مسکن گزیدند و کسانی که به سویشان هجرت می‌کنند را دوست می‌دارند، و در دل خودشان هیچ حاجتی (کینه و حسدی) نسبت به آنچه (از غنائم) به مهاجرین داده می‌شود نمی‌یابند هر چند که به آن

نیازمند باشند، و هر کسی که خودش را از حرص و بخل باز دارد همین
اینها رستگاران هستند.

۱۰- و کسانی که بعد از آنها آمده و می‌گویند: پروردگارا، بر ما و بر برادران
ما که در ایمان آوردن بر ما سبقت گرفته‌اند را بیامرز، و در دلهای ما حسد و
کینه‌ای نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا که تو رؤوف
و مهربان هستی.

۱۱- آیا ندیدی که منافقین به برادران کافرشان از اهل کتاب می‌گفتند: اگر
شما را از خانه‌هایتان بیرون کنند ما نیز با شما بیرون می‌آئیم و از هیچ کس
درباره شما پیروی نمی‌کنیم، و اگر با شما جنگ کنند ما شما را یاری
می‌کنیم، و خداوند شهادت می‌دهد که آنها دروغ می‌گویند.

۱۲- اگر آنها (کفار) را بیرون کنند (منافقین) با آنها بیرون نمی‌روند، و اگر
(مسلمانان) با آنها (کفار) جنگ کنند (منافقین) یاریشان نمی‌کنند، و اگر هم
یاریشان کنند در میدان جنگ پشت کرده فرار می‌کنند سپس کسی آنها را
یاری نمی‌کند.

کوچ دادن بنی‌نضیر از مدینه

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ * هُوَ الَّذِي
أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرِجُوا *
سبب نزول آیه این بود که در مدینه سه طایفه و دودمان از یهودیان زندگی
می‌کردند، یکی بنی‌النضیر بود، و یکی بنی‌قریظه، و دیگری بنی‌قینقاع. و این
سه طایفه با رسول خدا ﷺ عهدی داشتند که تا مدتی مورد احترام بود، و
بعداً یهودیان آن عهد را شکستند.

و سبب این عهدشکنی در بنی النضیر این بود که مردی از اصحاب آن جناب دو نفر را ترور کرده بود، و قرار شد که به صاحبان خون، دیه و خونبها بپردازند، رسول خدا ﷺ به میان بنی النضیر آمد تا از آنان مقداری پول برای این منظور قرض کند. در بین افراد بنی النضیر کعب بن اشرف بود که رسول خدا ﷺ بر وی وارد شد. کعب گفت: مرحبا ای ابو القاسم، خوش آمدی. و برخاست و چنین وانمود کرد که می‌خواهد طعامی درست کند، ولی در دل نقشه کشتن آن جناب را می‌ریخت، و در سر می‌پروراند که بعد از کشتن آن جناب بر سر اصحابش بتازد. در همین حال جبرئیل نازل و جریان را به آن جناب اطلاع داد. حضرت برخاست و به مدینه برگشت، و به محمد بن مسلمه انصاری فرمود: برو در قبیله بنی النضیر، و به مردم آنجا بگو که خدای عزوجل توطئه شما را به من خبر داد، یا از سرزمین ما بیرون شوید، و یا آماده جنگ باشید. آنان گفتند از بلاد تو بیرون می‌رویم.

از سوی دیگر عبد الله بن ابی شخصی را نزد ایشان فرستاد که بیرون نروید، و هم چنان در محل خود بمانید، و با محمد جنگ کنید که اگر چنین کنید من با قوم خود و هم سوگندام شما را یاری خواهم کرد، و اگر هم بیرون بروید من نیز با شما بیرون می‌آیم، و اگر قتال کنید با شما در قتال همدست می‌شوم. قبیله بنی النضیر چون این وعده را شنیدند دلگرم شده، تصمیم گرفتند بمانند، و به اصلاح قلعه‌ها پرداخته آماده جنگ شدند، و شخصی را نزد رسول خدا ﷺ فرستادند که ما از دیار خود بیرون نمی‌رویم، هر کاری که می‌خواهی بکن. رسول خدا ﷺ برخاست و تکبیر گفت، اصحابش یک صدا تکبیر گفتند. به امیر المؤمنین فرمود: تو پیشاپیش لشکر به قبیله بنی النضیر برو. امیر المؤمنین پرچم جنگ را برداشت، و به راه افتاد، و رسول

خدا ﷺ قلعه آنان را محاصره کرد، و عبد الله بن ابی به کمک آنان نیامد، و بدینسان ایشان را فریب داد.

رسول خدا ﷺ به هر یک از قلعه‌های ایشان که نزدیک می‌شد آن قلعه را خراب می‌کردند، و به قلعه بعدی منتقل می‌شدند. و با اینکه بعضی از یهودیان خانه‌های گران بها داشتند، رسول خدا ﷺ دستور داد درختان خرماي آنان را قطع کنند. یهودیان به جزع در آمدند، و گفتند: ای محمد! مگر خدای تعالی تو را امر به فساد کرده، اگر این درختان از تو شد بگذار سالم از آن تو باشد، و اگر از ما است چرا قطع می‌کنی.

یهودیان وقتی چنین دیدند گفتند: ای محمد! ما حاضریم از سرزمین تو بیرون شویم، به شرطی که اموال ما را به ما بدهی. حضرت فرمود: این کار را نمی‌کنم، و لیکن به شما اجازه می‌دهم از اموالتان آن مقدار را که شتران شما حمل کند با خود ببرید. یهودیان قبول نکردند، و چند روزی هم ماندند، آن گاه گفتند می‌رویم، و به مقدار بار شتران از اموال خود می‌بریم. فرمود: نه باید بروید و هیچ چیز با خود نبرید، هر کس از شما را ببینیم که با خود چیزی می‌برد او را خواهیم کشت.

یهودیان از قلعه‌های خود بیرون شده، جمعی از ایشان به فدک، و جمعی به وادی القری، و گروهی به شام رفتند. در این باره بود که آیات زیر نازل شد:

﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا - تَا - فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾

و در باره اعتراضی که یهودیان به آن جناب در مورد قطع درختان خرما کرده بودند، فرمود: ﴿مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ

اللّٰهُ وَلِيُّ الْفَاسِقِينَ - تا - رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴿

و در باره عبد الله بن ابی، و همفکرانش این آیه نازل شد: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ - تا - ثُمَّ لَا يَنْصُرُون﴾ آیا ندیدی که منافقین به برادران کافرشان از اهل کتاب می گفتند: اگر شما از خانه هایتان بیرون کنید ما نیز با شما بیرون می آئیم و از هیچ کس درباره شما پیروی نمی کنیم، و اگر با شما جنگ کنند ما شما را یاری می کنیم، و خداوند شهادت می دهد که آنها دروغ می گویند. اگر آنها (کفار) را بیرون کنند (منافقین) با آنها بیرون نمی روند، و اگر (مسلمانان) با آنها (کفار) جنگ کنند (منافقین) یاریشان نمی کنند، و اگر هم یاریشان کنند در میدان جنگ پشت کرده فرار می کنند سپس کسی آنها را یاری نمی کند.

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۵)
كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ
اللّٰهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱۶)

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (۱۷)

۱۵ - (کار این گروه از یهود) مانند کسانی هست که کمی قبل از اینها بودند

که وبال کار خودشان را چشیدند و برای آنها عذابی دردناک است.

۱۶ - (کار آنها) مانند شیطان است که به انسان گفت: کافر شو؛ پس هنگامی

که کافر شد گفت: من از تو برات می جویم همانا من از خدای پروردگار

عالمیان می ترسم.

۱۷ - پس عاقبت کار هر دو آنها (شیطان و انسان) این شد که در آتش جهنم

همیشگی خواهند بود، که آن کیفر ستمکاران است.

﴿كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ یعنی بنی قینقاع ﴿قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ

عَذَابُ الْيَمِّ

سپس مثلی برای عبد الله بن ابی و بنی النضیر زده و فرمود: «كَمَثِلَ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْغَالِمِينَ» * فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ * در آن حرف زیادی است که در روایت علی بن ابرهیم نیامده است.

أبان بن عثمان از ابی بصیر در غزوه بنی النضیر که در آن اضافه نموده که رسول خدا ﷺ به انصار فرمود: اگر بخواهید فیء (درآمد حاصل از تسلیم کافران) مهاجران را از آن به شما می‌دهم و اگر بخواهید میان شما و آنان قسمت می‌کنم، و شما را همراه آنان می‌گذارم. گفتند: ما می‌خواهیم که آن را میان آنان تقسیم کنی، پس پیامبر خدا ﷺ آن را میان مهاجران تقسیم کرد و از انصار بازداشت و جز به دو نفر از انصار سهل بن حنیف و ابا دجانة نداد که این دو نیاز خود را بدان مال یاد آور شدند.

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمُنُ الْعَزِيزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۳)
هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۴)

۲۳- اوست خداوندی که غیر او هیچ معبودی نیست، مالک اصلی اوست، از هر عیب و نقص پاک است، ستم کننده نیست، ایمنی بخش است، از همه چیز مراقبت می‌کند، قدرتمندی بی‌همتاست، هر امری را با اراده‌اش اصلاح می‌کند، سزاوار عظمت و بزرگواری است، پاک و منزّه است

۱. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۱۶۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۴۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۷۲؛
تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۹۲

خداوند از هر آنچه که برای او شریک قرار می دهند.

۲۴- اوست خداوندی که خالق، آفریننده و صورتگر است، برای او نامهای نیکویی است، آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح گوی او هستند، و او عزیز و حکیم است.

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ﴾ فرمود: ﴿الْقُدُّوسُ﴾ یعنی اینکه

از آفاتی که موجبات جهل و نادانی است به دور است.

﴿السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ﴾ فرمود: اولیائش را از عذاب در امان می دارد.

﴿الْمُهَيَّمِنُ﴾ یعنی شاهد.

﴿هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِي﴾ که ﴿الْبَارِي﴾ یعنی اوشی را از چیزی که نیست خلق می کند ﴿لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ برای او نامهای نیکویی است، آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح گوی او هستند، و او عزیز و حکیم است.

يعقوب بن جعفر گوید از امام موسی بن جعفر عليه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند متعال بر پیغمبرش محمد صلی الله علیه و آله نازل فرمود ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ را، و به این اسماء ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ نامیده شد. که عقل های آنها درباره خدای تعالی بحیرت افتاد و هوشها از دست داده شده لذا برای خدا مثلها زده اند و او را به اشیائی تشبیه کردند و اشیاهی برای او قرار دادند و گفتند خدا در اشیاء حلول می کند و از اشیائی زایل می شود این قبیل از مردم در دریای بی پایانی فرو رفتند که انتهای آن را نمی دانند و اندازه دوری آن را درک نمی کنند.^۲

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۵۹؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۲۹۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۰۹

۲. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۹۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۱۲



مرکز تحقیقات کلام و علوم اسلامی

تفسیر سورۃ ممتحنه



از تفسیر سوره ممتحنه

۶۰ - سورۃ ممتحنه در

مدینه نازل شده و دارای ۱۳

آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِنَّا كُنتُمْ أَن تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (١)

إِنْ يَتَفَقَّهْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ (٢)

لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٣)

۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست مگیرید، شما با آنها با دوستی و محبت برخورد می‌کنید در حالی که آنها نسبت به آنچه که از سوی حق به سوی شما آمده کافر شده‌اند، آنها رسول و شما را به خاطر اینکه به خداوندی که پروردگار شماست ایمان آورده‌اید از سرزمین‌تان بیرون می‌رانند، اگر شما به خاطر جهاد در راه من و بدست آوردن رضایتم از وطن‌تان بیرون شده‌اید، در پنهانی با آنها دوست

می‌شوید، و من آنچه را که پنهان می‌دارید و آنچه را که آشکار می‌کنید را می‌دانم، و هر کس از شما چنین کاری را انجام بدهد به تحقیق از راه راست گمراه شده است.

۲- اگر آنها بر شما تسلط یابند دشمنانان می‌شوند، و دست و زبان‌شان را به بدی به سوی شما باز می‌کنند، و دوست می‌دارند که شما باز کافر شوید.

۳- هرگز روز قیامت خویشان و فرزندان شما نفعی به حالتان نخواهد داشت، میان شما جدایی می‌افتد، و خداوند به آنچه که انجام می‌دهید بیناست.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ﴾

این آیه در شان حاطب ابن ابی بلتعنه نازل شده، هر چند لفظ آیه عام است، و لیکن معنایش مخصوص به این شخص است، و داستان‌ش بدین قرار بود که: حاطب ابن ابی بلتعنه در مکه مسلمان شد، و به مدینه هجرت کرد، در حالی که عیالش در مکه مانده بودند. از سوی دیگر کفار قریش ترس آن را داشتند که لشکر رسول خدا ﷺ بر سر آنان بتازد، ناچار نزد عیال حاطب رفته، از این خانواده خواستند تا نامه‌ای به حاطب بنویسند، و از وی خبر محمد ﷺ را بپرسند که آیا تصمیم دارد با مردم مکه جنگ کند یا نه؟

خانواده حاطب نامه‌ای به او نوشته، جویای وضع شدند. او در پاسخ نوشت: آری رسول خدا ﷺ چنین قصدی دارد، و نامه را به دست زنی به نام صفیه داد، و او نامه را در لای گیسوان خود پنهان نموده به راه افتاد. در همین میان جبرئیل نازل شد، و رسول خدا ﷺ را از ماجرا خبر داد.

رسول خدا ﷺ امیر المؤمنین علی علیه السلام و زبیر بن عوام را به طلب آن زن فرستاد، این دو نفر خود را به او رساندند. امیر المؤمنین پرسید: نامه کجاست؟

صفیه گفت: نزد من چیزی نیست.

حضرت علی و زبیر زن را تفتیش کردند، و چیزی همراه او نیافتند. زبیر گفت: حال که چیزی نیافتیم برگردیم.

امیر المؤمنین فرمود: به خدا سوگند رسول خدا ﷺ به ما دروغ نگفته، و جبرئیل هم به آن جناب دروغ نگفته، و او هم به جبرئیل دروغ نمی‌بندد، و جبرئیل هم به خدا دروغ نمی‌بندد، و به خدا سوگند ای زن یا نامه را در می‌آوری و می‌دهی، و یا سر بریده‌ات را نزد رسول خدا ﷺ می‌برم.

صفیه گفت: پس از من دور شوید تا در آورم. آن گاه نامه را از لای گیسوانش در آورد. امیر المؤمنین نامه را گرفت و نزد رسول خدا ﷺ آورد. رسول خدا ﷺ از حاطب پرسید: این چکاری است که کردی؟

حاطب عرض کرد: یا رسول الله! به خدا سوگند این کار را از روی نفاق نکردم، و چیزی تغییر و تبدیل ندادم، و من شهادت می‌دهم به اینکه جز خدا معبودی نیست، و اینکه تو رسول بر حق اویی، و لیکن اهل و عیال من از مکه به من نوشتند که قریش با ما خوشرفتاری می‌کنند، من خواستم در حقیقت حسن معاشرت آنان را با خدمتی تلافی کرده باشم. بعد از سخنان حاطب خدای تعالی این آیه را فرستاد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ - تَا - لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾^۱

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ

۱. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۱۲ و ج ۷۲، ص ۳۸۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۶۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۹۹؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۱۴

وَالْبَعْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَا تُشْفِقَنَّ لَكَ
وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ
الْمَصِيرُ (۴)

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفُ عَنَّا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۵)
لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يُتَوَلَّ
فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۶)

عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ كَذَبُوا عَنْهُ مَوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ
عَفُورٌ رَحِيمٌ (۷)

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ
أَنْ تَبَرَّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۸)

۴- به تحقیق برای شما در ابراهیم و کسانی که با او بوده‌اند الگوی خوبی
است، هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: ما از شما و از آنچه غیر از
خدا را می‌پرستید بیزار می‌شویم، ما به شما کافریم، و میان ما و شما
دشمنی و کدورت آغاز شده تا زمانی که به خداوند یگانه ایمان بیاورید،
مگر سخن ابراهیم که به پدرش (عمویش) گفت: (اگر ایمان بیاوری) برای
تو (از خداوند) طلب مغفرت می‌کنم، و (اگر ایمان نیاوری) و من در برابر
خداوند برای تو مالک چیزی نیستم، پروردگارا ما بر تو توکل نمودیم و به
سوی تو باز گشتیم، که باز گشت همه امور به سوی توست.

۵- پروردگارا، ما را مایه فتنه و امتحان کافران قرار مده، پروردگارا ما را
بیامرز، همانا که تو عزیز و حکیم هستی.

۶- به تحقیق برای شما در زندگی آنها الگوی نیکویی بود، برای کسانی که
امید به خدا و روز آخرت دارند؛ و هر کس روی بگرداند (به خود زیان

(رسانده) همانا که خداوند بی‌نیاز و ستوده است.

۷- امید است که خداوند میان شما و دشمنانتان دوستی برقرار کند، و خدا

تواناست، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

۸- خداوند شما را نسبت به کسانی که در امر دین با شما جنگ نکردند و از

سرزمین‌تان بیرون نراندند از نیکی کردن به آنها و رعایت نمودن عدالت نهی

نمی‌کند، همانا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست می‌دارد.

ابی‌الجارود گوید، امام باقر علیه السلام در معنای آیه «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ

وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» فرمود: همانا

خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و مومنین امر نموده تا از گروهی که کافر هستند برائت

بجویند.

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ

مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ تَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» خداوند

عزوجل ولایت مؤمنین را از آنها قطع نموده و آنها نیز دشمنی‌شان را بر آنها

ظاهر کردند، پس فرمود: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ

مَوَدَّةً» امید است که خداوند میان شما و دشمنانتان دوستی برقرار کند.

هنگامی که اهل مکه اسلام آوردند، اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنها روابط

برقرار نمودند و از آنها زن گرفتند و رسول خدا صلی الله علیه و آله با أم حبیب دختر

ابی‌سفیان بن حرب ازدواج نمود سپس فرمود: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ» تا آخر

دو آیه.^۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مِنْهَا جَرَاتِ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ

بِإِيمَانِهِمْ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَأَهُنَّ حِلٌّ لَهُمْ
وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا
آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَسَلُّوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُمْ
مِنْهُنَّ حِلٌّ حَتَّى تَخْرُجُوا مِنْ دِينِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۰)
وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَلَا قَبْسُكُمْ فَأَتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ
أَرْوَاجُهُمْ بِمِثْلِ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۱۱)

۱۰- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که زنان با ایمان به عنوان مهاجر
به نزد شما آمدند آنها را امتحان کنید، خداوند به ایمان آنها آگاه‌تر است.
پس اگر علم یافتید که با ایمان هستند آنها را به کفار تحویل ندهید، که نه
اینها برای کفار حلال هستند و نه کفار برای آنها حلال می‌باشند، و آنچه که
همسران کافر آنها به ایشان پرداخته‌اند به آنها بپردازید، و هیچ گناهی برای
شما نیست که با آنها ازدواج کنید در صورتی که مهرشان را بپردازید، و
هرگز زنان کافر را در همسری خود نگه ندارید (اگر زنان کافر شده و به
نزد کفار رفتند) مهر و نفقه را از کفار بگیرید همچنانکه آنها می‌توانند مهر و
نفقه (زنی که مسلمان شده را از شما) بگیرند، این حکم خداوند است، که
بیتان حکم می‌کند، و خداوند دانا و حکیم است.

۱۱- و اگر بعضی از همسران شما از دستتان رفته و به کفار ملحق شدند، و
شما در جنگی بر آنها پیروز شدید و غنائمی بدست آوردید به کسانی که
همسرانشان به کفار ملحق شده‌اند مهر و نفقه‌اش را (از غنائم) بپردازید، و
(از مخالفت) خداوندی که به او ایمان آورده‌اید بپرهیزید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ
بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ﴾ فرمود: هنگامی که

زنی از مشرکین به مسلمین پیوست مورد امتحان قرار بگیرد به اینکه سوگند به خدا بخورد که به خاطر بغض از شوهر کافرش و نیز به خاطر دوستی یکی از مسلمانان به آنها ملحق نشده است همانا فقط به خاطر اسلام به مسلمانان ملحق شده است و هنگامی که بر آن سوگند خورد اسلامش مورد قبول واقع می‌شود؛ سپس خداوند عز و جل فرمود: ﴿فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا﴾* یعنی شخص مسلمان مهریه آن زن را به شوهر کافرش بپردازد و سپس با او ازدواج نماید و این قول الهی است که می‌فرماید: ﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾ و هیچ گناهی برای شما نیست که با آنها ازدواج کنید در صورتی که مهرشان را بپردازید.^۱

ابی‌الجارود گوید، امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ﴾* فرمود: هر مسلمانی که در نزد او زن کافری باشد یعنی به غیر مسلمان باشد، پس اسلام را بر او عرضه کند، اگر قبول کرد پس زن او می‌شود و الا از او دوری نماید و خداوند نهی نموده است که به آن زن دست درازی کند.^۲

﴿وَسَأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ﴾* یعنی هنگامی که زن مسلمانی به کفار ملحق شود بر شخص کافر است که مهریه او را بر مسلمان برگرداند، و اگر کافر مهریه او را نپرداخت و مسلمانان غلبه پیدا کردند و از آنها غنیمت گرفتند قبل از تقسیم غنیمت مهریه زن ملحق شده به کافر را برداشته و به مسلمان می‌دهند.

ابی‌الجارود گوید که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۴؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۷۱؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۰۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۱۶
 ۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۴۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۰۵؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۱۷

أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ* فرمود: یعنی اگر زن مسلمانی به کفار ملحق شود مهریه او را از کفار طلب کنید و اگر زن کافری بر شما ملحق شد مهریه اش را به آنها اعطا کنید.^۱

﴿وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ﴾ می فرماید: اگر زن مسلمان ملحق به کافرانی شود که میان شما و میان ایشان عهدی و پیمانی نبوده و شما از آن کافران غنیمت بدست آورده باشید باید که شما از آن غنیمت مهر آن زن را بشوهر مسلمان او بدهید.

﴿فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾ سبب نزول آیه این است که فاطمه دختر ابی امیه بن المغیره زن عمر خطاب بوده و آن زن هجرت با او را مکروه داشته در مکه با مشرکین اقامت نمود پس معاویه بن ابی سفیان او را خواستگاری کرد بعد از این خدای تعالی به پیغمبر خود را امر کرد که مثل مهر آن زن را به عمر بن خطاب بدهد.^۲

ابی الجارود گوید امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ﴾ فرمود: اگر زنی از شما به کفاری که میانتان عهد و پیمان نوشته شده است ملحق شد مهریه اش را از آنها بخواهید و اگر زنی از آنها به شما ملحق شد مهریه او را به آنها بپردازید ﴿ذَلِكَ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ﴾ این حکم خداوند است که بینتان حکم می کند.^۳

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۵

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۷۲؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۰۵

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۰۶

وَأَرْجُلُهُنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايَعَهُنَّ وَاسْتَغْفِرَ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَنسَوْنَ الْآخِرَةَ كَمَا يَنسَى الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (۱۳)

۱۲- ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو بیایند که با تو بیعت کنند که دیگر هرگز برای خداوند شریک قرار ندهند، دزدی نکنند، زنا ندهند، و فرزندانشان را نکشند، تهمت و افترا بی دست و پای خود نیاورند (یعنی فرزندی را که خود از راه نامشروع بدنیآ آورده‌اند و علم به انعقاد نطفه او دارند به دروغ به کسی دیگر نسبت ندهند)، و در هیچ امر معروفی نافرمانی تو را نکنند، پس (با این شرائط) با آنها بیعت کن، و از خداوند برای آنها طلب مغفرت نما، همانا که خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱۳- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با قومی که خداوند بر آنها غضب کرده دوستی مکنید که آنها از آخرت مأیوس هستند همچنان که کفار مدفون در قبرها (از دوباره برگشتن خود) مأیوس هستند.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايَعَهُنَّ وَاسْتَغْفِرَ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱﴾ این آیه روز فتح مکه نازل شد پیغمبر اکرم ﷺ میان نماز ظهر و عصر در مسجد الحرام نشست و مردها با حضرتش بیعت کردند و پس از نماز عصر امر فرمود ظرفی را پر از آب کردند، آن حضرت دست مبارک خود را در آن آب گذاشت و به زن‌ها فرمود: هر کس می‌خواهد بیعت کند دست خود را داخل آب کند و من با زنان مصافحه نمی‌کنم و آیه ﴿عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ﴾

شَيْئًا وَلَا يَسْرِقَنَّ وَلَا يَزْنِ وَلَا يَقْتُلَنَّ أَوْ لَا ذَهْنَ وَلَا يَأْتِيَنَّ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلِهِمْ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايَعُهُمْ* را قرائت کرد.

ام حکیم دختر حارث بن عبد المطلب عرض کرد: ای رسول خدا معروف چیست که ما زن‌ها باید در آن نافرمانی شما نکنیم و خداوند ما را امر به آن نموده است؟

فرمود: معروف عبارت از آن است که صورتهای خود را نخراشید و سیلی بصورت خود نزید و موهای خود را نکنید و گریبان چاک نزید و لباس سیاه نپوشید و صدا را به واویلا بلند نکنید و کنار قبرها توقف ننمائید. آن زنان با شروط در آیه بکیفیت مزبور به امر پیغمبر خدا بیعت کردند.^۱

عبد الله بن سنان گوید از امام صادق علیه السلام از معنای جمله شریفه ﴿وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾ سؤال کردم، فرمود: معروف همان اموری است که خدای تعالی بر زنان واجب کرده، مانند نماز و زکات و هر عمل خیر دیگری که به ایشان دستور داده است.^۲

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ عطف بر آیه ۱ همین سوره ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾ می‌باشد.^۳

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۴۹؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۱۳

۲. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۷۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۷۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۲۰

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۲۲

تفسیر سورة صف



مركز تحقيق و ترجمه قرآن و معارف اسلامی

۶۱ - سورة صف در مدینه

نازل شده و دارای ۱۴ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتب و تواتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۲)
كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (۳)

۱- هر آنچه در آسمانها است هر آنچه در زمین همه تسبیح گوی خداوند هستند، و او عزیز و حکیم است.

۲- ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا چیزی را می گوئید که عمل نمی کنید؟
۳- موجب خشم خداوند می شود اینکه سخنی را بگوئید و خود عمل نکنید.

﴿سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿

خطاب به اصحاب رسول خدا ﷺ است که به آن حضرت وعده دادند که او را یاری کنند و از دستوراتش مخالفت نورزند، و عهد و پیمانشان را درباره امیر المؤمنین علیؑ نقض نکنند، پس خداوند دانست که آنها به عهد و پیمانشان وفا نمی کنند پس فرمود: ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ کَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ... ﴿ به تحقیق خداوند به خاطر اقرارشان آنها را مومنین نامیده است اگر

چه آنها را تصدیق نمی‌کند.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ (۴)
وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَوَدُّونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ
فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۵)

۴- خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او جهاد می‌کنند، که گویی همچون سدی آهنین هستند.

۵- (بیاد بیاور) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، چرا مرا رنج و آزار می‌دهید در حالی که می‌دانید من فرستاده خداوند به سوی شما هستم؟ پس هنگامی که منحرف شدند خداوند هم قلب‌هایشان را منحرف نمود، و خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند.

خداوند مومنینی را که مجاهده نمودند و در راه خداوند جنگ کردند را ذکر نموده و فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾ یعنی چنان صف می‌بندند که گویی بنیانی استوار و انهدام ناپذیرند.^۱

﴿فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾ یعنی خداوند قلب‌های آنها را به شک و تردید انداخت.

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (۶)

۶- و هنگامی که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل من فرستاده خداوند به سوی شما هستم، و من تصدیق کننده تورات که قبل از من آمده هستم و به فرستاده ای بشارت می دهم که بعد از من می آید و اسمش احمد است، پس هنگامی که (احمد) با دلائلی روشن به نزد آنها آمد گفتند: این سحری روشن و آشکار است.

خداوند قول عیسی علیه السلام به بنی اسرائیل را حکایت می کند ﴿إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾

فرمود: بعضی از یهودیان از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: چرا به نام احمد و محمد و بشیر و نذیر نامیده شدی؟
فرمود: اما محمد نامیده شدم، بدین جهت که من در زمین محمود هستم. و اما احمد نامیده شدم بدین جهت که من در آسمان احمد و ستوده تر از ستودگیم در زمین می باشم. و اما بشیر خوانده شدم به خاطر این که هر کس مرا اطاعت کند او را به بهشت بشارت می دهم. و نذیر خوانده شدم چون هر کسی را که نافرمانی خدا را بکند او را با آتش جهنم اندازش می کنم.^۱

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸)

۸- آنها می خواهند نور خدا را با دهانشان (سخنان باطل و بیهوده) خاموش کنند، و خداوند نور خود را کامل می کند و اگر چه کافران از آن کراهت داشته باشند.

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ﴾ فرمود: به وسیله

حضرت قائم از آل محمد علیهم السلام تا اینکه قیام می‌کند و خداوند به وسیله او دینش را ظاهر می‌گرداند بطوری که غیر از خداوند چیزی مورد پرستش واقع نمی‌شود. و آن فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید: زمین را پر از عدل و داد می‌کند همچنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد.^۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۱۰)
تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ
خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱)

يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِينُ
طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۳)

۱۰- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را به تجارتی راهنمایی نکنم که از عذاب دردناک نجاتتان دهد؟

۱۱- به خدا و رسولش ایمان بیاورید، و در راه خدا با اموال و جانان جهاد کنید، که این عمل برای شما بهتر است اگر بدانید.

۱۲- (اگر این عمل را انجام دهید خداوند) گناهان شما را می‌آمرزد، و شما را وارد باغ‌های بهشتی می‌کند که از زیر درختانش نهرها جاریست، و در مساکینی پاکیزه در بهشت عدن جای می‌دهد، و این رستگاری بزرگ است.

۱۳- و (باز نعمت) دیگری که آن را دوست دارید یاری خداوند و پیروزی نزدیک است و مومنان را (به این نعمت بزرگ) بشارت ده.

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ

عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۱۳﴾ نقل کرده که فرمود: اصحاب گفتند: چه خوب بود می‌فهمیدیم این تجارت چیست که اگر بفهمیم جان و مال و حتی اولادمان را هم در به دست آوردن آن می‌دادیم. خدای تعالی فرمود: ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ - تَأْتِيهِمُ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را به تجارتی راهنمایی نکنم که از عذاب دردناک نجاتتان دهد؟ به خدا و رسولش ایمان بیاورید، و در راه خدا با اموال و جانتان جهاد کنید، که این عمل برای شما بهتر است اگر بدانید.

﴿وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ﴾ یعنی در دنیا فتح امام قائم علیه السلام و در روایتی دیگر فرموده: یعنی فتح مکه.^۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنْتَ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتَ طَائِفَةٌ فَأَيْدِنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عِدْوِهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (۱۴)

۱۴- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از یاران الهی باشید، همچنانکه عیسی بن مریم به حواریین گفت: چه کسی مرا به سوی خداوند یاری می‌کند؟ حواریون گفتند: ما یاوران خدائیم. پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی نیز کافر شدند، پس ما نیز کسانی که ایمان آورده بودند را در برابر دشمنان‌شان تایید کردیم تا بر آنها پیروز شدند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ - تَأْتِيهِمُ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ فرمود: آنهايي که کافر شدند آنهايي بودند که شبیه

عیسی علیه السلام به عنوان عیسی گرفته و او را کشتند و به صلیب کشیدند و آنهایی که ایمان آوردند آنهایی بودند که شبیه عیسی علیه السلام را نکشتند، پس گروهی که او را گرفته و به صلیب کشیدند خود نیز کشته شدند و آن قول خداوند است که فرمود: ﴿فَأَيُّدُنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَاصْبِرُوا ظَاهِرِينَ﴾ * پس ما نیز کسانی که ایمان آورده بودند را در برابر دشمنانشان تایید کردیم تا بر آنها پیروز شدند.^۱



۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۱۹؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۳۱

تفسیر سورة جمعه



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

۶۲ - سورة جمعه در مدینه

نازل شده و دارای ۱۱ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتب و تاریخ علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ
الْحَكِيمِ (۱)

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲)
وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لِمَا يُلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

- ۱- آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین همه تسبیح گوی خداوند هستند، خداوندی که حاکم و از هر عیب و نقصی به دور و عزیز و حکیم است.
- ۲- اوست کسی که در میان امت بی سواد، رسولی مثل خودشان را فرستاد که آیاتش را بر آنها می خواند، و آنها را تزکیه می کند، و به آنها کتاب و حکمت تعلیم می دهد، و اگر چه قبل از آن در گمراهی آشکاری بودند.
- ۳- و نیز رسول قوم دیگریست که هنوز به آنها (عرب) ملحق نشده اند، و او عزیز و حکیم است.

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ﴾ که
﴿قدوس﴾ یعنی از آفاتی که موجب جهل و نادانی است بری می باشد.^۱

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ» فرمود: «امیون» کسانی هستند که کتابی با آنها نباشد.

معاویه بن عمار روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام در معنای آیه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ» فرمود: آنها می‌نوشتند و لکن از جانب خداوند کتابی با آنها نبود، و رسولی به سوی آنها فرستاده نشده بود پس خداوند نسبت «امیین» به آنها داد.^۱

«وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لُمَّا يُلْحَقُوا بِهِمْ» فرمود: بعد از آنها داخل در اسلام شدند.^۲

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَثْقَارًا بَشَرًا
مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵)
قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَسَمَّوْا
الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶)

۵- مثل کسانی که تورات به آنها داده شده ولی به آن عمل نمی‌کردند همانند خری است که کتاب‌هایی را حمل می‌کند (و نمی‌داند که بارش چیست)، قومی که آیات خداوند را تکذیب کردند چه بد مثلی دارند، و خداوند قوم ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

۶- بگو: ای قوم یهود، اگر می‌پندارید که شما دوستان خدا نیستید نه مردم دیگر، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید.

خداوند درباره بنی اسرائیل مثالی زده و فرمود: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَثْقَارًا» خر کتاب را حمل می‌کند و نمی‌داند

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۳ و ج ۱۶، ص ۱۳۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۸؛ تفسیر صافی،

ج ۷، ص ۱۸۷؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۲۲

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۲۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۸

که در آن چه است و به آن عمل نمی کند همچنین بنی اسرائیل همانند خر کتاب را حمل می کنند و نمی دانند که در آن چه است و به آن عمل هم نمی کنند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ فرمود: همانا در تورات نوشته شده که اولیاء خداوند آرزوی مرگ می کنند.^۱

قُلْ إِنَّمَا الْمَوْتُ الَّذِي تُقَرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۸)

۸- بگو: مرگی که از آن فرار می کنید سرانجام شما را ملاقات خواهد کرد، سپس به سوی کسی که دانا به پنهان و آشکار است بازگردانیده می شوید، و او شما را به آنچه که انجام می دادید آگاه می سازد.

﴿قُلْ إِنَّمَا الْمَوْتُ الَّذِي تُقَرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ﴾ امیر المومنین علیه السلام فرمود: ای مردم هر کس آنچه را از آن می گریزد درخواهد یافت، و اجل خود را به او می رساند، و گریز از آن همان رسیدن و دریافتن آن است.^۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۹)

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۰)

۹- ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که روز جمعه برای نماز دعوت

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۸۹؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۲۴؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۹.
 ۲. بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۲۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۹۰؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۲۴.

می‌شوید به سوی ذکر خداوند بشتابید، و خرید و فروش را رها کنید، که این عمل برای شما بهتر است اگر بدانید.

۱۰- پس هنگامی که نماز پایان یافت در روی زمین پراکنده شوید، و از فضل خداوند (روزی) بطلبید، و خداوند را زیاد یاد کنید شاید که رستگار شوید.

﴿فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ﴾ که ﴿سعی﴾ به معنای سرعت در راه رفتن است.^۱

ابی الجارود گوید امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ﴾ فرمودند: وقتی گفته می‌شود ﴿فاسعوا﴾ معنایش این است که بروید و چون گفته می‌شود ﴿اسعوا﴾ معنایش این است که برای فلان هدف عمل کنید. و معنای آیه این است که برای نماز جمعه شارب (سبیل) خود را کوتاه کنید، و موی زیر بغل را زائل سازید، ناخن بگیرید، غسل کنید، بهترین و نظیف‌ترین جامه را بپوشید، و خود را معطر سازید، اینها سعی برای نماز جمعه است. و سعی برای روز قیامت هم این است که آدمی خود را برای آن روز مهیا کند، هم چنان که فرموده: ﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ﴾^۲ و هر کس طالب آخرت باشد و برای رسیدن به آن نهایت تلاش و کوشش را بکند او مومن است.^۳

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ﴾ فرمود: یعنی روز شنبه در

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۲۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۹۱

۲. اسراء، آیه ۱۹

۳. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۸۹؛ بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۳۴۴؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۲۶

زمین پراکنده شوید.

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ
اللَّهِوِّ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱)

۱۱- و هنگامی که آنها تجارت یا لهوی را می بینند به سوی آن می روند و تو

را در حالی که ایستاده هستی ترک می کنند، بگو: آنچه نزد خداوند است از

لهو و تجارت بهتر است، و خداوند بهترین روزی دهنده است.

﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا﴾ رسول خدا ﷺ در روز جمعه با

مردم نماز می خواند که کاروان تجاری وارد مدینه شد که در جلوی آن

کاروان گروهی دف و طنبور می زدند، مردم از شنیدن آن نماز را ترک کرده

رفتند تا به آن کاروان تماشا کنند که چه آورده است که خداوند این آیه را نازل

فرمود: ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ
مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾^۱

ابن مسکان گوید از ابی بصیر سوال شد که امام چگونه خطبه می خواند،

گفت: ایستاده خطبه می خواند زیرا خداوند می فرماید: ﴿وَتَرَكُوكَ قَائِمًا﴾ و تو

را ایستاده ترک کردند.^۲

ابن ابی یعفر گوید امام صادق (علیه السلام) فرمود آیه اینچنین نازل شده است:

﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انصرفوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا﴾

﴿قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ﴾ یعنی برای کسانی که تقوی

دارند ﴿وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ و خداوند بهترین روزی دهنده است.^۳

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۲۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۳۴؛ بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۱۸۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۲۹؛

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴

۳. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۲۹



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورة منافقون



مرکز تحقیقات و تفسیر قرآنی

۶۳ - سورة منافقون در

مدینه نازل شده و دارای ۱۱

آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ
وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (١)

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٢)
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (٣)
وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ
مُسْتَنْدَءٌ يَحْسِبُونَ كُلَّ صَبِيحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ فَاتْلُكُمْ اللَّهُ أَنَّى
يُؤْفِكُونَ (٤)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّاْ رُؤُسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ
وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (٥)
سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (٦)

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ
خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (٧)
يَقُولُونَ لَنْ يَرْجِعَنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَنُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ
وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (٨)

۱- هنگامی که منافقین به نزد تو می آیند می گویند: ما شهادت می دهیم که تو رسول خداوند هستی، و خداوند می داند که تو رسول او هستی، و خداوند می داند که منافقین به دروغ شهادت می دهند (و آن را قبول ندارند).

۲- آنها سوگندهایشان را سپری قرار داده اند تا به وسیله آن مردم را از راه خداوند باز دارند، و آنها چه بد عمل می کنند.

۳- این به خاطر آن است که آنها اول ایمان آوردند سپس کافر شدند، پس خداوند بر دل‌های آنها مهر زده و آنها واقعیت را درک نمی کنند.

۴- و هنگامی که آنها را می بینی جسمشان تو را به تعجب می آورد، و اگر سخنی بگویند، به سخنانشان گوش می دهی، مانند اینکه چوب خشکی هستند که بر دیوار تکیه کرده اند، هر صدایی که می شنوند گمان می کنند که بر علیه خودشان است، آنها دشمنان تو هستند پس از آنها دروی کن، خداوند آنها را بکشد که از حق منحرف شدند.

۵- و هنگامی که به آنها گفته شود: بیایید تا رسول خدا برای شما طلب مغفرت بکند، سرهایشان را تکان می دهند، و آنها را می بینی که (از تو) اعراض کرده و تکبر می ورزند.

۶- برای آنها فرقی نمی کند که برایشان طلب مغفرت کنی یا طلب مغفرت نکنی، خداوند آنها را هرگز نمی آمرزد، همانا خداوند قوم فاسقین را هدایت نمی کند.

۷- آنها کسانی هستند که می گویند: بر کسانی که اطراف رسول خدا هستند اتفاق نکنید تا پراکنده شوند، خزینه های آسمانها و زمین برای خداوند است و لکن منافقین نمی فهمند.

۸- می‌گویند: اگر به مدینه برگشتیم عزیزان ذلیل شدگان را بیرون می‌کنند.
در حالی که عزت برای خداوند و برای رسولش و برای مومنین است و منافقین نمی‌دانند.

سخن عبداللہ بن ابی

﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ﴾ فرمود: این آیه در جنگ مریسع که جنگ با بنی المصطلق که و در سال پنجم هجرت اتفاق افتاد نازل شده است. رسول خدا ﷺ خودش در این جنگ شرکت کرد و در مراجعت کنار چاهی کم آب فرود آمد. انس بن سیار، همپیمان انصار و جهجاه بن سعید غفاری اجیر عمر بن خطاب در کنار چاه به هم برخوردند، و هر دو سطل در چاه انداختند تا آب بکشند، سطل در چاه به هم پیچید.

ابن سیار گفت: سطل من، جهجاه هم گفت سطل من. و همین باعث درگیری بین آن دو شد، جهجاه به صورت ابن سیار سیلی زد، و خون از روی او جاری شد. ابن سیار قبیله خزرج را و جهجاه قریش را به کمک طلبید، هر دو گروه سلاح برگرفتند، و چیزی نمانده بود که فتنه‌ای به پا شود.

عبداللہ بن ابی سر و صدا را شنید، پرسید: چه خبر شده؟ جریان را برایش گفتند، و او سخت در خشم شد و گفت: من از اول نمی‌خواستم این مسیر را بروم، و من امروز خوارترین مردم عرب هستم، و من هیچ پیش‌بینی نمی‌کردم که زنده بمانم و چنین سخنانی بشنوم، و نتوانم کاری بکنم، و وضع را به دلخواه خود تغییر دهم.

آن گاه رو کرد به اطرافیان خود و گفت: این کاری است که شما کردید، اینها

را در منازل خود جای دادید، و مال خود را با آنان تقسیم نمودید، و با جان خود جانیشان را از خطر حفظ کردید، و گردنهای خود را آماده شمشیر ساخته، زنان خود را بیوه و فرزندان را یتیم کردید، آن هم از مردمی که اگر شما بیرونشان کرده بودید و بال گردن مردمی دیگر می شدند. آن گاه گفت: ﴿لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ﴾ اگر به مدینه برگردیم، آن کس که عزیزتر است ذلیل تر را بیرون خواهد کرد.

یکی از حضار در آن مجلس زید بن ارقم بود که تازه داشت به حد بلوغ می رسید، و آن روز رسول خدا ﷺ در هنگام گرمای ظهر در سایه درختی با جمعی از اصحاب مهاجر و انصارش نشسته بود، زید از راه رسید، و سخنان عبد الله بن ابی را به رسول خدا ﷺ گزارش داد. حضرت فرمود: ای پسر! شاید اشتباه شنیده باشی.

عرض کرد: به خدا سوگند اشتباه نکرده ام.

فرمود: شاید از او خشمگین باشی.

عرض کرد: به خدا قسم هیچ دشمنی با او ندارم.

فرمود: ممکن است خواسته سر بسرت بگذارد؟

عرض کرد: نه به خدا سوگند.

رسول خدا ﷺ به غلامش شقران فرمود: مرکب را زین کرده و آماده حرکت کن، و فوراً سوار شد. مردم به یکدیگر خبر دادند ولی کسی باور نمی کرد که در آن گرمای ظهر حرکت کرده باشد، ولی بالأخره سوار شدند، و سعد بن عبادہ خود را به آن جناب رسانیده، عرض کرد: السلام علیک یا رسول الله و رحمة الله و برکاته.

حضرت فرمود: و علیک السلام.

عرض کرد: شما هیچ وقت در گرمای ظهر حرکت نمی کردید.

فرمود: مگر سخنان رفیقان را نشنیده ای؟

پرسید: کدام رفیق یا رسول الله؟ ما به غیر تو رفیقی نداریم؟

فرمود: عبد الله بن ابی، او پیش بینی کرده که اگر به مدینه برگردد آن کس

که عزیزتر است ذلیل تر را از شهر بیرون کند.

سعد عرض کرد: یا رسول الله ﷺ تو و اصحاب عزیزتر و او و اصحابش

ذلیل ترند.

رسول خدا ﷺ آن روز را تا به آخر به حرکت ادامه داد، و با احدی سخن

نگفت، قبیله خزرج نزد عبد الله بن ابی آمدند، و او را ملامت کردند. عبد الله

قسم خورد که من هیچ یک از این حرفها را نزده ام. گفتند: اگر چنین حرفی

نزده ای برخیز تا نزد رسول خدا ﷺ برویم تا از آن جناب عذرخواهی کنی،

عبد الله سر و کله اش را تکان داد که نه.

چون شب شد رسول خدا ﷺ آن شب را هم تا به صبح حرکت کرد، و

اجازه استراحت نداد، مگر به مقدار نماز صبح. فردای آن روز رسول خدا ﷺ

پیاده شد، اصحاب هم پیاده شدند، در حالی که آن قدر خسته بودند که خاک

زمین برایشان بهترین رختخواب شد. عبد الله بن ابی نزد رسول خدا ﷺ آمد،

و سوگند یاد کرد که من این حرفها را نزده ام، و به وحدانیت خدا و رسالت آن

حضرت شهادت داد، و گفت: زید بن ارقم به من دروغ بسته است.

رسول خدا ﷺ عذرش را پذیرفت، آن وقت قبیله خزرج نزد زید بن ارقم

رفته شتمانش کردند که تو چرا به بزرگ قبیله ما تهمت زدی.

هنگامی که رسول خدا ﷺ از آن منزل حرکت کرد زید با آن جناب بود، و

می گفت: بار الها! تو می دانی که من دروغ نگفته ام، و به عبد الله بن ابی تهمت

زنده‌ام. چیزی از راه را نرفته بودند که حالت وحی و شبیه بیهوشی به رسول خدا ﷺ دست داد و آن قدر سنگین شد که نزدیک بود شترش زانو بزند و بخوابد، و خود او عرق از پیشانی مبارکش می‌چکید، و بعد از آن که به حالت عادی برگشت، گوش زید بن ارقم را گرفته، او را از جایش بلند کرد و فرمود: ای پسر سخنت راست و دلت فراگیر است، و خدای تعالی قرآنی در باره‌ات نازل کرده است. و چون به منزل رسیدند و پیاده شدند، سوره منافقین را از اول تا جمله ﴿وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ بر آنان خواند، و خدای تعالی عبدالله بن ابی را رسوا ساخت.^۱

أبان بن عثمان گوید: رسول خدا ﷺ روز و شب و فردایش نیز حرکت کرد تا اینکه خورشید بالا آمده و هوا روشن شد و حضرت توقف فرمودند و مردم نیز به استراحت پرداختند، رسول خدا ﷺ قصد داشتند که با مردم سخن گویند که پسر عبدالله بن ابی نزد آن حضرت آمده و عرض کرد: ای رسول خدا! اگر قصد کشتن پدرم را داری به من امر کن که سرش را در نزد شما حاضر کنم، به خدا سوگند که من نیکوترین فرزند نسبت به پدرم هستم، و اوس و خزرج این را می‌دانند، می‌ترسم که شما به غیر از من دستور بدهید که او را بکشد و من خوش ندارم که به قاتل عبدالله نگاه کنم، و شخص مومنی را به خاطر پدر کافرم بکشم و داخل در آتش جهنم شوم. رسول خدا ﷺ فرمودند: مادامی که با ما هستی با پدرت مدارا کن و با او رفتاری نیکو داشته باش.^۲

ابی‌الجارود گوید که امام باقر علیه السلام درباره معنای آیه ﴿كَانَهُمْ خُشْبٌ

۱. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۹۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۳۱

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۳۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۸

مُسْنَدَةً ﴿۱﴾ می فرمودند: نه می شنوند و نه اندیشه می کنند.

﴿يَخْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ﴾ یعنی هر صدائی را دشمن خود می دانند.
 ﴿هُمْ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ هنگامی که خداوند خبر منافقین را برای رسولش بیان کرد و پیامبر زشتی های آنها را برای آنها و اهل قبیله و نزدیکانشان فرمود، آنها به نزد منافقین رفته و گفتند: وای بر شما که رسوا شدید، به نزد پیامبر خدا بروید تا برای شما طلب مغفرت بکند، آنها از روی کبر و غرور سرهایشان را برگرداندند و هیچ رغبتی به استغفار آن حضرت نشان ندادند لذا خداوند می فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّاْ رُؤُسَهُمْ﴾ و هنگامی که به آنها گفته شود: بیایید تا رسول خدا برای شما طلب مغفرت بکند، سرهایشان را تکان می دهند.^۱

وَ أَنْفَقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ
 لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۰)
 وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱)

۱۰- و از آنچه به شما روزی کرده ایم اتفاق کنید، قبل از اینکه مرگ یکی از شما فرا برسد و بگوید: پروردگارا، چرا مرگ مرا اندکی به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم؟!

۱۱- و خداوند هرگز مرگ کسی را به تأخیر نمی اندازد وقتی که اجلش رسیده باشد، و خداوند بداند چه که می کنید آگاه است.

﴿وَ أَنْفَقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ
 لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ﴾ یعنی «أَصَّدَّقَ» یعنی حج بجا بیاورم ﴿وَ

أَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿ یعنی در هنگام مرگ از صالحین خواهم بود. پس خداوند آنها را رد کرده و فرمود: ﴿وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ و خداوند هرگز مرگ کسی را به تاخیر نمی‌اندازد وقتی که اجلش رسیده باشد، و خداوند بدانچه که می‌کنید آگاه است.^۱

ابو بصیر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که در ذیل کلام خدا که فرموده: ﴿وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا﴾ فرموده: نزد خدا کتابها و مقدراتی موقوف و غیر حتمی است، هر کدام را بخواهد عملی می‌کند، تا شب قدر برسد، در آن شب همه چیزهایی را که تا سال بعد باید رخ دهد نازل می‌کند، این است معنای آیه ﴿وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا﴾ یعنی وقتی که خدا آن مقدر را در شب قدر نازل کرده باشد، و نویسندگان آسمانها آن را نوشته باشند، و این همان مقدری است که دیگر تاخیر داده نمی‌شود.^۲

۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۱

۲. بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۰۲ و ج ۵، ص ۱۳۹ و ج ۹۴، ص ۱۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۲؛

تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۰۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۳۷

تفسیر سورۂ تغابن



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۶۴ - سورۂ تغابن در مدینه

نازل شده و دارای ۱۸ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲)

۱- آنچه که در آسمان‌ها است و آنچه که در زمین همه تسبیح‌گوی خداوند هستند، مالکیت و حکومت از برای اوست، حمد و سپاس نیز از برای اوست، و او بر هر چیزی تواناست.

۲- اوست که شما را آفریده که گروهی از شما کافر و گروهی مومن هستید، و خداوند به آنچه که انجام می‌دهید بیناست.

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ * هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ ﴿ فرمود: این آیه مخصوص درباره مؤمنین و کافرین نازل شده است.

حسین بن نعیم صحاف گوید از امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه ﴿فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾ سوال کردم، فرمود: خداوند هنگامی که در عالم ذر و در صلب آدم از آنها عهد و پیمان گرفت به آنها شناساند که ایمان ولایت

ماسست و کفرشان ترک و قبول نکردن ولایت ما می باشد.^۱

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَسَّرَ يَهُدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا
وَاسْتَعْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۶)

۶- این به خاطر آن است که رسولانشان با دلائلی روشن به نزدشان می آمدند پس گفتند: آیا بشرهایی ما را هدایت می کنند؟ پس کافر شدند و روی گردانند، و خداوند (از آنها بی نیاز بود)، و خداوند بی نیاز و ستوده است.

علی بن سويد شیبانی گوید از امام کاظم علیه السلام درباره آیه ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ﴾ سوال کردم، فرمود: مراد از ﴿بَيِّنَات﴾ اثمه بِالْبَيِّنَاتِ می باشد.^۲

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ
وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۷)

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۸)

۷- کافران گمان کردند که هرگز برانگیخته نمی شوند. بگو: چرا، به پروردگارم سوگند که همه شما برانگیخته می شوید و سپس به آنچه که عمل می کردید آگاهتان می گردانند، و این کار بر خداوند آسان است.

۸- پس به خداوند و رسولش و نوری که نازل کرده ایم ایمان بیاورید، و خداوند بدانچه که عمل می کنید آگاه است.

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۱۳؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۷۱ و ج ۵۷، ص ۲۸۴؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۰۷؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۳۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶
۲. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۰۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۴۰

خداوند گفتار مادیون را حکایت کرده و فرمود: ﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝ فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَالتَّوْرَ الَّذِي اَنْزَلْنَا﴾ که مراد از «نور» امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.^۱

ابو خالد کابلی گوید از امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَالتَّوْرَ الَّذِي اَنْزَلْنَا﴾ سوال کردم، فرمود: ای ابو خالد نور به خدا سوگند ائمه علیهم السلام از آل محمد صلی الله علیه و آله تا روز قیامت هستند، به خدا سوگند ائمه آن نور الهی هستند که خداوند نازل فرموده است، به خدا سوگند ائمه نور الهی در آسمان‌ها و زمین هستند.

ای ابا خالد نور امام در دلهای مؤمنین از نور آفتاب که می‌تابد روشن‌تر است، سوگند بخدا امامان قلوب مؤمنین را نور افشانی می‌کنند و خداوند می‌پوشاند نور امامان را از هر کس که بخواهد پس دل آنها تاریک و ظلمانی شود، بخدا قسم ای ابا خالد دوست نمی‌دارد ما را کسی مگر آنکه خداوند قلب او را پاکیزه گرداند و خداوند دل کسی را پاکیزه نگرداند تا آنکه تسلیم ما ائمه شود و چون تسلیم ما شد خداوند او را از سختی حساب سالم گرداند و از ترس و هول روز قیامت و عذاب جهنم در امان باشد.^۲

مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۱)

۱۱- هیچ مصیبتی (به کسی) نمی‌رسد مگر به فرمان خدا، و هر کس به

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۰۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۷
 ۲. تاویل الآيات الظاهرة، ص ۶۷۱؛ کافی، ج ۱، ص ۱۹۴؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۴۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۰۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۷

خداوند ایمان بیاورد قلبش را هدایت می‌کند، و خداوند به هر چیزی داناست.

﴿وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ﴾ یعنی خداوند در قلبش تصدیق می‌کند، پس هنگامی که خداوند برای او روشن نمود و هدایت را اختیار کرد بر هدایتش می‌افزاید همچنانکه فرمود: ﴿وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى﴾^۱ و کسانی که هدایت یافته‌اند بر هدایتشان افزوده می‌شود.^۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوَّالْكُفِّمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۴)
إِنَّمَا أَمْوَالُكُمُ وَأَوْلَادُكُمُ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۵)

۱۴ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید همانا بعضی از همسران و فرزندانان دشمنان شما هستند، پس از آنها حذر کنید، و اگر عفو کنید و چشم‌پوشی نمائید و ببخشید (خداوند نیز شما را می‌آمرزد) که خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱۵ - همانا اموالتان و فرزندانان وسیله آزمایش شما هستند، و نزد خداوند اجر بزرگ است.

﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمُ وَأَوْلَادُكُمُ فِتْنَةٌ﴾ یعنی دوست داشتن اموال و اولاد فتنه است.

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در ذیل آیه ﴿إِنْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوَّالْكُفِّمْ فَاحْذَرُوهُمْ﴾ فرموده: این آیه راجع به

۱. محمد، آیه ۱۷

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۱۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۸

مسلمانانی است که وقتی می‌خواستند از وطن کافر نشین خود به دار هجرت مهاجرت کنند، زن و فرزندشان دست به دامنشان انداخته، از رفتن بازشان می‌داشتند، و می‌گفتند: تو را به خدا سوگند می‌دهیم که از ما دست بردار که بعد از رفتنت از بین خواهیم رفت، بعضی از مسلمانان تسلیم خواسته زن و فرزند خود می‌شدند، و در دار الکفر می‌ماندند، و آیه شریفه آنان را از چنین زن و فرزندانی بر حذر داشته، از اطاعت آنان نهی می‌فرماید، بعضی دیگر از مسلمانان تسلیم نمی‌شدند، و راه خدا را پیش گرفته از زن و فرزند دست برد می‌داشتند، و می‌گفتند: به خدا سوگند اگر شما با من هجرت نکنید، و خدای تعالی روزی بین من و شما در دار الهجرة جمع خواهد کرد تا ابد سودی به شما نخواهم رساند و دیگر کاری به کارتان نخواهم داشت، هنگامی که خداوند بین او و آنها جمع کرد و خداوند امر نمود که به آنها وفا و نیکی کند و فرمود: ﴿وَإِنْ تَغْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ و اگر عفو کنید و چشم‌پوشی نمائید و ببخشید (خداوند نیز شما را می‌آورد) که خداوند آمرزنده و مهربان است.^۱

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شَحْ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۶)

۱۶- پس تا می‌توانید از خداوند بپرهیزید، بشنوید و اطاعت کنید و انفاق نمائید که برای خود شما بهتر است، و کسانی که از بخل و حرص خودشان رانگه بدارند همان‌ها رستگاران هستند.

۱. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۸۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۱۱؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۴۲

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾ با آیه ﴿اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ﴾^۱ نسخ شده است.^۲
 ﴿وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ﴾ فرمود: ﴿یوق الشح﴾ یعنی هنگامی که انفاق در اطاعت خداوند را اختیار کند.

فضل بن ابی قره [مرة] گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که از اول شب تا صبح طواف می کرد و می گفت: بار الها مرا از شر بخل نفسم نکه بدار.
 عرض کردم: فدایت شوم من امشب از شما به غیر از این دعا را نشنیدم.
 فرمود: چه بلایی بالاتر از بخل نفس سراغ داری؟ خدای تعالی می فرماید:
 ﴿وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ و کسانی که از بخل و حرص خودشان را نکه بدارند همان ها رستگاران هستند.^۳



۱. آل عمران، آیه ۱۰۲؛ از خداوند همانطوری که شایسته پرهیزگاری است پرهیزید.

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۰

۳. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۰؛ بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۰

تفسیر سورة طلاق



۶۵ - سورة طلاق در مدینه

نازل شده و دارای ۱۲ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب و تبار علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ
رَبَّكُمْ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ
وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ
يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (۱)

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا
ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوْضِعُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۲)

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ
أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (۳)

وَاللَّاتِي يَنْسَنَ مِنَ الْمَحْضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبَسْنَ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ
وَاللَّاتِي لَمْ يَحْضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ
اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (۴)

۱- ای پیامبر هنگامی که خواستید زن را طلاق دهید، پس در زمان عدّه
آنها را طلاق دهید (یعنی در زمان پاکی از حیض و در آن پاکی هم نزدیکی
نکرده باشند)، و زمان عدّه را نگه دارید، و از خداوندی که پروردگار

شماست بهره‌یزد، و نه شما آن زنان را (تا در عده‌اند) از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنها از خانه بیرون بروند مگر آنکه کار زشت آشکاری مرتکب شوند، که این احکام حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به تحقیق به خودش ستم کرده است، نمی‌دانی شاید خداوند بعد از این امر تازه‌ای بوجود بیاورد (میانشان را اصلاح کند).

۲- پس هنگامی که عده آنها تمام شد، آنها را به شایستگی نگه دارید و یا به شایستگی از آنها جدا شوید، و در مورد را بعنوان شاهد عادل از خودتان گواه بگیرید که برای خداوند شهادت بدهند، به این پند و اندرز ایمان آورندگان به خداوند و آخرت پند و اندرز داده می‌شوند، و هر کس از خداوند بهره‌یزد خداوند برای او راه خروجی (از مشکلات) قرار می‌دهد.

۳- و او را از جایی که گمان نمی‌کند روزی می‌دهد، و هر کس به خداوند توکل کند همان کفایتش می‌کند، همانا خداوند فرمایشش را انجام می‌دهد، به تحقیق خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

۴- و از زنان آنهایی که از حیض دیدن مایوس هستند، اگر درباره آنها شک کنید پس عده‌شان سه ماه است، و نیز زنانی که حیض ندیده‌اند، و عده زنان بارداری هنگامی است که بارشان را به زمین بگذارند، و هر کس از خداوند بهره‌یزد، خداوند کار او را برایش آسان می‌سازد.

احکام طلاق

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ﴾ فرمود:

خطاب به پیامبر ﷺ است ولی معنایش مردم می‌باشد.

و آن فرمایش امام صادق علیه السلام است که فرمود: همانا خداوند پیامبرش را

برای تو مبعوث نمود به این عنوان که «دخترم به تو می‌گویم، عروسم تو بشنو».^۱

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که در معنای آیه ذیل فرمودند:

﴿فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ﴾ که مراد از عده پاکی از حیض است.

﴿وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ﴾ و آن این است که او را به حال خود و ابگذار تا حیض ببیند، پس هنگامی که حیض دید و سپس پاک شد و غسل نمود بدون اینکه با او نزدیکی نماید طلاقش دهد و شهادتی نیز بر طلاق بگیرد سپس اگر خواست رجوع کند و بر رجوعش نیز شاهد بگیرد، هنگامی که خواست برای بار دوم طلاق دهد پس زمانی که حیض دید و از آن پاک شد و غسل کرد برای بار دوم بدون اینکه مجامعت نماید طلاقش دهد، و شاهد نیز بر آن بگیرد، سپس اگر خواست رجوع کند و بر رجوعش نیز شاهد بگیرد، سپس او را به حال خود و امی‌گذارد تا حیض ببیند و پاک گردد پس هنگامی که غسل کرد برای بار سوم او را طلاق می‌دهد و او قبل از طلاق سوم مالک زن است اگر خواست رجوع می‌کند و اگر خواست رجوع نمی‌کند؛ و همچنین است طلاق سنت که طلاق جاری نمی‌شود مگر بعد از پاک شدن از سه حیض و بدون نزدیکی کردن با زن، که در هر طلاق دادن و رجوع نمودن شاهد بر آن می‌گیرد، که طلاق دوم و سوم نیز چنین است و اگر حامله باشد همان وضع حمل او عده‌اش تمام می‌شود و آن قول الهی است که می‌فرماید: ﴿وَاللَّائِي يَكْسَنُ مِنَ الْمَحِضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنَّا زَئِبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضَنْ﴾ که عده آنها همچنین سه ماه است.

﴿وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾ و عده زنان باردار هنگامی

است که بارشان را به زمین بگذارند.^۱

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ﴾ فرمود: این عمل برای مرد حلال نیست، که زنش را بعد از آنکه طلاق داد- و در مدتی که می‌تواند به او رجوع کند- از خانه خود خارج سازد، و بر خود زن نیز حلال نیست که از خانه شوهرش بیرون رود، مگر آنکه زن گناهی آشکار مرتکب شود که در آن صورت مرد می‌تواند او را بیرون کند.

و کلمه ﴿فاحشة﴾ به معنای آن است که زن نامبرده یا زناکار باشد و یا از خانه شوهر سرقت کند، و یکی هم از مصداق فاحشه زبان درازی زن بر شوهر است، که اگر زن طلاق یکی از این اعمال را مرتکب شود، مرد می‌تواند او را از خانه خود بیرون کند.^۲

﴿لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾ فرمود: شاید شوهر آن زن او را طلاق دهد و بعد از طلاق به او رجوع نماید.^۳

﴿فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ﴾ یعنی هنگامی که عده زن تمام شد یا بر او رجوع می‌کند و یا از او جدا می‌شود و طلاقش می‌دهد و بنابر حال خویش او را از مالش بهرمندمی سازد.^۴

﴿وَأَشْهِدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ﴾ عطف بر آیه ﴿إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَشْهِدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ﴾ است.^۵

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۴۸

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۳۵۸؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۸۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۱۸

۳. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۱۹

۴. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۹

۵. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۱۹

﴿وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾ فرمود: زن حامله اگر مطلقه شد، اتمام عده‌اش همان وقتی است که بچه را به دنیا بیاورد، و آنچه در شکم دارد بگذارد، حتی اگر بین طلاق و زائیدنش یک روز فاصله شود، پس بعد از زائیدن و پاک شدن می‌تواند شوهر کند، و همچنین به عکس، اگر بین طلاق و زائیدن نه ماه طول بکشد، عده‌اش نه ماه است، و نمی‌تواند شوهر کند، مگر بعد از وضع حمل.^۱

محمد بن مسلم گوید از امام صادق (ع) درباره معنای آیه ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ و يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ سؤال کردم، فرمود: در دنیا.^۲

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمُّوا رِزْقَهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَغَاسَرْتُمْ فَنَسْرُضِعْ لَهُ أُخْرَى (٦)

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُتَّقِ اللَّهَ فَمَا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (٧)

۶- آنها را در همان جایی که خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست ساکن کنید، و بر آنها ضرر نرسانید تا (زندگی را) بر آنها سخت بگیرد، و اگر حامله باشند بر آنها نفقه بدهید تا وضع حمل کنند، و اگر فرزندان شما را شیر می‌دهند اجرت آنها را بپردازید، و (درباره امور فرزندان) در میان خودتان به نیکی مشورت کنید، و اگر با هم به توافق نرسیدید زن دیگری را

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۸۶؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۶۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۴.
 ۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۲؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۲۰.

برای شیر دادن بچه انتخاب کنید.

۷- کسی که دارای وسعت و فراوانی مال است باید از آنها انفاق کند (نفقه زن شیرده را بدهد)، و کسی که رزقش تنگ باشد از آنچه که خداوند به او داده انفاق کند، خداوند هیچ کسی را جز به مقداری که به او داده تکلیف نمی‌کند، خداوند بزودی بعد از سختی آسانی قرار می‌دهد.

﴿إِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَاتَّمِرُوا بَيْتَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَغَاسَرْتُمْ فَمَسْتُرُضِعْ لَهُ أُخْرَى ۝﴾^۱
می‌فرماید: اگر زن راضی بود بچه را شیر می‌دهد، و اگر مرد راضی نبود که بچه در نزد زن بماند می‌گوید: ﴿فَمَسْتُرُضِعْ لَهُ أُخْرَى ۝﴾ لَيْسَ لَكَ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُتَّقِ اللَّهَ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ﴾ زن دیگری را برای شیر دادن بچه انتخاب کنید. کسی که دارای وسعت و فراوانی مال است باید از آنها انفاق کند (نفقه زن شیرده بدهد)، و کسی که رزقش تنگ باشد از آنچه که خداوند به آنها داده انفاق کنند.^۱

﴿لَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ﴾ فرمود: زنی که طلاق رجعی گرفته و شوهر حق رجوع داشته باشد مادامی که در عده است حق سکونت و نفقه او با شوهر است و اگر حامله باشد آنقدر نفقه او را می‌دهد تا حملش را به دنیا بیاورد.

ابو بصیر گوید امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُتَّقِ اللَّهَ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ﴾ فرمود: مرد باید بر زنش آنقدر نفقه بدهد که تا او بتواند آبرومندانه زندگی کند و الا بین آن دو جدائی می‌افتد.^۲

۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۶

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۱۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۷۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۶۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۲۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۳

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا
عَذَابًا نُكَرًا (۸)

۸- و چه بسیار شهرها و سرزمین‌هایی که مردمان آنها از امر پروردگار و رسولانش سرپیچی کردند و ما شدیداً به حساب آنها رسیدگی کردیم، و آنها را با عذابی بسیار سخت کیفر نمودیم.

﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ﴾ فرمود: منظور از قریه اهل قریه است.
﴿عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا﴾ از امر پروردگار سرپیچی کردند.

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ
إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (۱۰)

رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ
لَهُ رِزْقًا (۱۱)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا
أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۱۲)

۱۰- خداوند برای آنها عذاب سخت آماده ساخت، پس ای صاحبان خرد که ایمان آورده‌اید از خدا بپرهیزید، به تحقیق خداوند برای (هدایت) شما ذکر (قرآن) نازل فرمود.

۱۱- و رسولی به سوی شما فرستاد که آیات روشن الهی را برای شما تلاوت می‌کند، تا کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند را از ظلمات و تاریکی‌ها به سوی نور بیرون کنند، و هر کس به خداوند ایمان

بیاورد و عمل صالح انجام دهد وارد باغ‌های بهشتی می‌شود که از زیر درختانش نهرها جاری است و در آن همیشگی خواهد بود، به تحقیق خداوند روزی نیکویی برای او آماده کرده است.

۱۲- خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید و همانند آن زمین را، فرمان او مدام میان آنها نازل می‌شود تا بدانید که خداوند بر هر چیزی تواناست، و همانا علم خداوند به هر چیزی احاطه دارد.

﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾ * ﴿رَسُولًا﴾ * فرمود: ذکر اسم رسول خدا ﷺ می‌باشد؛ که فرمودند: ما اهل ذکر هستیم.^۱

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ﴾ * دلیل است بر اینکه زیر هر آسمانی زمینی می‌باشد.

﴿لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ * تا بدانید که خداوند بر هر چیزی تواناست، و همانا علم خداوند به هر چیزی احاطه دارد.^۲

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۲۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۴

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۵

تفسیر سورة تحریم



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۶۶ - سورة تحریم در مدینه

نازل شده و دارای ۱۲ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ
رَحِيمٌ (۱)

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۲)
وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ
بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِيَ الْعَلِيمُ
الْخَبِيرُ (۳)

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ
وَجِبْرِيلُ وَضَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (۴)
عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنْ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ
تَآيِبَاتٍ غَائِبَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا (۵)

۱- ای پیامبر چرا چیزهایی که خداوند بر تو حلال کرده برای خشنودی
همسرانت بر خود حرام می‌کنی؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است.
۲- به تحقیق خداوند راه گشایش سوگندهایتان را برای شما روشن نموده،
و خداوند مولای شماست، و او دانا و حکیم است.

۳- و هنگامی که پیامبر بعضی از اسرار خود را به بعضی از زنان خود

فرمود، پس هنگامی که آن را فاش نمود، خداوند پیامبرش را از آن آگاه کرد، گوشه‌ای از آن را به او (همسرش) گفت و از گفتن قسمتی دیگر خودداری نمود، پس هنگامی که همسرش را از آن آگاه ساخت او گفت: چه کسی این را به تو خبر داده است؟ (پیامبر) فرمود: خداوند دانا و آگاه مرا به آن خبر داد.

۴- اگر (شما همسران پیامبر) توبه کنید (به نفع شماست، چون) دل‌های شما از حق منحرف گشته، و اگر بر علیه او اقدام کنید همانا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مومنان صالح، و فرشتگان بعد از آنها مددکار او هستند.

۵- امید است که اگر پیامبر شما را طلاق داد، خداوند همسرانی بهتر از شما به او قسمت کند، همسرانی که مسلمان، مومن، متواضع، توبه کننده، عابد، هجرت کننده، غیر باکره و باکره هستند.

راز گفتن پیامبر ﷺ به حفصه

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَرْوَاحِكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿
ابن سیار گوید که امام علی (ع) در تفسیر آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ...﴾ فرمودند: عایشه و حفصه روزی که رسول خدا ﷺ در خانه ماریه قبطیه بودند از آن مطلع شده و به آن جناب اعتراض کردند، حضرت سوگند خورد که و الله دیگر نزدیک او نمی‌شوم، خدای تعالی در این آیه به آن حضرت امر کرد که کفار سوگند را بده.^۱

سبب نزول این آیات آن بود چون پیغمبر در خانه هر یک از زنان تشریف می برد ماریه قبطیه کنیز آن حضرت خدمتش را می نمود روزی پیامبر ﷺ در خانه حفصه دختر عمر تشریف داشت، حفصه برای حاجتی از منزل بیرون رفته بود، پیغمبر به ماریه میل نمود، وقتی حفصه بازگشت و از آن آگاهی یافت خشمگین شد و رو به پیامبر کرد و گفت: ای رسول خدا ﷺ امروز نوبت من است و این خانه و فراش به من تعلق دارد. رسول خدا حیا کرد و فرمود: بس است بیش از این مرا آزرده نکن من دیگر به ماریه نزدیک نمی شوم و او را بر خود حرام کردم، سزای بتو می گویم آن را یکسی اظهار نکن و اگر این سزا را اظهار و افشا نمودی لعنت خداوند و فرشتگان و مردم بر تو باد.

عرض کرد: البته آن را اظهار نخواهم کرد، آن سر چیست؟
حضرت فرمود: بدان ابوبکر بعد از من بجور و ستم متصدی خلافت می شود و بعد از او پدرت عمر به ظلم و جور خلافت را غصب می کند.
حفصه سؤال کرد: این را چه کسی به شما گفته است؟
فرمود: خداوند مرا آگاه فرموده است.

حفصه همان روز این را به عایشه دختر ابوبکر خبر داد و عایشه فوراً به پدرش ابوبکر گفت.

ابوبکر نزد عمر رفت و گفت: عایشه از قول حفصه چنین خبری بمن داده ولی من بقول عایشه اطمینان ندارم ای عمر برو از دختری این خبر را سؤال کن.

عمر به نزد حفصه آمد گفت: این چه خبری است که به عایشه گفته ای.
حفصه اول انکار کرد ولی پس از اصرار گفت: بلی پیغمبر این سخن را

فرمود.

عمر به او گفت: اگر این خبری که به ما گفتی درست باشد ما بر آن پیشی می‌گیریم.

حفصه گفت: بله! رسول خدا آن را فرمود. پس چهار نفری جمع شدند تا رسول خدا ﷺ را مسموم کنند، که جبرئیل با این سوره نازل شد: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ - تَا - تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ﴾ یعنی خداوند برای تو مباح نمود که از سوگندت کفاره بدهی.

﴿وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ و إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ بِهِ﴾ یعنی چه کسی آن را به تو خبر داد.

﴿وَ أَظْهَرَهُ اللَّهُ﴾ یعنی خداوند برای پیامبرش اظهار نمود که حفصه آن راز را آشکار و از آنچه که ناراحت و غمگین بود را برای عایشه گفته است.

﴿عَرَفَ بَعْضُهُ﴾ یعنی پیامبر آن را به حفصه گفته و فرمود: چرا رازی را که برای تو گفتم آن را برای عایشه گفتی؟

﴿وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ﴾ فرمود: پیامبر قسمتی از آن راز افشاء شده را برای حفصه گفت و قسمت دیگرش را که از شنیدن آن ناراحت و غمگین می‌شد به او نگفت.

﴿قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَايَ الْعَلِيمِ الْخَبِيرُ﴾ إِنَّ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ یعنی امیرالمؤمنین عليه السلام.

﴿وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾ یعنی فرشتگان نیز بعد از آن پشتیبان امیرالمؤمنین عليه السلام خواهند بود.

سپس خداوند او را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ﴿عَسَى رَبُّهُ أَنْ طَلَقُكُنَّ

أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُمْ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ
ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا ﴿۱﴾ این آیه تعرض به عایشه است که پیامبر با زن باکره‌ای به
غیر از عایشه ازدواج نکرده بود.^۱

ابو بصیر گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که در معنای آیه ﴿إِنْ تَوْبَا إِلَى اللَّهِ
فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا - تَا - وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ فرمود: که ﴿صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ علی
بن ابی طالب علیه السلام است.^۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ
عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۶)
۶- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که
هیزمش انسان‌ها و سنگ‌هاست نگاه دارید، که بر آن دوزخ فرشتگانی
خشن و سخت‌گیر مأمور هستند که از فرمان الهی سرپیچی نمی‌کنند، و
آنچه که به آن امر شده‌اند را انجام می‌دهند.

ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ
نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ سوال کردم که من خودم را از آتش نگه
می‌دارم چگونه خانواده‌ام را از آن نگه دارم؟

فرمود: به آنچه خداوند بدان امر نموده امرشان کن و از آنچه خداوند نهی
کرده نهی‌شان نما، اگر از تو اطاعت کردند تو آنها را از آتش جهنم نگه
داشته‌ای و اگر نافرمانی کردند تو آنچه را که بر عهده تو بود را بجا
آورده‌ای.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۳۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۵۱

۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۷؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۴۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۵۱

۳. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۷۴؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۵۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمُ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْظِمْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۸)

۸- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به سوی خداوند توبه کنید، توبه‌ای خالصانه، امید است که پروردگارتان گناهانتان را ببخشد، و شما را وارد باغ‌های بهشتی کند که از زیر درختانش نهرها جاری است. روزی که خداوند پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده‌اند را خوار و ذلیل نمی‌کند، و نورشان در روبروی آنها و از سمت راستشان در حرکت است و می‌گویند: پروردگارا نور ما را کامل کن و ما را بیمارز که تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی.

ابو الحسن علیه السلام در معنای آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا﴾ فرمود: بنده توبه می‌کند و دیگر به سوی آن گناه بر نمی‌گردد و همان دوست داشتنی‌ترین بنده خدا در نزد پروردگار، شخص پرهیزگار توبه کننده است.^۱

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾ فرمود: هر کس در آن روز نور داشته باشد نجات می‌یابد و هر مومنی دارای نور است.^۲ صالح بن سهل گوید امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه ﴿نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾ فرمود: ائمه مؤمنین نور آنهاست که در روز قیامت از

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۵۷

۲. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۵۷

پیش رو و سمت راست آنها حرکت می‌کنند تا به منزل‌هایشان وارد شوند.^۱

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۹)

۹- ای پیامبر، با کفار و منافقین جهاد کن و بر آنها سخت بگیر، که جایگاه آنها جهنم است و چه جایگاه بدی است.

امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾ فرمود: آیه اینطور نازل شده است «فجاهد رسول الله صلی الله علیه و آله الکفار و جاهد علی علیه السلام المنافقین فجاهد علی علیه السلام جهاد رسول الله صلی الله علیه و آله» یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله با کفار جهاد کرد و علی علیه السلام با منافقین جهاد کرد پس جهاد علی علیه السلام همان جهاد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد.^۲

مرکز تحقیقات اسلامی

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ (۱۰)

۱۰- خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند زن نوح و زن لوط را مثل می‌زند که آن دو تحت سرپرستی دو بنده صالح ما بودند پس به آن دو (بنده صالح) خیانت کردند، و این دو بنده نتوانستند آن دو را از عذاب الهی رهایی بخشند و به آن دو گفته شد: با جهنمیان وارد آتش جهنم شوید.

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا﴾ سپس خداوند درباره آن دو مثلی زده و فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۳۰۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۷۵
۲. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۲۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۶۰؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۳۸

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا﴾ به خدا سوگند معنای ﴿فَخَانَتَاهُمَا﴾ جز فاحشه نیست، و حد بر فلان زن اقامه می‌شود به خاطر اینکه در راهی (بصره) می‌آمد و فلانی (طلحه) او را دوست می‌داشت، هنگامی که خواست که به سوی فلان شهر (بصره) برود (طلحه) به آن زن گفت: فلانی جایز نمی‌داند که با غیر محرم بیرون بروی، پس خودش را به ازدواج فلانی (طلحه) درآورد.^۱

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۱)
وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَائِنِينَ (۱۲)

۱۱- و نیز خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند زن فرعون را مثل می‌زند هنگامی که گفت: پروردگارا برای من در نزد خودت (بهشت) خانه‌ای بنا کن و مرا از شر فرعون و عملش نجات ده و مرا از گروه ستمکاران نجات بده.

۱۲- و نیز مریم دختر عمران که دامانش را (از آلودگی به گناه) پاک نگه داشت پس ما از روح خویش بر او دمیدیم، و او کلمات پروردگارش و کتاب او را تصدیق کرد، و از بندگان مطیع خداوند بود.

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ - تآ - وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي

۱. کلمات داخل پرانتز از کتاب نورالثقلین ج ۵، ص ۳۷۵ است که از تفسیر قمی نقل کرده است ولی در نسخه تفسیر قمی دارالکتاب نیامده است.

أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا ﴿ فرمود: به سوی او نگاه نمی کند.

﴿فَتَفَخَّنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا﴾ یعنی روح مخلوق است.

﴿وَكَاَنَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ﴾ یعنی از دعوت کنندگان به سوی خداوند بود.^۱



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

تفسیر سورة ملک



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۶۷ - سورة ملک در مکه

نازل شده و دارای ۳۰ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)
الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْغَفُورُ (۲)

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَوتٍ فَارْجِعِ
الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ (۳)

۱ - پربرکت است خداوندی که حاکمیت ملک هستی به دست قدرت
اوست، و او بر هر چیزی تواناست.

۲ - خداوندی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک
عمل نیکوی انجام می‌دهد، و او عزیز و آمرزنده است.

۳ - خداوندی که هفت آسمان را در طبقاتی منظم آفرید، در آفرینش
خداوند رحمان هیچ عیب و نقصی نمی‌بینی، بار دیگر بنگر آیا هیچ نقص و
خللی در آن می‌بینی؟

﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ
وَالْحَيَاةَ﴾ فرمود: یعنی حیات و مرگ را مقدر کرد و معنای قدر حیات و سپس
مرگ است.

﴿لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ یعنی شما را با امر و نهی امتحان می‌کند تا مشخص شود که کدام از شماها عمل نیکوئی دارد.

﴿وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ﴾ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا﴾ یعنی بعضی‌ها روی بعضی قرار گرفتند.

﴿مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوتٍ﴾ یعنی از فساد.

﴿فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ﴾ یعنی آیا هیچ عیبی می‌بینی؟

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (۴)
وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (۵)

۴- سپس بار دیگر بنگر که چشمانت خسته و ناتوان به سوی تو باز می‌گردد.

۵- و به تحقیق آسمان دنیا را با چراغ‌هایی درخشان زینت داده‌ایم، و آنها را تیرهایی برای شیاطین قرار داده‌ایم، و برای آنها عذاب آتش فروزان آماده کرده‌ایم.

﴿ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ﴾ فرمود: در ملکوت آسمان‌ها و زمین نگاه کن.

﴿يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾ یعنی کم می‌شود و «هو حسیر»

یعنی منقطع می‌شود.

﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ﴾ فرمود: مراد از «مصابیح» ستارگان

است. یعنی آسمان دنیا را با ستارگان زینت داده‌ایم.

إِذَا لَقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ (۷)

تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلُّمَا أَلْقَىٰ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (۸)
 ۷- و هنگامی که در آن (جهنم) انداخته می شوند صدای دهشت ناکي از آن می شنوند در حالی که می جوشد.

۸- نزدیک است که جهنم از شدت خشم قطعه قطعه شود، هر گروهی که در آن انداخته می شوند نگهبانان جهنم از آنها سؤال می کنند: آیا انداز کننده ای برای شما نیامد؟

﴿إِذَا الْقَوَا فِيهَا سَمِعُوا أَلَهَا شَهِيقًا﴾ یعنی صدای افتادن در آتش را می شنوند.
 ﴿وَهِيَ تَفُورٌ﴾ یعنی می جوشد و بالا می آید.
 ﴿تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ﴾ یعنی غیظ بر دشمنان خدا.
 ﴿كُلُّمَا أَلْقَىٰ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ﴾ و آنها ملائکه عذاب هستند که کافران را در آتش جهنم عذاب می کنند.^۱

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۰)
 فَأَعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۱)

۱۰- و می گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا اندیشه می کردیم (امروز) در میان دوزخیان نبودیم.

۱۱- پس به گناهانشان اعتراف می کنند پس اهل آتش جهنم (از رحمت الهی) دور باد.

﴿لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ فرمود: به تحقیق می شنیدند و اندیشه هم می کردند و لکن اطاعت نمی کردند و قبول نمی نمودند و دلیل بر اینکه می شنیدند و اندیشه هم می کردند ولی قبول نمی کردند آیه

﴿فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ می باشد.^۱

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ
الْشُّورُ (۱۵)

۱۵- اوست خدایی که زمین را برای شما نرم کرد، پس شما در شانه های آن

راه بروید و از رزقش بخورید و بازگشت شما به سوی اوست.

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا﴾ «ذلول» به معنای فراش است.

﴿فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا﴾ یعنی در اطراف آن.^۲

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ
تَدْعُونَ (۲۷)

۲۷- پس هنگامی که (عذاب الهی را) از نزدیک می بینند صورت کافران

زشت و سیاه می شود و به آنها گفته می شود: این است همان عذابی که آن را

درخواست می کردید.

﴿فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ فرمود: هنگامی که روز قیامت

شود و دشمنان نگاه می کنند که خداوند چه منزلت شریف و بزرگی به

امیرالمومنین علیه السلام عنایت کرده است و در دست او پرچم حمد بوده و در کنار

حوض دوستان را سیراب می کند و دشمنان را از آشامیدن آن منع می نماید

صورت دشمنان امیرالمومنین علیه السلام سیاه می شود، پس به آنها گفته می شود:

﴿هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ﴾ یعنی این است آن شخصی که شماها آرزوی

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۴۴؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۷۲

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۷۴

منزلت و جایگاه و اسمش را که امیرالمومنین است را می‌کردید.^۱

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ (۳۰)

۳۰- بگو: اگر آب‌های شما در زمین فرو رود چه کسی می‌تواند دوباره آبی

روان و گوارا برای شما پدید آورد؟

﴿أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ فرمود: آیا هنگامی

که صبح کنید و ببینید که امامتان غائب شده پس چه کسی امامی مانند آن را برای شما می‌آورد.^۲

فضالة بن ایوب گوید از امام رضا علیه السلام درباره معنای آیه ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ

أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ سوال کردم، امام علیه السلام فرمود: مراد

از ﴿ماؤکم﴾ ابوابکم یعنی ائمه علیهم السلام هستند و ائمه ابواب خداوند بین او و

آفریده‌هایش هستند ﴿فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ یعنی به علم امام علیه السلام.^۳

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۵۲

۲. نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۸۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۵۳

۳. بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۰۰؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۸۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۵۳؛
تفسیر برهان، ج ۸، ص ۸۱



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورة قلم



۶۸ - سورة قلم در مکه نازل

شده و دارای ۵۲ آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (۱)

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (۲)

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (۳)

۱- ن و سوغند به قلم و آنچه می نویسند.

۲- که تو به نعمت (لطف و رحمت) پروردگارت دیوانه نیستی.

۳- و همانا برای تو پاداشی همیشگی است.

قلم چیست؟

﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ * مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿

عبد الرحمن [عبد الرحیم] قصیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره معنای

﴿ن وَالْقَلَمِ﴾ سوال کردم، فرمود: خداوند قلم را از درختی در بهشت به نام

خلد آفرید سپس به نهری در بهشت فرمود مرکب شو پس آن نهر منجمد شد

که از برف سفیدتر و از شهد شیرین تر بود سپس به قلم فرمود: بنویس.

قلم گفت: پروردگارا چه بنویسم.

خداوند فرمود: آنچه که هست و آنچه که تا روز قیامت خواهد بود را بنویس.

پس آن را در پوستی نوشت که سفیدتر از نقره و صافتر از یاقوت بود سپس آن را پیچید و در رکن عرش گذاشت و سپس بر دهان قلم مهر زد و دیگر سخن نگفت و هرگز نیز سخن نخواهد گفت، و آن کتاب مکنون است که ملائکه از همانجا امورات عالم را استنساخ می‌کنند، آیا شما عرب نیستید چگونه معنی کلام را نمی‌دانید، یکی از شما به دیگری می‌گوید از آن کتاب استنساخ کن آیا او از کتابی که اصل نداشته باشد استنساخ می‌کند، پس اصلی هست که از روی آن استنساخ می‌شود و این است معنای قول خداوند که فرمود: ﴿إِنَّا كُنَّا نَسْتَنَسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ هر آنچه را انجام می‌دادید همه را نوشته‌ایم.^۱

﴿وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ یعنی آنچه نوشته می‌شود، که این آیه قسم و جوابش ﴿مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ﴾ می‌باشد.
﴿إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ﴾ یعنی آن ثواب عظیمی را که به تو عطا کردیم بر تو منت نمی‌گذاریم.^۲

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام درباره معنای آیه ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ فرمود: یعنی «علی دین عظیم» تو بر دین بزرگی هستی.

فَسَبِّحْهُ وَ يُبْصِرُونَ (۵)

بِأَيْكُمُ الْمَقْتُولُونَ (۶)

۵- پس به زودی تو می‌بینی و آنها نیز می‌بینند.

۶- که کدام یک از شما مجنون است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۳۶۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۸۶؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۸۸

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۸۷

﴿فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ﴾ بِأَيْكُمْ الْمُفْتُونُ﴾ یعنی ﴿بِأَيْكُمْ تَفْتَنُونَ﴾ همچنین درباره بنی امیه نازل شده است. ﴿بِأَيْكُمْ﴾ یعنی حبتّر و زفر و علی علیه السلام.

امام صادق علیه السلام فرمود: روزی فلانی (عمر) امیرالمؤمنین علی علیه السلام را ملاقات کرد و عرض نمود: ای علی آیا شما این آیه ﴿فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ بِأَيْكُمْ الْمُفْتُونُ﴾ را درباره من و رفیقم تلاوت می کنی؟

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: ای ابا فلان آیا به تو خبر ندهم آنچه را که درباره بنی امیه نازل شده که این آیه ﴿وَالشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ﴾^۱ است.

گفت: ای علی دروغ می گوئی بنی امیه از تو بهتر هستند و صلّه رحم را بجا می آورند.^۲



فَلَا تُطِيعِ الْمُكَذِّبِينَ (۸)

وَذُؤَالُو تَذْهِنُ فَيَذْهِنُونَ (۹)

وَلَا تُطِيعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَهْجَبٍ (۱۰)

هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ (۱۱)

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲)

عُتْلٍ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ (۱۳)

۸- پس از تکذیب کنندگان پیروی مکن.

۹- آنها دوست دارند که تو (با آنها) مدارا کنی تا آنها نیز با تو مدارا کنند.

۱۰- و تو هرگز از کسی که بسیار سوگند می خورد و پست است پیروی مکن.

۱. امراء، آیه ۶۰؛ و درخت ملعونه در قرآن

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۹۰؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۹۲

۱۱- کسی که اهل عیبجویی است و پیوسته سخن چینی می‌کند.

۱۲- بسیار مانع خیر می‌گردد و متجاوز و گناهکار است.

۱۳- گذشته از آنها کینه‌توز و بی‌اصل و نسب است.

﴿فَلَا تُطْعِ الْمُكَذِّبِينَ﴾ فرمود: از کسانی که علی علیه السلام را تکذیب می‌کنند

پیروی مکن.

﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ یعنی منافقین دوست دارند که درباره علی علیه السلام

غش کنند و با نفاق و پرده پوشی با تو مدارا کنند.

﴿وَلَا تُطْعِ كُلَّ خَلَافٍ مَّهِينٍ﴾ فرمود: مراد از «خلاف» فلانی است که برای

رسول خدا صلی الله علیه و آله سوگند خورد که آن عهد و پیمانی را که با رسول خدا صلی الله علیه و آله

بسته است را نقض نکند.

﴿هَمَّازٍ مَشَاءٍ بَنَمِيمٍ﴾ فرمود: یعنی بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و میان اصحاب آن

حضرت سخن چینی می‌کردند.

﴿مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ﴾ فرمود: مراد از «خیر» امیرالمؤمنین علیه السلام است و

مراد از ﴿مُعْتَدٍ﴾ یعنی بر آن ظلم و ستم شده است.

﴿عَتَلٍ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ﴾ فرمود: مراد از «عتل» یعنی کسی که کفرش بزرگ

است و مراد از «زنیم» یعنی زنازاده.

شاعر گوید:

زنیم تداعاه الرجال تداعيا كما زيد في عرض الأديم الأكارع.

یعنی: حرام زاده این است که مردان زیادی ادعای فرزندی او را می‌کنند و

زیادی مدعیان به اندازه بیابان کراع است.^۱

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵)

سَنَسِمْهُ عَلَى الْخُرْطُومِ (۱۶)

۱۵- هنگامی که آیات ما بر او خوانده می شود می گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

۱۶- به زودی بر بینی او داغ می نهیم.

﴿إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا﴾ فرمود: کنایه از فلانی است.

﴿قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ یعنی تکذیب کنندگان اولین.

﴿سَنَسِمْهُ عَلَى الْخُرْطُومِ﴾ فرمود: در زمان رجعت هنگامی که

امیرالمومنین علیه السلام و دشمنان آن حضرت رجعت می کنند آنها را داغ می کنند همچنانکه بر بینی و لب های چهارپایان داغ می زنند.^۱

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (۱۷)

وَلَا يَسْتَشِيرُونَ (۱۸)

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۱۹)

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰)

فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ (۲۱)

أَنْ ائْذِنُوا عَلَيَّ خَازِنُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَاحِبِينَ (۲۲)

فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ (۲۳)

أَنْ لَا يَدْخُلَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ (۲۴)

وَاعْدُوا عَلَيَّ حَزْدَ قَادِرِينَ (۲۵)

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ (۲۶)

۱. بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۱۶۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۶۲؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۹۴

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۲۷)

فَالْأَوْسَطُ هُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تُسَبِّحُونَ (۲۸)

فَالْوَا سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۲۹)

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ (۳۰)

فَالْوَا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۳۱)

عَسَى رَبَّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبَّنَا رَاغِبُونَ (۳۲)

كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۳۳)

۱۷- ما آنها را آزمودیم همچنان که صاحبان باغ را آزمودیم، هنگامی که سوگند خوردند که میوه های باغ را صبح زود بچینند (تا فقیران باخیر نگردند).

۱۸- و هیچ استثناء نکنند.

۱۹- پس هنگام شب که همگی در خواب بودند عذاب (آتش) باغ آنها را فراگرفت.

۲۰- پس هنگام صبح آن باغ به خاکستری مبدل گشت.

۲۱- صبحگاه همدیگر را صدا زدند.

۲۲- به سوی باغ حرکت کنید اگر می خواهید میوه ها را بچینید.

۲۳- پس به سوی باغ حرکت کردند و آرام با همدیگر حرف می زدند.

۲۴- مواظب باشید که امروز حتی یک فقیر بر شما وارد نشود.

۲۵- و بامدادان به قصد اینکه تهیدستان را محروم کنند به سوی باغ رفتند.

۲۶- پس هنگامی که باغ را دیدند گفتند: (این نه باغ ما است) راه را گم کرده ایم.

۲۷- یا بلکه (باغ ماست و) ما (از آن) محروم شده ایم؟

۲۸- عاقلترین آنها گفت: آیا به شما نگفتم که چرا تسبیح خداوند را نمی‌گوئید؟

۲۹- گفتند: پاک و منزّه است پروردگار ما، که ما از ستمکاران بودیم.

۳۰- پس روبه همدیگر کرده و به ملامت و سرزنش یکدیگر پرداختند.

۳۱- گفتند: ای وای بر ما که از طفیانگران بودیم.

۳۲- امیدواریم که پروردگار ما به جای آن، بهتر از آن را به ما عطا کند، چرا که ما به پروردگارمان علاقه‌مند هستیم.

۳۳- این چنین است عذاب (الهی در دنیا)، و عذاب آخرت از آن بزرگتر است، اگر می‌دانستند.



گناه از رزق محروم می‌کند

﴿إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا﴾ یعنی سوگند خوردند.
 ﴿لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ﴾ وَلَا يَسْتَشْنُونَ ﴿قَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ﴾ و سبب آن این بود که روایت شده که شخصی به ابن عباس گفت:
 جمعی از همین امت معتقدند اگر بنده خدا گناه کند از رزق محروم می‌شود.

ابن عباس گفت: سوگند به آن خدایی که غیر از او معبودی نیست، این مطلب در کتاب خدا از آفتاب نیم روز روشن‌تر است، و خدا آن را در ضمن قصه صاحبان باغ در سوره ﴿النَّازِعَاتِ﴾ آورده است؛ که پیر مردی باغی داشت، و هیچ میوه‌ای از آن باغ به خانه‌اش برده نمی‌شد، مگر آنکه حق هر صاحب حقی را از آن می‌داد بعد از آنکه از دنیا رفت، فرزندان آن باغ را به ارث بردند، و آنان پنج پسر بودند، در همان سالی که پدرشان از دنیا رفت آن باغ آن قدر حاصل آورد که در هیچ سالی آن طور نیاورده بود، جوانان بعد از

نماز عصر به طرف باغ رفتند، میوه و رزقی بسیار زیاد دیدند که تا آن روز و در حیات پدرشان چنان حاصلی در آن باغ ندیده بودند.

وقتی حاصل بسیار را دیدند طاغی و یاغی شده به یکدیگر گفتند: پدر ما پیر و خرفت شده و عقلش را از دست داده بود، بیایید با هم قرار بگذاریم امسال به احدی از فقرای مسلمین چیزی از این میوه ها ندهیم، تا اموالمان زیاد شود، آن گاه سال های بعد روش پدر را دنبال کنیم، چهار نفر از برادران قبول کردند، و پنجمی ایشان در خشم شد و او همان بود که بعد از سوخته شدن باغ گفت: ﴿أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تُسَبِّحُونَ﴾: آیا به شما نگفتم چرا خدای را تسبیح نمی گوئید؟

شخص سوال کننده گفت: ای فرزند عباس! آیا نفر پنجمی از برادران وسطی آنها بود؟

ابن عباس گفت: نه اتفاقاً از حیث سن و سال از همه کوچکتر بود، بلکه منظور از کلمه «أوسط» این است که از همه بهتر و عاقل تر بود، به دلیل اینکه قرآن کریم در باره امت محمد ﷺ که از همه امت ها کوچکتر است به خاطر همین که از همه امت ها بهتر است فرموده: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾ و اینچنین شما را امت وسط قرار دادیم.

آن برادر به سایر برادران گفت: از خدا بترسید، و طریقه پدر را پیش بگیرید تا سالم باشید و سود ببرید، برادران بر او خشم کردند، و او را به شدت کتک زدند، وقتی آن برادر یقین کرد که برادران قصد کشتن او را دارند، تسلیم گفتارشان شد، و به اکراه و بدون رضایت درونی رأی آنان را تصویب کرد.

از آنجا به خانه های خود برگشته، هم سوگند شدند که هر وقت خواستند

میوه بچینند صبح خیلی زود بچینند، و در این سوگند خود ان شاء الله هم نگفتند، خدای تعالی به خاطر این جرمشان مبتلاشان نمود و بین آنان و آن رزق حائل شد، رزقی که ایام چیدنش بسیار نزدیک بود، مع ذلک حتی یک دانه هم عایدشان نشد، و این داستان را در قرآن کریم آورده فرمود: ﴿إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ وَلَا يَسْتَثْنُونَ فَطَافَ عَلَيْهِمَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمَا نَائِمُونَ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ﴾ یعنی مثل باغی که درختانش آتش گرفته باشد.

سائل پرسید: ای ابن عباس ﴿صریم﴾ چیست؟

گفت: «صریم» به معنای شب بسیار تاریک است، آن گاه گفت شبی که هیچ نور و روشنایی در آن نباشد.

برادران وقتی صبح برخاستند: ﴿فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ﴾ * أَنْ اَعْدُوا عَلَيَّ حَرْبَكُمْ * إِنَّ كُنْتُمْ صَارِمِينَ * یکدیگر را صدا زدند که زودتر به باغتان بروید، اگر می‌خواهید بچینید تا کسی با خبر نشده بچینید.

فرمود: ﴿فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ﴾ برادران به طرف باغ روانه شدند، ﴿وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ﴾ و آرام با همدیگر حرف می‌زدند.

سائل پرسید: ای ابن عباس ﴿تخافت﴾ به چه معنا است؟

گفت: آهسته و آرام با یکدیگر سخن می‌گفتند که کسی صدایشان را نشنود، و سخن آهسته‌شان این بود که ﴿لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ﴾ * وَاعْدُوا عَلَيَّ حَرْدٍ قَادِرِينَ * احدی از فقرا نباید داخل باغتان شود، همه فکرشان در پیاده کردن این نقشه بود که چگونه میوه‌ها را بچینند که هیچ یک از فقرا خبردار نشود، «قادرین» و خاطر جمع بودند که میوه را خواهند چید، و هیچ احتمال نمی‌دادند که میوه و باغی در کار نباشد، و عذاب خدا و خشم او ایشان

را گرفته باشد.

﴿فَلَمَّا رَأَوْهَا﴾ وقتی دیدند که چه بلایی بر آنان نازل شده.

﴿قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿ آری خدای تعالی از آن رزق محرومشان کرد، و این به خاطر گناهی بود که مرتکب شدند و خدا به ایشان ظلم نکرد.

پس برادر کوچک به آنها گفت: ﴿أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تَسْبَحُونَ﴾ ﴿قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ ﴿فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتْلَاوُمُونَ﴾ ابن عباس گفت: یعنی خود را ملامت می کردند که این چه تصمیمی بود که ما گرفتیم. ﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ﴾ ﴿عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ﴾ و خداوند فرمود: ﴿كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كُنَّا يَعْلَمُونَ﴾^۱

﴿إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ﴾ همانا اهل مکه به گرسنگی مبتلا شدند همچنانکه اهل آن باغ مبتلا شده بودند آن باغی که در ناحیه یمن بود، در نه میلی صنعاء قرار داشت که به آن رضوان می گفتند.

﴿فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ﴾ پس در حالی که صاحبان باغ در خواب بودند، عذاب بلایی فراگیر از سوی پروردگارت آن باغ را فرا گرفت.

﴿إِنَّا لَضَالُونَ﴾ فرمود: یعنی ما راه را اشتباه آمده ایم.

﴿لَوْ لَا تَسْبَحُونَ﴾ چرا استغفار نمی کنید.^۲

سَلُّهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ (۴۰)

۴۰- از آنها بپرس کدام یک از آنها چنین چیزی را ضمانت می کند؟

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۰۱: تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۶۵: تفسیر برهان، ج ۸، ص ۹۲

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۹۴

﴿سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ﴾ «زَعِيم» به معنای کفیل است.

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (۴۲)
خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ
سَالِمُونَ (۴۳)

فَذَرْبِيَ وَمَنْ يَكْذِبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۴۴)
۴۲ - روزی که ساق پایشان نمایان گردد و به سجود فراخوانده شوند اما
نمی‌توانند.

۴۳ - چشمانشان به زیر افتاده، ذلت و خواری آنها را فرا گرفته، و آنها پیش
از این در حالی که سالم بودند به سجود دعوت می‌شدند.

۴۴ - پس مرا با کسانی که این سخنان را تکذیب می‌کنند و اگذار، که ما آنها را
از آنجا که نمی‌دانند به سوی عذاب سخت می‌بریم.

﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ﴾ فرمود: روزی که کشف
می‌شود از اموری که پنهان و مخفی است و کشف می‌شود از آنچه که از حق
آل محمد ﷺ غصب کرده‌اند و دعوت به سجود می‌شوند.

فرمود: برای امیرالمؤمنین کشف می‌شود و گردن‌های آنان مانند
شاخ‌های گاو می‌شود و ﴿فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ دیگر نمی‌توانند سجده نمایند و این
عقوبتی است برای آنان، چون اینان در دنیا اطاعت امر خدا را درباره علی علیه السلام
نکردند.

﴿وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ﴾ فرمود: آنها در دنیا دعوت
به ولایت علی علیه السلام می‌شدند در حالی که توانائی پذیرش ولایت را داشتند.^۱

﴿سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ یعنی هنگامی که بنده‌ای گناهی را مرتکب می‌شود خداوند نعمتش را بر او زیاد می‌کند تا بیشتر در دنیا غرق باشد و خداوند را فراموش نماید این در صورتی است که خداوند برای بنده‌اش شری را بخواهد. اگر خداوند برای بنده‌اش خیری را بخواهد با گناه کردن او بر او سخت می‌گیرد و او را در سختی و گرفتاری می‌اندازد تا به خود آمده و از گناهش توبه نماید.

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ (۴۸)

لَوْ لَا أَنْ تَذَارَكَ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبَذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (۴۹)

۴۸- پس به حکم پروردگارت صبر نما و مانند صاحب ماهی (یونس) مباش که خداوند را با غم و اندوه خواند.

۴۹- که اگر رحمت پروردگارش شامل حال او نمی‌شد از شکم ماهی بیرون انداخته می‌شد در حالی که از سرزنش شادگان می‌بود.

خداوند به پیامبرش ﷺ فرمود: ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ﴾ یعنی یونس علیه السلام هنگامی که بر امتش نفرین کرد و نفرین او مورد قبول واقع نشد پس او خشمگین بر خدا از میان امتش بیرون رفت. ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ذیل فرمود: ﴿إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ﴾ که «مکظوم» به معنای مغموم یعنی اندوهناک است.^۱ ﴿لَوْ لَا أَنْ تَذَارَكَ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ﴾ فرمود: که مراد از نعمت رحمت خداوند است.

﴿لَتُبْذِلَ بِالْعَرَاءِ﴾ فرمود: ﴿عرء﴾ جایی است که سقف نداشته باشد.^۱

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (۵۱)

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۵۲)

۵۱- و نزدیک است کسانی که کافران شده اند هنگامی که ذکر (قرآن) را

می شنوند با چشم زخم خود تو را از بین ببرند، و می گویند: او دیوانه است.

۵۲- در حالی که آن جز ذکری برای عالمیان نیست.

﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ﴾ فرمود:

هنگامی که رسول خدا ﷺ به مردم از فضائل امیر المؤمنین علیؑ خبر داد، آنها گفتند: او دیوانه شده است پس خداوند سبحان فرمود: ﴿وَمَا هُوَ﴾ یعنی امیر المؤمنین علیؑ ﴿إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ مگر تذکری برای جهانیان.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۸۰

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۷۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۹۶



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورة الحاقه



۶۹ - سورة الحاقه در مکه

نازل شده و دارای ۵۲ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَاقَّةُ (۱)

مَا الْحَاقَّةُ (۲)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (۳)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَغَادَ بِالْقَارِعَةِ (۴)

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِطَاغِيَةِ (۵)

وَأَمَّا غَادُ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ غَاثِيَةٍ (۶)

۱- روز قیامت مسلماً واقع خواهد شد.

۲- چه واقع شدنی

۳- و تو چه می‌دانی که آن روز چه روزی است؟

۴- قوم ثمود و عاد عذاب آن روز را تکذیب کردند.

۵- پس اما قوم ثمود با عذابی سرکش هلاک شدند.

۶- و اما قوم عاد به وسیله باد سرد و سرکش به هلاکت رسیدند.

﴿الْحَاقَّةُ﴾ ﴿مَا الْحَاقَّةُ﴾ ﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ﴾ فرمود: هشداری به نازل

شدن عذاب است و دلیل بر آن آیه ﴿وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ﴾^۱

۱. غافر، آیه ۴۵؛ و عذاب سخت بر آل فرعون وارد شد.

می باشد.

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَغَادُ بِالْقَارِعَةِ﴾ فرمود: به وسیله عذاب آنها را در هم کوید.
﴿فَأَمَّا ثَمُودُ فَاهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ﴾ وَأَمَّا غَادُ فَاهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ ﴿ یعنی باد

سرد

﴿غَاتِيَةٍ﴾ فرمود: یعنی باد بیشتر از آنچه که به آن امر شده بود از خزینۀ خود بیرون آمد.^۱

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ
أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (۷)

۷- خداوند این باد را بر آنها (قوم عاد) هفت شب و هشت روز پی در پی مسلط کرد، آن قوم را می دیدی همچون تنه هایی خشک و پوسیده درختان نخل بر روی افتاده و هلاک شده بودند.

﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا﴾ فرمود: ماه به سبب زحل هفت شب و هشت روز حبس شده بود تا اینکه همگی هلاک شدند.^۲

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ (۹)

۹- و فرعون و کسانی که قبل از او بودند و نیز مردم شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) گناهان بزرگی را مرتکب شدند.

﴿وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ﴾ که مراد از ﴿المؤتفكات﴾ یعنی بصره و مراد از ﴿الخاطئة﴾ فلان زن است.^۳

۱. نورالتقلین، ج ۵، ص ۴۰۱

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۷۶

۳. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۰

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً (۱۰)

۱۰- پس فرستاده پروردگارشان را نافرمانی کردند، پس خداوند نیز آنها به عذابی سخت گرفتار ساخت.

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً﴾ فرمود: مراد از «الراییة» یعنی اینکه آن کارهای زشتی که انجام دادند خداوند به عذاب سختی گرفتارشان نمود.^۱

إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ (۱۱)

۱۱- هنگامی که آب طغیان کرد ما شما را بر کشتی حمل نمودیم.

﴿إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ﴾ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و اصحاب آن حضرت.^۲

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً (۱۴)

۱۴- و زمین و کوهها از جا برداشته شوند و یک باره از هم متلاشی گردند.

﴿وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ﴾ فرمود: آن روز اتفاق افتاده و زمین و کوهها بر روی هم می ریزند.

وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (۱۶)

وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ (۱۷)

۱۶- و آسمان از هم می شکافد و در آن روز سست شده و فرو ریزد.

۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۰

۲. نورالتقلین، ج ۵، ص ۴۰۲

۱۷- و فرشتگان بر اطراف آسمان می‌باشند و عرش پروردگارت را در آن

روز هشت ملک بر بالای سرشان بر می‌دارند.

﴿فَهِیَ یَوْمَئِذٍ وَاهِیَةٌ﴾ که «واهیة» یعنی باطل.^۱

﴿وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَیَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ یَوْمَئِذٍ ثَمَانِیَّةٌ﴾ فرمود:

حاملان عرش هشت نفر هستند چهار نفر از اولین و چهار نفر هم از آخرین که

چهار نفر از اولین نوح و ابراهیم و موسی و عیسی است و چهار نفر از آخرین

محمد و علی و حسن و حسین علیهم‌السلام می‌باشند.^۲

معنی ﴿یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ﴾ یعنی علم را حمل می‌کنند که «عرش» به معنای

علم است.

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِیَمِینِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابَیْ (۱۹)

إِنِّی ظَنَنْتُ أَنِّی مُلَاقٍ حِسَابَیْ (۲۰)

فَهُوَ فِی عِشَّةٍ رَاضِیَةٍ (۲۱)

۱۹- پس اما کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند می‌گوید: (ای

اهل محشر) بیا نید نامه اعمال مرا بخوانید.

۲۰- من یقین داشتم که همچون روزی نامه اعمال را خواهم دید.

۲۱- پس او در زندگانی رضایت‌مند خواهد بود.

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِیَمِینِهِ﴾

امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر امتی را که در زمان امام زمان خود از دنیا رفته

باشد با آن امام محاسبه می‌کنند و ائمه علیهم‌السلام دوستان و دشمنانشان را از

۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۳

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۴

سیما و قیافه می شناسند و این است معنای قول خدا: ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ﴾^۱ و اینان ائمه علیهم السلام می باشند ﴿يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾^۲ که سیمای مردم را می شناسند، نامه دوستدارانشان را به دست راستشان می دهند بدون حساب به بهشت می روند و نامه دشمنانشان را به دست چپ آنها می دهند که بی حساب به سوی آتش می روند، دوستان ائمه هرگاه به نامه اعمال خویش نظر کنند به برادرانشان می گویند: ﴿هَآؤُمْ أَقْرَبُوا كِتَابِيَهٗ﴾ * إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهٗ * فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ که ﴿راضیه﴾ به معنای ﴿مرضیه﴾ است که فاعل در مکان مفعول قرار گرفته است.^۳



قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ (۲۳)

۲۳- که میوه های آن همیشه در دسترس است.

﴿قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ﴾ فرمود: میوه های آن آویزان است بطوری که نشسته و ایستاده از میوه های آن می توانند بخورند.^۴

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَالَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ (۲۵)

وَلَمْ أَذَرَ مَا جِسَابِيَهٗ (۲۶)

يَالَيْتَنِي كَانَتْ الْقَاضِيَهٗ (۲۷)

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهٗ (۲۸)

۲۵- و اما آن کس که نامه عملش را به دست چپ او دهند (با شرمندگی)

۱. اعراف، آیه ۴۶؛ و در اعراف مردانی هستند که می شناسند....

۲. اعراف، آیه ۴۶؛ که از چهره شان می شناسند.

۳. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۳۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۰۷؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۷

۴. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۸

می‌گوید: ای کاش نامه اعمالم را به من نمی‌دادند.

۲۶- و من نمی‌دانستم که حساب اعمالم چیست؟

۲۷- ای کاش می‌مردم (و چنین روزی را نمی‌دیدم).

۲۸- اموالم مرا بی‌نیاز نکرد.

﴿وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ﴾ فرمود: درباره معاویه نازل شده است.

﴿فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ * وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهٗ * يَا لَيْتَهَا كَانَتْ

الْقَاضِيَهٗ﴾ که «قاضیه» یعنی مرگ.

﴿مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهٗ﴾ یعنی مالی که جمع کرده است.

هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ (۲۹)

خُذُوهُ فَعَلُّوهُ (۳۰)

ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ (۳۱)

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (۳۲)

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (۳۳)

وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳۴)

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (۳۵)

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينِ (۳۶)

۲۹- قدرت و حشمت همه از دست رفت.

۳۰- (و گفته شود): او را بگیرد و در غل و زنجیر کشید.

۳۱- سپس او را در دوزخ بیافکنید.

۳۲- سپس او را در زنجیری که هفتاد ذراع است ببندید.

۳۳- چرا که او به خداوند بزرگ ایمان نیاورد.

۳۴- و مردم را به اطعام مستمندان تشویق نمی‌کرد.

۳۵- پس امروز برای او در اینجا هیچ یآوری نیست.

۳۶- و نیز هیچ غذایی جز چرک و خون ندارد.

﴿هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ﴾ یعنی حجت من از دست رفت پس گفته می‌شود:
 ﴿خُذُوهُ فَعَلُوهُ﴾ * ﴿ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوُهُ﴾ یعنی در جهنم ساکن شوید.
 ﴿ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ﴾ فرمود: معنی «سلسله السبعین ذراع» در باطن همان هفتاد ستمکار می‌باشند.^۱

﴿إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ﴾ * وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿ حقوق آل محمد ﷺ را که غصب کردند، خداوند فرمود: ﴿فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ﴾
 یعنی امروز دیگر خویشی و قرابتی نیست.

﴿وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ﴾ فرمود: که عرق کافران است.^۲

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (۴۴)

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (۴۵)

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (۴۶)

فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (۴۷)

۴۴- و اگر او (پیامبر) بر ما سخنان دروغی می‌بست،

۴۵- او را با قدرت کامل می‌گرفتیم،

۴۶- سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم،

۴۷- پس هیچ کدام شما نمی‌توانست مانع (آن مجازات) از او شود.

۱. نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۰۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۸

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۳؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۱۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۰

﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ﴾ یعنی اگر رسول خدا ﷺ بر ما دروغ

می‌بست.

﴿لَا خُذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ﴾ فرمود: با تمام قدرت از او انتقام می‌گرفتیم.

﴿ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾ فرمود: رگی در پشت که بجه از آن بوجود می‌آید.

﴿فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ﴾ یعنی احدی نمی‌تواند مانع مجازات

خداوند شود و نیز نمی‌تواند آن را از رسول خدا ﷺ دفع نماید.

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰)

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (۵۱)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۵۲)

۵۰- و آن باعث حسرت کافران است.

۵۱- و این یقین محض است.

۵۲- پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی.

﴿وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ * و إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ﴿ یعنی امیرالمؤمنین علی علیه السلام

﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی.^۱

عبد الکریم بن عبد الرحیم گوید: من می‌شناسم که چه در کتاب

اصحاب یمن است و کتاب اصحاب شمال، و اما در اول کتاب اصحاب یمن

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ است.^۲

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۳؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۱۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۰

۲. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۱۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۶

تفسیر سورۃ معارج



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۷۰ - سورۃ معارج در مکه

نازل شده و دارای ۴۴ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱)
 لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲)
 مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ (۳)
 تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (۴)
 فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (۵)

- ۱- سؤال کننده‌ای از واقع شدن عذابی پرسید (که وقوعش حتمی است)؟
 ۲- این عذاب برای کافران است، و کسی قادر به دفع آن نیست.
 ۳- (آن عذاب) از سوی خداوند ذی‌المعارج است.
 ۴- فرشتگان و روح در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سویش عروج می‌کنند.
 ۵- پس صبر کن صبری نیکو.

﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾

راوی گوید از امام باقر علیه السلام از معنای این آیه سوال شد، فرمود: آتشی است که از جانب مغرب بیرون می‌آید و آن را ملکی از پشت سر خویش می‌کشد تا اینکه به خانه‌های بنی سعد بن همام که در مسجد هستند می‌رسد، خانه‌های

بنی امیه و کسانی را که عرصه را بر آل محمد علیهم السلام تنگ نمودند را با اهلش می‌سوزاند، و آن حضرت مهدی علیه السلام است.^۱

و در حدیث دیگری آمده است هنگامی که دو لشکر در جنگ بدر مقابل هم صف کشیدند ابوجهل دست‌هایش را بلند کرده و گفت: خداوندا! او رحم ما را قطع کرد و چیزی آورد که نمی‌شناسیم پس او را به عذاب گرفتار کن، پس خداوند آیه **﴿سَأَلُ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾** را نازل فرمود.^۲

عبد الرحمن بن کثیر از ابوالحسن علیه السلام روایت می‌کند که در معنای آیه **﴿سَأَلُ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾** فرمود: مردی از اوصیا از شأن و منزلت شب قدر سؤال کرد اینکه چه چیز در آن شب الهام می‌شود، فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله از عذاب واقع شده سؤال شد و سپس کافر شد که آن عذاب اتفاق نمی‌افتد، پس هنگامی که اتفاق افتاد **﴿لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ * مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ﴾** این عذاب برای کافران است، و کسی قادر به دفع آن نیستند. (آن عذاب) از سوی خداوند ذی‌المعارج است.

﴿تَعْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ﴾ یعنی در صبح شب قدر ملائکه و روح از نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و وصی آن حضرت به سوی خداوند بر می‌گردند.^۳

﴿فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾ یعنی در تکذیب کسی می‌گوید آن اتفاق نمی‌افتد صبر جمیل داشته باش.^۴

﴿فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾ فرمود: در روز قیامت پنجاه

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۸

۲. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۳۰۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۳؛

نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۱۲

۳. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۱۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۳

۴. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۳

موقف است که هر موقف هزار سال طول می کشد.^۱

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (۸)

۸- روزی که آسمان چون فلز گداخته می شود.

﴿يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ﴾ فرمود: «مهل» به معنای قلع و مس آب شده

است، آن روز آسمان نیز اینطور ذوب می شود.

وَلَا يَسْتَلُ حَمِيمٌ حَمِيماً (۱۰)

يُبْصِرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمِئِذٍ بَنِيهِ (۱۱)

وَصَاحِبِهِ وَأَخِيهِ (۱۲)

وَفَصْلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ (۱۳)

۱۰- و هیچ دوستی از دوست خودش (حالی) نمی پرسد.

۱۱- آنها را نشانسان می دهند، مجرم دوست دارد که اگر امکان داشت

فرزندان خودش را در برابر عذاب او عذاب می کردند (و او از عذاب

رهائی می یافت).

۱۲- و همسرش را و برادرش را،

۱۳- و قبیله اش را که همیشه از او حمایت می کردند.

﴿وَلَا يَسْتَلُ حَمِيمٌ حَمِيماً﴾ یعنی نفع نمی رساند.^۲

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در جمله آیه ﴿يُبْصِرُونَهُمْ﴾

فرمود: یعنی با اینکه دوستان ایشان را معرفی می کنند که این فلان رفیق تو

۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۸

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۹

است با این حال احوال یکدیگر را نمی‌پرسند.^۱

﴿يُودُّ الْمُجْرِمَ لَوْ يَفْقَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَيْتِهِ * وَصَاحِبَتَهُ وَأَخِيهِ * وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ﴾ و آن مادری است که از آن به دنیا آمده است.^۲

كَلَّا إِنَّهَا لَأَطْلَى (۱۵)

نَزَاعَةً لِلشَّوَى (۱۶)

تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى (۱۷)

وَ جَمَعَ فَأَوْعَى (۱۸)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً (۱۹)

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً (۲۰)

وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً (۲۱)

إِلَّا الْمُضِلِّينَ (۲۲)

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ ذَائِمُونَ (۲۳)

۱۵ - هرگز (چنین اتفاقی نخواهد افتاد و کسی بجای دیگری عذاب

نمی‌شود)، همانا شعله‌های آتش دوزخ شعله‌ور است،

۱۶ - دست و پا و سر و صورت و پوست را می‌سوزد.

۱۷ - و کسانی که به خداوند پشت کرده را می‌خواند،

۱۸ - و (نیز) کسانی که مال جمع کرده‌اند،

۱۹ - همانا انسان حریص و بی‌صبر آفریده شده است.

۲۰ - هنگامی که شری به او می‌رسد بی‌تابی می‌کند.

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۷

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۹

۲۱- و هنگامی که خیری به او می‌رسد احسان نمی‌کند.

۲۲- مگر نماز خوانان.

۲۳- کسانی که بر نمازشان مداومت می‌کنند.

﴿كَلَّا إِنَّهَا لَأُتَىٰ﴾ فرمود: آتش جعنم به سوی آنها شعله می‌کشد.

﴿تَزَاوَعَهُ لِّلشَّوٰى﴾ فرمود: چشم گناهکاران و کافران او را می‌کند و رویشان

را سیاه می‌کند.

﴿تَدْعُوا مِّنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ﴾ یعنی او را به سوی آتش می‌کشد.

﴿وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ﴾ یعنی مالی را جمع کرده و دفن نمود و آن را در راه

خداوند انفاق نکرد.

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا﴾ یعنی انسان خریص آفریده شده است.

﴿إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا﴾ فرمود: مراد از «شر» فقر و تنگدستی است.

﴿وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا﴾ فرمود: مراد از «خیر» بی‌نیازی و وسعت است.^۱

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمود: سپس نمازگزاران را با

جمله ﴿إِلَّا الْمُصَلِّينَ﴾ استثناء کرد و آنان را به بهترین اعمالشان که همان

مداومت در نماز است ستود و فرمود: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾

می‌فرماید: وقتی نمازی مستحبی را بر خود واجب می‌کنند، بر آن مداومت

دارند.^۲

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۲۵)

۲۵- برای سؤال کننده و محروم.

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۹

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۹۲؛ نورالقلین، ج ۵، ص ۴۱۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۰

﴿لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ فرمود: سائل کسی است که درخواست می‌کند و محروم کسی است که از کار کردن منع شده است.

فَمَا لِالَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مُهْطِعِينَ (۳۶)

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ عَزِينَ (۳۷)

أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يَدْخُلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ (۳۸)

كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ (۳۹)

فَلَا أَقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ (۴۰)

عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۴۱)

۳۶- این کافران را چه شده است که با عجله به سوی تو می‌آیند؟!

۳۷- از راست و چپ، گروه گروه،

۳۸- آیا هریک از آنها طمع دارد که به بهشت پر نعمت وارد شوند؟!

۳۹- هرگز (چنین نمی‌شود) ما آنها را از آنچه که می‌دانند آفریده‌ایم.

۴۰- سوگند به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها که ما قادریم.

۴۱- اینکه بجای آنها افراد بهتری قرار می‌دهیم و ما هرگز مغلوب

نمی‌شویم.

﴿مُهْطِعِينَ﴾ یعنی ذلیل و فرمانبردار هستند.

﴿عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ عَزِينَ﴾ یعنی در اطراف تو نشسته‌گانند.

﴿كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ﴾ فرمود: از نطفه سپس از علقه.

﴿فَلَا أَقْسِمُ﴾ یعنی أقسم، سوگند می‌خورم.

﴿بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ﴾ یعنی مشرقهای زمستانی، و مشرقهای

تابستانی، مغربهای زمستانی و مغربهای تابستانی. این آیه قسم است و

جوابش ﴿إِنَّا لَقَادِرُونَ * عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ﴾ می باشد.^۱

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَتْهُمْ إِلَىٰ نُصْبٍ يُوفِضُونَ (۴۳)

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَٰلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۴۴)

۴۳- روزی که به سرعت از قبرها بیرون آورده می شوند، که گویی به سوی
بتها می شتابند.

۴۴- در حالی که چشمهایشان از هول و وحشت قیامت به زیر افتاده و ذلت
و خواری آنها را پوشانده است. آن همان روزی است که به آنها وعده داده
می شدند.

﴿يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا﴾ یعنی از قبر.

﴿كَانَتْهُمْ إِلَىٰ نُصْبٍ يُوفِضُونَ﴾ یعنی به طرف دعوت کنندگان می روند و صدا
می زنند.

﴿تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ﴾ یعنی دچار ذلت می شوند.

﴿ذَٰلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ﴾ آن همان روزی است که به آنها وعده
داده می شدند.^۲

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۹۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۴؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۴۲۰.
۲. نورالتقلین، ج ۵، ص ۴۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۵.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورة نوح



مرکز تحقیقات و تفسیر علوم اسلامی

۷۱ - سورة نوح در مکه نازل

شده و دارای ۲۸ آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱)

۱- همانا ما نوح را به سوی قومش فرستادیم (و به او گفتیم): قومت را قبل

از اینکه عذاب دردناک به سراغشان بیاید بترسان.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

داستان نوح را قبلاً نوشته‌ایم.

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ

وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (۷)

۷- و من هر وقت که آنها را دعوت کردم و اینکه تو آنها را بیامرزی،

انگشتانشان را بر گوش‌شان می‌گذاشتند و لباس‌شان را بر خود می‌پیچیدند.

و لجابت و مخالفت می‌کردند و تا می‌توانستند تکبر می‌ورزیدند.

﴿وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ﴾

یعنی به وسیله آن خودشان را می‌پوشاندند و پنهان می‌کردند.

﴿وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا﴾ یعنی تصمیم گرفته بودند که چیزی را

نشنوند.

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا (۹)

۹- سپس (آنها را به سوی تو) آشکارا خواندم و در پنهانی نیز خواندم (ولی هیچ اثری نکرد).

﴿ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا﴾ یعنی در پنهان و آشکار آنها را دعوت کردم.^۱

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (۱۳)

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (۱۴)

۱۳- شما را چه شده که برای خداوند عظمت و وقاری قائل نیستید؟

۱۴- و به تحقیق شما را به انواع گوناگون بیافرید.

ابی الجارود گوید که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا﴾ فرمود: برای خداوند عظمتی که از آن بترسید قائل نیستید.^۲

﴿وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا﴾ یعنی با گوناگونی خواسته‌ها و اراده‌ها و رفتارها.

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا (۱۷)

۱۷- و خداوند شما را مانند گیاه از زمین رویانید.

﴿وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا﴾ یعنی علی الأرض نباتا - خداوند شما را بر روی زمین همچون گیاه رویانید -، که «من» به معنای «علی» است.

قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۰۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۷

۲. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۳۲۶ و ج ۶۷، ص ۳۴۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۸

خَسَاراً (۲۱)

وَمَكْرُوا مَكْرًا كُبَرًا (۲۲)

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَ

نَسْرًا (۲۳)

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا (۲۴)

۲۱- نوح گفت: پروردگارا اینها مرا نافرمانی کردند و از چیزی پیروی کردند

که بر مال و فرزند آنها چیزی جز زیان و خسران نیافزود.

۲۲- و مکر و حيله بزرگی به کار بردند.

۲۳- و گفتند: دست از خدایان خودتان برندارید، خصوصاً دست از

بت‌های «وَدَّ» و «سُوَاع» و «يَغُوث» و «يَعُوق» و «نَسْر» برندارید.

۲۴- و به تحقیق بسیاری را گمراه کردند، و (خدایاندا) بر ستمکاران جزء

گمراهیشان میفزای.

﴿رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا﴾ یعنی از اغنیا

پیروی می‌کردند.

﴿وَمَكْرُوا مَكْرًا كُبَرًا﴾ به معنای کبیراً یعنی بزرگ است.^۱

﴿وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا﴾

فرمود: قبل از حضرت نوح علیه السلام گروهی مومن بودند که مردند، مردم از مردن

آنها محزون و غمگین شدند، ابلیس نزد آنها آمده و صورت‌های آنها را برای

مردم درست کرد تا با آن صورت‌ها انس بگیرند، و مردم نیز با آن صورت‌ها

انس و الفت گرفتند تا اینکه زمستان شد آن صورت‌ها (مجسمه‌ها) را داخل

خانه هایشان کردند، بعد از یک قرن ابلیس به نزد مردم آمده و گفت: اینها

خدایانی هستند که پدران شما آنها را می پرستیدند، پس آنها نیز این صورت ها را پرستیدند و مردمان زیادی به خاطر آن صورت ها گمراه شدند تا اینکه نوح علیه السلام بر آنها نفرین کرد و خداوند هلاکشان نمود.^۱

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه **سَبَّحَ سَمَآوَاتٍ طِبَاقًا** فرمود: بعضی از آنها فوق بعض دیگر است.

وَلَا تَذَرُنَّ وُدًّا وَلَا سُوءًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا فرمود: **وُد** بتی برای کلب و **سُوء** برای هذیل و **يَغُوث** برای مراد و **يَعُوق** برای همدان و **نَسْر** برای حصین بود.^۲

وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا یعنی بر ستمکاران عذاب و عقاب را زیاد کن.

إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (۲۷)

۲۷- اگر تو آنها را به حال خودشان باقی گذاری، بندگان را گمراه می کنند،

و فرزندی جز فاجر و کافر از آنها به وجود نمی آید.

إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا پس خداوند آنها را هلاک نمود.^۳

صالح بن میثم گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم: نوح علیه السلام از کجا متوجه شد که از آن قوم بچه های فاجر و کافر بدنیا می آیند؟

امام علیه السلام فرمود: آیا قول خداوند را نشنیده ای که به نوح علیه السلام فرمود: **إِنَّهُ**

۱. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۴۸ و ج ۱۱، ص ۳۱۵؛ قصص الانبیاء جزائری، ص ۷۴؛ تفسیر

صافی، ج ۷، ص ۳۰۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۹

۲. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۴۸

۳. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۰۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۳

لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ^۱ جز آنها که ایمان آورده‌اند دیگر هیچ
کسی از قوم تو ایمان نمی‌آورد.^۲

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا
تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (۲۸)

۲۸- پروردگارا من و پدر و مادرم و کسی که با ایمان به خانه‌ام وارد می‌شود

و همه مردان و زنان با ایمان را ببامرز و برای ستمکاران جز هلاکت می‌بخشا.

محمد بن علی حلبی گوید که امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه ﴿رَبِّ اغْفِرْ

لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا﴾ فرمود: ولایت که هر کس بر آن وارد شد
در خانه‌های پیامبران داخل شده است.

ابی الجارود گوید که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا

تَبَارًا﴾ فرمود: بر ستمکاران خسران و زیان را زیاد کن.^۳

۱. هود، آیه ۳۶

۲. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۱۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۲۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۳؛
تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۰۶

۳. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۱۶؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۲۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۳؛
تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۰۶



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورة جن



مركز تحقیق و تفسیر قرآن

۷۲ - سورة جن در مکه نازل

شده و دارای ۲۸ آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أُوْحِي إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (۱)
يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (۲)
وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۳)
وَأَنَّهُ كَانَ يَفْقُولُ سَفِيهًا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا (۴)

۱- بگو: به من وحی شده است که گروهی از جنیان به سخنانم گوش داده‌اند و پس گفته‌اند: ما قرآن عجیبی شنیدیم.

۲- که به سوی رشد هدایت می‌کرد، پس به آن ایمان آوردیم و هرگز به پروردگارمان احدی را شریک قرار نمی‌دهیم.

۳- و همانا بسیار بلند مرتبه است شأن و عظمت پروردگار ما، و او برای خودش همسر و فرزندی نگرفته است.

۴- و البته سفیه ما به خداوند سخنان ناروا نسبت می‌داد.

ای محمد به قریش بگو: ﴿أُوْحِي إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ﴾ که داستان آن را در سوره احقاف نوشته‌ایم.
﴿وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا﴾ فرمود: آن چیزی بود که جن گفته بود و خداوند از آنها راضی نمی‌شود و ﴿جَدُّ﴾ به معنای بخت است.

﴿وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا﴾ که «شطط» به معنای ظلم و ستم است.^۱

امام صادق (علیه السلام) در معنای آیه ﴿وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا﴾ فرمود: چیز دروغی را جن گفته و خداوند همان گفته آنها را نقل فرموده است.^۲

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (۶)
۶- و همانا مردانی از بشر به مردانی از گروه جن پناه می بردند، و آنها سبب گمراهی طغیانگری آنها می افزودند.

زراره گوید از امام باقر (علیه السلام) از معنای آیه ﴿أَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ سوال کردم، فرمود: رسم دوره جاهلیت این بود که مردی راه می افتاد تا به نزد کاهن برود، و معتقد بود شیطان به کاهن وحی می کند، و از کاهن می خواست تا به شیطان بگوید فلان شخص به تو پناه برده است.^۳

﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ...﴾ فرمود: جنیان به نزد گروهی از مردم می آمدند و آنها را از اخباری که در آسمان شنیده بودند قبل از تولد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مردم می گفتند، و آن مردم نیز به آنچه جنیان گفته بودند کفایت می کردند.

﴿فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ که «رهق» به معنای خسران است.^۴

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۰۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۶
۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۹۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۱۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۶؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۳۵
۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۹۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۳۶
۴. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۱۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۷

- وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرِيقَ قَدَادَا (۱۱)
- وَأَنَا ظَنُّنَا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا (۱۲)
- وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا
وَلَا زَهْقًا (۱۳)
- وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (۱۴)
- وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (۱۵)
- وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَاءً غَدَقًا (۱۶)
- لِنَقْتَنِيَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا (۱۷)
- وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (۱۸)
- وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (۱۹)
- قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (۲۰)
- قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا (۲۱)
- قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۲۲)
- إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا (۲۳)
- حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا (۲۴)
- قُلْ إِنْ أَدْرِي مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (۲۵)
- غَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا (۲۶)
- إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (۲۷)
- لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَخَاطِبُنَا لَهُمْ وَلَدَيْنَهُمْ كُلَّ شَيْءٍ
عَدَدًا (۲۸)

گروه‌های گوناگونی هستیم.

۱۲- و همانا ما یقین داریم که در روی زمین هرگز نمی‌توانیم بر قدرت خداوند غالب شویم و از زیر قدرت او فرار کنیم.

۱۳- و همانا ما چون سخنان هدایت‌گر (آیات قرآن) را شنیدیم به آن ایمان آوردیم، پس هر کس به پروردگارش ایمان بیاورد پس از هیچ نقصان و ستمی نمی‌ترسد.

۱۴- و اینکه گروهی از ما مسلمان و گروهی ستمکارند، پس کسی که اسلام بیاورد راه راست را انتخاب کرده است.

۱۵- و اما ستمکاران هیزم آتش جهنم هستند.

۱۶- و اگر آنها بر راه (اسلام و ایمان) استقامت بورزند با آب (نعمت) فراوان سیرایشان می‌کنیم.

۱۷- تا به وسیله آن امتحانشان کنیم، و هر کس از یاد پروردگارش اعراض کند، او را به عذابی بسیار سخت مبتلا می‌سازد.

۱۸- و همانا مساجد مخصوص خداست، پس هیچ کسی را با خداوند نخوانید.

۱۹- و اینکه هنگامی که بنده خدا (محمد ﷺ) برای عبادت قیام می‌کرد و او را می‌خواند گروهی (طایفه جنیان برای شنیدن آیات قرآن) در اطراف او به شدت ازدحام می‌کردند.

۲۰- بگو: همانا من فقط خدای خودم را می‌خوانم و هرگز احدی را با او شریک نمی‌کنم.

۲۱- و بگو: من مالک زیان و هدایت شما نیستم.

۲۲- بگو: (اگر من نیز برخلاف فرمان الهی رفتار کنم) هرگز کسی نمی‌تواند

مرا (در برابر غضب الهی) پناه دهد، و هرگز پناهگاهی به غیر از او نمی یابم.
 ۲۳- تنها وظیفه من ابلاغ کردن و رساندن پیام اوست، و هر کس خداوند و رسولش را نافرمانی کند همانا برای او آتش جهنم است که همیشگی و ابدی در آن می ماند.

۲۴- (آنها را رها کن) تا آنچه را که به آنها وعده داده شده را ببینند، و به زودی می دانند که چه کسی یاورش ضعیف تر و تعدادش کمتر است.
 ۲۵- بگو: من نمی دانم آنچه که به شما وعده داده شده (عذاب الهی) نزدیک است یا پروردگارم مدتی برای آن قرار می دهد.

۲۶- او دانای غیب است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند.
 ۲۷- مگر کسی را که به رسالت برگزیده است و نگهبانانی از پیش رو و پشت سر برای آنها قرار می دهد.
 ۲۸- تا بداند فرستادگانش پیامهای پروردگارشان را ابلاغ کرده اند، و او به

آنچه که نزد اوست احاطه دارد، و شمار و تعداد همه چیز را می داند.

﴿فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا﴾ فرمود: ﴿بخس﴾ به معنای نقصان و ﴿رهق﴾ به معنای عذاب است.^۱

﴿كُنَّا طَرَائِقَ قِدَادًا﴾ یعنی بر مذاهب گوناگون.^۲

امام صادق (علیه السلام) از پدر بزرگوارش روایت می کند که در معنای آیه ﴿فَمَنْ أَسْلَمَ فَلَوْلِكَ تَحَرُّوا رَشَدًا﴾ فرمود: آنهاست که به ولایت ما اقرار نمودند پس آنها به راه رشد و صواب رو نهادند.^۳

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۱۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۷؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۳۷.
 ۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۹۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۱۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۸؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۳۷.
 ۳. تفسیر فرات کوفی، ص ۵۱۱.

﴿وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا﴾ که مراد معاویه و یاران او است.
 ﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ که مراد از «الطريقة» ولایت علی علیه السلام است.

﴿لِنَقْتَنِيَهُمْ فِيهِ﴾ تا با شهادت حسین علیه السلام آنها را امتحان و آزمایش کنیم.
 ﴿فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ یعنی با آل محمد احدی را نخوانید؛ و غیر از آل محمد را ولی خود نگیرید.
 ﴿وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ﴾ یعنی محمد صلی الله علیه و آله آنها را به ولایت علی علیه السلام دعوت می کرد.

﴿كَادُوا قَرِيضَ يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا﴾ یعنی بر سر او ریختند و اطرافش را گرفتند.

﴿قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي﴾ فرمود: همانا پروردگارم مرا به آن امر نموده است.
 ﴿لَا أُمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾ اگر از ولایت علی علیه السلام روی برگردانید.
 ﴿قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ﴾ اگر به آنچه که خداوند امر نموده آن را کتمان کنم.

﴿وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا﴾ یعنی هرگز جایگاهی غیر از او ندارم.
 ﴿إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ﴾ خداوند به آنچه از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام به من امر نموده بود را به شما ابلاغ نمودم.

﴿وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ در ولایت علی علیه السلام ﴿فَإِنَّ لَهُ نَازَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾ همانا برای او آتش جهنم است که همیشگی او ابدی در آن می ماند.
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی تو تقسیم کننده آتش هستی، به آتش می گویی: این برای من و این برای تو. قریش گفتند: ای محمد! آنچه را که برای ما از امر علی و آتش آماده کرده ای چه وقت اتفاق می افتد پس خداوند این آیه

را نازل فرمود: ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ﴾ یعنی مرگ و روز قیامت.

﴿فَسَيَعْلَمُونَ﴾ یعنی فلانی و فلانی و معاویه و عمرو بن العاص و یاران کینه جو و بدخواه آنها از قریش.

﴿مَنْ أضعفُ ناصراً وَّ أَقلُّ عدداً﴾^۱ گفتند ای محمد این چه وقت اتفاق می افتد، خداوند به محمد ﷺ فرمود: ﴿قُلْ إِنْ أَذْرِي أَقْرَبُ مِمَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمداً﴾ «امد» یعنی اجل، مدت.

﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَداً﴾ إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ یعنی علی مرتضی از رسول ﷺ است و رسول خدا ﷺ از اوست.

﴿فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَداً﴾ فرمود: در قلب او علم و در پشت سرش نگهبانی است، که به علی علم را تعلیم می کند و علم را به او می چشاند و خداوند هم به او الهام را تعلیم می کند. و ﴿رصد﴾ تعلیم از پیامبر ﷺ است. ﴿لِيَعْلَمَ﴾ پیامبر ﷺ ﴿أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَخَاطَ﴾ علی علیه السلام به آنچه از علم در نزد رسول خدا ﷺ بود آگاه بود.

﴿وَ أَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدْداً﴾ از آنچه که بود و از آنچه که خواهد بود، از زمانی که خداوند آدم را خلق نمود تا روز قیامت از فتنه ها یا زلزله یا در زمین فرو رفتن یا قذف یا امتی که در گذشته هلاک شدند و یا در آینده هلاک خواهند شد، چه تعداد از پیشوایان جائز و ستمکار و یا عادل که به اسم و نسب می شناسد، و چه کسانی به وسیله مرگ های طبیعی از دنیا می روند و یا کشته می شوند، چه تعداد پیشوایان شکست خورده که شکستشان هیچ ضرری به او نمی رساند و چه تعداد امام یاری شده ای که یاری کردنشان هیچ نفعی برای

او در پی نداشت.^۱

ابن عباس در معنای آیه ﴿وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ﴾ فرمود: مراد از ذکر ربّه و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۲

﴿فَمَنْ أَسْلَمَ فَلَوْلِكَ تَحَرُّوا رَشْدًا﴾ یعنی کسی که حق را طلب کند.
 ﴿وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ...﴾ قاسط کسی است که مانع از رفتن شود.^۳
 ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ مساجد هفتگانه که بر آنها سجده می شود عبارتند از: دو کف دست، دو زانو، دو انگشت بزرگ پا و پیشانی.^۴

امام رضا علیه السلام فرمود: مساجد همان ائمه علیهم السلام هستند.^۵

﴿وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ﴾ یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله

﴿يَدْعُوهُ﴾ کنایه از خداوند است.

﴿كَادُوا﴾ یعنی قریش.

﴿يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا﴾ یعنی بر او قوی شدند.

﴿حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ﴾ فرمود: قائم و امیرالمؤمنین علیه السلام در رجعت.

﴿فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا﴾

فرمود: آن فرمایش امیرالمؤمنین علی علیه السلام به زفر است که فرمود: ای

فرزند صهاک به خدا سوگند اگر آن عهد و پیمانی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بستم

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۸۹؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۵۱۱؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۳۸؛

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۰

۲. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۳۹۵ و ج ۳۶، ص ۹۰؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۸۶

۳. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۱

۴. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۳۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۳

۵. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۳۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۱۴؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۳؛

نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۴۰

نبود و در علم الهی رقم نخورده بود که من در دنیا طلب خلافت نکنم می دانستی که کدام یک از ما یارانی ضعیف و تعداد کمی دارد.

فرمود: هنگامی که رسول خدا ﷺ آنچه که در هنگام رجعت واقع خواهد شد را به آنها خبر داد، گفتند: این در چه وقت است؛ خداوند فرمود: ای محمد به آنها بگو: ﴿إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوْعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا﴾ من نمی دانم آنچه که به شما وعده داده شده (عذاب الهی) نزدیک است یا پروردگارم مدتی برای آن قرار می دهد.

﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا...﴾ فرمود: خداوند به رسولش خبر می دهد از آنچه که از اخبار گذشته و از آنچه که از اخبار آینده حضرت قائم علیه السلام و رجعت و قیامت را برای او می پسندد.^۱

حسین بن زیاد گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که در معنای آیه ﴿وَ أَنَّا لَأَنْذِرِي أَشْرَءُ أَرِيدَ بَيْنَ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَزَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا﴾ فرمود: به خدا سوگند خداوند شر را برای مردم اراده نکرد مگر زمانی که با معاویه بیعت کردند و حضرت حسن بن علی علیه السلام را رها کردند.^۲

جابر گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که در معنای آیه ﴿وَ أَنَّا لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ فرمودند: یعنی کسی که چیزی از شرک شیطان از منکرین ولایت در آن جاری شود ﴿عَلَى الطَّرِيقَةِ﴾ یعنی بر ولایت استقامت بورزند؛ نسبت به آن عهد و میثاقی که خداوند از فرزندان آدم گرفت (در عالم ذر) به آنها آب خوشگوار می آشامانیم.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۴۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۴

۲. بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۱۶۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۷

۳. بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۳۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۳۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۰



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورة مزمل



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۷۳ - سورة مزمل در مکه

نازل شده و دارای ۲۰ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ (۱)
قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۲)
نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳)
أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴)
إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵)
إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْناً وَأَقْوَمُ قِيلاً (۶)

۱- ای جامه به خود پیچیده،

۲- شب را به پاخیز جز کمی.

۳- نیمی از شب یا کمی از آن را کم کن،

۴- یا بر آن نصف بیفز و قرآن را با تدبیر تلاوت کن.

۵- همانا بزودی سخنی سنگین بر تو القا خواهیم کرد.

۶- همانا نماز شب مستحکم‌ترین عبادت است.

﴿يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ * قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ﴾ فرمود: او

پیامبر ﷺ بود که خودش را با لباسی پوشانده و خوابیده بود، پس خداوند فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ * قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا﴾ یعنی

اندکی از نصف.

﴿أَوْزِدْ عَلَيْهِ﴾ یعنی مقداری بر آن قلیل بیفزاید.^۱

﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾ فرمود: قرآن را با حروفی روشن بیان کن، و آن را مانند ریگ پراکنده مکن، و همچون موی سر به هم نزدیک مگردان و حروف آن را چنان ادا کن که در دلهای سخت جا گیرد.^۲

﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلاً﴾ یعنی قیام شب و آن قول الهی است که فرمود: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾ یعنی راست‌ترین قول است.^۳

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (۷)

وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتَلًا (۸)

۷- همانا برای تو در روز وقت کافی و طولانی است.

۸- و اسم پروردگارت را یاد کن و فقط به او علاقه‌مند شو.

﴿وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتَلًا﴾ فرمود: بلند کردن دو دست و حرکت نمودن انگشتان سیبانه است.^۴

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا﴾ فرمود: وقت زیادی برای خواب و برآوردن حاجت است. ﴿وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتَلًا﴾ یعنی عملت را برای او خالص کن.^۵

۱. نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۴۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۲۱

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۷

۳. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۲۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۸

۴. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۸۵؛ بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۳۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۲۴

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۸

۵. نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۴۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۹

وَطَعَاماً ذَا غُصَّةٍ وَعَذَاباً أَلِيماً (۱۳)

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيباً مَّهِيلاً (۱۴)

۱۳- و طعامی گلوگیر، و عذابی دردناک.

۱۴- روزی که زمین و کوهها به لرزه در می آید، و کوهها به صورت تپه‌ای

شنی در می آید.

﴿وَطَعَاماً ذَا غُصَّةٍ﴾ یعنی قادر نیست که آن را ببلعد.

﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ﴾ یعنی فرو روند.

﴿وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيباً مَّهِيلاً﴾ یعنی مانند ریگ پراکنده می شود.^۱

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷)

۱۷- پس اگر کافر شوید چگونه خود را (از عذاب الهی) نجات می دهید؟

آن روزی که کودکان را (از هول و سختی) پیر می کند.

﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾ یعنی اینکه امروز کافر

می شوید چگونه از عذاب روزی که، بچه‌ها را پیر می کند خودتان را ننگه

می دارید.

﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ...﴾ یعنی کودکان از هول ناله‌ای که می شنوند پیر

می شوند.^۲

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ
الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ

۱. نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۵۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۲۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۵۰

۲. بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۲۸

فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۰)

۲۰- همانا پروردگارت می‌داند که تو و کسانی که با تو هستند دو سوم شب یا نصف شب و یا یک سوم شب را به پا می‌خیزید، و خداوند شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند، او دانست که شما نمی‌توانید آن را اندازه‌گیری کنید پس از شما در گذشت پس تا حدّ توان قرآن بخوانید، او دانست که بزودی گروهی از شما مریض می‌شوند و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی به سفر می‌روند و گروهی دیگر نیز در راه خداوند به جهاد می‌پردازند پس باز در حدّ توان قرآن بخوانید، نماز به پا دارید، و زکات بپردازید، و به خداوند قرض نیکو بدهید، و آنچه از کارهای خیر برای خودتان پیش می‌فرستید آن را نزد خداوند به بهترین وجه و بزرگ‌ترین پاداش خواهید یافت، و از خداوند طلب مغفرت کنید، همانا که خداوند آمرزنده و مهربان است.

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که در تفسیر آیه ﴿إِنَّ رَيْكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ﴾ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله این عمل را انجام داد، و مردم را به آن بشارت داد، ولی بر آنان دشوار آمد. ﴿عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ﴾ و خدای تعالی دانست که ضبط یک سوم و نصف، و دو سوم برای مردم دشوار است، یک مسلمان نیمه شب از خواب برمی‌خیزد، در حالی که نمی‌داند چه ساعتی نصف یا دو سوم می‌شود، و چه بسا برای

درک آن ساعت‌های معین تا به صبح بیدار بماند. لذا خدای تعالی این آیه را نازل کرد: ﴿إِنَّ رَيْكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ - تَا - عَلِمَ أَنَّ لَكَ تَخْصُوهُ﴾ و فرمود: خدا می‌داند که شما نمی‌توانید نصف و ثلث را به دست بیاورید. و لذا این آیه شریفه آن حکم را نسخ کرد.

﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾ و بدانید که هیچ پیغمبری نیامده مگر اینکه نماز شب را در خلوت می‌خواند، و هیچ پیغمبری این نماز شب را در اول شب بجا نمی‌آورد.^۱

سماعه گوید از امام علی (ع) در معنای آیه ﴿وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا﴾ سوال کردم، فرمود: آن به غیر از زکات است.^۲



مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۱. بحار الانوار، ج ۸۴ ص ۱۳۵
 ۲. بحار الانوار، ج ۹۳ ص ۹۴؛ نور الثقلین، ج ۵ ص ۴۵۲؛ تفسیر صافی، ج ۷ ص ۳۲۸؛
 تفسیر برهان، ج ۸ ص ۱۵۱



مرکز تحقیقات کلام و علوم اسلامی

تفسیر سورة مدثر



۷۴ - سورة مدثر در مکه

نازل شده و دارای ۵۶ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ (۱)

قُمْ فَأَنْذِرْ (۲)

وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ (۳)

وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ (۴)

وَالرِّجْزَ فَاهْجُرْ (۵)

وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ (۶)

۱- ای جامه خواب بر خود بپوشیده،

۲- برخیز و انذار کن.

۳- و پروردگارت را به بزرگی یاد کن.

۴- و لباست را پاک گردان.

۵- و از ناپاکی دوری کن.

۶- و منت مگذار و زیاده طلب مباش.

﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ * قُمْ فَأَنْذِرْ * وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ * وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ﴾ یعنی ای

رسول بیم بده، «مدثر» یعنی لباس به خود بپوشیده.

﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾ آن قیام حضرت در هنگام رجعت است که در آن زمان مردم

را انذار می‌کند.

﴿وَيُنَابِكَ فَطْهُرٌ﴾ که تطهیر لباس کوتاه کردن آن است و فرمود: شیعیان ما پاک هستند.^۱

﴿وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ﴾ که ﴿رجز﴾ یعنی خبثات و کثیفی.^۲
﴿وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ﴾

ابی الجارود روایت می‌کند: هیچ وقت چیزی عطا مکن که چشم داشت بیشتر از آن را داشته باشی.^۳

فَإِذَا تُقَرِّ فِي النَّاقُورِ (۸)

فَذَلِكَ يَوْمٌ عَسِيرٌ (۹)

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرَ يَسِيرٍ (۱۰)

دَٰرِنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً (۱۱)

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالاً مَّمْدُوداً (۱۲)

وَبَنِينَ شُهُوداً (۱۳)

وَمَهْدَتُ لَهُ تَمْهيداً (۱۴)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (۱۵)

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيداً (۱۶)

سَأَرْهُقُهُ صُعُوداً (۱۷)

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ (۱۸)

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۵۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۳۱

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۵۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۳۲

۳. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۴ و ج ۹۳، ص ۱۴۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۵۴؛ تفسیر برهان،

ج ۸، ص ۱۵۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۳۲

فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَرٌ (۱۹)

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَرٌ (۲۰)

ثُمَّ نَظَرَ (۲۱)

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ (۲۲)

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ (۲۳)

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ (۲۴)

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵)

سَأَصْلِيهِ سَقَرٌ (۲۶)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا سَقَرٌ (۲۷)

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ (۲۸)

لَوَاحِةٌ لِلْبَشَرِ (۲۹)

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (۳۰)

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا
لِيَسْتَبَيِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَزْنِابَ الَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا
أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ
جُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ (۳۱)

۸- پس هنگامی که در صور دمیده می شود،

۹- پس آن روز، روز بسیار سختی است،

۱۰- و برای کافران آسایشی نیست،

۱۱- کسی را که خود او را به تنهایی آفریده ام به من واگذار،

۱۲- و برای او مال فراوانی قرار دادم،

- ۱۳- و فرزندان که در نزد او هستند.
- ۱۴- و تمام وسائل زندگی را برای او مهیا نمودم.
- ۱۵- سپس طمع دارد که آن را زیاد کنم.
- ۱۶- هرگز (چنین نمی شود) چرا که او به آیات ما دشمنی می ورزد.
- ۱۷- به زودی او را به بالا رفتن از گردنه عذابی بسیار سخت مجبور می کنم.
- ۱۸- همانا او اندیشه کرد و آماده نمود.
- ۱۹- پس مرگ بر او باد چگونه اندیشه غلطی کرد.
- ۲۰- باز هم مرگ بر او باد که چگونه اندیشه (شیطانی) کرد.
- ۲۱- سپس نگاه کرد.
- ۲۲- سپس چهره در هم کرد و با عجله آماده شد.
- ۲۳- سپس پشت کرد و تکبر ورزید.
- ۲۴- پس گفت: این (قرآن) سحر و بیان سحرانگیزی همچون سحرهای گذشتگان است.
- ۲۵- این (آیات قرآن) گفتار بشری بیش نیست.
- ۲۶- بزودی او را وارد آتش دوزخ می کنم.
- ۲۷- و تو چه می دانی که سقر چیست؟
- ۲۸- نه چیزی را باقی می گذارد و نه چیزی را رها می سازد.
- ۲۹- از بین برنده پوست بدن هاست.
- ۳۰- بر آن آتش نوزده (فرشته عذاب) گمارده شده اند.
- ۳۱- و ما ماموران دوزخ را فرشتگان (عذاب) قرار دادیم، و تعداد آنها را جز برای فتنه و آزمایش کافران قرار ندادیم تا کسانی که به آنها کتاب داده

شده یقین کنند و بر ایمان مومنان بیفزاید، کسانی که به آنها کتاب داده شده و ایمان آوردند شک نکنند، و کسانی که در قلب‌هایشان مرضی هست و کافران بگویند: خداوند از این توصیف کردن چه منظوری دارد؟ اینچنین خداوند کسی را که بنخواهد گمراه می‌کند و کسی را که می‌خواهد هدایت می‌کند، و لشگریان پروردگارت را جز خداوند نمی‌داند، و این تذکری جز برای بشر نیست.

رنگ به رنگ شدن کافران از شنیدن آیات قرآن

﴿فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ - تَا - ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا﴾

این آیات دربارهٔ ولید بن مغیره که پیر مردی مجرب از هوشمندان زیرکان عرب بود نازل شد، وی یکی از کسانی بود که رسول خدا ﷺ را استهزاء می‌کرد.

رسول خدا ﷺ در حجر اسماعیل می‌نشست و قرآن می‌خواند، روزی قریش که دور ولید بن مغیره جمع شده بودند از او پرسیدند: ای ابو عبد الشمس این چیست که محمد ﷺ می‌گوید؟ آیا شعر است یا کهانت، و یا خطابه؟

گفت: بگذارید نزدیکش شوم و کلامش را بشنوم پس نزد آن جناب رفت و گفت: ای محمد از اشعاری که سروده‌ای برایم بخوان.

حضرت ﷺ فرمود: آنچه می‌خوانم شعر نیست، بلکه کلامی از خداوند متعال است، که آن را برای ملائکه و انبیا و رسولان خود پسندیده است.

ولید گفت: مقداری از آن را برایم تلاوت کن.

رسول خدا ﷺ سوره ﴿حم سجده﴾ را خواند، وقتی رسید به آیه شریفه

﴿فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ﴾^۱ لرزه بر اندام ولید افتاد و موی بدنش راست شد، و بدون اینکه برای قریش خبر ببرد که چه شد، مستقیماً به خانه خود رفت.

قریش نزد ابوجهل رفته گفتند: ای ابو حکم، ابو عبد الشمس از دین خود بیرون شد و به دین محمد گروید مگر نمی بینی که از آن زمان که به نزد محمد صلی الله علیه و آله رفت دیگر نزد ما برنگشت. روزی صبح ابو جهل نزد ولید رفت و گفت: ای عمو تو ما را سرافکنده و رسوا کردی، و زبان شماتت دشمن را بر سر ما دراز کردی، و به دین محمد گرویدی.

ولید گفت: من به دین او نگریده‌ام و لیکن از او کلامی شنیدم که از سنگینی و دشواری پوست بر بدن جمع می شود.

ابو جهل گفت: حال بگو ببینم آیا کلام او خطابه نبود؟

گفت: نه، برای اینکه خطابه کلامی متصل و پیوسته است، و کلام او بند بند است، آن هم بند بندی که بندهایش شباهتی به هم ندارند.

ابو جهل پرسید: آیا شعر است؟

گفت: نه، شعر هم نیست، برای اینکه تو خود آگاهی که من همه اقسام اشعار عرب را شنیده‌ام، بسیطش و مدیدش و رجزش را، و کلام محمد به هیچ وجه نمی تواند شعر باشد.

ابو جهل پرسید: پس چیست؟

ولید گفت: باید به من مهلت بدهی درباره اش فکر کنم.

فردای آن روز قریش به ولید گفتند: ای ابو عبد الشمس، نظرت درباره

۱. فصلت، آیه ۱۳؛ پس اگر اعراض کنند به آنها بگو: من شما را از صاعقه ای مانند صاعقه عادی و ثمود ترسانیدم.

سؤال ما چه شد؟

گفت: شما بگوئید کلام محمد ﷺ سحر است، برای اینکه دل انسان را مسخر می‌کند، لذا خدای تعالی درباره وی فرمود: ﴿ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً﴾ و اگر او را وحید خواند، برای آن بود که او به قریش گفته بود پوشش خانه کعبه یک سال به عهده من به تنهایی است، و یک سال به عهده همه شما، چون او مال بسیار و باغهای زیادی داشت، و دوازده پسر در مکه داشت، و دارای ده برده بود، که نزد هر یک از آنها هزار دینار مال التجاره بود، و قنطار آن روز هم همین هزار دینار بود. می‌گویند: «قنطار» عبارت بود از پوست گاوی که مملو از طلا باشد.

پس خداوند نازل فرمود: ﴿ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ - تا - صَعُوداً﴾ در جهنم کوهی است که آن را صعود می‌گویند.^۱
﴿ثُمَّ نَظَرَ﴾ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿عبس» یعنی رویش را ترش کرد و «بسر» یعنی اخم کرد.

﴿ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ﴾ قَالَ إِنَّ هَذَا إِلَهٌ سِحْرٌ يُؤْتَرُ إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ - تا - مَا سَقَرُ ﴿که «سقر» وادی در آتش جهنم است.

﴿لَا تَبْقَى وَلَا تَذَرُ﴾ یعنی آتشی است که نه چیزی را باقی می‌گذارد و نه از چیزی می‌گذرد.

﴿لَوْ أَهْلُ لِبَاسٍ﴾ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿بر او گرم شده و او را می‌سوزاند.
﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ ملائکه آنها را عذاب می‌کنند و آن قول الهی است که فرمود: ﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً﴾ و آنها ملائکه در آتش هستند که گناهکاران را عذاب می‌کنند.

﴿وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمُ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا﴾ برای هر مردی نوزده ملائکه است که او را عذاب می‌کنند.^۱

امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً﴾ فرمود: وحید یعنی ولد الزنا است که منظور زفر باشد.^۲

﴿وَجَعَلْتُ لَهُ مَالاً مَمْدُوداً﴾ یعنی اجلی را تا مدت مشخص شده برای او قرار دادم.

﴿وَبَيْنَ شُهُوداً﴾ اصحابی که شهادت دادند ارث نمی‌گذارد.

﴿وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيداً﴾ آنچه را که برای او آماده کرده بودم ملک او قرار دادم.

﴿ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ﴾ کَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيداً﴾ یعنی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را منکر می‌شدند به خاطر اینکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ولایت آن حضرت دشمنی می‌کردند.

﴿سَأَرْهِقُهُ صَعُوداً﴾ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ﴾ که «فکر» یعنی درباره ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام که به آن امر شده بود فکر کرد، و «قَدَّرَ» یعنی اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله از این عالم رحلت کرد تسلیم آن بیعتی که با امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله کردن بود نشود.

﴿فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَرٌ﴾ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَرٌ﴾ عذاب بر روی عذاب، حضرت قائم علیه السلام او را عذاب می‌کند.

﴿ثُمَّ نَظَرَ﴾ به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام.

﴿عَبَسَ وَبَسَر﴾ از آنچه به آن امر شده بود.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۴؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۳۴؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۵۷

۲. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۱۶۸

۳. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۳۴؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۵۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۵۴

﴿ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ﴾ فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ﴿زفر گفت که پیامبر ﷺ

مردم را به وسیله علی ﷺ سحر کرده است.

﴿إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ﴾ یعنی آن وحی از جانب خداوند نیست.

﴿سَاصِلِيهِ سَقَرٌ﴾ تا آخر درباره زفر نازل شده است.^۱

إِنَّهَا لَا تَخَذِي الْكُبْرَ (۳۵)

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ (۳۶)

۳۵- که این یکی از بزرگترین آیات خداست.

۳۶- پند و اندرزی برای انسان‌هاست.

امام باقر علیّه السلام در معنای آیه ﴿إِنَّهَا لَا تَخَذِي الْكُبْرَ﴾ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ فرمود:

یعنی فاطمه علیّه السلام.^۲

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينٌ (۳۸)

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (۳۹)

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (۴۰)

عَنِ الْمُجْرِمِينَ (۴۱)

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۴۲)

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۴۳)

وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ (۴۴)

وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَافِضِينَ (۴۵)

۱. نورالقلین، ج ۵، ص ۴۵۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۶۲

۲. بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۳۱ و ج ۴۳، ص ۲۳؛ نورالقلین، ج ۵، ص ۴۵۸؛ تفسیر برهان،

ج ۸، ص ۱۵۹

وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ (۴۶)

حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ (۴۷)

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ (۴۸)

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِيرِ مُعْرِضِينَ (۴۹)

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ (۵۰)

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ (۵۱)

۳۸- هر نفسی در گرو عمل خود است.

۳۹- مگر اصحاب یمین.

۴۰- در باغهای بهشت، سؤال می کنند.

۴۱- از مجرمان.

۴۲- چه چیز شما را در دوزخ افکند؟

۴۳- می گویند: از نمازگزاران نبودیم.

۴۴- و مستمندان را اطعام نمی کردیم.

۴۵- و با اهل باطل رفت و آمد داشتیم.

۴۶- و ما روز قیامت را تکذیب می کردیم.

۴۷- تا اینکه مرگ ما فرا رسید.

۴۸- پس شفاعت شفاعت کنندگان به حال آنها نفعی نمی رساند.

۴۹- پس چرا از متذکر شدن آن روز اعراض می کنند؟

۵۰- گویی گورخران رمیده ای هستند.

۵۱- که از شیر درنده می گیرزند.

﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ۖ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ﴾ مراد از یمین

امیرالمؤمنین علیه السلام و مراد از اصحاب شیعیان آن حضرت می باشند که به

دشمنان آل محمد ﷺ می گویند: ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ﴾ چه چیز شما را در دوزخ افکند؟

آنها می گویند: ﴿لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾ یعنی از پیروان ائمه ﷺ نبودیم. ﴿وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ﴾ حقوق آل محمد ﷺ از خمس برای ذوی قریبی و یتامی و مساکین و ابن السبیل که آنها از آل محمد ﷺ هستند. ﴿وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ﴾ وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾ یعنی روز مجازات.

﴿حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ﴾ که یقین یعنی مرگ. ﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ اگر هر ملک مقرب و نبی مرسلی درباره ناصب آل محمد ﷺ شفاعت کنند شفاعتشان مورد قبول واقع نمی شود، سپس فرمود: ﴿فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ﴾ از آنچه از موالات و دوستی امیر المؤمنین علیه السلام برای آنها گفته می شود. ﴿كَانَهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفَرَةٌ﴾ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ﴾ که «قسوره» یعنی شیر.^۱

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مُنشَرَةً (۵۲)

۵۲- بلکه هر یک از آنها می خواهند که نامه ای جداگانه برایشان فرستاده شود.

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در تفسیر جمله ﴿بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مُنشَرَةً﴾ فرمود: شان نزول این آیه آن بود که مردم به رسول خدا ﷺ گفته بودند: ای محمد به ما چنین رسیده که در بنی اسرائیل هر کس مرتکب گناهی می شد صبح، گناه و کفاره گناه خود را در نوشته ای

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۴۰؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۵۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۶۳

پهلوی سرش می دید.

جبرئیل به رسول خدا ﷺ نازل شد، و گفت: قوم تو سنت جاریه در بنی اسرائیل در باره گناهان را خواستند، اگر بخواهند ما با ایشان نیز همان رفتار را می کنیم، و آنان را به همان عذابهایی که بنی اسرائیل را گرفتیم می گیریم، و مردم حس کردند رسول خدا ﷺ دوست ندارد که چنین سنتی در میان امتش جریان یابد.^۱

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (۵۶)

۵۶- و هیچ کسی پند نمی گیرد مگر آنکه خداوند بخواند، او اهل تقوا و

اهل آمرزش است.

﴿هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ﴾ یعنی خدا اهلیت آن را دارد که از او پروا

کنند و اهلیت آن را دارد که بیامرزد.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۴۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۶۳؛

نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۶۰

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۶۰

تفسیر سورۃ قیامت



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۷۵ - سورۃ قیامت در مکه

نازل شده و دارای ۴۰ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ (۱)

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (۲)

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ (۳)

بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسْوِيَّ بَنَانَهُ (۴)

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (۵)

يَسْتَلْ أَتَىٰ نَوْمَ الْقِيَامَةِ (۶)

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ (۷)

۱- سوگند به روز قیامت.

۲- سوگند به نفس ملامتگر.

۳- آیا انسان می‌پندارد که ما هرگز استخوانهای او را جمع نمی‌کنیم؟

۴- آری ما قادریم که حتی سرانگشتان او را نیز منظم و موزون درست کنیم.

۵- بلکه انسان می‌خواهد تمام عمرش را به فجور بگذراند.

۶- (لذا) می‌پرسد قیامت چه وقت خواهد بود؟

۷- (بگو): هنگامی که برق چشم‌ها (از شدت وحشت و هول) خیره بماند.

﴿لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ یعنی به روز قیامت سوگند می‌خورم.

﴿وَلَا تُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةِ﴾ نفس لوامه، نفس آدمی است که نافرمانی کرده و خدای عز و جل ملامتش فرموده است.

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ﴾ بلی قادرین علی أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ اگر خداوند می خواست اطراف انگشتان را موزون و منظم درست می کرد.
﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ﴾ گناه را جلو می اندازد و توبه را به تاخیر و می گوید: به زودی توبه می کنم.^۱

﴿يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ﴾ یعنی چه وقت می باشد.
﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ﴾ چشم برقی می زند و دیگر نمی تواند در حلقه بگردد.

كَلَّا لَا وَزَرَ (۱۱)

۱۱- هرگز (چنین نیست) فرار و پناهگاهی ندارد.

﴿كَلَّا لَا وَزَرَ﴾ یعنی پناهگاهی ندارد.

يُنَبِّئُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ (۱۳)

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (۱۴)

وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ (۱۵)

۱۳- آن روز انسان را به اعمالی که پیش و پس فرستاده آگاه می کنند.

۱۴- بلکه انسان بر خویشتن آگاه است.

۱۵- اگر چه (برای رهایی) عذرهایی بیاورد.

﴿يُنَبِّئُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ﴾ آنچه از گذشته و آینده است خبر

می دهد.

﴿بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ۖ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ﴾ یعنی می‌داند که چه کار کرده است اگر چه عذر و بهانه بیاورد.^۱

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿يُسَبِّحُوا الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ﴾ فرمود: به آنچه از خیر و شر که مقدم داشت، و به آنچه سنت قرار داد که پس از او جریان پیدا کند که اگر بد و شر باشد همچون دیگران گرفتار و زر آن خواهد شد و از وزر دیگران چیزی کاسته نمی‌شود، و اگر خیر و نیک باشد، او را همچون دیگران پاداشی است و از پاداشهای دیگران چیزی نمی‌کاهد.^۲

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷)

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹)

كَلَّا بَلْ تُجِبُّونَ الْغَاجِلَةَ (۲۰)

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ (۲۱)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ (۲۲)

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ (۲۳)

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ (۲۴)

۱۷- همانا جمع کردن و خواندنش بر عهده ماست.

۱۸- پس هنگامی که آن را بخواندیم، از خواندن آن پیروی کن.

۱۹- سپس بیان کردن آن بر عهده ماست.

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۴۷

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۴۷؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۶۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۶۶

۲۰- هرگز (چنین نیست)، بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید.

۲۱- و آخرت را او می‌گذارد.

۲۲- در آن روز صورت‌هایی مسرور و نورانی است.

۲۳- و (با چشم دل) به سوی پروردگارش می‌نگرد.

۲۴- و در آن صورت‌هایی عبوس و غمگین است.

﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ یعنی جمع کردن قرآن و خواندن آن بر عهده آل محمد علیهم‌السلام است.

﴿فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾ هنگامی که از آیات قرآن می‌خوانید از آن پیروی کنید.

﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾ یعنی تفسیر قرآن.

﴿كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ﴾ که مراد از «عاجله» همین دنیای حاضر است.

﴿وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ﴾ یعنی آخرت را رها می‌کنید.

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ﴾ یعنی نورانی.

﴿إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ به وجه الهی نظاره می‌کنند یعنی به رحمت و نعمت‌های

الهی نظاره می‌کنند.^۱

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بِاسِرَةٍ﴾ یعنی خوار ذلیل.

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ (۲۶)

وَقَبْلَ مَنْ رَاقٍ (۲۷)

وَضَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (۲۸)

وَالْتَقَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (۲۹)

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ (۳۰)

۲۶- هرگز (چنین نیست)، هنگامی که جانشان به گلوگاه برسد.

۲۷- و گفته شود: آیا کسی هست که این بیمار را نجات دهد؟

۲۸- و یقین به جدایی از دنیا می‌کند.

۲۹- و (هنگام جان دادن) ساقهای پا به هم پیچد.

۳۰- در آن روز مسیر همه به سوی پروردگارت خواهد بود.

﴿كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ﴾ هنگامی که جان به ترقوه برسد.

﴿وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ﴾ به او گفته می‌شود: چه کسی می‌تواند تو را با افسون

نجات دهد.

﴿وَوَظَنَ أَنَّهُ الْفِرَاقُ﴾ یعنی یقین می‌کند که زمان فراق و جدایی از دنیا

رسیده است.

﴿وَالْتَقَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ﴾ یعنی دنیا با آخرت در هم می‌پیچد.

﴿إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ﴾ به سوی خدا رانده می‌شوند.^۱

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى (۳۱)

وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۳۲)

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَمْكُطُ (۳۳)

أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ (۳۴)

۳۱- (آن روز گفته شود): او نه تصدیق کرد و نه نماز خواند.

۳۲- و لکن تکذیب کرد و اعراض نمود.

۳۳- سپس متکبرانه به سوی خانواده‌اش رفت.

۳۴- (به گفته شود: عذاب الهی) برای تو سزاوارتر است، سزاوارتر.

﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى﴾

سبب نزول آیه این بود که رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم مردم را به بیعت با علی علیه السلام فرا خواند چون به مردم رسانید آنچه را که از جانب پروردگار درباره آن حضرت مأمور بود و مردم از امر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برگشتند معاویه ملعون بر مغیره بن شعبه و ابی موسی اشعری تکیه کرده بود متوجه عشیره خود شد و گفت بخدا قسم من هرگز ایمان و اقرار به ولایت علی علیه السلام نخواهم آورد و گفتار محمد صلی الله علیه و آله را درباره علی علیه السلام تصدیق نمی‌کنم خداوند این آیات را نازل فرمود: ﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى﴾ * وَلَكِنْ كَذَبَ وَتَوَلَّى * ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى * أُولَى لَكَ فَأُولَى * وای بر او که امر ما را تکذیب می‌کند و از حکم ما بر می‌گردد و به سوی اهلش با تکبر و نخوت روی آورد وای بر چنین شخصی که به عذاب و مرگ سزاوارتر است.

بعد از نازل شدن این آیات، آن فاسق از پیامبر صلی الله علیه و آله دور شده و فرار نمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بالای منبر تشریف برد خواست از معاویه بیزاری بجوید خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ﴾ پیغمبر اکرم به امر خداوند سکوت اختیار کرد.^۱

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى (۳۶)

أَلَمْ يَكُنْ نَطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى (۳۷)

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى (۳۸)

۱. بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۱۶۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۵۱؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۶۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۷۲

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى (۳۹)

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى (۴۰)

۳۶- آیا انسان می‌پندارد که او را بدون هدفی رها می‌کنند؟

۳۷- آیا او نطفه‌ای از منی نبود که بر رحم ریخته می‌شود؟

۳۸- سپس به صورت علقه (خون بسته) شد، پس خداوند او را آفرید و

آراسته‌اش نمود.

۳۹- پس از او زوج مرد و زن قرار داد.

۴۰- آیا چنین کسی قادر نخواهد بود که مردگان را زنده کند؟

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ یعنی آیا انسان گمان می‌کند به

حسابش نمی‌رسند و عذاب نمی‌شود و از او بازخواست نمی‌کنند؟

سپس فرمود: ﴿أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيِّ يُمْنَى﴾ بعد از اینکه ازدواج کرد.

﴿ثُمَّ كَانَ عِلْقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى - تا - أَلَيْسَ

ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى﴾ رد کسانی است که بعث و نشور را منکر می‌شوند.^۱



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورة دهر (انسان)



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۷۶ - سورة دهر (انسان) در

مدینه نازل شده و دارای ۳۱

آیه است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً (۱)
 إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً (۲)
 إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَإِمَّا كَفُوراً (۳)

۱- آیا روزگارانی بر انسان نگذشت که چیزی قابل ذکر نبود؟

۲- ما انسان را از نطفه مختلط آفریدیم و او را می آزماییم، و او را شنوا و بینا قرار دادیم.

۳- همانا ما او را به راه راست هدایت کردیم خواه شاکر باشد و یا کفران کند.

﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً﴾ فرمود:
 ﴿لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً﴾ یعنی نه در علم بود و نه در ذکر، و در حدیث دیگری
 فرمود: در علم بود و در ذکر نبود.

﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ﴾ یعنی او را امتحان می کنیم.
 ﴿فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً﴾ و او را شنوا و بینا قرار دادیم.

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ﴾ یعنی برای او راه خیر و شر را روشن کردیم.
 ﴿إِمَّا شَاكِراً وَإِمَّا كَفُوراً﴾ و این رد بر جبریون است که گمان می کنند هیچ

فعل و عملی در اختیار آنها نیست.^۱

ابن ابی عمیر گوید از امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ سوال کردم، فرمود: یا آن را قبول می‌کند که در این صورت شاکر است و یا آن را ترک می‌کند که کافر است.^۲

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿أَمْشَاجِ نَبْتٍ﴾ فرمود: نطفه مرد با نطفه زن با هم مخلوط می‌گردد.^۳

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۵)

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (۶)

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷)

۵- همانا نیکوکاران از جامی می‌نوشند که با کافور آمیخته است.

۶- از سرچشمه‌ای که بندگان خاص خداوند از آن می‌نوشند، و به هر کجا که خواستند جاریش می‌سازند.

۷- به نذر خود وفا می‌کنند، و از روزی که شرش همه‌گیر است می‌ترسند.

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا﴾ یعنی در خنکی و پاکیزگی زیرا کافور در آن است.

﴿عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا﴾ یعنی ﴿يَشْرَبُ مِنْهَا﴾ از آن می‌نوشند.

﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا﴾ مراد از «مستطیر» یعنی

عظیم و بزرگ.^۴

۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۷۶

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۶

۳. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۳۷۶؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۶۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۵۶؛

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۷۶

۴. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۷۷

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (۸)

۸- و در حالی که غذایشان را دوست دارند به مسکین و یتیم و اسیر می دهند.

﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾

عبد الله بن میمون قدام از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: نزد فاطمه زهرا علیها السلام مقداری جو بود، با آن عسیده ای (غذایی است که جو را با روغن آغشته نموده و سپس می پزند) درست کرد، همین که آن را پختند و پیش روی خود نهادند تا میل کنند، مسکینی آمد و گفت خدا رحمتان کند مسکینی هستم، علی علیه السلام برخاست و یک سوم آن غذا را به سائل داد. چیزی نگذشت که یتیمی آمد و گفت: خدا رحمتان کند، باز علی علیه السلام برخاست و یک سوم دیگر را به یتیم داد. پس از لحظه ای اسیری آمد و گفت خدا رحمتان کند باز علی علیه السلام ثلث آخر را هم به او داد، و آن شب حتی طعم آن غذا را نچشیدند، و خدای تعالی این آیات را تا آیه ۲۲ ﴿وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا﴾ را در شان امیرالمؤمنین علیه السلام نازل کرد و این آیات در مورد هر مؤمنی که در راه خدا چنین کند جاری است.^۱

قمطیریر یعنی شدید، سخت.

مَكِينٍ فِيهَا عَلَى الْأَرْزَاقِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرًا (۱۳)

وَذَانِيَّةٌ عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذَلُّلاً (۱۴)

وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا (۱۵)

قَوَارِيرًا مِنْ فِضَّةٍ قَدَرُوهَا تَقْدِيرًا (۱۶)

۱۳- در بهشت بر تختهای زیبا تکیه زده‌اند، و آنجانه آفتابی سوزان می‌بینند و نه سرما را.

۱۴- و سایه درختان بهشتی بر سر آنها سایه افکنده و چیدن میوه‌هایش برای آنها بسیار آسان است.

۱۵- و در اطراف آنها ظرف‌هایی سیمین و کوزه‌های بلورین می‌گردانند.

۱۶- که آن ظرف‌های بلورین از نقره را به اندازه مناسب مهیا نموده‌اند.

﴿مُسْكِينٍ فِيهَا عَلَى الْأَزْوَاجِ﴾ یعنی در حجله‌هایشان بر سریر تکیه داده‌اند.

﴿وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا﴾ سایه‌های درختان بر آنها نزدیک است.

﴿وَذَلَّلْتُ قُطُوفَهَا تَذِيلًا﴾ میوه‌های آن درختان بر آنها نزدیک است بطوری که ایستاده و نشسته از آن می‌خورند.

﴿أَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا * قَوَارِيرًا مِنْ فِضَّةٍ﴾ یعنی کوزه‌هایی بزرگ که نه دسته دارد و نه لوله، و جام‌هایی از نقره در بهشت است که به وسیله آن می‌نوشند.

﴿قَدَرُوهَا تَقْدِيرًا﴾ یعنی آن کوزه‌ها به قدر مقامشان درست کرده‌ایم.

﴿مِنْ سُنْدُسٍ وَاسْتَبْرَقٍ﴾^۱ استبرق یعنی ابریشم.^۲

﴿وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا﴾ چشم از پشت آن می‌بیند همچنانکه از پشت آینه می‌بیند.

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنُورًا (۱۹)

۱. کھف، آیه ۳۱؛ یعنی: از سندس و ابریشم.

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۳۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۷۷.

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلُكًا كَبِيرًا (۲۰)
 غَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ
 شَرَابًا طَهُورًا (۲۱)

۱۹- و در اطراف آنها نوجوانانی زیبا تا ابد می گردند هنگامی که آنها را
 ببینی می بینداری که مرواریدی پراکنده هستند.

۲۰- و هنگامی که ببینی، (مانند این است که) نعمت ها و ملک عظیمی را
 می بینی.

۲۱- بر اندام بهشتیان لباس هایی از دیبای سبز و حریر ضخیم و بر
 دستهایشان دستبندهایی از نقره است، و پروردگارشان نوشیدنی پاک و
 طهور به آنها می نوشاند.

﴿وَلِدَانٌ مُّخَلَّدُونَ﴾ یعنی خدمتگزارانی که دستبند به دست دارند.
 ﴿وَمُلُكًا كَبِيرًا﴾ یعنی نه زوال می پذیرد و نه فانی می گردد.
 ﴿غَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ﴾ یعنی لباس هائی از حریر سبز و
 ابریشم بر آنها می پوشاند.^۱

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا (۲۳)
 فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آئِمًّا أَوْ كَفُورًا (۲۴)
 وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۲۵)
 وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (۲۶)
 ۲۳- همانا ما بر تو قرآن را نازل کردیم.

۲۴- پس به حکم پروردگارت صبر کن، و از هیچ گناهکار و کافری از آنها

بیروی مکن.

۲۵- و نام پروردگارت را هر صبح و شام یاد کن.

۲۶- و شب برای او سجده کن، و شب هنگام مقداری طولانی او را تسبیح

گویی.

خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ

الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا - تا - بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ یعنی صبح و نیم روز.

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾ یعنی نماز شب بخوان.

نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا (۲۸)

۲۸- ما آنها را آفریدیم و بنیانشان را محکم ساختیم، و هرگاه بخواهیم

بجای آنها گروه دیگری قرار می دهیم.

﴿نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ﴾ یعنی خلقت ایشان را محکم کردیم.

شاعر می گوید:

و ضامرة شد الملیک أسرها یکاد ماذنها أسفلها و ظهرها و بطنها

گفت: ضامره یعنی: اسب او که ملیک آن را محکم کرد؛

اسرها یعنی: خلق کرد به وجود آورد؛

یکاد ماذنها یعنی: گردنش را

یکون شطرها یعنی: نصف آن.^۱

تفسیر سورة مرسلات



۷۷ - سورة مرسلات در

مکه نازل شده و دارای ۵۰

آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (۱)

فَالْغَاصِقَاتِ غَاصًّا (۲)

وَالنَّاشِئَاتِ نَشْرًا (۳)

فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا (۴)

فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا (۵)

عَذْرًا أَوْ تَذْرًا (۶)

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعَ (۷)

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (۸)

۱- سوگند به فرستادگان پی در پی .

۲- سوگند به آنها که همچون تند باد در شتابند.

۳- سوگند به آنها که گسترانده‌اند.

۴- سوگند به آنها که جدا کننده هستند.

۵- سوگند به آنها که القا کننده ذکر (به انبیاء) هستند.

۶- برای اتمام حجت یا انذار کننده.

۷- همانا آنچه که به شما وعده داده می‌شود واقع خواهد شد.

۸- پس هنگامی که ستارگان بی نور و محو می شوند.

﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾ فرمود: این آیات تابع یکدیگر و مترتب بر هم هستند.

﴿قَالَغَاصَّاتِ عَصْفًا﴾ یعنی قبر.

﴿وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا﴾ یعنی مرگ را نشر می دهند.

﴿قَالَفَارِقَاتِ فَرْقًا﴾ یعنی چهارپا.

﴿قَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا﴾ یعنی ملائکه.

﴿عُذْرًا أَوْ نُذْرًا﴾ یعنی شما را می ترسانم و حجت را بر شما تمام می کنم،

که این آیه قسم است و جوابش ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ﴾ می باشد.

﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ﴾ یعنی نور ستارگان از بین می رود و سقوط

می کنند.^۱



وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (۹)

وَإِذَا الْجِبَالُ سُفَّتْ (۱۰)

وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْنَتْ (۱۱)

لَأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ (۱۲)

لِيَوْمِ الْقُضْلِ (۱۳)

۹- و هنگامی که آسمان شکافته می شود.

۱۰- و هنگامی که کوه ها از جا کنده می شوند.

۱۱- و هنگامی که برای رسولان، وقت (گواهی بر امتان) معین کنند.

۱۲- برای چه روزی تعیین وقت شده؟

۱۳- برای روز جدایی.

﴿وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ﴾ یعنی هنگامی که آسمان منفجر شده و منشق می‌گردد.

﴿وَإِذَا الْجِبَالُ سُفَّتْ﴾ یعنی هنگامی که کوه‌ها از جا کنده می‌شوند.
 ﴿وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِثَتْ﴾ یعنی رسولان در اوقاتی مختلف مبعوث می‌شوند.^۱
 ﴿لَا يَوْمَ أَجُلْتُ﴾ یعنی تاخیر انداخته شده است.
 ﴿لِيَوْمِ الْفَصْلِ﴾ برای روز جدایی.
 ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ﴾ فرمود: یعنی نورش از بین می‌رود.^۲

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ (۲۰)
 فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۲۱)
 إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ (۲۲)

۲۰- آیا ما شما را از آب بی‌مقدار نیافریدیم؟

۲۱- پس آن را در قرارگاهی محفوظ قرار دادیم.

۲۲- تا مدتی معین و معلوم.

﴿أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ﴾ یعنی آب گنبدیده.
 ﴿فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ﴾ یعنی در رحم.
 ﴿إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾ یعنی تا انتهای اجل.^۳

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (۲۵)

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۷۰؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۸۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۸۹

۲. نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۸۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۸۹

۳. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۳۴

أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا (۲۶)

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً قُرَاتًا (۲۷)

۲۵- آیا ما زمین را محل اجتماع قرار ندادیم؟

۲۶- هم برای مُردگان و هم برای زندگان؟

۲۷- و در آن کوه‌های بلندی قرار دادیم و شما را آب گوارائی نوشاندیم.

﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا * أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا﴾ فرمود: «کفات» یعنی مسکن‌ها.

در روایت آمده است که امیر المؤمنین علی علیه السلام در هنگام برگشتن از صفین گذرش از گورستان افتاد و فرمود: اینجا محل سکونت مرده‌هاست، سپس به خانه‌های کوفه نظری انداخت و فرمود: آنها هم محل سکونت زنده‌ها است و سپس این آیه را تلاوت نمود: ﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا﴾. ﴿وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ﴾ کوه‌های بلند.

﴿وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً قُرَاتًا﴾ یعنی آب خنک و گوارا و هر آب گوارا از فرات

است.^۱

انْطَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ (۳۰)

۳۰- بروید به سوی سایه دوده‌ای سه شاخه.

﴿انْطَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ﴾ در آن سه شعبه از آتش است.

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (۳۲)

كَأَنَّهُ جِمَالَتُ صَفَرٍ (۳۳)

۳۲- همانا آن شعله‌هایی همچون قصر از خود پرتاب می‌کند.

۳۳- گویی (آن شراره‌ها) همچون شتران زرد رنگی هستند.

﴿إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ﴾ شراره‌هایی همچون کاخ‌ها و کوه‌ها پرتاب

می‌کنند.

﴿كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ﴾ یعنی سیاه.^۱

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ (۴۱)

۴۱- همانا پرهیزگاران (در بهشت) در زیر سایه (درختان و در کنار)

چشمه‌ها قرار دارند.

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ﴾ همانا متقین در سایه‌ای از نور که روشن‌تر

از نور خورشید است، می‌باشند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ازْكُرُوا لَا يَرْكُوعُونَ (۴۸)

وَنَزَلَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۹)

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰)

۴۸- و هنگامی که به آنها (کافران) گفته شود که رکوع کنید رکوع نمی‌کنند.

۴۹- در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.

۵۰- پس به کدامین سخن بعد از آن (قرآن) ایمان می‌آورند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ازْكُرُوا لَا يَرْكُوعُونَ﴾ یعنی وقتی به ایشان گفته می‌شود: امام

را دوست بدارید و ولایتش را بپذیرید، نمی‌پذیرند.

سپس خداوند به پیامبرش ﷺ فرمود: ﴿فَبِأَيِّ حَدِيثٍ﴾ بعد از اینکه آن را

برای تو بیان کردم ایمان می‌آورند.^۲

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۷۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۹۰

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۷۴؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۹۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۹۲



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورۃ نبأ



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

۷۸ - سورۃ نبأ در مکه نازل

شده و دارای ۴۱ آیه است.



مرکز تحقیقات کتب و تواتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱)

عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ (۲)

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳)



۱- از چه چیزی سؤال می‌کنند؟

۲- از خبر بزرگ (قیامت).

۳- خبری که در آن اختلاف دارند.

﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ * الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ﴾

حسین بن خالد گوید امام رضا علیه السلام در معنای آیه ﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ...﴾ فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: برای خداوند نبأ بزرگتری از من نیست، و برای خداوند آیه‌ای بزرگتر از من نیست، و به تحقیق فضیلت من بر امت‌های گذشته عرضه شد با اختلاف زبان‌هایی که داشتند به فضیلت من اقرار نکردند.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۹۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۹۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۸۰

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَاداً (۶)

وَالْجِبَالَ أَوْتَاداً (۷)

۶- آیا ما زمین را محل آسایش قرار ندادیم؟

۷- و کوه‌ها را میخ‌های زمین؟

﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَاداً﴾ زمین گهواره‌ای است که بشریت در آن

پرورش می‌یابد.

﴿وَالْجِبَالَ أَوْتَاداً﴾ یعنی کوه‌ها میخ‌های زمین هستند.

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاساً (۱۰)

۱۰- و شب را پوشش قرار دادیم.

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاساً﴾ یعنی شب روز را می‌پوشاند.^۱

وَجَعَلْنَا سِرَاجاً وَهَّاجاً (۱۳)

وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجاً (۱۴)

۱۳- و در آن چراغی نورافشان قرار دادیم.

۱۴- و از ابرها آب فراوان نازل کردیم.

﴿وَجَعَلْنَا سِرَاجاً وَهَّاجاً﴾ منظور خورشید نورانی است.

﴿وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ﴾ از ابرها.

﴿مَاءً ثَجَّاجاً﴾ یعنی با ریزش پی در پی.

وَجَنَّاتٍ أَلْفَافاً (۱۶)

۱۶- و باغهایی پر درخت.

﴿وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا﴾ باغ‌هایی که با درختانی در هم پیچیده است.^۱

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹)

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (۲۰)

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (۲۱)

لِلطَّاغِينَ مَأْبًا (۲۲)

لَا يَشِينُ فِيهَا أَخْطَابًا (۲۳)

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا (۲۴)

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا (۲۵)

۱۹- و آسمان باز شده و به صورت درهای گوناگون در می‌آید.

۲۰- و کوه‌ها به حرکت در آمده و به صورت سراب می‌گردند.

۲۱- همانا جهنم کمینگاه (کافران و گنهکاران) است.

۲۲- و جایگاهی برای طغیانگران.

۲۳- مدت‌های بسیار طولانی در آن می‌مانند.

۲۴- در آنجا نه چیز خنکی می‌آشامند و نه نوشیدنی (گوارائی).

۲۵- مگر آبی سوزان از چرک و خون.

﴿وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا﴾ یعنی درهای بهشت باز می‌شود.

﴿وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا﴾ یعنی کوه‌ها چون سراب می‌شود، که در

بیابان از دور برق می‌زند.

﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾ که «مرصاد» به معنای قائم است یعنی بدرستی

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۷؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۹۷

که جهنم قائم و ثابت باشد.

﴿لِلطَّاعِينَ مَآبًا﴾ یعنی منزلگاه سرکشان است.

﴿لَا يَشِينُ فِيهَا أَحْقَابًا﴾ احقاب به معنای سالها، و ﴿حَقَبٌ﴾ به معنای هشتاد

سال است، و هر سال سیصد و شصت روز است، و یک روز قیامت برابر هزار سال از سالهای دنیا است که شما می‌شمارید.^۱

حمران بن أعین گوید از امام صادق (ع) درباره آیه ﴿لَا يَشِينُ فِيهَا أَحْقَابًا﴾

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا﴾ سوال کردم، فرمود: این درباره کسانی است که از آتش بیرون نمی‌آیند.^۲

﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا﴾ مراد از «برد» خواب است.

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (۳۱)

۳۱- همانا برای پرهیزگاران پیروزی و کامیابی است.

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا﴾ متقیان در آن روز رستگار می‌شوند.

در روایت ابی الجارود از امام باقر (ع) در معنای جمله ﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا﴾

آمده که امام فرمود: متقین کراماتی دارند.^۳

وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا (۳۳)

وَكَأْسًا دِهَاقًا (۳۴)

۳۳- و دخترانی جوان و همسن و سال که شبیه هم هستند.

۳۴- و جامه‌هایی پراز نوشیدنی (پاکیزه).

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۵؛ معانی الاخبار، ص ۲۲۱

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۹۴؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۸۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۹۸

۳. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۳۴ و ج ۶۷، ص ۲۸۲؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۴

﴿وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا﴾ یعنی کنیزانی شبیه به هم، که در خدمت اهل بهشت هستند.^۱

﴿وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا﴾ یعنی دختر نورس.
﴿كَأْسًا دِهَاقًا﴾ یعنی کاسه هائی پر.

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (۳۸)

۳۸- روزی که روح و فرشتگان در یک صف می ایستند، و هیچ یک سخنی نمی گویند مگر به اذن خداوند رحمان (که در این صورت) سخن درست و صواب می گوید.

﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ﴾ روح ملکی بزرگتر از جبرئیل و میکائیل است که بار رسول خدا ﷺ بود و او با ائمه علیهم السلام نیز هست.^۲

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (۴۰)

۴۰- همانا ما شما را از عذاب نزدیکی ترساندیم، (عذاب) روزی که انسان هر چه از قبل فرستاده را در مقابل خود می بیند، و کافر (با دیدن اعمال خود) می گوید: ای کاش خاک بودم (و نتیجه اعمالم را نمی دیدم).

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۳۴

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۹۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۰۰

﴿إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا﴾ یعنی در آتش.

﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ یعنی ای

کاش علوی بودم.

فرمود: همانا رسول خدا ﷺ کنیه ابوتراب را به امیر المؤمنین علی عليه السلام

داد.^۱



تفسیر سورۃ نازعات



۷۹ - سورۃ نازعات در مکه

نازل شده و دارای ۴۶ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا (۱)

وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا (۲)

وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا (۳)

فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۴)



۱- سوگند به فرشتگانی که (به سختی) جان (کافران) را می گیرند.

۲- سوگند به فرشتگانی که (به راحتی) جان (مومنان) را می گیرند.

۳- سوگند به فرشتگانی که برای اجرای فرمان الهی به سرعت عمل می کنند.

۴- سوگند به فرشتگانی که بر هم سبقت می گیرند.

﴿وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا﴾ یعنی فرشتگانی که روح را می گیرند.

﴿وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا﴾ یعنی کفار در دنیا در فرح و شادی هستند.

﴿وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا﴾ مؤمنینی که تسبیح الهی را می گویند.^۱

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿فَالسَّابِقَاتِ

سَبْقًا﴾ فرمود: ارواح مؤمنین همانند دنیا به سوی بهشت سبقت می گیرند و

ارواح کافرین نیز به سوی آتش جهنم سبقت می گیرند.^۱

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (۶)

تَتَّبِعُهَا الرُّادِفَةُ (۷)

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (۸)

أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ (۹)

يَقُولُونَ إِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْخَافِرَةِ (۱۰)

أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّجِرَةً (۱۱)

فَالَوْ يَلَكَ إِذَا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (۱۲)

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳)

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ (۱۴)

۶- روزی که زلزله های وحشتناک عالم را بلرزاند.

۷- و به دنبال آن صیحه (آسمانی) بیاید.

۸- در آن روز دلهایی به شدت در اضطراب باشد.

۹- چشمهایشان از شدت ترس به زیر افکنده باشند.

۱۰- ولی باز می گویند: آیا ما دوباره زنده خواهیم شد؟

۱۱- هنگامی که استخوان های ما پوسیده شد؟

۱۲- می گویند: اگر زنده شدیم، در این صورت زیانکار خواهیم بود.

۱۳- زنده شدن دوباره فقط بایک صیحه (صور دوم) است.

۱۴- پس هنگامی که همه در یک جا گرد هم می آیند.

۱. بحار الانوار، ج ۶ ص ۲۲۸ و ج ۷ ص ۴۶؛ نور الثقلین، ج ۵ ص ۴۹۷؛ تفسیر برهان، ج ۸ ص ۳۰۴

﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ﴾ تَبَعُهَا الرَّادِفَةُ ﴿یعنی زمین زیر پای اهلش شکافته می شود، و «رادفه» به معنای صحیحه است.^۱

﴿قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ﴾ یعنی قلبها در آن روز ترسان است.
﴿أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ﴾ يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ﴿قریش گفتند آیا بعد از مرگ دوباره زنده شده و بر می گردیم.

﴿أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً﴾ یعنی پوسیده و از هم پاشیده شده.
﴿تِلْكَ إِذْ أَكَرَّةٌ خَاسِرَةٌ﴾ کفار این سخن را از روی استهزاء گفتند.
﴿فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ﴾ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ﴿منظور از «زجرة» نفخه دوم در صور است و «ساهره» محلی در شام در نزدیکی بیت المقدس می باشد.^۲
ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ﴾ فرمود: یعنی در خلقتی جدید.

﴿فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ﴾ «ساهره» یعنی زمین، چون کفار در قبرها قرار دارند، همین که زجره و صحیحه را می شنوند از قبرشان بیرون می آیند، و با خلقتی تمام عیار روی زمین قرار می گیرند.^۳

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۱۶)

۱۶- هنگامی که پروردگارش او را در وادی مقدس طوی ندا داد.

﴿بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ﴾ یعنی پاک و مطهر.

﴿طُوًى﴾ اسم بیابانی است.^۴

۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۰۵؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۹۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۹۲

۲. بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۰۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۰۶

۳. بحارالانوار، ج ۷، ص ۴۶

۴. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۰۷؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۹۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۹۳

فَحَشَرَ فَنَادَى (۲۳)

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى (۲۴)

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى (۲۵)

۲۳- پس (فرعون سحران را) جمع کرد و (مردم را) دعوت کرد.

۲۴- پس گفت: منم پروردگار بزرگ شما.

۲۵- پس خداوند او را به عذاب دنیا و آخرت گرفتار کرد.

﴿فَحَشَرَ﴾ یعنی فرعون.

﴿فَنَادَى﴾ و ﴿فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى﴾ * فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى * و

«نکال» یعنی عقوبت، و عقوبت آخرتش به خاطر این بود که گفت: ﴿أَنَا رَبُّكُمُ

الْأَعْلَى﴾ و کلمه اولی که گفت این بود: ﴿مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي﴾ پس

خداوند او را به خاطر همین دو گفتار هلاک کرد.^۱

وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا (۲۹)

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا (۳۰)

۲۹- و شبش را تیره و روزش را روشن گردانید.

۳۰- و زمین را بعد از آن گسترش داد.

﴿وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا﴾ یعنی شبش را تاریک کرد.

اعشی گوید:

و بهماء باللیل غطش الغداة مسوئسی فنون فنادها

یعنی: به وسیله آن دو شب صبح را تیره و تاریک کرد که در این تاریکی شب

مونس من داد و فریاد بود.

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۹۴؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۰۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۰۷

﴿وَأُخْرِجَ ضُحَاهَا﴾ یعنی خورشید.
 ﴿وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾ یعنی گستراند.

وَالْجِبَالَ أُرْسَاهَا (۳۲)

۳۲- و کوه‌ها را ثابت نمود.

﴿وَالْجِبَالَ أُرْسَاهَا﴾ یعنی ثابت داشت.

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (۳۵)

وَبُرَزَّتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى (۳۶)

۳۵- روزی که انسان آنچه را که عمل کرده متذکر می‌شود.

۳۶- و جهنم برای هر بیننده‌ای آشکار شود.

﴿يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى﴾ تمام اعمالش را که مرتکب شده همه را به یاد

بیاورد.

﴿وَبُرَزَّتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى﴾ فرمود: حاضر می‌شود.

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ (۴۰)

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۴۱)

۴۰- و اما کسی که از مقام پروردگارش بترسد و نفسش را از هوا باز دارد.

۴۱- پس همانا بهشت منزلگاه اوست.

﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ *

که این درباره بنده خدا است، که وقتی در برابر معصیت خدا قرار می‌گیرد با اینکه می‌تواند مرتکب شود، از ترس خدا مرتکب نمی‌شود، و به خاطر نهی خدا

نفس خود را از ارتکاب آن نهی می‌کند، و تلافی این عملش همان بهشت است.^۱

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا (۴۲)

فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا (۴۳)

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا (۴۴)

۴۲- از تو درباره قیامت سؤال می‌کنند که چه وقت برپا می‌شود؟

۴۳- تو را دیگر با این یادآوری چه کار است؟

۴۴- نهایت کار آن به سوی پروردگارت است.

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا﴾ یعنی چه وقت برپا می‌شود؟
و خداوند متعال در پاسخش فرمود: ﴿إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا﴾ یعنی علم آن نزد
پروردگار تو است.

كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۴۶)

۴۶- آنها چون روز قیامت را ببینند گویی همه عمر دنیا شامگاهی یا
چاشتگاهی بیش نبوده است.

﴿إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا﴾ یعنی قسمتی از یک روز.^۲

۱. نورالتقلین، ج ۵، ص ۵۰۶

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۹۶؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۵۰۸

تفسیر سورة عبس



مرکز تحقیقات فقه و علوم اسلامی

۸۰ - سورة عبس در مکه

نازل شده و دارای ۴۲ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَبَسَ وَتَوَلَّى (۱)

أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى (۲)

وَمَا يَذُرُّكَ لَعَلَّهُ يَزَكِّي (۳)

أَوْ يَذْكُرُ فَتَنْفَعَهُ الذُّكْرَى (۴)

أَمَّا مَنْ اسْتَعْصَى (۵)

فَأَنَّتْ لَهُ تَصَدَّى (۶)

وَمَا عَلَيْكَ الْأُزْكُى (۷)

وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى (۸)

وَهُوَ يَخْشَى (۹)

فَأَنَّتْ عَنْهُ تَلَهَّى (۱۰)

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱)

۱- چهره در هم کشید و اعراض نمود.

۲- هنگامی که آن مرد نابینا به نزدش آمد.

۳- و تو چه می‌دانی شاید که او مردی باتقوا و پاکیزه باشد.

۴- یا متذکر گردد پس ذکرش به حال او سودمند باشد.

۵- اما آن کسی که ثروتمند است،

۶- پس توبه او روی می‌آوری،

۷- و اگر او خود را پاکیزه نسازد چیزی بر تو نیست.

۸- و اما کسی که به نزد تو می‌آید و کوشش می‌کند.

۹- و او می‌ترسد.

۱۰- تو از او غافل می‌شوی.

۱۱- هرگز (چنین نیست)، همانا این (آیات قرآن) برای پند و تذکر است.

﴿عَبَسَ وَ تَوَلَّى * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى﴾

در شأن عثمان و عبد الله بن ام مکتوم که موذن رسول خدا ﷺ و نابینا بود نازل شده بدین سبب که روزی ابن ام مکتوم بخدمت حضرت رسول ﷺ آمد و در مجلس آن سرور عالمیان ﷺ اصحاب نشسته بودند، حضرت ابن ام مکتوم را مقدم بر عثمان نشانید. عثمان از توجه حضرت به ابن ام مکتوم عبوس کرده از او اعراض نمود پس این آیه نازل شد ﴿عَبَسَ وَ تَوَلَّى﴾ یعنی عثمان ﴿أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزْكِي﴾ و چه چیز تو را به حال شخص کور دانا گردانید یعنی ابن ام مکتوم که او پاکیزه و مطهر از گناهان می‌باشد ﴿أَوْ يَذَّكَّرُ﴾ یعنی رسول خدا ﷺ او را پند و اندرز داد و سپس عثمان را مورد خطاب قرار داد و فرمود: ﴿أَمَّا مَنْ اسْتَغْنَى * فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى﴾ اما آن کس که مستغنی است بمال خود و ریاستی نظر به اقوام و عشایر خود دارد پس تو ای عثمان به سوی او روی می‌آوری و متوجه به او می‌شوی و اگر مقدم بر تو نشیند آن را مکروه نمی‌داری ﴿وَ مَا عَلَيْكَ إِلَّا يَزْكِي﴾ یعنی باکی نداری تو که آیا آن مستغنی خوب است یا نه و آراسته به ایمان است یا در کفر خود غوطه‌ور می‌باشد.

﴿وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى﴾ و اما آن کسی که آمد بتو یعنی ابن ام مکتوم در حالتی که سعی می نمود و شتاب می کرد.
 ﴿وَهُوَ يَخْشَى﴾ * فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى یعنی پس تواز او رو می گردانی و ملتفت به او نمی شوی.^۱
 ﴿كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ﴾ یعنی قرآن.

فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ (۱۳)

مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴)

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵)

كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶)

قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ (۱۷)

مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸)

مِنْ نُطْقَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ (۱۹)

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ (۲۰)

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (۲۱)

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ (۲۲)

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (۲۳)

۱۳- در صحیفه هایی با ارزش محفوظ است.

۱۴- صحیفه هایی بلند مرتبه و پاکیزه.

۱۵- به دست سفیران حق است.

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۸۵ و ج ۳۰، ص ۱۷۴؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۹۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۰۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۱۲

۱۶- که عالی مقام و نیکوکارند.

۱۷- مرگ بر انسان باد که چقدر ناسپاس است.

۱۸- (نگاه نمی‌کند که خداوند) او را از چه چیز خلق کرده است؟

۱۹- او را از نطفه بی‌مقداری آفرید پس او را آراست.

۲۰- سپس راه را بر او آسان نمود.

۲۱- سپس او را میراند و در قبر گذاشت.

۲۲- سپس هر وقت که خواست او را زنده می‌کند.

۲۳- چنین نیست (که او می‌پندارند)، او هنوز آنچه خداوند امر کرده را به

جا نیاورده است.

﴿فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ * مَرْفُوعَةٍ﴾ یعنی نزد خدا.

﴿مُطَهَّرَةٍ * بِأَيْدِي سَفَرَةٍ﴾ یعنی در دست ائمه علیهم‌السلام ﴿كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾^۱

﴿قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ﴾ مراد از انسان امیرالمؤمنین علیه‌السلام است.

﴿مَا أَكْفَرَهُ﴾ یعنی آن حضرت چه عمل و گناهی کرده بود که کشته شد؟

﴿مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ * مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ * ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ﴾ یعنی

خداوند مسیر خیر را برای انسان آسان کرده است.

﴿ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ * ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ﴾ در رجعت.

﴿كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ﴾ یعنی درباره امیرالمؤمنین علیه‌السلام هر چه به او امر

کرده بودیم را بجا نیاورده است و بزودی برمی‌گردد تا آنچه بدان امر شده را

بجا بیاورد.^۲

ابی‌اسامه گوید از امام باقر علیه‌السلام درباره آیه ﴿قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ﴾ سوال

۱. نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۱۰؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۰۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۱۳

۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۷۴ و ج ۵۳، ص ۹۹

کردم، فرمود: بله! درباره امیر المؤمنین علی علیه السلام نازل شده است.

﴿مَا أَكْفَرُهُ﴾ یعنی ای منافقین چقدر کفران و عناد به کشتن امیرالمؤمنین علیه السلام می‌ورزید. سپس کرامت و نسبت امیر المؤمنین علیه السلام و آنچه که خداوند به آن حضرت گرامی داشته را بیان کرده و می‌فرماید: ﴿مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ﴾ یعنی او را از طینت پیامبران آفرید.

﴿فَقَدَرَهُ﴾ و آن حضرت را برای خیر و نیکوئی معین نمود.

﴿ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ﴾ یعنی آن حضرت مسیر هدایت و حق است.

﴿ثُمَّ أَمَاتَهُ﴾ آنگاه مانند پیامبران مرد.

﴿ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ﴾ روای گوید: عرض کردم معنای ﴿ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ﴾

چیست؟

امام علیه السلام فرمود: یعنی او را در زمان رجعت زنده کند و درباره دشمنان

آنچه خداوند به او امر فرموده بود حکم فرماید.^۱

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (۲۴)

أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵)

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۲۶)

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷)

وَعَبًّا وَقَضْبًا (۲۸)

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹)

وَحَدَائِقَ غُلْبًا (۳۰)

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا (۳۱)

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِإِنْعَامِكُمْ (۳۲)

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ (۳۳)

۲۴- پس انسان به طعامش بنگرد.

۲۵- همانا ما آب فراوان از آسمان فرو ریختیم.

۲۶- سپس زمین را از هم شکافتیم.

۲۷- پس در آن دانه‌ها رویانیدیم.

۲۸- و انگور و نباتاتی بسیار.

۲۹- و درخت زیتون و نخل خرما.

۳۰- و باغهای پر از درختان.

۳۱- و میوه‌ها و چراگاه.

۳۲- تا شما و چهارپایانتان از آن بهره‌مند شوید.

۳۳- پس هنگامی که صدای مهیب آن فرا رسد.

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا - تَا - وَقَضْبًا﴾ فرمود:

﴿قضب﴾ به معنای ﴿قت﴾ است یعنی سبزی‌های خوردنی است.

﴿وَحَدَائِقَ غُلْبًا﴾ یعنی باغ‌هایی با درختان گوناگون است.

﴿وَفَاكِهَةً وَأَبًّا﴾ فرمود: ﴿اب﴾ گیاه چهارپایان است.

﴿مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِإِنْعَامِكُمْ﴾ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ که مراد از «صاخه» یعنی

قیامت است.^۱

ابن عباس درباره معنای آیه ﴿مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِإِنْعَامِكُمْ﴾ گوید: منظور منافع

شما و چهارپایانتان است.

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۳۷)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸)

ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ (۴۰)

تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ (۴۱)

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ (۴۲)

۳۷- در آن روز هر کدام از آنها چنان گرفتار امور خود می باشد که از پرداختن به امور دیگر بی نیاز است.

۳۸- در آن روز چهره هایشان نورانی است.

۳۹- خندان و شادمانند.

۴۰- و صورت هایی در آن روز غبار آلود.

۴۱- و تاریکی آنها را در بر گرفته است.

۴۲- آنها همان کافران و فاجران هستند.

﴿لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ﴾ یعنی شغلی است که او را از هر شغل دیگری باز می دارد.^۱

سپس خداوند عز و جل آنهایی را که امیرالمؤمنین علی علیه السلام را دوست داشته و از دشمنانش بیزاری می جویند را ذکر کرده و فرمود: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ * ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ﴾ در آن روز چهره هایشان نورانی است. خندان و شادمانند.

سپس دشمنان آل محمد علیهم السلام را ذکر کرده و فرمود: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ * تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ﴾ یعنی از خیر و ثواب دستش خالی است.

- ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ﴾^۱ آنها همان کافران و فاجران هستند.
- ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ﴾ که «غبره» یعنی سیاهی.
- ﴿تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ﴾ یعنی دود و بخار جهنم.
- ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ﴾^۲ یعنی کافرانی که منکر هستند.



۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۷۴

۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۷۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۱۶

تفسیر سورۃ تکویر



مکاتیب تکویر

۸۱ - سورۃ تکویر در مکه

نازل شده و دارای ۲۷ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱)

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲)

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳)

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴)

۱- هنگامی که خورشید در هم پیچیده شود.

۲- و هنگامی که ستارگان تیره گردند.

۳- و هنگامی که کوه‌ها به حرکت در آیند.

۴- و هنگامی که شتران آبستن رها گردند.

﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾ هنگامی که خورشید تاریک و ظلمانی شود.

﴿وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ﴾ هنگامی که نور ستارگان از بین برود.

﴿وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ﴾ کوه‌ها چنان گردند که فرمود: ﴿تَحْسِبُهَا جَامِدَةً وَ

هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ﴾^۱ یعنی تو خیال می‌کنی که کوه‌ها جامد و در یک جا

ساکن هستند ولی آنها مانند ابرها در حرکتند.

﴿وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ﴾ وقتی که همهٔ خلق مُردند شتران بی‌صاحب

می مانند، کسی نیست شیر آنها را بدوشد.

وَإِذَا الْبَحَارُ سُجِّرَتْ (۶)

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷)

۶- و هنگامی که دریاها بجوشند.

۷- و هنگامی که جانها جفت گردند.

﴿وَإِذَا الْبَحَارُ سُجِّرَتْ﴾ دریاهایی که پیرامون کره زمین هستند همه آتش

می شوند.

﴿وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ﴾ یعنی با حور العین ازدواج می کنند.^۱

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَإِذَا النُّفُوسُ

زُوِّجَتْ﴾ فرمود: اما اهل بهشت با خیرات حسان (حور العین) ازدواج می کنند،

و اما اهل دوزخ، باید دانست که با هر انسانی از دوزخیان شیطانی است، یعنی

هر یک از آن کفار و منافقین با شیطان خود که قرین اوست ازدواج می کنند.^۲

وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ (۸)

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹)

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰)

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱)

۸- و هنگامی که از دختران زنده به گور شده سؤال شود:

۹- به چه گناهی کشته شدند؟

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۷

۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۷ و ج ۸، ص ۳۱۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۱۳؛ تفسیر صافی،

ج ۷، ص ۴۰۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۲۰

۱۰- و هنگامی که نامه اعمال گشوده شود.

۱۱- و هنگامی که آسمان از جای کنده شود.

﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾ عرب به خاطر غیرت دخترانشان را می‌کشتند، چون روز قیامت شود از دختران زنده به گور سوال می‌شود به کدامین گناه کشته و قطعه قطعه شده‌اند.^۱

جابر گوید امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾ فرمود: کسی که در دوستی ما کشته شود و دلیل بر آن قول خداوند به رسولش است که فرمود: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾^۲ بگو: من بر رسالت خود از شما هیچ اجری نمی‌خواهم جز مودت و دوستی با اهل بیت خود.^۳

﴿وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ﴾ یعنی نامه اعمال.

﴿وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ﴾ یعنی باطل می‌شود.

﴿وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ﴾ (۱۲)

﴿وَإِذَا الْجَنَّةُ أُنْزِلَتْ﴾ (۱۳)

۱۲- و هنگامی که آتش دوزخ شعله‌ور گردد.

۱۳- و هنگامی که بهشت نزدیک شود.

ابن عباس در معنای آیه ﴿وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ﴾ گفت: اراده می‌کند که برای کافرین آتش را شعله‌ور نماید. جحیم آتشی بالاتر و شدیدتر از جهنم است؛ و جحیم در کلام عرب چیزی است که عظیم‌تر از آتش می‌باشد مانند قول

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۱۰

۲. شوری، آیه ۲۳

۳. نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۱۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۲۱

خداوند که فرمود: ﴿ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ﴾^۱ که اراده از آتش عظیم و بزرگ را می‌کند.^۲

﴿وَإِذَا الْجُنَّةُ أُرْلِفَتْ﴾ یعنی بهشت به اولیاء خدا از متقین نزدیک می‌شود.^۳

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ (۱۵)

الْجَوَارِ الْكُنُوسِ (۱۶)

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ (۱۷)

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۱۹)

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (۲۰)

مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ (۲۱)

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ (۲۲)

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ (۲۳)

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (۲۴)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۲۵)

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ (۲۶)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۲۷)

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (۲۸)

وَمَا تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۹)

۱۵ - سوگند به ستارگانی بازگردانده شوند.

۱. صافات، آیه ۹۷؛ برای او بنائی بنیان کنید و او را در آتش دروخ بیندازید.

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۴

۳. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۱۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۲۳

- ۱۶- حرکت کرده و از دیده‌ها دور گردند.
 ۱۷- و سوگند به شب هنگامی که به انتهی می‌رسد.
 ۱۸- و سوگند به صبح هنگامی که نفس زند.
 ۱۹- که همانا قرآن کلام رسول بزرگواری است.
 ۲۰- که صاحب قدرت است و نزد صاحب عرش دارای جاه و منزلت است.

- ۲۱- (در آسمان‌ها) مورد اطاعت و امین است.
 ۲۲- و همنشین شما دیوانه نیست.
 ۲۳- و به تحقیق او را در افق روشن دیده است.
 ۲۴- و او بر غیب (وحی که می‌گیرید) بخل نمی‌ورزد.
 ۲۵- و این (قرآن) سخن شیطان رانده شده نیست.
 ۲۶- پس به کجا می‌روید؟
 ۲۷- این (قرآن) چیزی جز تذکری برای عالمیان نیست.
 ۲۸- برای کسی از شما که بخواهد راه مستقیم برود.
 ۲۹- و شما نمی‌خواهید، مگر آنکه خداوند پروردگار عالمیان بخواهد.
 ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ﴾ یعنی قسم به خُنُس می‌خورم، که «خُنُس» اسم ستاره‌هائی است.
 ﴿الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾ فرمود: ستارگانی که در روز پنهان می‌شوند و دیده نمی‌شوند.^۱
 ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ﴾ یعنی شب هنگامی که تاریک شود.
 ﴿وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾ صبح هنگامی که بالا آید. این آیات همه‌اش قسم و

جوابش ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ * ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ﴾ می باشد یعنی دارای منزلت عظیم در نزد خداوند است.

﴿مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ﴾ این آن چیزی است که خداوند به وسیله آن پیامبرش را فضیلت داده و مانند آن را به احدی از انبیاء اعطا نکرده است.^۱

ابو بصیر گوید از امام صادق (علیه السلام) درباره معنای آیه ﴿ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ﴾ سوال کردم. فرمود: یعنی جبرئیل.

عرض کردم: معنای آیه ﴿مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ﴾ چیست؟

فرمود: یعنی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در نزد پروردگار مورد اطاعت است؛ و روز قیامت امین است.

سوال کردم: معنای آیه ﴿وَمَا ضَاحِكُمْ بِمَجْنُونٍ﴾ چیست؟

فرمود: یعنی پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگامی که علی (علیه السلام) را برای مردم نصب کرد مجنون نبود.

عرض کردم: معنای آیه ﴿وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ﴾ چیست؟

فرمود: خداوند تبارک و تعالی از اینکه غیبش را بر پیامبرش بگوید بخیل نیست.

عرض کردم: معنای آیه ﴿وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِیمٍ﴾ چیست؟

فرمود: منظور از آن، کاهنانی هستند که در قریش بودند، و سخنان خود را به سخنان شیطان هایی نسبت می دادند که به اصطلاح خود، آنان همزاد آنان بودند، و ایشان به زبان آن همزادها سخن می گفتند، و این آیه شریفه می فرماید: ﴿وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِیمٍ﴾ قرآن مانند سخنان کاهنان از

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۱۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۲۵

سخنان شیطانهای رانده شده نیست.

عرض کردم: معنای آیه ﴿فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ﴾ * إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿ چیست؟
فرمود: یعنی درباره ولایت علی علیه السلام به کجا می روید، ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
لِّلْعَالَمِينَ﴾ یعنی برای کسی که خداوند از او عهد و پیمان بر ولایت علی علیه السلام را
گرفت.

عرض کردم: معنای آیه ﴿لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ﴾ چیست؟
فرمود: در طاعت علی علیه السلام و ائمه بعد از آن حضرت.
عرض کردم: معنای آیه ﴿وَمَا تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾
چیست؟

فرمود: همانا طی مسیر به سوی خداوند تبارک و تعالی است نه به سوی
مردم.^۱

ابوالحسن علیه السلام فرمود: خداوند قلوب ائمه را محل اراده خود قرار داده و هر
وقت خداوند چیزی را بخواهد و اراده فرماید ائمه نیز می خواهند و آن است
معنی آیه ﴿وَمَا تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ که مشیت به سوی خدا
است نه به سوی مردم.^۲

کوه قاف

ابن عباس در معنای جمله ﴿رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ گفت: خداوند سیصد و هفده
عالم پشت کوه قاف و پشت هفت دریا خلق نموده و آنها اطلاعی از خلقت آدم

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۸ و ج ۳۶، ص ۱۷۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۱۳؛ نور الثقلین،
ج ۵، ص ۵۱۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۲۵
۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۱۴ و ج ۲۴، ص ۳۰۵ و ج ۲۵، ص ۳۷۲؛ بصائر الدرجات،
ص ۵۱۷؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۲۷

و فرزندان او ندارند و هر عالمی سیصد و سیزده برابر عالمی است که آدم و فرزندان او را در آن خلق نموده است اهل آن عوالم به مقدار چشم به هم زدن معصیت خداوند را بجا نیاورده‌اند و آن است معنای آیه ﴿إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْغَالِبِينَ﴾ مگر آنکه خداوند پروردگار عالمیان بخواهد.^۱



تفسیر سورة انفطار



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۸۲ - سورة انفطار در مکه

نازل شده و دارای ۱۹ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ (۱)

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ (۲)

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (۳)

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (۴)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ (۵)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (۶)

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (۷)

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ (۸)

۱- هنگامی که آسمان شکافته شود.

۲- و هنگامی که ستارگان فرو ریزند.

۳- و هنگامی که آب دریاها به هم پیوندند.

۴- و هنگامی که قبرها زیر و رو گردد.

۵- هر کسی می داند آن چه که از پیش فرستاده و آنچه که برای بعد گذاشته است.

۶- ای انسان، چه چیز تو را به پروردگار کریمت مغرور کرده است؟

۷- همان خدایی که تو را آفرید، صورتی کامل داد و موزون نمود.

۸- در هر صورتی که خواست تو را بیاراست و ترکیب نمود.

﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ﴾ * وَ إِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَثَرَتْ * وَ إِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ * یعنی وقتی که دریاها آتش سوزنده شوند.

﴿وَ إِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ﴾ * یعنی قبرها شکافته می شود، و مردگان بیرون می آیند.^۱

﴿عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَ أَخَّرَتْ﴾ * یعنی آنچه از خیر و شر پیش فرستاده را می داند.

سپس مردم را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ﴾ * الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ * یعنی هیچ کجی و ناموزنی در تو نیست.

﴿فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ﴾ * اگر می خواست، به صورتی غیر این صورت تو را ترکیب می کرد.^۲

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ (۹)

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ (۱۰)

كِرَامًا كَاتِبِينَ (۱۱)

۹- هرگز (چنین نیست) بلکه شما روز جزا را تکذیب می کنید.

۱۰- و همانا برای شما نگهبانانی گذاشته شده،

۱۱- گرامی هستند و نویسند (اعمال شما).

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۸

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۱۷؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۳۰

﴿كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ﴾ بلکه رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علی را

تکذیب کردند.

﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ﴾ همان دو فرشته‌ای که موکل بر انسان هستند.

﴿كِرَامًا كَاتِبِينَ﴾ یعنی نیکی‌ها و زشتی‌ها را می‌نویسند.

إِنَّ الْأُبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۱۳)

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ (۱۴)

يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۵)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (۱۷)

ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (۱۸)

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ (۱۹)

۱۳- همانا نیکوکاران در نعمت‌های فراوان هستند.

۱۴- و همانا فاجران در آتش دوزخند.

۱۵- روز جزا به آن دوزخ وارد می‌شوند.

۱۷- و توجه می‌دانی که روز جزا چیست؟

۱۸- سپس باز چه می‌دانی که روز جزا چیست؟

۱۹- آن روزی است که هیچ کس قادر نیست برای کسی دیگر کاری انجام

دهد، و همه امور در آن روز برای خداوند است.

﴿إِنَّ الْأُبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ﴾ تا - يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿

«یوم‌الدین» یعنی روز مجازات و سپس برای تعظیم روز قیامت فرمود: ﴿وَمَا

أَذْرَاكَ﴾ ای محمد ﴿مَا يَوْمُ الدِّينِ﴾ ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿يَوْمَ لَا تَمْلِكُ

نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ۚ^۱

ابن عباس در معنای آیه ﴿وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ﴾ گوید: مُلک و قدرت و سلطنت و عزت و جبروت و جمال و بهاء و هیبت و الهیت برای خداوندی است که شریکی ندارد.^۲



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۳۰

۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۳۱

تفسیر سورة مطفین



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۸۳ - سورة مطفین در مکه

نازل شده و دارای ۳۶ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (۱)

الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲)

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (۳)

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (۴)

۱- وای بر کم فروشان.

۲- و هنگامی که از مردم پیمانه می گیرند کامل می گیرند.

۳- و هنگامی که می خواهند برای مردم پیمانه یا وزن کنند کم می گذارند.

۴- آیا آنها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند،

﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾ آنهائی که از پیمانه و وزن کم می کنند.^۱

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود: سوره

مطففین وقتی نازل شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مدینه شده بود، و مردم مدینه

در آن روز از حیث ترازو داری بدترین مردم بودند، و در نتیجه آمدن این

سوره ترازو داریشان خوب شد.

وَأَمَّا ﴿وَيْلٌ﴾ خدا عالم است بدرستی که آن چاهی در جهنم است.^۱
 ابن عباس در معنای آیه ﴿الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ﴾ * وَاِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ﴾ فرمود: آنها هنگامی که می‌خواستند جنسی را بخرند با پیمانهای پر می‌خردیدند و وقتی که می‌خواستند بفروشند از پیمانه و وزن کم می‌کردند و عملشان اینطور بود.^۲

﴿الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا﴾ آنها که از مردم کالائی را برای خود می‌خریدند.
 ﴿عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ﴾ * وَاِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ﴾ و از مردم می‌گیرند کامل می‌گیرند و هنگامی که می‌خواهند برای مردم پیمانه یا وزن کنند کم می‌گذارند.

خداوند فرمود: ﴿أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ﴾ یعنی آیا نمی‌دانند که در روز قیامت به خاطر آن عملشان مورد حساب‌رسی واقع می‌شوند.^۳

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سَجِّينَ (۷)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا سَجِّينُ (۸)

كِتَابٌ مَرْقُومٌ (۹)

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۰)

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بَيُّومَ الدِّينِ (۱۱)

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲)

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۳۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰۱
 ۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۳۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۲۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۳۳
 ۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۳۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰۷؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۳۴

كَلَّا بَلْ زَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ (۱۵)

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ (۱۶)

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۱۷)

۷- هرگز (چنین نیست) همانا نامه عمل فاجران در سجین است.

۸- و توجه می‌دانی که سجین چیست؟

۹- کتابی است نوشته شده.

۱۰- آن روز وای به حال تکذیب کنندگان.

۱۱- آنهایی که روز جزا را تکذیب می‌کنند.

۱۲- و کسی آن روز را تکذیب می‌کند که متجاوز و گنهکار است.

۱۳- هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید: این از افسانه‌های پیشینیان است.

۱۴- هرگز (چنین نیست)، بلکه آنچه را که انجام داده‌اند قلب‌هایشان را تیره و تار کرده است.

۱۵- هرگز (چنین نیست که می‌پندارند)، آنها در آن روز از پروردگارشان در محجوب هستند.

۱۶- سپس آنها وارد آتش دوزخ می‌شوند.

۱۷- سپس به آنها گفته می‌شود: این همان چیزی است که آن را تکذیب می‌کردید.

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ﴾ آنچه از عذاب که خدا برای فجار نوشته

در سجین است.

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا سِجِّينٌ﴾ كِتَابُ مَرْقُومٌ یعنی نوشته شده است.

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود: ﴿سَجِينٌ﴾ عبارت است از طبقه هفتم زمین، و ﴿علیون﴾ عبارت از آسمان هفتم است.^۱
 امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ﴾ فرمود: مراد از فجار فلانی و فلانی است.
 ﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا سِجِّينٌ - تَا - الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بَيُّومَ الدِّينِ﴾ که مراد زریق و حبتر است.

﴿وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ﴾: إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ *
 و آن دو زریق و حبتر بودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله را تکذیب می کردند؛ تا آیه
 ﴿إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ﴾ که باز مراد آن دو نفر است.
 ﴿ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ﴾ یعنی آن دو و پیروانشان.

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيٍّ (۱۸)
 وَمَا أَذْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ (۱۹)
 كِتَابٌ مَرْقُومٌ (۲۰)
 يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (۲۱)
 إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۲۲)
 عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (۲۳)
 تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (۲۴)
 يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ (۲۵)
 خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (۲۶)

۱. بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۵۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۲۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۳۰؛
 تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۳۴

وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ (۲۷)

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۲۸)

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ (۲۹)

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (۳۰)

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱)

۱۸- هرگز (چنین نیست) همانا نامه اعمال نیکان در علین است.

۱۹- و توجه می دانی که علین چیست؟

۲۰- کتابی است نوشته شده.

۲۱- که مقربان بر آن شهادت می دهند.

۲۲- همانا نیکوکاران در نعمت های فراوان هستند.

۲۳- بر تختها (ی بهشتی) تکیه زده و نگاه می کنند.

۲۴- در رخسارشان نشاط و شادمانی نعمت ها را می شناسی.

۲۵- آنها از شراب ناب گوارا و سربسته سیراب می گردند.

۲۶- مهر آن از مشک است، و در این نعمت های الهی باید راغبان بر

همدیگر پیشی بگیرند.

۲۷- و طبع آن شراب آمیخته با تسنیم است.

۲۸- چشمه ای که مقربان از آن می آشامند.

۲۹- همانا مجرمان بر مومنان می خندیدند.

۳۰- و هنگامی که بر آنها می گذشتند با اشاره مسخرشان می کردند.

۳۱- و هنگامی که به سوی خانواده شان می رفتند خندان و شادان بودند.

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ وَمَا أَذْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ - تَا - عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا

الْمُقَرَّبُونَ﴾ که مراد رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین

و ائمه علیهم السلام می باشند.

﴿يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ﴾ ملائکه ای اعمالشان را نوشته اند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ أُجِرُوا﴾ که مراد زریق و حبترو پیروان آن دو می باشند.

﴿كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ﴾ و إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ﴾ که مراد

رسول خدا ﷺ است و تا آخر سوره درباره آن دو می باشد.^۱

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيَيْنِ﴾ یعنی آنچه از ثواب برای آنها نوشته

شده است.

امام باقر علیهما السلام فرمود: بدرستی که خداوند ما را از اعلیٰ علیین آفرید و

قلب های شیعیان ما را نیز از آنچه ما را خلق کرده آفرید و بدن هایشان را

پائین تر از آن خلق نمود پس قلب های شیعیانمان به سوی ما متمایل است زیرا

آنها از چیزی خلق شده اند که ما از آن خلق شده ایم سپس این آیه را تلاوت

نمود: ﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيَيْنِ﴾ - تا - يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ﴾

﴿يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ خِتَامُهُ مِسْكٌ﴾^۲ آبی که هر وقت مومن آن را

بیاشامد بوی مشک از آن استشمام می کند.^۳

امام صادق علیهما السلام فرمود: هر کس خمر را به خاطر غیر خداوند ترک کند

خداوند او را از شراب خالص مُهر شده بنوشاند، سوال شد: یا ابن رسول الله

کسی که خمر را به خاطر غیر خدا ترک کند؟ فرمود: بله! به خدا سوگند آن

صیانت و نگه داشتن نفس است.^۴

﴿وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ﴾ فرمود: تنافس و مسابقه در آن

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۲۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۳۰؛

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۳۴

۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۳۵

۳. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۵

۴. کافی، ج ۶، ص ۲۳۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۲۹۸

ثوابهایی که ما وعده دادیم و مؤمنین در طلب آن است.

﴿وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ﴾ تسنیم مصدر سَنَمَ به معنای رفته است، چون او از بلندترین چشمه های بهشت است، یا شراب آن از بهترین اقسام شراب بهشت است و یا از بالای اهل بهشت می آید و روی همین جهت تسنیم نامیده شده است، آن چشمه ای است که مقربون از آن می آشامند و مقربون آل محمد صلی الله علیه و آله هستند؛ خداوند می فرماید: ﴿السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾ که رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه و علی بن ابی طالب و ذریه آنها ملحق به مقربون می شوند، خداوند می فرماید: ذریه شان را ملحق به آنها کردیم، مقربون از چشمه تسنیم خالص صرف می آشامند ولی سائر مؤمنین آمیخته و مخلوط شده آن را می آشامند.^۱

سپس مجرمینی را که مومنین را مسخره کرده و با چشم و ابرو بر آنها اشاره نموده و می خندیدند را توصیف نموده و فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ - تَا - فَكَيْهِنَ﴾ یعنی مسخره می کردند.

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲)

وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ (۳۳)

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (۳۴)

عَلَى الْأَرْزَاقِ يُنْظَرُونَ (۳۵)

هَلْ تُؤْتَبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

۳۲- و هنگامی که آنها (مؤمنان) را می دیدند می گفتند: اینها از گمراهان

هستند.

۳۳- در حالی که نگهبان و موکل اعمال مؤمنان فرستاده نشده بودند.

۳۴- پس امروز مؤمنان بر کفار می‌خندند.

۳۵- در حالی که بر تختها (ی عزت بهشتی) تکیه زده‌اند و نگاه می‌کنند.

۳۶- آیا کافران به نتیجه اعمالی که انجام می‌داده‌اند رسیدند؟

﴿وَإِذَا رَأَوْهُمْ﴾ یعنی مؤمنین.

﴿قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ﴾ می‌گفتند: اینها از گمراهان هستند.

پس خداوند فرمود: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ خَافِظِينَ﴾ در حالی که نگهبان و

موکل اعمال مؤمنان فرستاده نشده بودند.

سپس خداوند فرمود: ﴿فَالْيَوْمَ﴾ یعنی روز قیامت ﴿الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ

يَضْحَكُونَ﴾ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿ هَلْ تُؤْتَوْنَ الْكُفَّارُ﴾ یعنی کفار عین همان

کاری که می‌کردند مجازات می‌شوند ﴿مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^۱

تفسیر سورة انشقاق



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۸۴ - سورة انشقاق در مکه

نازل شده و دارای ۲۵ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱)

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۲)

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳)

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (۴)

۱- هنگامی که آسمان شکافته شود.

۲- و به فرمان پروردگارش است و سزاوار است که چنین باشد.

۳- و هنگامی که گسترده شود.

۴- و آنچه که در درون دارد بیرون انداخته و خالی گردد.

﴿إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ﴾ یعنی در روز قیامت.

﴿وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ﴾ که ﴿اذننت ربها﴾ یعنی از پروردگارش اطاعت

می‌کند.

﴿حُقَّتْ﴾ یعنی برای او حق است که از پروردگارش اطاعت کند.

﴿وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ﴾ و ﴿أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ﴾ زمین کشیده می‌شود،

سپس می‌شکافد و انسانها از شکمش بیرون می‌آیند.

﴿وَتَخَلَّتْ﴾ یعنی از انسان‌ها خالی شود.

- يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (۶)
 فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (۷)
 فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸)
 وَنُقْلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۹)
 وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَزَاءَ ظَهْرِهِ (۱۰)
 فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا (۱۱)

۶- ای انسان تو با زحمت و رنج فراوان به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد.

۷- پس اما کسی که نامه اعمالش به دست راست او دهند.

۸- پس به زودی حساب آسانی دارد.

۹- و با سرور و خوشحالی به سوی خانواده‌اش باز می‌گردد.

۱۰- و اما کسی که نامه اعمالش را از پشت سر به او بدهند.

۱۱- پس بزودی فریاد می‌زند ای وای بر من که هلاک شدم.

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا﴾ یعنی هر کدام را می‌خواهی خیر یا شر را پیش بفرستی.

﴿فَمُلَاقِيهِ﴾ یعنی آنچه را که از خیر و یا شر را پیش فرستاده‌ای آن را ملاقات کن و ببین.^۱

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت در تفسیر آیه ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ﴾ فرمود: این آیه راجع به ابو سلمه عبد الله بن عبد‌الأسود بن هلال مخزومی نازل شده، که مردی از قبیله بنی مخزوم بود، و

اما آیه ﴿وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَزَاءَ ظَهْرِهِ﴾ درباره برادرش اُسود بن عبدالأسود مخزومی نازل شده که حضرت حمزه او را در جنگ بدر به قتل رسانید.^۱

﴿فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُوراً﴾ که «ثبور» به معنای واویلا گفتن و فریاد زدن است یعنی بزودی آنها با دیدن نامه اعمالشان فریادشان بلند می شود.

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (۱۴)

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (۱۵)

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (۱۶)

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ (۱۷)

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (۱۸)

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ (۱۹)

۱۴- و او گمان می کرد که هرگز باز نخواهد گشت.

۱۵- آری پروردگارش به حال او بینا بود.

۱۶- سوگند به شفق.

۱۷- و سوگند به شب و آنچه که جمع کرده (در دل شب آرام گرفته) است.

۱۸- و سوگند به ماه هنگامی که کامل گردد.

۱۹- که شما از حالی به حالی دیگر دگرگون می شوید.

﴿إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ﴾ بلی گمان می کند که بعد از مردن هرگز بر

نمی گردد.

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ﴾ و مراد از «شفق» سرخی بعد از غروب خورشید

می باشد.

﴿وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ﴾ هنگامی که تمام آفریده ها را جمع می کند تا به وسیله آن هلاک می شوند.

﴿وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ﴾ هنگامی که جمع می شود.

﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾ حالی بعد از حالی.

رسول خدا ﷺ فرمود: طریقه ای را که پیشینیان شما مرتکب شدند از معصیت و نافرمانی بعینه آن را می پیمائید بدون کم و زیاد، حتی اگر سابقین داخل در سوراخ جانوران می شدند شما هم می شوید.

اصحاب حضورش عرض کردند: ای رسول خدا یعنی یهود و نصاری؟ فرمودند: پس چه کسی را می گویم! یکی پس از دیگری عهد و پیمان با اسلام را می شکنید و اول عهدی که از دینتان را می شکنید امامت [امانت] و دیگری نماز است.^۱

زراره گوید امام باقر علیهما السلام در معنای آیه ﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾ فرمودند: ای زراره آیا مرتکب نشدند این امت بعد از پیغمبر خود طریقه ای بعد از طریقه ای و عداوت اهل بیت بعد از عداوتی در باب استحکام حکومت اولی و دومی و سومی.^۲

﴿إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ﴾ یعنی بعد از مرگ بر می گردد.

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ﴾ و آن چیزی است که بعد از غروب خورشید می آید و این آیه قسم و جوابش ﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾ می باشد یعنی مذهب بعد از

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۵۰ و ج ۲۸، ص ۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۳۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۴۵

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۱۵؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۵۰ و ج ۲۸، ص ۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۳۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۴۷

مذهبی.

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۲۳)

۲۳- و خداوند آنچه را که در دل پنهان دارند را می داند.

﴿وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ﴾ یعنی خداوند به آنچه در سینه هایشان دارند دانا

و آگاه است.

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

۲۵- مگر کسانی که ایمان می آورند و عمل صالح انجام می دهند برای آنها

اجری قطع نشدنی و بی نهایت است.

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ یعنی منت بر آنها

نمی گذارد.^۱



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورة بروج



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۸۵ - سورة بروج در مکه

نازل شده و دارای ۲۲ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱)

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (۲)

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ (۳)

۱- سوگند به آسمان بلند که دارای برج‌های با عظمت است.

۲- و سوگند به روز موعود.

۳- و سوگند به شاهد و مشهود.

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ﴾ یعنی روز قیامت.

﴿وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ﴾ شاهد روز جمعه است و مشهود روز قیامت

می‌باشد.^۱

قِيلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (۴)

النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ (۵)

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ (۶)

وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (۷)

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۸)
 الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۹)
 إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ
 عَذَابُ الْحَرِيقِ (۱۰)

۴- مرگ بر آدم سوزان خندق.

۵- آتشی عظیم و شعله‌ور شده.

۶- هنگامی که در کنار آن نشسته بودند.

۷- و آنها آنچه را که بر مؤمنان انجام می‌دادند را تماشا می‌کردند.

۸- و آنها هیچ عیبی بر مؤمنان نداشتند مگر اینکه مؤمنان به خداوند عزیز و
 حمید ایمان آورده بودند.

۹- آن خدایی که حاکمیت آسمانها و زمین از برای اوست، و خداوند بر هر
 چیزی گواه است.

۱۰- همانا کسانی که مردان و زنان مومن به فتنه انداختند و سپس توبه هم
 نکردند پس برای آنها عذاب جهنم و عذاب سوزاننده است.

کشته شدن اصحاب اخدود

﴿قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ﴾

علت نزول این آیه چنین بود، «ذونواس» مردم حبشه را برای جنگ با یمن
 به هیجان آورد، و او آخرین پادشاه از دودمان «حمیر» و از یهودیان بود، و به
 همین جهت همه مردم، دین او را گرفتند و یهودی شدند، او خود را یوسف نام
 نهاده بود و سالها سلطنت کرده بود تا در آخر شنید که در نجران بقایایی از
 مسیحیان باقی مانده‌اند که بر دین عیسی و حکم انجیل هستند، و بزرگ

دینشان عبد الله بن بریا است، اطرافیان او را تحریک کردند که به سوی قوم نجران لشکر بکشد و آنان را به قبول دین یهود و اداری سازد، ذونواس با لشکرش حرکت کرده به نجران آمد و همه مسیحی مذهببان را جمع کرده پیشنهاد کرد تا به دین یهود درآیند، مردم نپذیرفتند، با آنان مجادله کرد و باز پیشنهاد خود را تکرار و مردم را به قبول آن تحریک نمود، و تا جایی که توانست بر این کار حرص ورزید، اما نپذیرفتند، حاضر شدند کشته بشوند ولی به دین یهود در نیایند، پس ذونواس برای از بین بردنشان گودالی پر از هیزم درست کرد، و آتشی عظیم بر افروخت، بعضی را زنده در آتش انداخت و بعضی را با شمشیر کشت و مثله کرد، تا جایی که عدد کشتگان و سوختگان به بیست هزار نفر رسید، یک نفر از آنان به نام «دوس ذو ثعلبان» بر اسب تیزکی سوار شد و گریخت، هر چه دنبالش رفتند نتوانستند او را بیابند، چون او راه رمل را پیش گرفت که افراد ناآشنا در آنجا گم می شوند، ذونواس با لشکر خود برگشت و هم چنان به کشتن آن مردم پرداخت و خداوند فرمود:

﴿قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ - تَا - الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾^۱

﴿إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ یعنی آنها را سوزاند.

﴿ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ﴾ و سپس توبه هم

نکردند پس برای آنها عذاب جهنم و عذاب سوزاننده است.^۲

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
ذَلِكَ الْقَوْزُ الْكَبِيرُ (۱۱)

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۴۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۴۴؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۲

۲. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۴۳۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۳

إِنْ يَطْشَ رَبُّكَ لَشَدِيدٌ (۱۲)

إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ (۱۳)

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (۱۴)

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (۱۵)

۱۱ - کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند برای آنها باغ‌های بهشتی است که از زیر درختانش نهرها جاری است، این رستگاری بزرگ است.

۱۲ - همانا انتقام پروردگارت بسیار سخت و شدید است.

۱۳ - همانا اوست که آغاز می‌کند و باز می‌گرداند.

۱۴ - و او آمرزنده و دوستدار مؤمنان است.

۱۵ - صاحب عرش عظیم و با اقتدار است.

ابن عباس در معنای آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ می‌گوید: یعنی راست گفتند و به خداوند عزوجل ایمان آوردند و او را به یگانگی خواندند.
﴿وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ یعنی نه چشمی دارد ببیند و نه گوشی دارد بشنود.

﴿ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ﴾ یعنی آنها به وسیله بهشت رستگار می‌شوند و از عقاب در امان می‌مانند.

﴿إِنْ يَطْشَ رَبُّكَ﴾ ای محمد.

﴿لَشَدِيدٌ﴾ یعنی هنگامی که ستمکاران و جباران کافر را بگیرد که خداوند در سوره هود می‌فرماید: ﴿إِنْ أَخَذَهُ إِلِيمٌ شَدِيدٌ﴾^۱ همانا گرفتن او شدید و دردناک است.

﴿إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ﴾ یعنی آفرید و سپس آنها را میراند و بعد از مرگ آنها را زنده می‌کند.

﴿وَهُوَ الْغَفُورُ الْودُودُ﴾ یعنی برای اولیا و اهل اطاعت خودش مهربان بوده و با محبت برخورد می‌کند همچنانکه یکی از شما برادرش را دوست می‌دارد و با بشاشت و محبت با او برخورد می‌کند.^۱

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که در تفسیر آیه ﴿ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ﴾ که او خداوند کریم و مجید است.

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ (۲۱)

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ (۲۲)



۲۱- بلکه این قرآن بزرگوار و با عظمت است.

۲۲- در لوح محفوظ نگاشته است.

﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ﴾ ﴿فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ﴾ لوح محفوظ دو طرف دارد، یک طرفش بر سمت راست عرش بر پیشانی اسرافیل است که هر وقت خدای تعالی سخن از وحی می‌کند لوح به پیشانی اسرافیل می‌زند، و اسرافیل در لوح نظر می‌کند، و آنچه را در لوح می‌بیند به جبرئیل وحی می‌کند.^۲

۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۴

۲. بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۳۶۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۴۷؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۵؛

نورالتقلین، ج ۵، ص ۵۴۸



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورة طارق



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۸۶ - سورة طارق در مکه

نازل شده و دارای ۱۷ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲)

النَّجْمُ الثَّاقِبُ (۳)

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (۴)

۱- سوگند به آسمان و سوگند به طاریق.

۲- و توجه می‌دانی که طاریق چیست؟

۳- طاریق همان ستاره درخشان و از بین برنده تاریکی‌هاست.

۴- (سوگند به اینها) که برای هر نفسی نگهبانی است.

﴿وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ﴾ طاریق ستاره درخشانی است و آن ستاره عذاب و

ستاره قیامت است و آن «زُحَل» در بالاترین جایگاه قرار دارد.

﴿إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ﴾ مراد از حافظ ملائکه هستند.^۱

ابو بصیر روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿وَالسَّمَاءِ وَ

الطَّارِقِ﴾ فرمودند: مراد از ﴿السَّمَاءِ﴾ در اینجا امیرالمؤمنین علیه السلام و مراد از

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۵۰؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۵۲؛

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۸

«طارق» روحی است که با ائمه می باشد و راست می دارد ایشان را بر اعمال صالحه و هر شب از نزد پروردگار خود پیش ائمه علیهم السلام می آید و ایشان را از آنچه در شب و روز بوقوع خواهد آمد خبر می دهد.

ابو بصیر گوید، گفتم معنای «النَّجْمُ الثَّاقِبُ» چیست؟

فرمود: مراد از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد.^۱

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵)

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶)

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷)

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (۸)

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (۹)

۵- پس انسان بنگرد که از چه آفریده شده است؟

۶- از آب جهنده آفریده شده است،

۷- آبی که از میان پشت و سینه ها بیرون می آید.

۸- همانا او قادر است که او را برگرداند.

۹- روزی که اسرار انسان آشکار می شود.

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾ * خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿ منظور نطفه است، که با

قوت خارج می شود.

﴿يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ﴾ یعنی صلب مرد، و ترائب زن که همان

سینه او است.

﴿إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ﴾ همچنانکه او را از نطفه آفرید قادر است که او را به

دوباره به دنیا و به سوی قیامت برگرداند.
 ﴿يَوْمَ تَبْلَى السَّرَائِرُ﴾ یعنی روزی که سریره‌ها و پنهانی‌ها آشکار می‌شود.

فَمَالَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (۱۰)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (۱۱)

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۱۲)

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ (۱۳)

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴)

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵)

وَأَكِيدُ كَيْدًا (۱۶)

فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَهْلُكُم رُؤُودًا (۱۷)

۱۰- پس برای او هیچ نیرو و یابوری نیست.

۱۱- و سوگند به آسمان باران زا.

۱۲- و سوگند به زمین گیاه رو.

۱۳- همانا که قرآن جدا کننده حق از باطل است.

۱۴- و آن سخن بیهوده‌ای نیست.

۱۵- همانا که آنها حیل‌های گوناگونی می‌کنند.

۱۶- و من هم در مقابل مکرشان چاره‌ای خواهم کرد.

۱۷- پس کافران را مهلت کمی بده.

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ﴾ یعنی آسمان دارای باران است.

﴿وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ﴾ یعنی زمین دارای گیاهان است و آن قسم و

جوابش آیه ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ﴾ است یعنی قرآن کلامی قاطع و جدا کننده میان

حق و باطل است.

﴿وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ﴾ یعنی قرآن سخن هزل و مسخره نیست.

﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾ یعنی حيله‌ها به کار می‌برند.

﴿وَأَكِيدُ كَيْدًا﴾ و آن از جانب خداوند عذاب است.

﴿فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْلُهُمْ رُؤِيدًا﴾ یعنی مدت کمی آنها را به حال خودشان

واگذار.

ابی بصیر درباره معنای آیه ﴿فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ﴾ می‌گوید: یعنی هیچ نیرویی ندارد که با آن به سوی خالقش نزدیک شود، و هیچ ناصری ندارد که اگر خدا عذاب او را بخواهد او را یاری کند.

عرض کردم: معنای آیه ﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾ چیست؟

فرمود: بارسول خدا ﷺ مکر کردند، با علی علیه السلام مکر کردند، با فاطمه علیها السلام مکر کردند پس خداوند به محمد ﷺ فرمود: ای محمد! ﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾ و أَكِيدُ كَيْدًا فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ ای محمد ﴿أَهْلُهُمْ رُؤِيدًا﴾ وقتی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید و انتقام مرا از ستمکاران و طاغوتیان از قریش و بنی امیه و سائر مردم بگیرد.^۲

۱. بحارالانوار، ج ۹، ص ۲۴۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۵۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۸

۲. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۶۸ و ج ۵۳، ص ۵۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۸

تفسیر سورة اعلی



مجلس شورای اسلامی ایران

۸۷ - سورة اعلی در مکه

نازل شده و دارای ۱۹ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (١)
- الَّذِي خَلَقَ فَسُوَّى (٢)
- وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (٣)
- وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى (٤)
- فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى (٥)
- سَتَقِرُّكَ فَلَا تَئْسَى (٦)
- إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى (٧)
- وَتُيسِّرُكَ لِلْيُسْرَى (٨)
- فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذُّكْرَى (٩)
- سَيَذَكِّرْكَ مَنْ يُخَشَى (١٠)
- وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى (١١)
- الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى (١٢)
- ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى (١٣)
- قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (١٤)
- وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (١٥)

- ۱- پروردگار بلند مرتبه‌ات را تسبیح کن.
 - ۲- همان خدایی که (عالم را) آفرید و منظمش نمود.
 - ۳- و همان خدایی که اندازه گیری کرد و هدایت نمود.
 - ۴- و همان خدایی که چراگاه را بیرون آورد.
 - ۵- پس آن را خشک و تیره گردانید.
 - ۶- بزودی (آیات قرآن را) بر تو بخوانیم، پس فراموش نمی کنی.
 - ۷- مگر آنچه که خداوند بخواهد، همانا که او آشکار و پنهان را می داند.
 - ۸- و تو را برای آسان ترین کار آماده می کنیم.
 - ۹- پس متذکر نما اگر تذکر سودمند باشد.
 - ۱۰- بزودی کسی که از خداوند می ترسد متذکر می شود.
 - ۱۱- و شقی ترین انسان از آن دوری می گزیند.
 - ۱۲- همان کسی بر آتش بزرگ وارد می شود.
 - ۱۳- سپس نه در آن می میرد و نه زنده می شود.
 - ۱۴- به تحقیق کسی که تزکیه نمود رستگار شد.
 - ۱۵- و اسم پروردگارش را یاد نموده پس نماز خواند.
- ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ یعنی بگو: ﴿سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى﴾
 ﴿الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ۖ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى﴾ مقدر فرموده اشیاء را با تقدیر
 اول، سپس به سویی هدایت کرده هر که را می خواهد.
 ﴿وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى﴾ یعنی گیاهان.
 ﴿فَجَعَلَهُ﴾ یعنی بعد از بیرون آمدن.
 ﴿غُثَاءً آخُو﴾ این است که همان نبات و گیاه بعد از رسیدن به حد بلوغش
 خشک و سیاه می شود.

﴿سَقَرْتُكَ فَلَا تَنْسَى﴾ یعنی به تو یاد می‌دهیم پس آن را فراموش مکن سپس استننا قائل شده و فرمود: ﴿إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ زیرا کسی از نسیان لغوی که همان ترک کردن است در امان نیست زیرا آن کسی که فراموش نمی‌کند او خداوند عزوجل است.^۱

اصبغ گوید از امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره معنای آیه ﴿سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ سوال کردم، فرمود: بر ستون عرش دو هزار سال قبل از اینکه خداوند آسمان‌ها و زمین‌ها را بیافریند نوشته شده بود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ فَاشْهَدُوا بِهِمَا وَأَنْ عَلِيًّا وَصِيَّ مُحَمَّدٍ صلوات الله عليه»؛ خدایی جز معبود یگانه نیست، یکتایی است که شریکی ندارد، و اینکه محمد بنده و فرستاده اوست پس شهادت به آن دو دهید و اینکه علی علیه السلام وصی محمد صلوات الله عليه است.^۲

﴿وَنُيْسِرُكَ لِلْيُسْرَى﴾ فذكر ﴿يَعْنِي أَيُّ مُحَمَّدٍ﴾ ﴿إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى﴾ ﴿سَيَذْكُرُ مَنْ يَخْشَى﴾ یعنی آن را به تو متذکر شدیم.

سپس فرمود: ﴿وَيَتَجَنَّبُهَا﴾ یعنی آنچه ما تذکر دادیم شقی‌ترین افراد از آن دوری می‌گزینند.

﴿الْأَشْقَى﴾ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى﴾ آتش روز قیامت.

﴿ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى﴾ یعنی در آتش می‌باشند همچنانکه خداوند فرمود: ﴿وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ﴾^۳ مرگ از هر طرف بر او رو می‌کند ولی او مردنی نیست.

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾ یعنی زکات فطره که قبل از نماز عید فطر

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۵۷؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶۲؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۵۵

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۳۶۵ و ج ۲۷، ص ۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶۳

۳. ابراهیم، آیه ۱۷

می‌پردازند.^۱

﴿وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى﴾ نماز عید فطر و عید قربان.

ابن عباس در معنای آیه ﴿إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى﴾ گوید: یعنی آنچه تا روز قیامت در قلب و نفس تو می‌گذرد خداوند به آن عالم و آگاه است.
﴿وَنَيْسَرَك﴾ ای محمد در همه امورت ﴿لَيْسَرَى﴾^۲

إِنْ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۸)

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى (۱۹)

۱۸- این سخنان در کتاب‌های گذشتگان نیز آمده است.

۱۹- در کتاب ابراهیم و موسی.

﴿إِنْ هَذَا﴾ یعنی آنچه از قرآن تلاوت کرده‌ای.

﴿لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى﴾ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ﴿در کتاب‌های گذشتگان

خصوصاً در کتاب ابراهیم و موسی نیز آمده است.^۳

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۵۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶۲؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۵۶

۲. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶۴

۳. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶۳

تفسیر سورة غاشیه



مركز تحقيق و تفسير قرآن

۸۸ - سورة غاشیه در مکه

نازل شده و دارای ۲۶ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (۱)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (۲)

غَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ (۳)

تَصْلَى نَاراً حَامِيَةً (۴)

تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ (۵)

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ (۶)

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ (۷)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ (۸)

لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ (۹)

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰)

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَغْنَةٍ (۱۱)

۱- آیا داستان غاشیه بر تو رسیده است؟

۲- صورت‌هایی در آن روز ترسان و ذلیل است.

۳- که همه آنها کار کرده و خسته شده‌اند.

۴- در آتش فروزان وارد می‌شوند.

۵- از چشمه آب داغ به آنها بنوشانند.

۶- برای آنها غذایی جز خار و علف خشک و تلخ و بدبو نیست.

۷- غذایی که نه آنها را چاق می‌کند و نه از گرسنگی بی‌نیازشان می‌گرداند.

۸- صورت‌هایی در آن روز مسرور و خندان است.

۹- از سعی و کوشش خود راضی هستند.

۱۰- در بهشت بلند مرتبه جای دارند.

۱۱- در آنجا هیچ سخن لغو و بیهوده نمی‌شنوند.

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾ یعنی ای محمد به تحقیق خبر قیامت برای تو

بیان شد و معنی ﴿الغاشية﴾ یعنی اینکه مردم را در بر می‌گیرد.

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ * عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ﴾ آنها کسانی بوده‌اند که با دین خدا

مخالفت ورزیده‌اند، نماز خوانده‌اند، روزه گرفته‌اند و با امیرالمومنین

علی علیه السلام دشمنی نموده‌اند و آن قول الهی است که فرمود: ﴿عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ﴾

یعنی خداوند آن اعمال و افعالشان را قبول نمی‌کند.

﴿تَصَلَّى﴾ یعنی صورت‌هایشان.

﴿نَارًا خَامِيَةً * تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ﴾ یعنی از شدت گرما ناله و فریاد

می‌کند.

﴿لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ﴾ یعنی غذایشان عرق اهل آتش جهنم و آنچه

از آلت‌های زناکاران بیرون می‌آید، می‌باشد ﴿لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ﴾ که

نه چاق کننده هستند و نه از گرسنگی نجاتشان می‌دهد.

سپس پیروان امیرالمومنین علی علیه السلام را ذکر کرده و فرمود: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

نَاعِمَةٌ * لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ﴾ یعنی خداوند به آنچه آنها تلاش و کوشش کرده‌اند

راضی می‌کند.

﴿فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۖ لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَغْيَةٍ﴾ یعنی در آنجا شوخی و دروغ نمی شنوند.^۱

ابی حمزه گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر کس که با شما مخالفت کند اگر چه متعبد باشد و در عمل کوشش کرده باشد منسوب به این آیه است: ﴿وَجُودُ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ۖ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ۖ تَصْلِي نَارًا حَامِيَةً﴾ صورت هایی در آن روز ترسان و ذلیل است. که همه آنها کار کرده و خسته شده اند. در آتش فروزان وارد می شوند.^۲

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ (۱۳)

وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ (۱۴)

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ (۱۵)

وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ (۱۶)

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷)

۱۳- در آن تخته های بلند پایه ای است.

۱۴- و قدح های بزرگ گذاشته اند.

۱۵- و بالش ها و پستی های مرتب شده.

۱۶- و فرش های عالی گسترده.

۱۷- آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است؟

ابن عباس در معنای آیه ﴿فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ﴾ گوید: تخت هایی که الواحی از طلا که آراسته به زبرجد و دُر و یاقوت است که از زیر آنها چشمه ها جاری می شود.

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۰۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۷۰؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۶۷.
 ۲. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۵۳؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۶۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۶۶؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۶۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶۹.

﴿وَ أَكْوَابُ مَوْضُوعَةٌ﴾ یعنی کوزه‌هایی که برای آنها گوشی نیست (دسته و لوله ندارند).

﴿وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ﴾ یعنی فرش‌ها و بالش‌ها.

﴿وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ﴾ هر چیزی که خداوند در بهشت آفریده. نمونه‌ای در دنیا دارد مگر زرابی درک نمی‌شود که آن چیست.^۱

ابن عباس در معنای آیه ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآيَاتِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ گوید: منظور چهارپایان است.

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸)

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹)

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰)

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (۲۱)

لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ (۲۲)

۱۸- و به آسمان نگاه نمی‌کنند که چگونه بر افراشته شده است؟

۱۹- و به کوه‌ها نمی‌نگرند که چگونه بر جای خود نصب شده‌اند؟

۲۰- و به زمین که چگونه گسترده شده است؟

۲۱- پس تذکر بده همانا که تو تذکر دهنده هستی.

۲۲- تو مسلط بر آنها نیستی که بر ایمان مجبورشان کنی.

﴿وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ﴾ و ﴿إِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ﴾ و ﴿إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ

سُطِحَتْ﴾ خداوند عز و جل می‌فرماید: آیا کسی به غیر از من قادر است که

همانند شتر را خلق کند، و یا آسمان را بالا ببرد و کوه‌ها را نصب نماید و زمین

را مسطح کند؟ یا غیر از من افعالی همانند این را انجام دهند؟

﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ﴾ یعنی ای محمد موعظه کن که همانا تو پند دهنده

هستی.

﴿لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ﴾ یعنی تو نه حافظ ایشان، و نه نویسنده اعمالشان

می باشی.^۱

إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ (۲۳)

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴)

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ (۲۶)

۲۳ - مگر کسی که پشت کند و کافر شود.

۲۴ - پس خداوند او را به عذابی بزرگ معذب می کند.

۲۵ - همانا باز گشت آنها به سوی ماست.

۲۶ - سپس همانا حساب آنها بر ماست.

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می کند که در تفسیر آیه ﴿إِلَّا مَنْ تَوَلَّى

وَكَفَرَ﴾ فرمودند: منظور کسی است که از تذکر تو متعظ نشود و تو را تصدیق

نکند، و ربوبیت مرا انکار کند و نعمت مرا کفران نماید.

﴿فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ﴾ منظور عذاب غلیظ و شدید و دائمی است.

﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ﴾ یعنی عاقبت کارشان به سوی ما است.

﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾ یعنی جزایشان با ما است.^۲

﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ﴾ یعنی برگشتشان به سوی ماست ﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾

سپس همانا حساب آنها بر ماست.

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۰

۲. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۷۰؛

نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۶۷



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

تفسیر سورۀ فجر



۸۹ - سورۀ فجر در مکه نازل

شده و دارای ۳۰ آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ (۱)

وَلَيَالٍ عَشْرٍ (۲)

وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (۳)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَجْرِ (۴)

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ (۵)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (۶)

إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷)

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (۸)

وَتُمُودَ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (۹)

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (۱۰)

۱- و سوگند به صبح .

۲- و سوگند به شب‌های دهگانه .

۳- و سوگند به زوج و فرد .

۴- و سوگند به شب هنگامی که برود .

۵- آیا در این امور که بیان شد سوگندی برای صاحبان اندیشه نیست؟

۶- آیا ندیدی که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟

۷- و نیز با اهل شهر ارم با عظمت،

۸- آنچنان شهری که مانندش در شهرها آفریده (ساخته) نشده بود.

۹- و قوم ثمود که داخل سنگ‌های بزرگ را می‌شکافتند و کاخها برای

خودشان می‌ساختند،

۱۰- و نیز فرعون که دارای قدرت و ستمگر بود.

﴿وَالْفَجْرِ﴾ در این آیه و او نازل نشده است و او زیاده است بلکه آن بدون

و او است.

﴿وَلَيْالٍ عَشْرٍ﴾ ده روز ذی الحجه است.

﴿وَالشَّفْعِ﴾ منظور از شفع دو رکعت است

﴿وَالْوَتْرِ﴾ و منظور از وتر یک رکعت است که در آخر شب خوانده

می‌شود.

در روایتی دیگر می‌فرماید: منظور از ﴿شفع﴾ امام حسن علیه السلام و امام

حسین علیه السلام و منظور از ﴿وتر﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد.^۱

﴿هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرِ﴾ یعنی صاحب عقل.

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ﴾ منظور شب جمع است (یعنی شب عید قربان که از

عرفات به مشعر کوچ می‌کنند و در آنجا اجتماع می‌کنند).

سپس خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرمود: ﴿أَلَمْ تَرَ﴾ یعنی آیا می‌دانی؟

﴿كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ﴾ اِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ﴾ سپس

عاد مُرد و خداوند او و قومش را با باد صرصر هلاک کرد.

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۴۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۷۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۷۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۷۱

﴿وَتَمُودَ الَّذِي جَاءُ بِالصَّخْرَةِ بِالْوَادِ﴾ یعنی دل کوه‌ها را کنده بودند.
 ﴿وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ﴾ استوانه‌هایی را ساخت و خواست که به وسیله
 آنها به آسمان برود.^۱

إِنْ رَبِّكَ لَبَالٍ مُّضَادٍ (۱۴)
 فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (۱۵)
 وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (۱۶)
 كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ (۱۷)
 وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۱۸)
 وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا (۱۹)
 وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (۲۰)
 كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (۲۱)

۱۴- همانا پروردگارت در کمینگاه (ستمکاران) است.

۱۵- پس اما انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش و امتحان
 اکرامش می‌کند و نعمتی به او می‌بخشد (با تکبر) می‌گوید: پروردگارم مرا
 گرامی داشته است.

۱۶- و اما هنگامی که او را مبتلا می‌کند و روزیش را تنگ می‌گرداند (با
 یاس و ناامیدی) می‌گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است.

۱۷- هرگز (چنین نیست) بلکه شما یتیمان را گرامی نمی‌دارید.

۱۸- و مساکین را بر سر سفره خود اطعام نمی‌کنید.

۱۹- و مال ارث را جمع کرده و می‌خورید.

۲۰- و مال دنیا را به شدت دوست می‌دارید.

۲۱- هرگز (چنین نیست که می‌پندارند) هنگامی که زمین به کلی در هم

کوبیده شده و تلاشی می‌شود.

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ یعنی قائم و نگهبان بر هر ظالمی است و اعمال آنها را زیر نظر دارد.

﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ﴾ یعنی او را با نعمت امتحان نمود.

﴿فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ﴾ و ﴿وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ﴾ یعنی او را امتحان کرد.

﴿فَقَدَّرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ﴾ یعنی به فقر مبتلایش کرد ﴿فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ﴾ پس

می‌گوید که پروردگارم مرا خوار کرده است.

خداوند فرمود: ﴿كَلَّا بَلْ لَّا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ﴾ و ﴿لَّا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ﴾ یعنی یتیم را پیش خود نمی‌خوانید و مراد از آن جماعتی هستند که غاصبین حق آل محمد صلی الله علیه و آله می‌باشند و آنهایی هستند که مال یتیم‌ها و مال فقراء و محتاجین ایشان را و ابناء سبیل ایشان را می‌خورند.

﴿وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا﴾ یعنی همه آنها را به تنهایی می‌خورید.

﴿وَتَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾ یعنی مال را ذخیره می‌کنید و در راه خداوند انفاق نمی‌کنید.^۱

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که در تفسیر آیه ﴿كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا﴾ یعنی وقتی که زمین می‌لرزد.^۲

ابن عباس گوید: هنگامی که زمین شکسته و از هم پاشیده شود.^۳

۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۷۸

۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۹

۳. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۷۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۸۲

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۲۲)

وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى (۲۳)

۲۲- و فرمان پروردگارت فرا برسد و فرشتگان صف در صف به عرصه محشر حاضر شوند.

۲۳- و آن روز جهنم را می آورند، در آن روز آدمی متذکر می شود، و این تذکر چه سودی به حال او دارد؟

چگونگی جهنم و بل صراط

﴿وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾ ملک اسم یک فرشته است ولی معنایش

جمع است.^۱

﴿وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى﴾

امام باقر علیه السلام فرمودند: هنگامی که این آیه نازل شد درباره آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله سوال کردند، و او فرمود: روح الامین به من خبر داد خداوند که خدائی به غیر از او نیست چون آفریدگان را آفرید و اولین و آخرین را گرد هم در آورد، جهنم را آورد که با هزار مهار کشیده می شد و صد هزار از فرشتگان غلاظ و شداد آن را می کشیدند، و آن را بانگ و خشم و شهیق و زفیر بود، و چون نفس بیرون می داد، اگر خدا حساب مردمان را برای بعد نگذاشته بود همگان هلاک می شدند، سپس از آن گردنی بیرون آمد که بر آفریدگان محیط شد و نیکوکار و فاجر را در میان خود گرفت، و هیچ بنده ای از بندگان خدا و فرشته و پیامبر نبود مگر آن که بانگ برداشت که: پروردگارا، جانم جانم، و تو ای پیامبر خدا فریاد می کردی: اتمم، اتمم، سپس بر آن صراط نهاده شد که

باریکتر از لبه شمشیر بود و بر آن سه پل قرار داشت: یکی پل امانت و رحم، دومی پل نماز، و سومی پل عدل رب العالمین که خدائی جز او نیست، مردمان را به عبور از آنها مکلف می کردند: پل رحم و امانت نگاهشان می داشت، و اگر از آن رد می شدند نماز نگاهشان می داشت، و اگر از آن هم می گذشتند پایان به رب العالمین می رسید، بنا بر گفته اش: ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾. و مردمان بر صراط آویخته به دست و پا از جای کنده شده، و چسبیده به پا قرار داشتند و فرشتگان بانگ بر می داشتند که: ای بردبار، ببخش و چشم بپوش و به فضیلت باز گرد و سلامت بدار، و مردمان همچون پروانه در آتش می افتادند، و چون کسی به رحمت خدا نجات می یافت و می گذشت، می گفت: شکر خدای را که به نعمت او صالحات تمام می شود، و حسنات پاکیزگی پیدا می کند، و شکر خدا را که بعد از نومیدیهها مرا از توبه منت و فضل خود نجات داد و پروردگار ما آمرزنده و پاداش دهنده است.

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَعْدُبُ عَذَابُهُ أَحَدًا (۲۵)

وَلَا يُؤْتِقُ وَثَاقَهُ أَحَدًا (۲۶)

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷)

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (۲۸)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹)

وَادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰)

۲۵- پس آن روز خداوند کسی را مانند او عذاب نمی کند.

۲۶- و هیچ کس همانند او کسی را به بند نمی‌کشد.

۲۷- ای نفس مطمئن و آرام یافته .

۲۸- به سوی پروردگارت بازگرد که هم تو از او خشنود هستی و هم او از

تو راضی .

۲۹- پس در گروه بندگانم وارد شو .

۳۰- و در بهشت من داخل شو.

﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ * وَلَا يُوثِقُ وَثَاقُهُ أَحَدٌ﴾ او فلانی است.^۱
 ﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾ هنگامی که
 موقع وفات مؤمن فرا می‌رسد ندا کننده‌ای از جانب پروردگار ندا می‌دهد ای
 نفس مطمئن و دل آرام به سوی ولایت علی علیه السلام در آی که تو را با ثواب راضی
 و خشنود کرده است.

﴿فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾ پس برای او هیچ هم و غمی نیست
 مگر اینکه به آن صدا ملحق شود.^۲

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که در تفسیر آیات ﴿يَا أَيَّتُهَا
 النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي *
 وَادْخُلِي جَنَّتِي فرمودند: منظور حسین بن علی علیه السلام است.^۳

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۷۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۸۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۷۷

۲. بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۸۲

۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۸۳



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورۀ بلد



مرکز تحقیقات علوم و معارف اسلامی

۹۰ - سورۀ بلد در مکه نازل

شده و دارای ۲۰ آیه است.



مرکز تحقیقات کلام و علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- لَأُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (١)
وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (٢)
وَ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدَ (٣)
لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (٤)
أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَغْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (٥)
يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا لُبَدَا (٦)
أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (٧)
أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (٨)
وَلِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ (٩)
وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (١٠)
فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (١١)
وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (١٢)
فَكُّ رَقَبَةٍ (١٣)
أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ (١٤)
يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (١٥)

أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ (۱۶)

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ (۱۷)

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۱۸)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۱۹)

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ (۲۰)

۱- سوگند به این شهر (مکه).

۲- و تو در این شهر ساکن هستی.

۳- و سوگند به پدر و فرزند.

۴- به تحقیق ما انسان را در رنج و مشقت آفریدیم.

۵- آیا او می‌پندارد که هیچ‌کس نمی‌تواند بر او دست پیدا کند؟

۶- می‌گوید: مال بسیاری را از بین بردم.

۷- آیا می‌پندارد که کسی او را ندیده است؟

۸- آیا برای او دو چشم قرار ندادیم؟

۹- و زبان و دو لب؟

۱۰- و او را به راه خیر و شر هدایتش ننمودیم؟

۱۱- پس از گردنه نگذشت.

۱۲- و توجه می‌دانی که عقبه چیست؟

۱۳- آزاد کردن برده‌ای.

۱۴- یا غذا دادن در روز گرسنگی.

۱۵- یتیمی از خویشاوندان.

۱۶- یا مسکین خاک نشین.

۱۷- سپس از کسانی بود که ایمان آورده و یکدیگر را به صبر و رحمت

سفارش می‌کنند.

۱۸- آنها اصحاب یمین هستند.

۱۹- و کسانی که به آیات ما کافر شدند آنها از اصحاب مشممه (افراد شوم)

هستند.

۲۰- بر آنها آتشی سر پوشیده است (که راه فراری از آن نیست).

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ مراد از بلد مکه است.

﴿وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ قریش حلال نمی‌دانستند که در مکه به کسی ظلم و

ستم کنند ولی ظلم و ستم به تو را حلال کردند.

﴿وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ﴾ آدم و آنچه از پیامبران و اوصیا به دنیا می‌آیند.

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾ یعنی خداوند انسان را راست قامت آفرید و

موجودات دیگر را چنین استوار نیافریده است. (پس معنای کبد یعنی راست

قامت).

﴿يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا لُبْدًا﴾ فرمود: لبد به معنای مجتمعه است.^۱

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که در تفسیر آیه ﴿يَقُولُ أَهْلَكْتُ

مَا لَا لُبْدًا﴾ فرمود: او عمرو بن عبود است هنگامی که علی بن ابی طالب علیه السلام

اسلام را در روز جنگ خندق بر او عرضه کرد، گفت: پس کجاست آن همه

مالی را که برای از بین بردن شما خرج کردم؟ او مالی را برای بستن راه خدا

خرج کرده بود، پس حضرت علی علیه السلام او را کشت.^۲

﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾ یعنی برای او راه خیر و شر را نشان دادیم.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۸۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۸۷

۲. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۸۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۸۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۰

۳. نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۹۱

﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ * وَ مَا أَذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿ مراد از عقبه ائمه علیهم السلام هستند پس هر کسی از آن بگذرد از آتش جهنم خودش را رها نموده است.

﴿أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾ یعنی مسکینی که جامه خوابی ندارد که او را از آلودگی به خاک نگه ندارد.

﴿أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾ اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام هستند.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا﴾ آنهایی که با امیر المؤمنین علیه السلام مخالفت کردند.

﴿هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾ مراد از «المشأمة» دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله هستند.

﴿عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ﴾ یعنی آتشی که رویش پوشیده شده است.^۱

امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ﴾ فرمودند: او را به خاطر کشتن دختر پیامبر صلی الله علیه و آله می کشند.

﴿يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا لَبَدَأَ﴾ یعنی آن مالی که پیامبر صلی الله علیه و آله در تجهیز لشکر عسیره (غزوه تبوک) صرف نمود.

﴿أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ﴾ فساد در وجود خود او بود.

﴿أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ﴾ یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله.

﴿وَلِسَانًا﴾ یعنی امیر المؤمنین علیه السلام.

﴿وَشَفَتَيْنِ﴾ یعنی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام.

﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾ به سوی ولایت آن دو.

﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ * وَ مَا أَذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿ تو چه می دانی؟ هر چیزی در قرآن است؛ ﴿مَا أَذْرَاكَ﴾ یعنی ما أعلمک، تو چه می دانی.

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۸۲؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۹۴؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۸۵

﴿وَيَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ﴾ یعنی رسول خدا ﷺ و مراد از ﴿مقربه﴾ یعنی خویشان.

﴿أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾ یعنی امیرالمؤمنین (علیه السلام) از علم و دانش بی نیاز است.^۱

ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که در معنای آیه ﴿فَكُ رَقَبَةٍ﴾ فرمود: به وسیله معرفت ما مردم از آتش جهنم رهایی می یابند و ما هستیم که در روز گرسنگی و قحطی مردم را اطعام می کنیم.^۲

ابن عباس در معنای آیه گوید: ﴿وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ یعنی کسانی که بر واجبات خداوند عز و جل صبر می کنند ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ﴾ یعنی در آن چیزی که در بین آنهاست و این قبول نمی شود مگر از مؤمن.^۳

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۱ و ج ۲۴، ص ۲۸۲؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۹۰.
 ۲. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۸۲ و ج ۶۶، ص ۳۶۴؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۸۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۹۳.
 ۳. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۹۵.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورة شمس



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۹۱ - سورة شمس در مکه

نازل شده و دارای ۱۵ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (۱)

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا (۲)

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا (۳)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴)

۱- و سوگند به خورشید و نور آن،

۲- و سوگند به ماه هنگامی که (بعد از خورشید) می تابد،

۳- و سوگند به روز هنگامی که عالم را روشن سازد.

۴- و سوگند به شب هنگامی که پرده سیاهی می کشد.

﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾

ابوبصیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾ سوال

کردم.

فرمودند: مراد از ﴿الشمس﴾ رسول خدا است که به وسیله آن حضرت

دین را برای مردم واضح و روشن نمود.

عرض کردم: معنای آیه ﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا﴾ چیست؟

فرمود: آن امیر المؤمنین علیه السلام است.

سوال کردم: معنای آیه «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا» چیست؟

فرمود: مراد پیشوایان ستمکاری هستند که امر آل رسول ﷺ را تغییر دادند، و در مسندی نشستند که آل رسول ﷺ اُولی به آن مسند از آنها بودند، و دین رسول خدا ﷺ را با ظلم و جور پوشاندند و آن قول خداوند است که فرمود: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا» یعنی تاریکی ظلم و ستم آنها روشنائی روز آل محمد ﷺ را پوشاند.

عرض کردم: معنای آیه «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» چیست؟

فرمود: مراد از آن امام از ذریه فاطمه ﷺ می باشد که مردم از دین رسول خدا ﷺ از او سوال می کنند و او نیز دین را برای مردم آشکار و روشن می کند.^۱



ترجمه تفسیر قمی

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (۷)

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸)

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹)

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۱۱)

إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا (۱۲)

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳)

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱۴)

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۸۳؛ کافی، ج ۸، ص ۵۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۹۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۹

۷- و سوگند به نفس آدمی و آن کس که آن را موزون نمود،

۸- پس فجور و تقوا (شر و خیر) را به او الهام کرد.

۹- به تحقیق رستگار شد کسی که تزکیه نمود،

۱۰- و به تحقیق کسی که خودش را به گناه آلوده نموده زیانکار و محروم

گشته است.

۱۱- قوم ثمود بر اثر سرکشی و طغیانگری تکذیب کردند.

۱۲- هنگامی که شقی ترین آنها بر انگیخته شد.

۱۳- پس رسول خدا (صالح) به آنها گفت: این ناقة خدا (معجزه الهی

است)، سیرابش کنید.

۱۴- پس آنها او را تکذیب و ناقة را پی کردند، پس پروردگارشان آنها را به

خاطر گناهشان گرفتار ساخت و (شهرشان) را با خاک یکسان و صاف کرد.

۱۵- و از عاقبت این کار هیچ نمی ترسد.

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا﴾ یعنی آن را بیافرید و صورتگری کرد.

﴿فَأَلَّهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ یعنی نیکی و زشتی را به او شناساند و الهام

نمود سپس او را مخیر کرد که اختیار کند.

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ یعنی نفسش را طاهر کرد.

﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ یعنی اغوا نمود.^۱

امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ فرمود: یعنی

امیرالمؤمنین علیه السلام که نفسش را تزکیه نمود ﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ یعنی

زریق و حبتز که نفس خودشان را بر اثر دسیسه و نیرنگ در بیعت کردن با

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۷۰؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۰۰؛

تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۹۰

آن حضرت از ثواب در آخرت بی بهره ماندند.

امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا﴾ فرمودند: طغیان او را بر آن داشت که تکذیب کند.^۱

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا﴾ إِذْ أَنْبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿ هنگامی که شتر را پی کردند. ﴿فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ﴾ عذاب خداوند غفلتاً و در شب آنها را در بر گرفت.

﴿وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا﴾ بعد از این آلهائی را که هلاک نمودیم نمی ترسند.^۲



۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۹۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۰۰
 ۲. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۹۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۶

تفسیر سورۀ لیل



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۹۲ - سورۀ لیل در مکه نازل

شده و دارای ۲۱ آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى (۱)

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (۲)

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى (۳)

إِنْ سَعَيْكُمْ لَشَتَّى (۴)

۱- سوگند به شب هنگامی که (روز را) بپوشاند،

۲- و سوگند به روز هنگامی که روشنی می‌بخشد،

۳- و سوگند به کسی که مذکر و مؤنث را آفرید،

۴- همانا که سعی و کوشش شما مختلف است.

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾ یعنی سوگند به شب هنگامی که روز را می‌پوشاند و

آن قسم است.

﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾ روز هنگامی که روشن شود و برق دهد.

﴿وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى﴾ یعنی اینکه نر و ماده را آفرید که جواب قسم

است.

﴿إِنْ سَعَيْكُمْ لَشَتَّى﴾ کسی از شماها در خیر و نیکی تلاش و کوشش می‌کند

و کسانی نیز در شر و بدی.

محمد بن مسلم گوید از امام باقر علیه السلام در معنای آیه «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى» سوال کردم، فرمود: مراد از «لایل» در این آیه فلانی است که امیرالمومنین علیه السلام را در دولت خودش آنچه بر سرش آورد پوشاند و امیرالمومنین علیه السلام در دولت آنها صبر کرد تا اینکه مدت عمر دولتشان به پایان رسید؛ و فرمود: «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» که مراد از «نهار» یعنی قائم علیه السلام که از ما اهل بیت علیهم السلام است، هنگامی که قیام نماید دولتش بر باطل غلبه پیدا می کند و قرآن مثال هائی برای مردم زد و خداوند پیامبر و ما را به وسیله آن مورد خطاب قرار داد پس کسی غیر از ما آن را نمی داند.^۱



- فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى (۵)
وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى (۶)
فَسَيُسَّرُهُ لِلْعُسْرَى (۷)
وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى (۸)
وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى (۹)
فَسَيُسَّرُهُ لِلْعُسْرَى (۱۰)
وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (۱۱)
إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى (۱۲)
وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى (۱۳)
فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى (۱۴)
لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى (۱۵)

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۰۵؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۷۱ و ج ۵۱، ص ۴۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۰۳

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۶)

وَسُجَّيْهَا الْأَتَقَى (۱۷)

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى (۱۸)

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى (۱۹)

إِلَّا أَتَيْنَاهُ وَسْجِهَ رَبِّهِ الْأَعْلَى (۲۰)

وَلَسَوْفَ يَرْضَى (۲۱)

۵- پس اما کسی که عطا می کند و پرهیزگار می شود،

۶- و به نیکویی تصدیق کرد.

۷- پس بزودی او را در سهل و آسان قرار می دهیم.

۸- و اما کسی که بخل بورزد و خود را بی نیاز بداند.

۹- و نیکویی را تکذیب کند.

۱۰- پس به زودی او را در دشواری و سختی می اندازیم.

۱۱- و هنگامی که (در هلاکت و جهنم) سقوط می کند مالش هیچ سودی

به حالش نخواهد داشت.

۱۲- همانا هدایت بر عهده ماست.

۱۳- و همانا آخرت و دنیا از برای ماست.

۱۴- پس شما را از آتشی که شعله ور است می ترسانم.

۱۵- که جز بدبخت ترین افراد بر آن وارد نمی شوند.

۱۶- همان کسی که (آیات حق را) تکذیب کرد و از آن روی گردانید.

۱۷- و بزودی پرهیزگارترین افراد از آن دور می شوند.

۱۸- همان کسی که مالش را انفاق می کند و تزکیه می شود.

۱۹- و هیچ کس نزد او بر وی حق نعمت ندارد تا به او پاداش بدهد.

۲۰- مگر برای بدست آوردن جلب رضای پروردگارش که برتر و بالاترین است.

۲۱- و به زودی راضی می شود.

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ۖ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ۖ فَسَنِيَرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ۖ﴾

این آیه درباره مردی نازل شده که در حیاط خانه مسلمانی درخت خرمایی داشت، و به همین بهانه بدون اجازه وارد خانه مسلمان می شد، صاحب خانه نزد رسول خدا ﷺ شکایت کرد، حضرت، صاحب درخت را خواست وقتی آمد، فرمود: درخت خرمایت را به درخت خرمایی در بهشت به من بفروش؟

آن مرد گفت: نه!

فرمود: آن را در مقابل باغی در بهشت به من بفروش؟

آن مرد گفت: نه!

نفروخت و رفت. مردی از انصار که کنیه اش ابی دحداح بود از این معامله خبردار شد نزد صاحب نخل رفت و گفت درخت خرمایت را من بفروش، آن مرد پذیرفت، ابو دحداح نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرضه داشت: ای رسول خدا ﷺ این درخت خرما را بردار و در عوض باغی در بهشت به من بده که آن مرد قبول نکرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: برای تو در بهشت باغ هائی است پس این آیه نازل شد: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ۖ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ۖ﴾ یعنی ابن الدحداح.

﴿وَمَا يُعْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ﴾ یعنی هنگامی که بمیرد.

﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ﴾ بر ماست که آن را برای آنها آشکار و روشن کنیم.

﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ﴾ یعنی آتشی که بر آنها زبانه می کشد.

﴿لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ یعنی این آن کسی بود که بر رسول خدا ﷺ بخل ورزید.

﴿وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى * الَّذِي﴾ مراد از اتقی ابو دحداح است.

﴿وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى﴾ یعنی کسی که برای نفس خودش اعمالی را انجام داده است نمی تواند از پروردگارش چیزی را طلب کند و اگر چه خداوند به فضل و کرمش آن را اجازه داده است، آنجا که می فرماید: ﴿إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى * وَلَسَوْفَ يَرْضَى﴾ از امیرالمؤمنین علی که از او راضی می باشد.^۱

امام صادق علی السلام درباره معنای آیه ﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى * لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ فرمود: در جهنم وادی از آتش است که به جز اشقیا (یعنی فلانی) را نمی سوزاند که رسول خدا ﷺ را درباره علی علی السلام تکذیب کرد و از ولایتش روی گرداند؛ سپس امام علی السلام فرمود: آتش در جهنم شعله ور شده و در هم می پیچد و آتش این وادی برای ناصبین است.^۲

امام صادق علی السلام در معنای آیه ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى﴾ فرمود: منظور ولایت است. ﴿فَسَيُسَّرُّهُ لِلْيُسْرَى * وَأَمَّا مَنْ يَخِلْ وَاسْتَعْنَى * وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى﴾ فرمود: مراد ولایت است ﴿فَسَيُسَّرُّهُ لِلْعُسْرَى﴾ پس به زودی او را در دشواری و سختی می اندازیم.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۹۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۰۴.
 ۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۱۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۹۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۰۴.
 ۳. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۴۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۹۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۰۵.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورة ضحی



مجلس شورای اسلامی ایران

۹۳ - سورة ضحی در مکه

نازل شده و دارای ۱۱ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتب و تاریخ علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَىٰ (۱)

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ (۲)

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ (۳)

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ (۴)

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ (۵)

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ (۶)

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ (۷)

وَوَجَدَكَ غَائِبًا فَأَنْغَىٰ (۸)

فَأَمَّا الْيَسِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (۹)

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (۱۰)

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (۱۱)

۱- سوگند به روز وقتی که آفتاب بالا آید.

۲- و سوگند به شب هنگامی که آرام گیرد.

۳- پروردگارت تو را به خودت وانگذاشته و بر تو نیز خشم نگرفته است.

۴- و آخرت برای تو از دنیا بهتر است.

۵- و به زودی پروردگارت به تو (آن قدر) عطا می‌کند که تو راضی شوی.

۶- آیا تو را یتیم نیافت و پناهت نداد؟

۷- و تو را گمشده یافت و هدایت کرد.

۸- و تو را فقیر یافت و بی‌نیازت کرد.

۹- پس تو نیز یتیم را تحقیر مکن.

۱۰- و سائل را از خود مران.

۱۱- و اما نعمت‌های پروردگارت را بازگو.

﴿وَالضُّحَى﴾ یعنی هنگامی که خورشید بالا بیاید.

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى﴾ شب هنگامی که همه جا تاریک می‌شود.

﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾ یعنی تو را دشمن نمی‌دارد. و فضلش را برای

او وصف می‌کند.

﴿وَلَا خِرَّةٌ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى﴾ * وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى *

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که در معنای آیه ﴿وَلَا خِرَّةٌ

خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى﴾ فرمود: مراد از آخرت زمان رجعت است که برای

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد. عرض کردم: معنای آیه ﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ

فَتَرْضَى﴾ چیست؟ فرمود: از بهشت آن قدر به تو اعطا می‌کند تا خوشنود و

راضی شوی.^۱

زراره از امام (باقر علیه السلام) یا امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا

فَآوَى﴾ روایت می‌کند که فرمودند: یعنی مردم به تو پناه می‌آورند ﴿وَوَجَدَكَ

ضَالًّا فَهَدَى﴾ یعنی در میان قومی بودی که قدر و منزلت تو را نمی‌شناختند و

آنها را به سوی تو هدایت کرد، ﴿وَوَجَدَكَ غَائِلًا فَأَغْنَى﴾ یعنی تو قومی را به

وسيلة علم اداره می کردی و سرپرستی می نمودی پس آنان را به وسیله تو بی نیاز ساخت.^۱

﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى﴾ مراد از یتیم در اینجا بی مثل و نظیر است و برای همین دُرّی را که بی نظیر باشد و همانندی نداشته باشد به آن یتیم گویند.

﴿وَوَجَدَكَ غَائِلًا فَأَغْنَى﴾ یعنی به وسیله وحی تو را بی نیاز گردانید تا از کسی سوالی نکنی.

﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾ یعنی تو را در میان گروهی یافت که فضیلت نبوت را نمی شناختند پس خداوند آنها را به سوی توحید هدایت نمود.^۲

﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ﴾ یعنی ظلم مکن که خطاب به پیامبر ﷺ است ولی معنایش برای مردم می باشد.

﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ یعنی سائل را از خود دور مگردان.

﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ به آنچه که خداوند بر تو نازل فرمود از نماز، زکات، روزه، حج، ولایت و به آنچه خداوند به وسیله آن بر تو فضیلت بخشید.^۳

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می کند که در معنای آیه ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾ فرمودند: بعد از آن که اولین سوره (اقرء) بر رسول خدا نازل شد چند روزی وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نشد، خدیجه گفت: شاید پروردگارت تو را ترک کرده است که بر تو وحی نمی کند پس خداوند تبارک و تعالی این آیه ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾ را نازل فرمود.^۴

۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۱۲

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۴۲

۳. نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۹۶

۴. نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۹۴؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۱۱



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

تفسیر سورة انشراح



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۹۴ - سورة انشراح در مکه

نازل شده و دارای ۸ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (۱)

وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ (۲)

الَّذِي أَثْقَلَ ظَهْرَكَ (۳)

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۴)

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵)

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶)

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ (۷)

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (۸)

۱- آیا سینه تو را گشاده نکردیم؟

۲- و بار سنگین تو را از دوشت بر نداشتیم.

۳- همان باری که بر پشت تو سنگینی می کرد.

۴- و نام تو را بلند ساختیم.

۵- پس همانا با هر سختی آسانی هست.

۶- همانا با هر سختی آسانی هست.

۷- پس هنگامی که از کاری فارغ شدی به کاری دیگر مشغول باش.

۸- و به سوی پروردگارت مشتاق باش.

﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾ یعنی به وسیله علی علیه السلام سینه‌ات را گشاده نمودیم و او را وصی تو قرار دادیم. و دیگری هنگام فتح مکه و اسلام آوردن قریش که خداوند سینه‌اش را گشاده نمود و امر را بر آن حضرت آسان کرد.

﴿وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ﴾ یعنی به وسیله علی علیه السلام در جنگ.

﴿الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ﴾ یعنی آن باری که بر پشت تو سنگینی می‌کرد.

﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾ و نامت را در عالم بلند نمودیم، هنگامی که مردم می‌گویند: «أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمداً رسول الله صلی الله علیه و آله»

سپس خداوند فرمود: ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ یعنی بعد از هر سختی که در آن بودی آسایش به تو می‌رسد.

﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ﴾ یعنی هنگامی که از حجة الوداع فارغ شدی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را به ولایت منصوب کن.^۱

﴿وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾

امام صادق علیه السلام در معنای آیه ذیل فرمودند: ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ﴾ هنگامی که از نبوت فارغ شدی ﴿فَانصَبْ﴾ علی علیه السلام را به ولایت منصوب کن ﴿وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾ و در آن به سوی پروردگارت مشتاق باش.^۲

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۰۷؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۰۳

۲. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۳۳؛ تاویا الآیات الظاهرة، ص ۷۸۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۰۹؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۰۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۱۷

تفسیر سورة تین



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۹۵ - سورة تین در مکه نازل

شده و دارای ۸ آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالزَّيْتُونَ (۱)

وَطُورِ سِينِينَ (۲)

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴)

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶)

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ (۷)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ (۸)

۱- سوگند به انجیر و زیتون.

۲- و سوگند به طور سینا.

۳- و سوگند به این شهر امن (مکه).

۴- به تحقیق ما انسان را در نیکوترین صورت آفریدیم.

۵- سپس او را به اسفل سافلین (پایین ترین مرحله) برگردانیدیم.

۶- مگر کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند پس برای آنها

اجری بی نهایت است.

۷- پس چه چیز تو را باعث شد که روز جزا را تکذیب کنی؟

۸- آیا خداوند حاکم‌ترین حاکمان نیست؟

﴿وَالْتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ﴾ وَ طُورِ سَيْنِينَ ﴿ وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴾ مراد از «تین»

رسول خدا ﷺ و مراد از «زیتون» امیرالمؤمنین علیؑ و مراد از طور سینین

امام حسن و امام حسین علیهما السلام و مراد از «بلد الامین» ائمه علیهم السلام می‌باشند.

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ درباره رزق نازل شده است.

﴿ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ﴿ منظور

امیرالمؤمنین علیؑ است.

﴿فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ یعنی به وسیله آن بر آنها منت نمی‌گذارد.

سپس به پیامبرش ﷺ فرمود: ﴿فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدُ بِالْدِّينِ﴾ که مراد از

«دین» امیرالمؤمنین علیؑ است ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ﴾ آیا خداوند

حاکم‌ترین حاکمان نیست؟^۱

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۰۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۱۲؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۰۶؛

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۲۱

تفسیر سورة علق



مجلس شورای اسلامی ایران

۹۶ - سورة علق در مکه نازل

شده و دارای ۱۹ آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲)

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳)

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴)

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ (۶)

أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى (۷)

إِنْ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ (۸)

۱- بخوان به نام پروردگارت که (عالم را) آفرید.

۲- انسان را از علق (خون بسته) آفرید.

۳- بخوان که پروردگارت کریم‌ترین کریمان است.

۴- همان خدایی که به وسیله قلم نوشتن تعلیم نمود.

۵- به انسان آنچه را که نمی‌دانست یاد داد.

۶- هرگز (چنین نیست)، همانا انسان طغیان‌گری می‌کند.

۷- چون که خود را بی‌نیاز بیند.

۸- همانا باز گشت همه به سوی پروردگارت است.

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾

عبد الله بن کیسان از امام باقر علیه السلام روایت کرد که فرمود: جبرئیل بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت: ای محمد بخوان! فرمود: چه بخوانم؟ جبرئیل گفت: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ یعنی نورت را قبل از هر چیزی آفرید، ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ یعنی تو را از نطفه [علقه] آفرید و علی را از تو جدا نمود، ﴿اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام را آموخت ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ * یعنی علی علیه السلام چیزهایی آموخت که قبل از آن نمی دانست.^۱

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾ بخوان به اسم رحمن و رحیم.

﴿الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ که انسان را از خون آفرید.

﴿اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ نوشتن را به انسان آموخت که به

وسیله آن امور دنیا در مشرق های زمین و مغرب های آن به اتمام می رسد.

﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ﴾ * أَن رَّاهُ اسْتَعْصَمَ * همانا انسان هنگامی که بی نیاز

شود کفر می ورزد، طغیان و سرکشی کرده و انکار می کند.

﴿إِنِّ إِلَی رَبِّكَ الرَّجْعُ﴾ همانا باز گشت همه به سوی پروردگارت است.

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى (۹)

عَبْدًا إِذَا صَلَّى (۱۰)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى (۱۱)

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۷۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۱۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۰۹؛

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۲۳

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى (۱۲)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۳)

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (۱۴)

كَذَلِكَ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ يَتِّهِ لَنْسَفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (۱۵)

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (۱۶)

فَلْيَنْدِعْ نَادِيَهُ (۱۷)

سَنَدِعُ الرَّبَّانِيَّةَ (۱۸)

كَذَلِكَ لَا تَطْعُمُهُ وَاشْجُدْ وَاقْتَرِبْ (۱۹)

۹- آیا دیدی کسی که نهی (مسخره) می‌کند؟

۱۰- بنده‌ای را که وقتی نماز می‌خواند؟

۱۱- آیا می‌بینی که این بنده (مسخره‌گر) به راه هدایت باشد.

۱۲- یا مردم را به تقوا و پرهیزگاری امر کند.

۱۳- آیا دیدی که تکذیب می‌کند و رو می‌گرداند؟

۱۴- آیا نمی‌داند که خداوند او را می‌بیند؟

۱۵- هرگز (چنین نیست)، اگر او دست از کارش نکشد، موی سرش (به

قهر و انتقام) بگیریم.

۱۶- همان موی سر خطا کار را،

۱۷- پس هر کسی را که بخواهد صدا بزند.

۱۸- ما هم بزودی ماموران دوزخ را صدا می‌زنیم.

۱۹- هرگز (چنین نیست که می‌پندارند) از او پیروی مکن، سجده کن و

تقرب بجوی.

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى * عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾ ولید بن مغیره مردم را نهی می‌کرد

که نماز بخوانند و اینکه از خدا و رسولش اطاعت کنند پس خداوند درباره‌اش فرمود: ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى * عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾ آیا نمی‌بینی آن کس را که باز می‌دارد آن بنده را که نماز می‌خواند. خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى * أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾ آیا دیدی که تکذیب می‌کند و رو می‌گرداند؟ آیا نمی‌داند که خداوند او را می‌بیند؟

سپس فرمود: ﴿كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ﴾ یعنی از موی پیشانی او می‌گیریم و او را در آتش جهنم می‌اندازیم.

﴿فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ﴾ هنگامی که ابوطالب رضی الله عنه وفات کرد ابو جهل و ولید که لعنت خداوند بر آن دو باد با صدای بلند گفتند: بیائید محمد را بکشید که تنها یاور او مرد، پس خداوند فرمود: ﴿فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ * سَنَدْعُ الزَّانِيَةَ﴾ یعنی همچنانکه آن دو قریش را برای کشتن محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرا خواندند ما نیز همچنین دعوت می‌کنیم که فرشتگان عذاب آنها را به سوی زبانه آتش جهنم بکشند، سپس فرمود: ﴿كَلَّا لَا تُطِغُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾ یعنی هنگامی که به سوی او فرا خوانده می‌شدند اطاعت نمی‌کردند هنگامی که مطعم بن عدی بن نوفل بن عبد مناف رسول خدا صلی الله علیه و آله را پناه داد کسی جرات گستاخی بر او را نداشت.^۱

تفسیر سورة قدر



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۹۷ - سورة قدر در مکه نازل

شده و دارای ۵ آیه است.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)
وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)
لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)
تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا يَأْذُنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴)
سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

۱- همانا ما این قرآن را در شب قدر نازل کردیم.

۲- و توجه می دانی که شب قدر چیست؟

۳- شب قدر بهتر از هزار شب است.

۴- در آن شب فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان برای تقدیر هر امری

نازل می شوند.

۵- این شب سلامت و تهنیت و برکت تا سپیده دم است.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ منظور قرآن است که خداوند آن را در شب قدر به یک باره به بیت المعمور نازل فرمود و از آنجا در طول بیست و سه سال بر رسول خدا ﷺ نازل کرد.

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾ یعنی معنی شب قدر را درک نمی کنی که همانا

خداوند در آن شب اجل‌ها، ارزاق و هر امری که حادث می‌شود از مرگ یا زندگی یا فراخ سالی یا خشک سالی یا خیر و یا شر را مقدر می‌کند؛ همچنانکه خداوند فرمود: ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾ یعنی تا یک سال. ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا﴾ در آن شب ملائکه و روح القدس بر امام زمان نازل می‌شوند و آنچه از این امور را نوشته‌اند بر آن حضرت عرضه می‌دارند.

﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ رسول خدا ﷺ در خواب دید که میمون‌ها از منبرش بالا می‌روند، غمگین و ناراحت شد پس خداوند نازل فرمود: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ یعنی شب قدر از هزار ماه بدون شب قدر که بنی امیه در آن حکومت کنند بهتر است. ﴿مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ﴾ تحیتی است که به وسیله آن به امام علی (ع) تحیت گفته می‌شود تا فجر طلوع کند.

به امام باقر (ع) گفته شد: آیا شب قدر را می‌شناسید؟
امام علی (ع) فرمودند: چگونه شب قدر را نشناسیم که ملائکه در آن شب در اطراف ما طواف می‌کنند.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۴؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۲۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۴۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۳۲

تفسیر سورة بینه



مرکز تحقیقات فقه و حقوق اسلامی

۹۸ - سورة بینه در مدینه

نازل شده و دارای ۸ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ مُتَفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ
الْبَيِّنَةُ (۱)

رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً (۲)

فِيهَا كُتِبَ قَيِّمَةٌ (۳)

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَةُ (۴)

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا
الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ (۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا
أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (۷)

جَزَاءُ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (۸)

۱- کافران از اهل کتاب و مشرکان دست از آئین خود برنمی دارند تا اینکه
دلیل روشن و واضحی برای آنها بیاید.

۲- فرستاده‌ای از جانب خداوند که کتب آسمانی پاک و منزله را بر آنها

بخوانند.

۳- که در آن نوشته‌های حق و راستین است.

۴- و اهل کتاب اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه دلیل روشنی برای آنها آمد.

۵- و به آنها دستوری داده نشده بود مگر اینکه خداوند را با دینی خالص عبادت کنند، و نماز را به پا دارند و زکات بپردازند، و این است دین راستین و پایدار.

۶- همانا کافران از اهل کتاب و مشرکین در آتش جهنم همیشگی هستند، اینها بدترین مردمان می‌باشند.

۷- کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند اینها بهترین مردمان هستند.

۸- پادشاه آنها نزد پروردگارشان باغهای بهشت جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاری است، و همیشگی در آن می‌مانند، خداوند از آنها راضی و خشنود است و آنها نیز از خداوند خشنود هستند، این مقام برای کسی است که از پروردگارش بترسد.

﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ﴾ یعنی قریش.

﴿مُنْفَكِينَ﴾ آنها در کفرشان هستند.

﴿حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾^۱

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: مراد از ﴿البينة﴾

محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد.

﴿وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ﴾ هنگامی که

رسول خدا ﷺ با قرآن به نزد آنها آمد با آن حضرت مخالفت کرده و بعد از اطراف آن حضرت پراکنده شدند.

﴿حُنَفَاءٌ﴾ یعنی پاکیزگان.

﴿وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾ یعنی دین استوار و ثابت.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ﴾ خداوند بر آنها قرآن را نازل فرمود پس آنها مرتد شده و کفر ورزیدند و از امیرالمؤمنین علیه السلام نافرمانی کردند ﴿أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ﴾ اینها بدترین مخلوقات هستند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ درباره آل محمد علیهم السلام نازل شده است.^۱

ابن عباس در معنای آیه ﴿أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ گوید: از آن بهترین خلق را اراده کرده است.

﴿جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾ وصف کنندگان نمی توانند آن را توصیف کنند.

﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ﴾ یعنی خداوند از اعمال آنها راضی است.

﴿وَرَضُوا عَنْهُ﴾ و آنها نیز از ثوابی که خداوند به آنها داده راضی هستند.

﴿ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾ و آن برای کسی است که از پروردگارش بترسد و

از نافرمانی خداوند پرهیز نماید.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۳ و ج ۲۳، ص ۳۶۹

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۲۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۵۲؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۴۳



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی

تفسیر سورة زلزال



مرکز تحقیقات و کتب اسلامی

۹۹ - سورة زلزال در مدینه

نازل شده و دارای ۸ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱)

وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (۲)

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (۳)

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (۴)

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا (۵)

يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالُهُمْ (۶)

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸)

۱- هنگامی که زمین به سختی به لرزه در آید.

۲- و زمین بارهای سنگین خود را بیرون بریزد.

۳- و انسان می‌گوید: زمین را چه شده است؟

۴- در آن روز زمین اخبارش را می‌گوید.

۵- همانا که پروردگارت به آن وحی می‌کند.

۶- در آن روز مردم از قبرها پراکنده بیرون می‌آیند تا اعمالشان را به آنها

نشان بدهند.

۷- پس هر کس به قدر ذره‌ای کار خیر انجام داده باشد آن را می‌بیند.

۸- و هر کس به قدر ذره‌ای کار زشتی مرتکب شده باشد آن را می‌بیند.

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا * وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا﴾ منظور از اثقال زمین، انسانها هستند.

﴿وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا﴾ مراد از انسان امیر المؤمنین علیه السلام است.

﴿يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا - تَا - أَشْتَاتًا﴾ یعنی مردم از جهت ایمان و کفر و نفاق متفرق و پراکنده می‌آیند، بعضی مؤمنند و برخی کافر و جمعی منافق.

﴿لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ﴾ هر کس بالای سر اعمال خود می‌ایستد، و اعمال خود را اینطور فاش و هویدا می‌بیند.

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ این آیات رد جبریون است که گمان می‌کنند هیچ اعمالی را بر اختیار خودشان انجام نمی‌دهند.

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که در تفسیر آیه ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ فرمودند: اگر از اهل آتش باشد، و در دنیا ذره‌ای عمل خیر کرده باشد، اگر برای غیر انجام داده باشد، همان عمل خیرش هم مایه حسرتش می‌شود، و در ذیل جمله ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ فرمود: اگر از اهل بهشت باشد در روز قیامت آن شر را می‌بیند و سپس خدای تعالی او را می‌آمزد.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۶۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۴۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۲۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۵۹

تفسیر سورة عادیات



۱۰۰ - سورة عادیات در مکه

نازل شده و دارای ۱۱ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحاً (۱)

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحاً (۲)

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحاً (۳)

فَأَنْزَنَ بِهِ نَفْعاً (۴)

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعاً (۵)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (۶)

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ (۷)

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸)

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹)

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰)

إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (۱۱)

۱- سوگند به اسبان دونده که نفس زنان پیش می‌روند.

۲- و سوگند به اسبانی که با کوبیدن شمشان از سنگ‌ها جرقه بر می‌افروزند.

۳- پس سوگند به حمله کنندگان سپیده دم.

۴- که گرد و غبار به پا کردند.

- ۵- و در دل دشمن به جنگ پرداختند.
- ۶- همانا انسان در برابر (نعمت‌های) پروردگارش ناسپاس است.
- ۷- و همانا او خود گواه این ناسپاسی خویش است.
- ۸- و همانا او علاقه شدیدی بر مال دنیا دارد.
- ۹- آیا نمی‌داند که روزی آنچه در دل قبرهاست همه برانگیخته می‌شوند؟
- ۱۰- و آنچه در سینه‌هایشان است آشکار می‌گردد.
- ۱۱- همانا پروردگارشان در آن روز به حالشان آگاه است.

غزوة ذات السلاسل

﴿وَالْغَادِيَاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا * فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا﴾

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که در شان نزول آیات ﴿وَالْغَادِيَاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا﴾ فرمودند: این سوره درباره اهالی وادی یابس نازل شده است.

عرض کردم: حال و داستان آنها چه بود؟

امام علیه السلام فرمود: دوازده هزار نفر مرد جنگجو از اهالی یابس اجتماع نموده و با هم سوگند یاد نمودند که از یکدیگر تخلف نکنند و خوار و ذلیل نکنند یکی از آنها دیگری را و فرار نکنند تا آنکه محمد صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیهما السلام را بقتل برسانند و یا خودشان تماماً کشته شوند. جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و آن حضرت را از تصمیم و عهد و پیمان‌شان با خبر نمود و دستور داد فلانی (ابوبکر) را با چهار هزار نفر از مهاجر و انصار به سوی آنها روانه کند پیغمبر به منبر تشریف برد بعد از حمد و ثنای پروردگار فرمود: ای گروه مهاجر و انصار الان جبرئیل بر من نازل شد و خبر داد که اهل وادی یابس با

دوازده هزار جنگجوی سواره اجتماع کرده و با هم عهد بستند که هیچیک از آنها به دیگری مکر و حيله نزنند و فرار ننمایند تا آنکه من و برادرم علی بن ابی طالب را بقتل برسانند و به من دستور داد که فلانی (ابوبکر) را با چهار هزار نفر به سوی آنها بفرستم مهیا شوید و با نام خداوند در روز دوشنبه حرکت نمائید انشاء الله.

مسلمانان برای حرکت مجهز شدند، پیغمبر به فلانی (ابوبکر) فرمود: چون به مکان یابس رسیدید نخست اسلام را بر آنها عرضه بدارید اگر پذیرفتند جنگ نکنید و چنانچه امتناع کردند با ایشان جهاد کنید و اموالشان را بتصرف در آورید و استحکامات آنها را خراب کنید. فلانی (ابوبکر) با لشگری آراسته با تائی و آرام به سوی ایشان حرکت نمود چون به آن وادی رسیدند، چون به اهل یابس خبر رسید که فلانی و لشگرش در نزدیکی آنها چادر زده‌اند دویست نفر سوار مسلح از اهل وادی آمده و چون به آنها رسیدند گفتند: شماها چه کسی هستید؟ از کجا می‌آئید و قصد کجا را دارید؟ به رئیس و سرکرده خود بگوئید نزد ما بیاید تا با او گفتگو کنیم.

ابوبکر با جمعی از مسلمین نزد آنها رفت گفت: من فلانی فرستاده پیغمبر خدا هستم.

گفتند: چه چیز باعث شده که به سوی ما بیائید؟

گفت: رسول خدا ﷺ به من امر فرموده تا شما را به اسلام دعوت کنم تا همان مزیتی که برای مسلمانان هست برای شما نیز باشد و چنانچه اسلام قبول نکنید با شما جنگ خواهیم کرد.

گفتند: ای ابوبکر به لات و عزی سوگند اگر نبود قرابتی میان ما و شما، البته خود و اصحابت را بقتل می‌رسانیدیم بطوری که یادگار و مثل شود برای

کسانی که بعد از شما به دنیا می آیند، با اصحابت برگرد و بخود و ایشان رحم کن ما جز پیغمبر و علی قصد کشتن کس دیگری را نداریم.

ابوبکر به مسلمانان گفت: ای قوم! ایشان چندین برابر شما هستند شما دیگر کمکی ندارید خانه هایشان خالی است بر گردید تا صورت حال را به عرض پیغمبر برسانیم.

مسلمین همگی گفتند: ای فلانی (ابوبکر) مخالفت فرمان خدا و رسولش مکن آنچه به تو امر شده آن را انجام ده و از خدا بترس و با این قوم جهاد کن و خلاف دستور رسول خدا ننما.

گفت: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید و شخص حاضر مشاهده می کند چیزی را که غایب آن را نمی بیند. عاقبت از جهاد با آنها منصرف شد و بازگشت.

مسلمانان به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر دادند آنچه را کفار به ابوبکر گفتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای فلانی (ابوبکر) مخالفت امر من کردی و آنچه به تو امر کرده بودم را انجام ندادی و سوگند بخدا تو معصیت کاری، پس از آن پیغمبر به منبر تشریف برد بعد از حمد و ثنای پروردگار فرمود: ای مسلمین به فلانی (ابوبکر) دستور دادم که به جانب اهل یابس برود و اسلام را بر آنها عرضه کند و آنها را به سوی خداوند دعوت نماید که اگر اجابت نمودند که هیچ و الا با آنها جنگ نماید و او به سوی آنها رفت و از اهل یابس دو یست سوار جنگی به نزد اینها آمده و هنگامی که سخنان آنها را شنیده سینه اش بتنگ آمد و ترس آنها در دلش جای گرفته و دستور مرا ترک نموده و از امرم اطاعت نکرده است و اینک جبرئیل آمد و به من امر نمود که فلانی (عمر) را با چهار هزار سوار جنگی بجای ابوبکر به سوی آنها بفرستم آن گاه متوجه عمر

شد و به او فرمود: ای فلانی (عمر) با نام خدا برو و مانند برادرت ابوبکر که معصیت خدا و رسولش را بجا آورد عمل نکنی، آنچه به ابوبکر دستور داده بود به عمر نیز فرمود.

عمر با همان لشکر به سوی کفار حرکت کرد چون به وادی یابس رسید و مشرف به آنها شد باز دویست نفر سوار مسلح جلوی آنها را گرفتند و آنچه به اولی گفته بودند به او نیز گفتند، نزدیک بود روح از تن عمر پرواز کند از شدت ترس بخود می لرزید و فرار را برقرار و جهاد اختیار کرد و بازگشت.

پس جبرئیل نازل شده و خبر برگشت عمر را به پیغمبر ﷺ رسانید چون عمر بازگشت پیغمبر به او فرمود تو هم مانند ابوبکر معصیت خدا و رسولش را بجا آوردی فرشتگان عرش از نافرمانی تو با خبر شدند چرا خلاف امر مرا نمودی و عمل به رأی خودت کردی قبیح باد رأی تو، همانا جبرئیل به من دستور داد که علی بن ابی طالب را با این افراد بفرستم و به من خبر داد که خداوند به وسیله او و اصحابش گشایشی می کند. امیر المؤمنین علیه السلام را خواست و آنچه را که به اولی و دومی فرموده بود به علی علیه السلام نیز فرمود و به او فرمود که خداوند خواسته این فتح و پیروزی نصیب تو شود بزودی بخواست خدا فتح می کنی و باز می گردی.

حضرت علی علیه السلام با مهاجرین و انصار به سوی وادی یابس حرکت کردند. امیر المؤمنین علیه السلام از راهی به غیر از راه ابوبکر و عمر رفتند و چنان بسرعت و شتاب حرکت می کردند که مسلمانان خسته شدند و از تلف شدن حیوانات سواری خود می ترسیدند. امیر المؤمنین علیه السلام به آنها فرمود: نترسید رسول خدا به این طریق امر و دستور فرموده و خبر داد که خداوند فتح و پیروزی را نصیب ما خواهد نمود بشارت باد شما را بخیر و خوشی و پاکیزه باد نفس و

دل‌های شما.

با عجله حرکت کردند تا نزدیک وادی یابس رسیدند و حضرت امر فرمودند که چادر بزنند. اهالی از آمدن امیرالمؤمنین و اصحابش با خبر شدند دوستان نفر مرد جنگجو جلوی مسلمین را گرفته و گفتند: شما چه اشخاصی هستید؟ و از کجا می‌آئید؟ و قصد کجا را دارید؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: من علی بن ابیطالب فرستاده، پسر عمو و برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی شما هستم، آمده‌ام تا شما را دعوت کنم به شهادت «لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله» تا آنچه را که برای مسلمین هست شما هم از آن برخوردار باشید.

گفتند: ما قصد کشتن تو را داریم هرگز اسلام قبول نمی‌کنیم و به آنچه تو و پیغمبر عمل می‌نمائید مخالف هستیم آماده جنگ باش و اصحاب خود را برای مبارزه آماده کن، و بدان که کشنده تو و اصحابت ما هستیم، وعده ما و شما صبح فردا.

امیرالمؤمنین علیه السلام به آنها فرمود: وای بر شما مرا به زیادتی جمعیت خود می‌ترسانید؟! من از خدا و فرشتگان و مؤمنین بر جنگ با شما یاری می‌جویم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

آنها به مرکز خود برگشتند. امیرالمؤمنین و اصحابش نیز به چادرهای خود مراجعت نمودند چون تاریکی شب فرا گرفت امیرالمؤمنین علیه السلام به اصحاب خود امر فرمود حیوانات و اسبهای خود را زین کنند و آماده نمایند. صبح که خواست آشکار شود نماز را با اصحاب بجا آورد و در تاریکی صبح دستور داد یک دفعه حمله کنند و آنها را بقتل برسانند در میان اصحاب کسی نبود مگر آنکه هر یک از آنها چند نفر از کفار را بقتل رسانیدند و جمعی را

اسیر کردند و خانه‌ها و استحکامات ایشان را ویران و خراب نمودند و اموالشان را با خود حرکت داده و به سوی مدینه حرکت کردند. جبرئیل نازل شد و خبر فتح و پیروزی را که خداوند نصیب امیر المؤمنین علیه السلام فرموده بود را به پیغمبر داد.

پیغمبر اکرم بالای منبر رفت پس از حمد و ثنای پروردگار فرمود: خداوند بدست علی فتح و پیروزی به مسلمانان عطا فرموده و جز دو نفر از مسلمین بیشتر کشته نشدند و از منبر پائین آمد با تمام اهالی مدینه تا سه میلی شهر به استقبال امیر المؤمنین علی علیه السلام تشریف بردند. آن حضرت چون نظرش به پیغمبر افتاد به احترام رسول خدا از اسب پائین آمد، پیغمبر او را در آغوش گرفت و میان دیدگانش را بوسید غنیمتهائی که خداوند نصیب و روزی مسلمانان نموده بود از اهل یابس حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تقدیم داشت حضرتش آنها را میان جهاد کنندگان و جنگجویان وادی یابس قسمت نمود.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: غنیمتهائی که از وادی یابس نصیب مسلمین شد بجز در جنگ خیبر از هیچ جنگی آن مقدار نصیب ایشان نشد. پس خداوند در آن روز این سوره ﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾ را نازل فرمود، «بالعاديات» یعنی اسبان دونده که از عنانها و لجامهای ایشان در وقت دویدن صدا بر آرند. ﴿قَالُمُورِيَّاتٍ قَدْحًا﴾ * قَالُمُغِيرَاتٍ صُبْحًا﴾ به تحقیق به تو خبر زدایم که صبح هنگام دشمنان را غارت می‌کنند. روای گوید عرض کردم: معنای آیه ﴿فَأَثَرُنَّ بِهٖ نَقْعًا﴾ چیست؟

فرمود: یعنی اسبان بر اثر دویدن در آن بیابان خشک گرد و غباری به پا کردند ﴿فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا﴾ و در دل دشمن به جنگ پرداختند. عرض کردم: معنای آیه ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾ چیست؟

فرمود: ناسپاس است ﴿وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ﴾ یعنی آن دو نفر و وادی یابس شهادت می دهند که آن دو برای دوستی زنده ماندن حریص تر بودند تا جنگیدن از برای خداوند.

عرض کردم: معنای آیه ﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رُوحٌ فِي الْقُبُورِ * وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ * إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾ چیست؟

فرمود: این آیات فقط برای آن دو نفر نازل شده است، که باطنشان بد بود و بر حسب آن نیز عمل می کردند پس خداوند خبر و اعمال آن دو را در این قصه وادی یابس^۱ و تفسیر عادیات بیان نموده است.

﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾ یعنی اسبها بر اثر دویدن زیاد به نفس نفس زدن افتاده بودند. ضباح الکلاب یعنی صدای سگ.

﴿فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا﴾ وادی یابس سنگلاخی بود و وقتی سمهای اسبان بر آن سنگها می خوردند آتش از آنها جرقه می زند.

﴿فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا﴾ یعنی صبح هنگام آنها را به غارت بردند.

﴿فَأَثَرُنَّ بِهِ نَقْعًا﴾ برخواستن گرد و غبار به وسیله پایهای اسبان

﴿فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا﴾ مشرکین را احاطه کردند.

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾ «لکنود» یعنی کفر ورزیدن.

آن دو اصرار داشتند و می خواستند امیر المؤمنین علیه السلام را از آن راهی که سیر می نمود به خاطر بخل و حسد و کینه ای که نسبت بحضرتش داشتند، باز دارند. چون علی علیه السلام غیر از آن راهی رفت که آن دو رفته بودند و یقین پیدا کردند راهی که امیر المؤمنین علیه السلام سیر می نماید عاقبت فتح و پیروز خواهد بود. عمرو بن عاص به فلانی گفت علی جوان است و کم تجربه و راه را

نمی‌داند این راهی که می‌رود خوفناک است و درندگان بسیاری دارد. پس آن دو به نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و عرض کردند: یا ابوالحسن این راهی که اختیار فرمودید درندگان بسیاری دارد اگر برگردید و راه دیگری بروید بهتر است.

امیرالمؤمنین علیه السلام به آنها فرمود: دنبال کار خود بروید و مهار اسبها را نگاهدارید، از برای شما کافی است، اطاعت من کنید و سخنان مرا بشنوید من دانایترم به آنچه که انجام می‌دهم، آنها به ناچار سکوت اختیار کردند.

﴿وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ﴾ یعنی بر دشمنی.

﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ یعنی دوست داشتن زندگانی و زنده ماندن آن دو نفر باعث شده بود که همانند درندگان بر جان خودشان بترسند؛ پس خداوند متعال فرمود: ﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ۖ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ﴾ یعنی جمع می‌کند و آشکار می‌نماید ﴿إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾ همانا پروردگارشان در آن روز به حالشان آگاه است.^۱



مرکز تحقیقات رایانه‌ای و علوم کامپیوتر



تفسیر سورة قارعه



مرکز تحقیقات قرآنی و حدیثی

۱۰۱ - سورة قارعه در مکه

نازل شده و دارای ۱۱ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ (۱)

مَا الْقَارِعَةُ (۲)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵)

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (۶)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۷)

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸)

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (۹)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا هِيَتْ (۱۰)

نَارُ خَامِيَةٍ (۱۱)

۱- آن واقعه کوبنده.

۲- چه واقعه کوبنده‌ای؟

۳- و تو چه می‌دانی که آن حادثه کوبنده چیست؟

۴- روزی که مردم مانند پروانه پراکنده می‌شوند.

۵- و کوه‌ها همچون پشم رنگ شده حلاجی می‌گردد.

۶- اما کسی که میزان عملش سنگین باشد.

۷- پس او در زندگی خوشی خواهد بود.

۸- و اما کسی که میزان عملش سبک باشد.

۹- پس جایگاهش در هاویه است.

۱۰- و توجه می‌دانی که هاویه چیست؟

۱۱- هاویه آتشی سوزنده و گدازنده است.

﴿الْقَارِعَةُ * مَا الْقَارِعَةُ * وَ مَا أَذْرَاكَ * مَا الْقَارِعَةُ﴾ خداوند قارعه را به

خاطر هول و هراسش تکرار کرده تا مردم با شنیدن آن فزع و ناله کنند.

﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ * وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ﴾

فرمود: ﴿عِهْن﴾ به معنای پشم است.

﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ﴾ یعنی از حسنات سنگین باشد.

﴿فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ﴾ و ﴿أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ﴾ از حسنات سبک باشد.

﴿فَأَمَّهُ هَٰوِيَةٌ﴾ فرمود: از فرق سرش به سوی آتش پرتاب می‌شود.

سپس فرمود: ﴿وَ مَا أَذْرَاكَ﴾ ای محمد ﴿مَا هِيَ﴾ یعنی هاویه (آتش)

چیست؟ سپس فرمود: ﴿نَارٌ حَامِيَةٌ﴾ هاویه آتشی سوزاننده و گدازنده است.^۱

تفسیر سورة تکاثر



۱۰۲ - سورة تکاثر در مکه

نازل شده و دارای ۸ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ (۱)

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲)

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳)

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴)

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵)

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (۶)

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷)

ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۸)

۱- تفاخر و افزون طلبی شما را به خود مشغول ساخت.

۲- تا آنجا که به ملاقات قبرها رفتید.

۳- چنین نیست، به زودی می دانید.

۴- سپس چنین نیست، به زودی می دانید.

۵- چنین نیست، اگر به طور یقین می دانستید.

۶- حتماً شما جهنم را خواهید دید.

۷- سپس با چشم یقین آن را خواهید دید.

۸- سپس در آن روز از نعمتهایی که داشتید مورد سؤال واقع خواهید شد.

﴿أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ﴾ یعنی زیادی شما، شماها را به غفلت انداخته است.

﴿حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾ برای چه مردگان را نیز می‌شمایید و بر تعداد آنها

فخر می‌کنید.

﴿لَتَرُونَ الْجَحِيمَ﴾ یعنی به ناچار باید دوزخ را ببینید.

﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ یعنی از ولایت؛ و دلیل بر آن این آیه است:

﴿وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ یعنی از ولایت.

جمیل از امام صادق علیه السلام روایت کرده که گفت: به آن حضرت عرضه

داشتیم معنای آیه ﴿لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ چیست؟ فرمود: این امت از

نعمت رسول خدا، و سپس از نعمت ائمه اهل بیت معصومینش باز خواست

می‌شوند.^۱

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

تفسیر سورۃ عصر



مرکز تحقیقات و تفسیر قرآن

۱۰۳ - سورۃ عصر در مکه

نازل شده و دارای ۳ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

۱- سوگند به عصر،

۲- همانا که انسان در خسران و زیان است.

۳- مگر کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند و یکدیگر را به

حق و صبر و شکیبایی سفارش کردند.

﴿وَالْعَصْرِ﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿

وَالْعَصْرِ﴾ قسم است و جوابش ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ﴾ می باشد.

امام صادق علیه السلام این سوره را اینطور قرائت می کردند: «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ

لَفِي خُسْرٍ وَ أَنَّهُ فِيهِ إِلَى آخِرِ الدَّهْرِ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَمَرُوا
بِالتَّقْوَى وَ أَمَرُوا بِالصَّبْرِ».^۱

عبد الرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که در معنای آیه

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ فرمود:

خداوند متعال در این جمله اهل صفوت و خالص از خلق خود را استثناء کرده است؛ هنگامی که فرمود: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ مگر آنهایی که به ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ایمان بیاورند ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ﴾ و بر ذریه و بر فرزندانشان آن ولایت را توصیه نموده و به صبر و بردباری دستور دهند.^۱



۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۱۴ و ج ۳۶، ص ۱۸۳ و ج ۶۴، ص ۵۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۵۰؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۶۶

تفسیر سورة همزة



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۱۰۴ - سورة همزة در مکه

نازل شده و دارای ۹ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَبَلَّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةً (۱)

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲)

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳)

كَلَّا لَيَشْبَعَنَّ فِي الْخُطْمَةِ (۴)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْخُطْمَةُ (۵)

نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ (۶)

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (۷)

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ (۸)

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (۹)

۱- وای بر هر عیبجوی مسخره‌گر.

۲- همان کس که مال زیادی جمع کرده و می‌شمارد.

۳- آیا می‌پندارد که مالش همیشگی و ابدی است؟

۴- چنین نیست، به زودی در حطمه انداخته شود.

۵- و توجه می‌دانی که حطمه چیست؟

۶- آتش بر افروخته الهی است.

۷- آتشی که شراره‌اش از دلها شعله‌ور می‌شود.

۸- همانا که این آتش آنها را احاطه کرده است.

۹- در ستون‌هایی بلند و طولانی.

﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ﴾ کسی که بر مردم عیب و ایراد گرفته و فقراء را تحقیر می‌کند.

﴿لُمَزَةٍ﴾ این کلمه به کسی اطلاق می‌شود که با سر و گردن خود ژست می‌گیرد، و چون فقیری و یا سائلی را ببیند ناراحت می‌شود.

﴿الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ﴾ یعنی می‌شمارد و سر جایش می‌گذارد.
﴿يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ﴾ خیال می‌کند که مالش دائمی بوده و باقی خواهد بود.

﴿كَأَلَيْسَ بَدَنٌ فِي الْحُطَمَةِ﴾ منظور از «الحطمة» آتشی است که هر چیزی را می‌سوزاند.

﴿وَمَا أَذْرَاكَ﴾ ای محمد. ﴿مَا الْحُطَمَةُ﴾ نار الله الموقدة ﴿الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْنَدَةِ﴾ بر دل‌ها شعله می‌زند.

ابونذر غفاری رضی الله عنه فرموده: به متکبرین دو چیز را بشارت دهید، یکی اینکه به سینه‌هایشان داغ بگذارند و دیگر اینکه پشتشان را بر زمین بکشند.

﴿إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ﴾ آتش دوزخ همه اهل دوزخ را فرا می‌گیرد.

﴿فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ﴾ یعنی وقتی کُنده و زنجیرها بر آنان استوار می‌گردد به خدا سوگند که پوستشان را می‌خورد [به خدا سوگند که آن دائمی و ابدی است]^۱

تفسیر سورة فیل



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۰۵ - سورة فیل در مکه نازل

شده و دارای ۵ آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱)

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلُّلٍ (۲)

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳)

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (۴)

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ (۵)

۱- آیا ندیدی که پروردگارت با اصحاب فیل (سپاه ابرهه) چه کرد؟

۲- آیا مکر و حيله آنها را در گمراهی قرار نداد؟

۳- و برای هلاکت آنها پرندگانی گروه گروه فرستاد.

۴- که با سنگهای سجیل (دوزخی) آنها را سنگباران می کردند.

۵- پس آنها را همچون علفی خرد شده و متلاشی قرار داد.

﴿أَلَمْ تَرَ﴾ ای محمد آیا می دانی؟

﴿كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾

درباره پادشاه حبشه نازل شده هنگامی که با فیل آمد تا کعبه را خراب

کنند، چون به نزدیکی در مسجد رسید، عبدالمطلب به فیل فرمود: آیا می دانی

به کجا می روی؟

فیل با سرش گفت: نه!

عبدالطلب گفت: تو را آورده‌اند تا کعبه خانه خدا را خراب کنی، آیا این کار را می‌کنی؟

فیل با سرش گفت: نه!

پادشاه حبشه تلاش و کوشش نمود تا فیل داخل مسجد شود، فیل از داخل شدن بر مسجد خودداری کرد، پس با شمشیر بر او حمله کردند و آن را تکه تکه نمودند پس خداوند بر آنها نازل فرمود: ﴿طِيراً أَبَابِلَ﴾ گروهی بعد از گروهی می‌آمدند.

﴿تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ﴾ با هر پرنده‌ای سه سنگ بود که یکی در منقار و دو تا نیز در چنگال هایشان بود و آنها بر بالا سر حبشیان می‌آمدند و سنگ رارها می‌کردند و بر سرشان اصابت کرده و از پائینشان در می‌آمد و بدن هایشان از هم می‌پاشید. و حالشان چنان بود که خداوند می‌فرماید: ﴿فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ﴾ همچو کاهی که چهارپایان آن را خورده و فضله انداخته باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود: آنهایی که از اصحاب فیل گرفتار مرض جدری^۱ شدند اولین کسانی بودند که به این مرض مبتلا گردیدند.^۲

۱. جدری مرضی است که مردم در مدت عمر یک بار به آن مبتلا می‌گردند. عکرمه گوید: جدری مرضی است که لشگر ابرهه به آن مبتلا شدند. زخم در بدن.
۲. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۳۲؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۵۳؛ نورالقلین، ج ۵، ص ۶۷۵

تفسیر سورة قریش



مرکز تحقیقات اسلامی

۱۰۶ - سورة قریش در مکه

نازل شده و دارای ۴ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا إِلَافَ قُرَيْشٍ (۱)

إِلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲)

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳)

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)

۱- (کیفر اصحاب فیل) به خاطر این بود که قریش با هم الفت بگیرند.

۲- الفتشان در سفرهای زمستان و تابستان باشد.

۳- پس (به شکرانه این دوستی) باید پروردگار این خانه را عبادت کنند.

۴- همان کسی که آنها را از گرسنگی طعام داد و از ترس و خطرات ایمن

ساخت.

﴿لَا إِلَافَ قُرَيْشٍ﴾ این سوره درباره قریش نازل شده است، چون قریش معاششان از دو سفر تابستانی و زمستانی به یمن و شام تامین می شد، از مکه پوست و محصولات دریایی و کالاهایی که در ساحل دریا پیاده می شده از قبیل ففل و امثال آن را بار می کردند و به شام می بردند، و در شام جامه و آرد خالص و حبوبات، خریداری می کردند، و همین مسافرت باعث می شد وحدت و الفتی در بینشان برقرار گردد، هر وقت به یکی از این دو

سفر می‌رفتند یکی از بزرگان قریش را رئیس خود می‌کردند، و زندگیشان از این راه تامین می‌شد. بعد از آنکه خدای تعالی رسول گرامیش را مبعوث فرمود مردم قریش بی‌نیاز از سفر شدند، چون از اطراف حجاز مردم رو به آن جناب نهاده، هم آن حضرت را زیارت می‌کردند، و هم خانه خدا را، و لذا خداوند در این سوره می‌فرماید: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ۚ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ﴾ پس رب این خانه را بپرستند، که ایشان را از گرسنگی نجات داد، و دیگر احتیاج ندارند به شام بروند، ﴿وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ یعنی از ترس راهزنان در امان هستند.^۱



۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۹۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۵۹؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۷۶

تفسیر سورة ماعون



مرکز تحقیقات فقه و حقوق اسلامی

۱۰۷ - سورة ماعون در مکه

نازل شده و دارای ۷ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِّينِ (۱)

فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲)

وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ (۳)

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)

الَّذِينَ هُمْ يُزَاوِنَ (۶)

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

۱- آیا دیدی کسی که روز جزا را تکذیب می‌کرد؟

۲- این همان کسی است که یتیم را با خشم می‌راند.

۳- و (دیگران را) بر اطعام مسکین ترغیب نمی‌کند.

۴- پس وای بر حال نماز گزاران.

۵- کسانی که در نمازشان سهل انگاری می‌کنند.

۶- همان کسانی که ریا می‌کنند.

۷- و دیگران را از احسان و انفاق منع می‌کنند.

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِّينِ﴾ این آیه در باره ابوجهل و کفار قریش نازل

شده است.

﴿فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ﴾ یعنی او را از حقش مانع می‌شود.
 ﴿وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ﴾ یعنی هیچ رغبتی به اطعام مسکین ندارد.^۱

﴿قَوْلٍ لِلْمُصَلِّينَ﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ یعنی کسانی که به طور کلی نماز را ترک کرده‌اند زیرا هر انسانی در نمازش سهو می‌کند و آن را بعضی اوقات به جا نمی‌آورد.

امام صادق علیه السلام فرمود: منظور تاخیر نماز از اول وقت و بدون عذر است.^۲
 ﴿الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤْنَ﴾ آنچه که انجام می‌دهند.
 ﴿وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾ مانند چراغ و آتش و خمیر و شبیه آن که مردم بدان احتیاج دارند. و در روایتی دیگر آمده است یعنی خمس و زکات.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۳

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۴

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۳۶؛ بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۶۱؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۷۷؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۹۵

تفسیر سورۃ کوثر



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۱۰۸ - سورۃ کوثر در مکه

نازل شده و دارای ۳ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱)

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (۲)

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

۱- همانا ما بر تو کوثر را عطا کردیم.

۲- پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی نما.

۳- همانا دشمن تو مقطوع النسل و ابتر است.

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ کوثر نهری در بهشت است که خداوند عوض از

پسرش ابراهیم به پیامبر ﷺ داده است.

در روایت است که رسول خدا ﷺ وارد مسجد شد که عمرو بن العاص و

حکم بن ابی العاص در آنجا بودند، عمرو گفت: ای ابا ابتر؛ در زمان جاهلیت

مردی که فرزند نداشت به او ابتر (نسلش بریده شده و منقطع) می گفتند،

سپس عمرو گفت: من محمد را ناراحت کردم پس خداوند بر رسولش نازل

فرمود: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ﴾ یعنی عمرو که تو

را ناراحت کرد.

﴿هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ یعنی نه دینی برای او است و نه نسبی.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۰۹ و ج ۳۳، ص ۱۶۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۰۵؛ تفسیر

صافی، ج ۷، ص ۵۶۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۸۳



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

تفسیر سورة کافرون



از تفسیر کلامی و تفسیر

۱۰۹ - سورة کافرون در مکه

نازل شده و دارای ۶ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱)

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳)

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ (۴)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵)

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

۱- بگو: ای کافران .

۲- من نمی پرستم آنچه را که شما می پرستید.

۳- و شما نیز عبادت نکنید آنچه را که من عبادت می کنم.

۴- و من آنچه را که شما عبادت می کنید هرگز عبادت نمی کنم.

۵- و شما نیز آنچه را که من عبادت می کنم عبادت نخواهید کرد.

۶- دین (آئین) شما برای شما و دین (آئین) من برای من.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾

ابن ابی عمیر روایت کرده که ابو شاکر از ابی جعفر احول از قول خداوند

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَلَا أَنَا

عَابِدْ مَا عَبَدْتُمْ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿ سؤال کرد، که مگر یک سخنگوی حکیم اینطور حرف می‌زند که در یک سطر مطلبی را دوبار بگوید و تکرار کند؟

ابی جعفر احوال جوابی از این اشکال نداشت. پس به ناچار به مدینه رفت و از امام صادق علیه السلام پرسید، حضرت فرمود: سبب نزول این سوره و تکرار مطلبش این بود که قریش به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را، باز یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را، خدای تعالی در پاسخشان عین سخن آنان را یعنی تکرار مطلب را بکار برد، آنها گفته بودند یک سال تو خدایان ما را عبادت کن در پاسخ فرمود: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾ آنها گفته بودند و یک سال ما خدای تو را عبادت می‌کنیم، در پاسخ فرمود: ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾، آنها گفته بودند باز یک سال تو خدایان ما را عبادت کن، در پاسخ فرمود: ﴿وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ﴾، آنها گفته بودند و یک سال ما خدای تو را در پاسخشان فرمود: ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٌ﴾.

ابو جعفر احوال وقتی این پاسخ را شنید نزد ابو شاکر رفت، و جواب را به او گفت، ابو شاکر گفت: این جواب را شتر از حجاز بدینجا حمل کرده است.^۱
امام صادق علیه السلام هر وقت این سوره را قرائت می‌کردند سه بار می‌فرمودند: دین من اسلام است.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۳

۲. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۴۰؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۷۰؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۸۸؛

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۰۹

تفسیر سورة نصر



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

۱۱۰ - سورة نصر در مکه

(مدینه) نازل شده و دارای ۳

آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱)

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

۱- هنگامی که یاری خداوند و پیروزی فرا رسد.

۲- و مردم را ببینی که گروه گروه وارد در دین الهی می شوند.

۳- پس پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او طلب آمرزش کن که او

توبه پذیر است.

تاکید پیامبر ﷺ بر ولایت حضرت علی علیه السلام

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾

فرمود: این سوره در حجة الوداع در منی نازل شده است. هنگامی که این سوره نازل شد رسول خدا ﷺ فرمودند: در این سوره خبر مرگ من است پس به مسجد خیف با جمیع مردم رفتند و فرمودند: خداوند یاری کند کسی را که گفتار مرا بشنود و آن را در دل جای دهد و نگه دارد و به کسی که نشنیده برساند چه بسا کسی که پیام رسان است خود به آنچه که ابلاغ می کند دانا

نیست و چه بسا کسی که پیام را می‌رساند از خود او داناتر است یعنی ممکن است کسانی باشند که از پیام رسان مطلب را بهتر درک کنند. کسی که چنین دستوری را به بافهم‌تر از خود منتقل می‌کند سه چیز است که دل مرد مسلمان در آنها دغلی روا نمی‌دارد و کینه ورزی نمی‌کند. اول کار خالص برای خداوند است بدون ریا می‌باشد، دوم خیر اندیشی برای پیشوایان و رهبران مسلمین، سوم همراه با جماعت مسلمانان، زیرا دعوت جامعه مسلمانان فرا گیرنده است هر آنکه را در دنبال آنان باشد؛ ای مردم دو چیز را در میان شما بجا می‌گذارم چیزی را که اگر چنگ به آن زنید هرگز گمراه نشوید و هرگز نلغزید و آن چیز یکی کتاب خداوند متعال است و دیگری عترت من که اهل بیت من هستند پس بدرستی که خبر داده مرا خدای لطیف دانا که آن دو چیز هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا آنکه بر من بر لب حوض کوثر وارد شوند مانند این دو انگشت من - و بعد ازین میان دو انگشت سبابه خود جمع کردند پس فرمودند که - من نمی‌گویم که آنها مانند این دو انگشت من هستند - و جمع کردند میان سبابه خود و وسطی - تا آنکه فضیلت داشته باشد یکی بر دیگری چنانچه انگشت وسطی در طول بر انگشت سبابه زیادتى دارد.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۶۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۹۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۱۲

تفسیر سورۃ لہب



۱۱۱ - سورۃ لہب در مکہ

نازل شدہ و دارای ۵ آیہ

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (۲)

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳)

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴)

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (۵)

۱- بریده باد دو دست ابولهب.

۲- نه مال و ثروتش به حالش نفعی بخشید و نه آنچه که بدست آورده بود.

۳- به زودی وارد آتشی شعله‌ور می‌شود.

۴- و نیز همسرش که هیزم‌کش (آتش دوزخ) است.

۵- در گردنش طنابی از لیف خرما است.

﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ﴾ یعنی ابو لهب زیان دید، هنگامی که قریش را در

دارالندوه جمع کرد و با آنها بر کشتن محمد رسول خدا ﷺ بیعت بست، او

مردی ثروتمند بود. پس خداوند فرمود: ﴿مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ﴾ *

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ﴾ یعنی آتش او را در بر می‌گیرد و می‌سوزاند.

﴿وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾ ام جمیل دختر صخر بود، و علیه رسول خدا ﷺ سخن چینی می کرد و احادیث و سخنان رسول خدا ﷺ را برای کفار می برد.

﴿حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾ یعنی آتش عناد و دشمنی کفار را بر علیه رسول خدا ﷺ شعله ور می کرد.

﴿فِي جِيدِهَا﴾ یعنی در گردن او.

﴿حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ﴾ یعنی ریشمانی از آتش است.

اسم ابو لهب عبد مناف بود پس خداوند او را «مناف» کنیه داد زیرا «مناف» بتی بود که آن را عبادت می کردند.^۱



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱. تفسیر برهان، ج ۸ ص ۴۱۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۷۶؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۶۹۸.

تفسیر سورة اخلاص



مرکز تحقیقات فقه و حقوق اسلامی

۱۱۲ - سورة اخلاص در مکه

نازل شده و دارای ۵ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)

اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

۱- بگو: اوست خداوندی یگانه و یکتا.

۲- خداوندی که (از همه) بی نیاز است (و همه عالم به او نیازمند).

۳- نزاده و زاده هم نشده است.

۴- و برای او شبیه و همانندی نیست.

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ یعنی او خداوند یگانه است.

سبب نزول این سوره این بود که یهود نزد رسول خدا ﷺ آمده و گفتند

نسبت پروردگارت را برای ما بگو، خداوند این سوره را نازل فرمود: ﴿قُلْ هُوَ

اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾

و معنی کلمه ﴿أَحَدٌ﴾ یکی از صفات خداوند است.

همچنانکه رسول خدا ﷺ فرمود: الله نوری است که تاریکی ندارد و علمی

است که جهل و نادانی در آن راه ندارد.

﴿الصَّمَدُ﴾ یعنی مدخلی در آن نیست.

﴿لَمْ يَلِدْ﴾ یعنی حادث نشده است.

﴿وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ برای او کفو و شبیه و شریک و یار و

یاوری نیست.

ابن عباس گوید که قریش در مکه به پیامبر ﷺ گفتند: پروردگارت را برای ما توصیف کن تا او را شناخته و عبادتش کنیم. پس خداوند تبارک و تعالی بر پیامبر ﷺ این سوره را نازل فرمود: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ یعنی غیر تقسیم است، تجزیه پذیر نیست، کنه‌ش قابل توصیف نمی‌باشد، تعدد نمی‌پذیرد، کم و زیاد نمی‌شود.

﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ سیادت و شرافت به او ختم می‌شود، اهل آسمان‌ها و زمین برای برآورده شدن حوائجشان به او نیازمند هستند.

﴿لَمْ يَلِدْ﴾ از او به دنیا نیامده است نه عزیر همچنانکه یهود می‌گویند که لعن و غضب الهی بر آنها باد، نه مسیح همچنانکه نصاری می‌گویند که خشم و غضب الهی بر آنها باد، نه خورشید و ماه و ستاره‌ها همچنانکه مجوس می‌گویند که لعن و غضب الهی بر آنها باد، و نه ملائکه همچنانکه کفار قریش که لعنت الهی بر آنها باد می‌گویند.

﴿وَلَمْ يُولَدْ﴾ نه در صلب جا داشته و نه در ارحام بوده و نه از چیزی بود و نه از چیزی که بوده آفریده شده است.

﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ شبیه و مانند و همتائی برای او نیست و به کنه‌ش احدی از مخلوقاتش نمی‌رسد و اگر چه از فضیلت الهی برخوردار و مقام خیلی عالی داشته باشد.^۱

تفسیر سورة فلق



مرکز تحقیقات فقه و علوم اسلامی

۱۱۳ - سورة فلق در مکه

نازل شده و دارای ۵ آیه

است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲)

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳)

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴)

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

۱- بگو: پناه می‌برم به پروردگار فروزنده صبح.

۲- از شر آنچه که آفریده است.

۳- و از شر شب تار هنگامی که هجوم بیاورد.

۴- و از شر افسونگران که با سحر و افسون در گره‌ها بدمند.

۵- و از شر حسود بد خواه هنگامی که حسد بورزد.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ فلق چاهی در جهنم است که اهل جهنم از شدت

حرارت آن به دنبال پناهگاهی می‌گردند، از خداوند می‌خواهد که نفس بکشد،

چون نفس می‌کشد از شدت حرارت آن جهنم می‌سوزد؛ و در آن چاه

صندوقی از آتش است که اهل آن چاه از شدت حرارت آن صندوق به خدا پناه

می‌برند و در آنجا شش نفر از مردم اولین و شش نفر از آخرین است؛ اما شش نفر از اولین عبارتند از:

۱- قابیل پسر آدم که برادرش را کشت؛

۲- نمرود که حضرت ابراهیم را در آتش افکند؛

۳- فرعون است؛

۴- سامری است که گوساله را ساخت؛

۵- کسی است که بنی اسرائیل را از دین موسی بر گردانید؛

۶- همان شخص است که نصاری را از دین و طریقه حضرت عیسی باز داشت.

و شش نفر آخرین عبارتند از: اولی و دومی و سومی و معاویه و ذوالثدیین رئیس خوارج نهروان و ابن ملجم قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشند.

﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ﴾ فرمود: در چاه می‌افتد و قابل رویت نمی‌باشد.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۶ و ج ۳۰، ص ۴۰۶؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۲۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۳۸

تفسیر سورة ناس



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

۱۱۴ - سورة ناس در مکه

(مدینه) نازل شده و دارای ۶

آیه است.



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱)

مَلِكِ النَّاسِ (۲)

إِلَهِ النَّاسِ (۳)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴)

الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵)

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶)

۱- بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم،

۲- به مالک مردم،

۳- به معبود مردم،

۴- از شرّ وسوسه‌گر پنهانی.

۵- همانی که در سینه‌های مردم به وسوسه‌گری می‌پردازد.

۶- که چه از جن باشد و یا از انسان.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ و همانا آن پناه بردن به پروردگار مردم است.

﴿مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾ خناس اسم شیطانی است که در سینه های مردم می باشد و در آن وسوسه می کند و آنها را از کارهای خیر مایوس می کند و وعده فقر به آنها می دهد و آنها را بر معاصی و کارهای زشت وای می دارد و آن قول خداوند است که فرمود: ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ﴾^۱ شیطان فقر را برای شما آماده می کند و شماها را به سوی فحشا امر می کند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ قلبی نیست مگر اینکه دو گوش دارد که در یکی ملکی مرشد و در دیگری شیطانی فریب دهنده قرار دارد، فرشته بر کارهای نیک و خیر امر می کند و شیطان از آن باز می دارد و همچنین از انسان ها نیز شیطانی است که مردم را بر انجام معاصی وای می دارند و نیز شیطان از جن هم چنین می کند.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: سبب نزول معوذتین این بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله ترسید (بیمار شد) پس جبرئیل با این دو سوره نازل شده و آن حضرت را تعویذ نمود.^۴

ابن عباس در معنای آیه ﴿مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾ گوید: یعنی شیطان ملعون که در قلب آدمی است، برای او بینی مانند بینی خنزیر است، هنگامی که آدمی رو به دنیا و بر چیزهایی بیاورد که خداوند آن را دوست ندارد

۱. بقره، آیه ۲۶۸

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۴۵

۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۸۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۲۵

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۴۵

۴. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۶۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۴۶

و سوسه اش می کند که بطرف آن برود و زمانی که ذکر خدا را می گوید تحریکش می کند که برگردد و ذکر خدا را نگوید.^۱

﴿الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾ سپس خبر می دهد که آن شیطان از جن و انس است. خداوند عز و جل فرمود: ﴿مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾ یعنی از جن و انس است.^۲

ابو بکر حضرمی گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم: ابن مسعود معوذتین را از قرآن پاک می کرده است؟ فرمود: پدرم در این باره می فرمود: این کار را به رأی خود می کرده و گرنه آن دو از قرآن است.^۳

ابو بکر حضرمی گوید امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: ای علی قرآن در فلان جا است آن را بردار و منظمش بگردان و ضایع مگردان همچنانکه یهود تورات را ضایع کردند، علی علیه السلام آن را در پارچه ای زرد رنگ جمع کرد و به خانه اش برد و فرمود: عبا بر دوشم نمی اندازم تا اینکه قرآن را جمع کنم، و کسی به دیدن آن حضرت می آمد و علی علیه السلام بدون عبا به پیشوازش می رفت تا اینکه قرآن را جمع کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مردم قرآن را همچنانکه نازل شده می خواندند دو نفر با هم اختلافی پیدا نمی کرد.^۴

امام باقر علیه السلام فرمود: احدی از این امت قرآن را جمع نکرد مگر وصی

۱. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۰۱؛ بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۵۴

۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۴۵

۳. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۴۶

۴. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۹۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۲۶

محمد ﷺ^۱.

ابوبصیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: همانا قرآن بازدارنده است و امر کننده، به بهشت امر می کند و از آتش جهنم باز می دارد،^۲ در آن محکم و متشابه است، بر محکمت قرآن ایمان آورده و بدان عمل می شود و اما به متشابه قرآن ایمان آورده ولی بدان عمل نمی شود و آن قول خداوند است که فرمود: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا﴾، و آل محمد ﷺ راسخون در علم هستند.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا قرآن روشن گر هر چیزی است و به خدا سوگند چیزی از نیاز بندگان فرو گذار نکرده که بندگان بدان نیازمند باشند و تا آنجا که هیچ بنده ای نمی تواند بگوید کاش این هم در قرآن آمده بود مگر اینکه آن را هم خدا در قرآن آورده است.^۴

تمام شد ترجمه تفسیر قمی قرآن کریم در شب دوشنبه ساعت یک نیمه شب مورخه ۱/ ۵/ ۱۳۸۶ مطابق با ۸/ رجب المرجب / ۱۴۲۸ از خداوند منان عاجزانه درخواست می کنم که آنی ما را از قرآن جدا نکند و همواره با قرآن بودن و با قرآن زندگی کردن را نصیب ما بگرداند، به حق قرآن ناطق آقا امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام انشاء الله تعالی.

۱. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۴۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۲۷

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۰۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۰

۳. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۹۱ و ج ۸۹، ص ۸۱

۴. کافی، ج ۱، ص ۵۹؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۸۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۹۴

فهرست منابع

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ۱۱۰ جلد، مؤسسة الوفاء بیروت - لبنان،

۱۴۰۴ هجری قمری

۲. ثقة الاسلام کلینی، الکافی (اصول، فروع، روضة)، ۸ جلد، دار الکتب

الإسلامیة تهران، ۱۳۶۵ هجری شمسی

۳. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، انتشارات جامعه مدرسین

قم، ۱۴۱۳ هجری قمری

۴. شیخ طوسی، التهذیب، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامیة تهران، ۱۳۶۵

هجری شمسی

۵. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام

قم، ۱۴۰۹ هجری قمری

۶. ابو منصور احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، یک جلد، نشر مرتضی

مشهد مقدس، ۱۴۰۳ هجری قمری

۷. شیخ مفید، الإختصاص، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم،

۱۴۱۳ هجری قمری

۸. حسن بن ابی الحسن دیلمی، إرشاد القلوب، دو جلد در یک مجلد، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ هجری قمری
۹. شیخ صدوق، الأمالی، یک جلد، انتشارات کتابخانہ اسلامیہ، ۱۳۶۲ هجری شمسی
۱۰. شیخ صدوق، التوحید، یک جلد، انتشارات جامعہ مدرسین قم، ۱۳۹۸ هجری قمری (۱۳۵۷ شمسی)
۱۱. شیخ صدوق، الخصال، دو جلد در یک مجلد، انتشارات جامعہ مدرسین قم، ۱۴۰۳ هجری قمری
۱۲. محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضة الواعظین، یک جلد، انتشارات رضی قم
۱۳. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ۲ جلد، مؤسسہ چاپ و نشر، ۱۴۱۱ هجری قمری
۱۴. ابن فہد حلّی، عدۃ الداعی، یک جلد، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷ هجری قمری
۱۵. شیخ صدوق، علل الشرائع، یک جلد، انتشارات مکتبۃ الداوری قم
۱۶. فرات بن ابراہیم کوفی، تفسیر فرات، یک جلد، مؤسسہ چاپ و نشر، ۱۴۱۰ هجری قمری
۱۷. سید شرف الدین حسینی استرآبادی، تأویل الآیات الظاہرۃ، یک جلد، انتشارات جامعہ مدرسین قم، ۱۴۰۹ هجری قمری

۱۸. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ۱۸ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۸ هجری قمری

۱۹. شيخ طوسی، الأمالی، یک جلد، انتشارات دارالثقافة قم، ۱۴۱۴ هجری قمری

۲۰. سيد نعمت الله جزائری، قصص الأنبياء ﷺ، یک جلد، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۴ هجری قمری

۲۱. قطب الدين راوندی، قصص الأنبياء ﷺ، یک جلد، چاپ بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۹ هجری قمری

۲۲. شيخ صدوق، کمال الدين، ۲ جلد در یک مجلد، دار الکتب الإسلامیه قم، ۱۳۹۵ هجری قمری

۲۳. حسين بن سعيد اهوازی، المؤمن، یک جلد، انتشارات مدرسه امام مهدی (عج) قم، ۱۴۰۴ هجری قمری

۲۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل أبي طالب عليه السلام، ۴ جلد، مؤسسه انتشارات علامه قم، ۱۳۷۹ هجری قمری

۲۵. امام علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ۱ جلد، انتشارات دار الهجره قم

۲۶. محمد بن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، یک جلد، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۴ هجری قمری

۲۷. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، یک جلد، دار الکتب الإسلامیه

قم، ۱۳۷۱ هجری قمری

۲۸. شیخ صدوق، معانی الأخبار، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم،

۱۳۶۱ هجری شمسی

۲۹. ابوالفضل علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار، یک جلد، کتابخانه

حیدریه نجف اشرف، ۱۳۸۵ هجری قمری

۳۰. رضی الدین علی بن یوسف حلّی، العدد القویة، یک جلد، انتشارات

کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۸ هجری قمری

۳۱. بحرانی سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات

الاسلامیة مؤسسة البعثة - قم، بنیاد بعثت تهران، سال چاپ: ۱۴۱۶ ق

۳۲. عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سید

هاشم رسولی محلاتی، انتشارات اسماعیلیان قم، سال چاپ: ۱۴۱۵ ق

۳۳. فیض کاشانی ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی،

انتشارات الصدر تهران، ۱۴۱۵ ق

۳۴. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ۲ جلد، چاپخانه علمی

تهران، ۱۳۸۰ هجری قمری

۳۵. عماد الدین طبری، بشارة المصطفی، یک جلد، چاپ کتابخانه حیدریه

نجف، ۱۳۸۳ هجری قمری

۳۶. حسین بن سعید اهوازی، الزهد، یک جلد، چاپ سید ابوالفضل

حسینیان، ۱۴۰۲ هجری قمری

۳۷. محمد بن عمر کثی، رجال الکثی، ۱ جلد، انتشارات دانشگاه مشهد،

۱۳۴۸ هجری شمسی

۳۸. ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، البلد الأمين، یک جلد، چاپ سنگی

۳۹. قطب الدین راوندی، الدعوات، یک جلد، انتشارات مدرسه امام مهدی

(عج) قم، ۱۴۰۷ هجری قمری

۴۰. سید علی بن موسی بن طاوس، فلاح السائل، یک جلد، انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی قم

۴۱. شیخ طوسی، مصباح المتعبد، یک جلد، مؤسسه فقه الشیعه بیروت،

۱۴۱۱ هجری قمری

۴۲. ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، المصباح، یک جلد، انتشارات رضی قم،

۱۴۰۵ هجری قمری

۴۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، متشابه القرآن، ۲ جلد در یک مجلد،

انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ هجری شمسی

۴۴. تاج الدین شعیری، جامع الأخبار، یک جلد، انتشارات رضی قم، ۱۳۶۳

هجری شمسی

۴۵. شیخ مفید، الأمالی، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم،

۱۴۱۳ هجری قمری

۴۶. علی بن عیسیٰ اربلی، کشف الغمة، ۲ جلد، چاپ مکتبه بنی هاشمی

تبریز، ۱۳۸۱ هجری قمری

۴۷. شهید ثانی، کشف الریبه، یک جلد، انتشارات مرتضوی، ۱۳۹۰ هجری

قمری

۴۸. قطب الدین راوندی، فقه القرآن، ۲ جلد، انتشارات کتابخانه آیت الله

مرعشی قم، ۱۴۰۵ هجری قمری

۴۹. سید رضی، خصائص الأئمة عليهم السلام، یک جلد، مجمع البحوث آستان قدس

رضوی، ۱۴۰۶ هجری قمری

۵۰. ابن ابی الحديد معتزلی، شرح نهج البلاغة، ۲۰ جلد در ۱۰ مجلد،

انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۴ هجری قمری

۵۱. حسن بن ابی الحسن دیلمی، أعلام الدین، یک جلد، مؤسسه آل

البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۸ هجری قمری

۵۲. شیخ صدوق، ثواب الأعمال، یک جلد، انتشارات شریف رضی قم، ۱۳۶۴

هجری شمسی

۵۳. رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، یک جلد، انتشارات

شریف رضی قم، ۱۴۱۲ هجری قمری

۵۴. علی بن جعفر عليه السلام، مسائل علی بن جعفر عليه السلام، یک جلد، مؤسسه آل

البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۹ هجری قمری

۵۵. سید علی بن موسی بن طاوس، الأمان، یک جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام

قم، ۱۴۰۹ هجری قمری

۵۶. ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، یک جلد، انتشارات مرتضویه نجف

اشرف، ۱۳۵۶ هجری قمری

۵۷. ابن نما حلی، مثير الأحزان، یک جلد، انتشارات مدرسه امام مهدی (عج)

قم، ۱۴۰۶ هجری قمری

۵۸. سید علی بن موسی بن طاووس، اللهوف، یک جلد، انتشارات جهان

تهران، ۱۳۴۸ هجری شمسی

۵۹. ابن طیفور احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، یک جلد، انتشارات شریف

رضی قم

۶۰. طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات

اسلامی جامعہ‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی



مرکز تحقیقات کتاب ویر علوم اسلامی